



تقدیم به:

- ✓ امام خمینی (ره)، که صدمین سال میلاد اوست؛ آنکه
- در جنگ پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زد
- ✓ مردمی که با مقاومتشان مظلومیت خویش و ستم
- متجاوزان را در جنگ ثابت نمودند
- ✓ به آنان که در ره دوست جان باختند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی . مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ .
جنگ؛ بازیابی ثبات: بررسی تحولات سیاسی نظامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ /
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی /
نویسنده محمد درودیان . — ویرایش محتوایی بهاء‌الدین شیخ‌الاسلامی . —
تهران : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ۱۳۷۸ .
۲۶۴ ص . — (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ؛ ج ۲)
ISBN 964 - 6315 - 31 - 3 : ۱۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .

کتاب‌نامه .

۱ . جنگ ایران و عراق ، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- علل . ۲ . ایران -- روابط خارجی --
عراق . ۳ . عراق -- روابط خارجی -- ایران . ۴ . ایران -- سیاست و حکومت --
قرن ۱۴ . ۵ . عراق -- سیاست حکومت -- قرن ۲۰ . الف . درودیان ، محمد .
ب . شیخ‌الاسلامی ، بهاء‌الدین ، ویراستار . ج . عنوان . د . عنوان : بررسی تحولات
سیاسی نظامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ . ه . فروست .

۳ ت ۲۱۵ س / ۱۵۹۸ / 0843/955 DSR

ج ۲

۲۳۲۰۲-۷۸م

کتابخانه ملی ایران

تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق - جلد دوم

جنگ؛ بازیابی ثبات

بررسی تحولات سیاسی نظامی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی . مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ .
جنگ؛ بازیابی ثبات: بررسی تحولات سیاسی نظامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ /
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / نویسنده محمد
درودیان . - ویرایش محتوایی بهاءالدین شیخ الاسلامی . - تهران : سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ۱۳۷۸ .
۲۶۴ ص . - (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ؛ ج ۲ .
چاپ دوم ISBN 964 - 6315 - 31 - 3 : ۱۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .
کتاب‌نامه .
۱. جنگ ایران و عراق ، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- علل ۲۰. ایران -- روابط خارجی --
عراق ۳۰. عراق -- روابط خارجی -- ایران ۴۰. ایران -- سیاست و حکومت
-- قرن ۱۴. ۵. عراق -- سیاست حکومت -- قرن ۲۰. الف. درودیان ، محمد .
ب. شیخ‌الاسلامی ، بهاء‌الدین ، ویراستار . ج. عنوان . د. عنوان: بررسی تحولات
سیاسی نظامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ . ه. فروست .
۳ ت ۲۱۵ / س / ۱۵۹۸ DSR ۰۸۴۳ / ۹۵۵
ج ۲ .
کتابخانه ملی ایران ۲۳۲۰۲-۷۸م

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران

تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق - جلد دوم

تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق - جلد دوم

جنگ؛ بازیابی ثبات

نویسنده: محمد درودیان ■ ویرایش محتوایی: بهاء‌الدین شیخ‌الاسلامی

ویرایش نهایی: مهدی انصاری ■ ویرایش ادبی: گودرز نوروزی، محمد مظفرخرمی

مدیر آماده‌سازی: خسرو شاه‌محمدی ■ طراحی نقشه‌ها: حسن دری ■ ترسیم رایانه‌ای: شرکت روایت سبز

صفحه‌آرایی: سیدعباس امجد ■ حروف‌چینی: حسین داودی ■ آماده‌سازی: سیدحسین امجد، احمد دلیر

مجری: مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب

لیتوگرافی: الوان ■ چاپ و صحافی: پژمان ■ ناظر چاپ: منصور کشاورز

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۷ ■ چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۰ ■ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان ■ شابک: ۳-۳۱-۶۳۱۵-۹۶۴ ISBN: 964-6315-31-3

کلیه حقوق متعلق به مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است.

نقل از کتاب با ذکر مأخذ مجاز و هرگونه بهره‌برداری دیگر منوط به اجازه کتبی این مرکز می‌باشد.

مرکز پخش: ۱- تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه اول، شماره ۱، تلفن: ۶۴۹۷۲۲۷

۲- تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار چاپ دوم
۱۲	پیش‌گفتار
۱۴	دیباچه

فصل اول

بررسی اهداف و مقاصد سیاسی عراق - ۱۷

۲۲	استراتژی نظامی عراق
۲۴	اهداف نظامی عراق
۲۴	منطقه جنوب
۲۴	منطقه میانی
۲۵	منطقه شمال غرب
۲۵	استعداد و گسترش ارتش عراق
۲۵	نیروی زمینی
۲۶	نیروی هوایی
۲۶	نیروی دریایی
۲۶	سازمان نظامی
۲۷	استراتژی عملیاتی ارتش عراق
۲۷	جبهه جنوب
۲۷	۱- محور غرب - دزفول
۲۸	۲- محور چزابه - سوسنگرد - اهواز
۲۸	۳- محور نشوه - جفیر - اهواز
۲۸	۴- محور شلمچه - خرمشهر - آبادان
۲۸	جبهه میانی

۲۸	۱- محور قصرشیرین - سرپل‌ذهاب - تنگه پاتاق
۲۸	۲- محور مندلی - سومار - نفت شهر
۲۸	۳- محور مهران
۲۹	جبهه شمالی
۲۹	تشریح پیشروی نیروهای عراقی
۳۲	دلایل ناکامی عراق
۳۵	واکنش ایران در برابر تهاجم عراق
۳۵	واکنش سیاسی ایران
۳۶	واکنش نظامی ایران
۳۹	الف) استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران
۴۱	ب) آرایش دفاعی ارتش ایران
۴۴	ارزیابی واکنش دفاعی ایران
۴۹	استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش‌های سپاه
۵۳	دلایل توقف ارتش عراق و نظریات موجود
۵۵	تأثیرات و بازتاب‌های جنگ
۵۵	الف) امریکا
۵۷	ب) شوروی
۵۹	ج) سازمان ملل
۶۰	د) بازتاب جنگ در رسانه‌ها
۶۲	روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از ناکامی اولیه عراق
۶۷	تغییر مواضع امریکا و واکنش عراق
۷۰	تغییر در مواضع عراق
۷۲	تلاش عراق برای خروج از بن‌بست
۷۶	۱) اتخاذ استراتژی جنگ ساکن
۷۸	۲) گسترش مناسبات عراق با فرانسه
۸۱	۳) تلاش برای رفع تیرگی روابط با مسکو
۸۲	۴) تشدید بی‌ثباتی در ایران
۸۷	۵) تقویت سازمان نظامی عراق
۸۷	منابع و مأخذ فصل اول

فصل دوم

بن بست نظامی، بحران سیاسی - ۹۱

۹۲.....	استراتژی بنی‌صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی.....
۹۶.....	۱- عملیات ۲۳ مهر در غرب کرخه.....
۹۸.....	۲- عملیات سوم آبان در شرق رودخانه کارون.....
۱۰۸.....	۳- عملیات نصر در هویزه.....
۱۱۴.....	۴- عملیات توکل در شرق رودخانه کارون.....
۱۱۸.....	نتایج شکست و ناکامی بنی‌صدر در آزادسازی مناطق اشغالی.....
۱۱۹.....	امیدواری عراق برای استقرار در مواضع اشغالی.....
۱۲۰.....	اتخاذ استراتژی پدافندی از سوی ارتش.....
۱۲۰.....	کوشش بنی‌صدر در تشدید بحران سیاسی.....
۱۲۴.....	مهار بحران با مدیریت و تدبیر امام خمینی.....
۱۲۷.....	منابع و مأخذ فصل دوم.....

فصل سوم

آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی - ۱۲۹

۱۳۰.....	زمینه‌های تحول در جنگ.....
۱۴۰.....	اجرای عملیات محدود.....
۱۴۴.....	نتایج عملیات محدود.....
۱۵۰.....	عملیات ثامن‌الائمه(ع).....
۱۵۳.....	چگونگی انتخاب منطقه و تلاش‌های سیاسی.....
۱۵۵.....	موقعیت منطقه.....
۱۵۶.....	وضعیت دشمن.....
۱۵۷.....	طرح عملیات.....
۱۵۷.....	الف) اهداف و مأموریت.....
۱۵۷.....	ب) سازمان رزم.....
۱۵۸.....	ج) طرح مانور.....
۱۶۱.....	تشریح عملیات.....
۱۶۲.....	خسارات و تلفات دشمن.....

۱۶۴.....	ارزیابی عملیات
۱۶۶.....	بازتاب عملیات
۱۶۸.....	تبیین استراتژی آزدسازی
۱۷۳.....	عملیات طریق القدس
۱۷۳.....	علل انتخاب منطقه
۱۷۴.....	موقعیت منطقه
۱۷۵.....	وضعیت دشمن
۱۷۶.....	استعداد دشمن
۱۷۷.....	اقدامات نیروهای خودی پیش از عملیات
۱۷۸.....	طرح عملیات
۱۷۸.....	الف) مأموریت و اهداف
۱۷۸.....	ب) سازمان رزم
۱۸۰.....	ج) طرح مانور
۱۸۲.....	۱- شمال رودخانه کرخه به عنوان تلاش اصلی
۱۸۲.....	۲- غرب سوسنگرد (از جنوب رودخانه کرخه تا رودخانه میسان)
۱۸۳.....	تشریح عملیات
۱۸۶.....	واکنش دشمن
۱۸۸.....	خسارات و تلفات وارده به دشمن
۱۸۸.....	ارزیابی عملیات
۱۹۱.....	پس از طریق القدس
۱۹۴.....	عملیات فتح المبین
۱۹۴.....	علل انتخاب منطقه
۱۹۵.....	موقعیت منطقه
۱۹۶.....	وضعیت دشمن
۱۹۷.....	طرح عملیات
۱۹۷.....	الف) اهداف و مأموریت
۱۹۸.....	ب) سازمان رزم
۲۰۰.....	۱- قرارگاه مشترک قدس
۲۰۰.....	۲- قرارگاه مشترک نصر
۲۰۰.....	۳- قرارگاه مشترک فجر
۲۰۰.....	۴- قرارگاه مشترک فتح
۲۰۱.....	طرح مانور
۲۰۲.....	محور قرارگاه قدس (تیشه‌کن، چاه نفت به سمت دشت عباس و عین‌خوش)

۲۰۲.....	محور قرارگاه نصر (غرب پل نادری).....
۲۰۳.....	محور قرارگاه فجر (شوش).....
۲۰۳.....	قرارگاه فتح (رقابیه).....
۲۰۳.....	اقدامات دشمن پیش از آغاز عملیات.....
۲۰۵.....	تشریح عملیات.....
۲۰۶.....	مرحله دوم عملیات.....
۲۰۸.....	مرحله سوم عملیات.....
۲۰۹.....	خسارات و تلفات وارده به دشمن.....
۲۰۹.....	ارزیابی عملیات.....
۲۱۲.....	بازتاب عملیات.....
۲۱۷.....	عملیات بیت‌المقدس.....
۲۱۷.....	علل انتخاب منطقه.....
۲۱۸.....	موقعیت منطقه.....
۲۱۹.....	وضعیت دشمن.....
۲۲۰.....	طرح عملیات.....
۲۲۱.....	الف) اهداف و مأموریت.....
۲۲۱.....	ب) سازمان رزم.....
۲۲۲.....	ج) طرح مانور.....
۲۲۳.....	۱- قرارگاه قدس (محور شمالی).....
۲۲۳.....	۲- قرارگاه فتح (محور میانی).....
۲۲۳.....	۳- قرارگاه نصر (محور جنوبی).....
۲۲۴.....	تشریح عملیات.....
۲۲۵.....	مرحله اول عملیات.....
۲۲۶.....	پاتک دشمن.....
۲۲۶.....	شب دوم.....
۲۲۶.....	مرحله دوم عملیات.....
۲۲۷.....	عقب‌نشینی دشمن.....
۲۲۸.....	مرحله سوم عملیات.....
۲۲۸.....	مرحله چهارم عملیات.....
۲۳۰.....	خسارات و تلفات دشمن.....
۲۳۰.....	ارزیابی عملیات.....
۲۳۳.....	بازتاب عملیات.....
۲۴۰.....	نگرانی امریکا و اتخاذ استراتژی جدید در منطقه.....

۲۴۵.....	افزایش حمایت کشورهای میانه‌رو عرب از عراق
۲۴۸.....	راه‌حل‌های انتخابی ایران
۲۵۱.....	منابع و مأخذ فصل سوم
۲۵۹.....	فهرست راهنما (اعلام، اشخاص، اماکن، سازمان‌ها، زمان‌ها و رویدادها)

فهرست نقشه‌ها

۳۳.....	هجوم عراق در جبهه جنوبی (مهر - دی ۱۳۵۹)
۴۳.....	آرایش دفاعی ارتش جمهوری اسلامی و ارتش عراق در آغاز جنگ
۹۷.....	عملیات ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب کرخه
۹۹.....	عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ در شرق کارون
۱۱۱.....	عملیات نصر در ۱۶ دی ۱۳۵۹ (منطقه هویزه)
۱۱۷.....	عملیات توکل در ۲۰ دی ۱۳۵۹ (شرق رودخانه کارون)
۱۴۳.....	عملیات فرماندهی کل قوا در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ (منطقه دارخوین)
۱۶۳.....	عملیات ثامن‌الائمه(ع) در ۵ مهر ۱۳۶۰ (شکست حصر آبادان)
۱۸۵.....	عملیات طریق‌القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ (منطقه عمومی بستان)
۲۰۷.....	عملیات فتح‌المبین در ۲ فروردین ۱۳۶۱ (منطقه عمومی غرب رودخانه کرخه)
۲۲۹.....	عملیات بیت‌المقدس در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ (منطقه عمومی غرب رودخانه کارون)

بیش‌گفتار چاپ دوم

با توجه به تأثیر بسیاری که جنگ عراق علیه ایران از جنبه‌های گوناگون بر کشور گذاشت، پرداختن به این جنگ از ابعاد مختلف ضروری است. به ویژه کسب تجربه جهت اتخاذ تدابیر مناسب در موقعیت‌های بحرانی برای جلوگیری یا کاهش خساراتی که ممکن است از طرف رقبای جمهوری اسلامی ایران به کشور تحمیل شود. از جمله این تجارب، دستاوردهایی بود که در این دوران در زمینه امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی در موقعیتی بس دشوار به دست آمد و برای تصمیم‌گیرندگان نظام و مردم و همچنین در بازدارندگی همسایگان و قدرت‌های بزرگ از تعرض به سرزمین ایران، تعیین‌کننده بود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در این زمینه آثار متعددی منتشر کرده‌است یا در دست تهیه دارد که از جمله آنها مجموعه "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" می‌باشد. از این مجموعه پنج جلدی که عهده‌دار بررسی و تحلیل جنگ ایران و عراق از بعد استراتژیک می‌باشد، سه جلد اول منتشر شده‌است. جلد اول (ریشه‌های تهاجم) و جلد دوم (کتاب حاضر) در سال ۱۳۷۸ و جلد سوم (تنبیه متجاوز) در سال ۱۳۸۰ در دسترس عموم قرار گرفت. با توجه به استقبال علاقه‌مندان، نسخه‌های چاپ اول این کتاب به پایان رسید و برای پاسخ‌گویی به نیاز محققان و علاقه‌مندان چاپ مجدد آن ضروری شد. با تشکر از اهل نظر و همه کسانی که حسن استقبال آنها از این آثار، مشوق محققان و دست‌اندرکاران مرکز مطالعات در پیمودن این راه دشوار است، تقاضامندیم با یادآوری کاستی‌ها و راهنمایی برای رفع آنها دوستان خود را یاری کنند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

پیش‌گفتار

اکنون که در واپسین روزهای سده بیستم به سر می‌بریم، اهمیت بازنگری دربارهٔ مهم‌ترین تحولات این قرن بیشتر می‌شود. سدهٔ بستم عصر دگرگونی‌های بنیادی در همهٔ عرصه‌های زندگی بشری و از آن جمله عرصهٔ امنیتی بوده است. در این قرن جهان شاهد وقوع جنگ‌هایی بود که با هدف مشابه آغاز شدند و خسارت‌های سنگین جانی و مالی را به بار آوردند. در میان تحولات بزرگ و کوچک این قرن، جنگ‌ها اصلی‌ترین تحولی بوده‌اند که نه تنها دولت‌ها بلکه بسیاری از انسان‌ها نیز به آنها حساسیت نشان داده و در نهایت هم در مورد آنها ابراز انزجار کرده‌اند.

در سال‌های پایانی این قرن چندین جنگ بزرگ روی داد که از میان آنها می‌توان به جنگ چین، جنگ در یوگسلاوی سابق و دو جنگ خلیج فارس اشاره کرد که اولین جنگ خلیج فارس طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم بعد از جنگ ویتنام بود. هدف اصلی از این جنگ - که با هجوم سراسری عراق به ایران آغاز شد - شکست انقلاب اسلامی ایران قبل از تحکیم آن و مقابله با گسترش چنین انقلابی در منطقه خاورمیانه بود. علاوه بر آن، ادعای عراق برای مالکیت بر بخش‌هایی از کشور ایران، هدف دیگر این جنگ بود.

در این جنگ هدف‌های آغازگر جنگ تأمین نشد اما خسارت‌های جانی و مالی فراوان، مسیر ملت ایران را در دستیابی به توسعهٔ همه‌جانبه سد کرد. از این‌رو جا دارد، ضمن اظهار تأسف از آنچه که در قالب یک جنگ بر ملت ایران تحمیل گردید به بررسی موشکافانهٔ آن پرداخته و از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

از آنجا که تدوین تاریخ، بررسی و تحلیل جنگ ایران و عراق وظیفه اصلی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ می‌باشد و تا به حال نیز کتاب‌های مختلفی را تألیف و منتشر کرده است، هم‌اکنون یک دوره پنج جلدی با عنوان "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" را در دست

تألیف و انتشار دارد. تصمیم‌گیری درباره‌ی تألیف این مجموعه پنج جلدی، به زمانی باز می‌گردد که مسئولان دوره‌ی عالی جنگ سپاه یعنی عالی‌ترین مقطع آموزشی در این نهاد، از آقای محسن رضایی دعوت کردند تا بحث تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق را برای دانشجویان دوره دکترا مطالعات جنگ تدریس کنند. در همین راستا به پیشنهاد ایشان - که در آن هنگام فرماندهی سپاه را بر عهده داشتند - گروهی تحقیقی تشکیل شد تا متون مورد نیاز این درس را تهیه کنند. این گروه که متشکل از آقایان حسین اردستانی، محمد درودیان، فرهاد درویشی، حسین سلامی، مجید مختاری، رسول یاحی و محسن رشید بود، پنج موضوع را برای تهیه متون اولیه درسی به پنج محقق اول واگذار کرد. گروه محققان مباحث مطرح شده در کلاس‌های درس را مورد بازبینی قرار داده و به نگارش مجدد آن اقدام نمودند که هم‌اکنون با پنج عنوان فرعی "ریشه‌های تهاجم"؛ "جنگ؛ بازبایی ثبات"؛ "تنبیه متجاوز"؛ "تثبیت دست‌آوردهای جنگ" و "درس‌ها و نتایج جنگ ایران و عراق" در دست تألیف و یا انتشار است.

در پایان لازم است از آقای محسن رضایی و گروه پژوهشی ایشان و نیز دوره‌ی عالی جنگ، که زمینه‌ساز تألیف این مجموعه شده‌اند و از سردار غلامعلی رشید که از نظرات ایشان برای جلد حاضر بهره‌مند شده‌ایم و نیز مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب که اجرای مراحل بازخوانی، ویرایش نهایی و آماده‌سازی برای چاپ این کتاب را عهده‌دار بوده است، تشکر و قدردانی شود.

دیباچه

از آنجا که ثبت وقایع جنگ ایران و عراق و تجزیه و تحلیل سیاسی - نظامی آن یکی از مهم‌ترین اسناد مکتوب تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، تلاش شد سندی از این دوران پرافتخار گردآوری شود تا آینه‌ای باشد برای محققان و آنان که می‌خواهند ابعاد و ویژگی‌های گوناگون پایداری هشت ساله ملت ایران را در برابر خیل گسترده دشمنان انقلاب اسلامی به دیده مشاهده کنند.

جنگ ایران و عراق پیوندی تنگاتنگ با انقلاب اسلامی دارد به گونه‌ای که بدون درک درست آن، نمی‌توان به تحلیلی فراگیر از انقلاب اسلامی دست یافت. همچنین این پدیده به دلیل تأثیرات و پی‌آمدهای فراوانش، دست کم تا چند دهه آینده، بر همه موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر خواهد بود.

جنگ، ابعاد گوناگونی دارد که برجسته‌ترین آنها، بعد نظامی است. در طول تاریخ معاصر ایران همواره در پی بروز هر جنگی، شاهد جدایی بخش‌هایی از این سرزمین پهناور به دست بیگانگان بوده‌ایم. اسناد تاریخی گویای این نکته است که در دویست سال گذشته، یعنی دقیقاً از زمان سلطنت "فتحعلی شاه قاجار" تاکنون، نزدیک به یک میلیون کیلومتر مربع از خاک ایران جدا شده است. اما در جنگ ایران و عراق، با وجود پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از متجاوز، نه تنها یک وجب از خاک ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه هنگامی که عراق قرارداد سال ۱۹۷۵ میلادی الجزیره را بار دیگر پذیرفت و سپس دبیرکل وقت سازمان ملل، آن کشور را متجاوز اعلام کرد، حقانیت جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسید.

بی‌گمان برای تجزیه و تحلیل جنگی این چنین بزرگ، ضروری است کتاب‌هایی تألیف شود. اما تا به حال برخی از متونی که در این باره نگاشته شده‌اند، در ایفای نقش خود نارسا بوده‌اند و شماری از محققان و مؤلفان ایرانی و غیرایرانی که درباره جنگ اثری از خود برجای

گذاشته‌اند، یا در صحنه جنگ حضور نداشته‌اند و یا حضور آنان مستمر و مؤثر نبوده است. این عده چون با دست‌اندرکاران اصلی جنگ و تصمیمات آنها آشنا نبودند، بنابراین نتوانسته‌اند درکی درست و همه‌جانبه از جنگ را در آثار خود ارائه دهند.

از سوی دیگر، برخی از متون مربوط به جنگ با اهداف سیاسی خاص یا اغراض شخصی مؤلف یا محقق نگاشته شده‌اند؛ مانند اغلب نویسندگان خارجی که تاریخ جنگ را نگاشته‌اند. برخی نویسندگان داخلی هم، گاه پیش از آن که به حقایق و واقعیت‌های درونی جنگ بپردازند، نقش خود را در جنگ به نمایش گذاشته‌اند و به اثبات و برجسته کردن دانش و اندوخته‌های نظامی خود (که در جای خود غیرقابل انکار هستند) پرداخته و عوامل اساسی پیشرفت رزمندگان را در طول هشت سال دفاع مقدس کم‌رنگ ساخته‌اند. لذا، بعضی از این متون منعکس‌کننده حقایق و واقعیت‌های جنگ نیستند.

علاوه بر این، در این گونه آثار و تحقیقات جنبه استراتژیکی جنگ مدنظر قرار نگرفته است، و بیش از آن که به تجزیه و تحلیل علمی جنگ پرداخته شود، جنبه‌های توصیفی و تبلیغی آن پرورانده شده است.

نواقص و کمبودهای موجود در متون و ادبیات مربوط به جنگ ایران و عراق که به برخی از آنها اشاره شد، اینجانب را بر آن داشت تا به خواست مکرر مراکز آموزشی سپاه پاسخ مثبت داده و ضمن تدریس موضوع "تجزیه و تحلیل سیاسی - نظامی جنگ ایران و عراق" در دوره‌های نظامی سپاه، گروهی از محققان و صاحب‌نظران را گرد هم آورده و از آنان بخواهم تا براساس چارچوب مباحث اینجانب در کلاس درس، متونی متناسب، برای آگاهی عموم مردم عزیز ایران و ملل مسلمان جهان تهیه کنند.

تلاش‌های قابل تقدیر و تشکر این دوستان، مجموعه مباحث مدونی را شامل شد که به‌حول و قوه الهی، در آینده‌ای نزدیک به زیور طبع آراسته خواهند شد. این مجموعه که کتاب حاضر، جلد دوم آن می‌باشد، به شرح ذیل سازمان‌دهی شده است:

جلد اول؛ ریشه‌های تهاجم: در این جلد به علل و زمینه‌های تجاوز عراق به ایران پرداخته شده و موضوعاتی نظیر علت آغاز جنگ ایران و عراق، پیشینه روابط دو کشور، وضعیت نظام بین‌الملل و منطقه خلیج‌فارس، وضعیت داخلی ایران و عراق در آستانه جنگ و تمهیدات عراق برای آغاز تجاوز به ایران بررسی شده است.

جلد دوم؛ جنگ، بازبایی ثبات: موضوع اصلی این جلد، تشریح ابعاد و ویژگی‌های هجوم سراسری عراق به خاک ایران و علل توقف آن و سرانجام، چگونگی بیرون راندن نیروهای

متجاوز از خاک ایران است. در این جلد همچنین، تحولات سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱، که یکی از سرنوشت‌سازترین دوره‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و تأثیر به‌سزایی در ایجاد تحول در جبهه‌ها داشته است، بحث و بررسی می‌شود.

جلد سوم؛ تنبیه متجاوز: محور اساسی بحث در این جلد دلایل ورود رزمندگان مدافع اسلام به خاک عراق و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مورد استفاده آنها در تنبیه متجاوز می‌باشد. در این جلد، ابعاد گوناگون جنگ از آغاز عملیات رمضان در مرداد ماه ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷ (شش سال) مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

جلد چهارم؛ تثبیت دست‌آوردهای جنگ: این جلد کوتاه‌ترین دوره جنگ را که به دلیل پیچیدگی اوضاع و شرایط، حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره جنگ به شمار می‌آید، بررسی می‌کند. عبور مجدد عراق از مرزهای بین‌المللی و تلاش برای اشغال دوباره خرمشهر، چنان‌که اهمیت داشت که حضرت امام(ره) در جمله معروف خود فرمودند: "یا سپاه یا خرمشهر" و در حقیقت، تلاش و جان‌فشانی نیروهای سپاه و بسیج در این دوره کوتاه، دست‌آوردهای جنگ را تثبیت کرد و دشمن، نومیث از حرکت مذبحخانه خود، آتش‌بس را پذیرفت.

جلد پنجم؛ درس‌ها و نتایج جنگ: این جلد به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی درس‌های جنگ ایران و عراق اختصاص دارد. درس‌های جنگ در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام با استنباط از نتایج کلی جنگ، تلاش می‌شود تا قاعده و الگویی نهایی برای مطالعه و تبیین جنگ‌های دیگر ارائه شود.

در پایان از عزیزان زحمتکش مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و نیز آقایان حسین اردستانی، بهادر امینیان، حسین حسینی، علی حسینی‌تاش، محمد درودیان، فرهاد درویشی، غلامعلی رشید، محسن رشید، حسین سلامی، مجید مختاری، رسول یاحی که در تهیه و تنظیم این اثر زحمات فراوانی متقبل شده‌اند، تشکر و سپاس‌گزاری کنم.

محسن رضایی میرقاعده
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

فصل اول

پرسی اهداف و مقاصد سیاسی عراق

defoghaddas.ir

بررسی اهداف و مقاصد سیاسی عراق

تجزیه و تحلیل اهداف و مقاصد سیاسی* عراق از تجاوز به ایران و بازبینی آن پس از گذشت ۱۹ سال از آغاز جنگ، تا اندازه‌های ماهیت این اقدام و علل وقوع آن را آشکار می‌کند و در عین حال، می‌توان به عنوان یک شاخص مناسب برای ارزیابی پیروزی یا شکست عراق پس از تهاجم اولیه به ایران، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بررسی این مهم بنابه دلایلی چندان آسان نیست؛ پیچیدگی و دشواری این مسئله متأثر از ملاحظات گوناگونی است که مهم‌ترین آن، عدم دستیابی به محتوای مذاکرات انجام شده در درون سازمان حکومتی عراق و عدم آگاهی از علت تصمیم‌گیری رهبران این کشور برای حمله به ایران می‌باشد. علاوه بر این تداوم حیات نظام سیاسی حاکم بر عراق و حضور مقتدرانه صدام در رأس هرم قدرت، و همچنین، عدم انعقاد قرارداد صلح بین ایران و عراق، بخش مهمی از موانع موجود در بررسی "علل وقوع جنگ" را تشکیل می‌دهد که به سهولت برطرف نخواهد شد.

گذشته از این مشکلات، برای آگاهی از سازوکارهای تصمیم‌گیری عراق و اهداف سیاسی - نظامی این کشور برای تجاوز به ایران، می‌توان "درک عراق از وضعیت سیاسی - نظامی ایران و منطقه" پس از سرنگونی شاه و پیروزی انقلاب اسلامی و بازتاب آن در اظهارات مقامات رسمی حکومت عراق را مورد توجه و شناسایی قرار داد.

سال‌های بعد، انتشار برخی از اخبار دربارهٔ نشست‌های محرمانه سران دولت عراق، تا اندازه‌ای اهداف آنها را آشکار ساخت. روزنامه کریستین ساینس مانیاتور بر اساس اطلاعات به

* کلاوز ویس (درگذشته به سال ۱۸۳۱ میلادی)، یکی از برجسته‌ترین متفکران عرصه علوم دفاعی - نظامی با تأکید به این مفهوم که جنگ ادامه سیاست است ولی با ابزار دیگر، تسلط ضروری هدف سیاسی در جنگ بر سایر اهداف را بیان کرد. بر همین اساس، بررسی، تجزیه و تحلیل اهداف و مقاصد سیاسی عراق در آغاز بحث با هدف روشن ساختن ماهیت و ابعاد تجاوز عراق علیه ایران انجام گرفته است.

دست آمده از جلسات محرمانه بین سران حزب بعث که منجر به صدور بخشنامه‌ای شد و به دست محافل خبری در بیروت افتاد، می‌نویسد:

> با فرو ریختن نظام شاهنشاهی و درهم پاشیدن ارتش و تأسیسات اصلی آن، ایران قادر به اجرای نقشی که تاکنون به عهده داشت، نخواهد بود، بنابراین تنها کشوری که می‌تواند با استفاده از این موقعیت خلاء ایجاد شده را پر کند و در مورد مسائل امنیت خلیج (فارس) نقش اساسی ایفا کند، عراق است و این کار باید با برنامه‌ریزی، دقت، سرعت و مداومت کامل انجام گیرد.<

این روزنامه در گزارش خود درباره حل مشکل ژئوپلتیک عراق می‌افزاید:

> به عقیده حزب بعث برای ایجاد یک موقعیت ژئوپلتیک جدید به وسیله عراق، زمینه از هر جهت فراهم است. لذا به‌منظور (تأمین) این موقعیت جدید توسط دنیای غرب، حمله نظامی [علیه] ایران با وارد آمدن یک ضربه مؤثر که بنابه ارزیابی آنها به شکست ایران منتهی شود، لازم است.<^(۱)

طارق عزیز نیز چهار ماه قبل از آغاز تهاجم عراق به ایران، طی مقاله‌ای که در روزنامه کویتی الوطن به چاپ رسید، وضعیت حاکم بر ایران را چنین ترسیم کرد:

> ۱- تشتت نیروهای نظامی؛ ۲- [تعدد] مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام به یکدیگر اتهاماتی نسبت می‌دهند؛ ۳- کشمکش‌هایی میان اقلیت‌ها و رهبران حاکم و عدم توانایی در حل مشکلات آنها؛ ۴- وجود هرج و مرج و ناامنی؛ ۵- توقف [فعالیت] کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش افراد بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار؛ ۶- آشفتگی [سیاست خارجی ایران] در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.<^(۲)

مواضع عراقی‌ها در این مقطع از جنگ به دلیل شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و اوضاع سیاسی - نظامی حاکم بر ایران به دو مرحله کلی قابل تقسیم است:

در مرحله نخست (فروردین ۱۳۵۹)، به موازات تشدید درگیری‌های سیاسی در داخل کشور و همچنین تشدید خصومت میان ایران و آمریکا و اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام بر آمادگی عراق برای حل تمام اختلافات خود با ایران با استفاده از زور تأکید کرد.^(۳) عراقی‌ها همچنین ضمن تأکید بر خروج ایران از جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) و عربی بودن آنها، با مسلح کردن عناصر ضدانقلاب در خوزستان، عملاً مفهوم تجزیه خوزستان را مطرح کردند. در این مرحله، به نظر می‌رسید، دولت عراق بیشتر در پی

کسب موافقت و حمایت امریکا و ارتجاع منطقه برای تجاوز به ایران بود؛ چنان که در همین روند، عراقی‌ها در کودتای نوژه که عناصر ضدانقلاب ارتشی و سلطنت‌طلب آن را سازمان‌دهی کرده و از حمایت امریکا، مصر و عربستان نیز برخوردار بودند، مشارکت کردند. در مرحله دوم (زمستان ۱۳۶۰)؛ به موازات تشدید درگیری‌های سیاسی در داخل کشور با محوریت بنی‌صدر و حضور فعال منافقین و چپ‌های امریکایی و تبدیل آن به درگیری نظامی همراه با انفجار مراکز حساس، ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب و همچنین آغاز روند آزادسازی مناطق اشغالی با اجرای عملیات ثامن‌الائمه(ع) و عملیات طریق‌القدس، عراقی‌ها با نگرانی نسبت به روند جدید، تجزیه ایران را به پنج منطقه به بهانه حمایت از خلق عرب! و خلق بلوچ! مورد تأکید قرار دادند و نیز آمادگی خود را برای پشتیبانی از گروهک‌های سیاسی و اعطای پناهندگی به آنها اعلام کردند.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که با پیروزی انقلاب اسلامی* بنای استراتژی امریکا که بر دو ستون ایران و عربستان بنا شده بود، فرو ریخت.** نتایج ناشی از پیدایش این وضعیت به همان میزان که برای امریکا و غرب زیان‌آور و برای کشورهای منطقه موجب نگرانی و وحشت بود، برای عراق فرصت مناسبی بود تا با تشدید خصومت علیه ایران و فراهم‌سازی زمینه لازم برای اقدام نظامی علیه آن و نابودی انقلاب اسلامی و سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی*** ضمن تأمین منافع امریکا و غرب و ارتجاع منطقه، مشکل ژئوپلیتیک خود را از طریق توسعه سواحل دریایی در شمال خلیج فارس، حل کند. موفقیت عراق در این مرحله می‌توانست خلاء قدرت را در منطقه پر کرده و با توجه به تسلط بر ذخایر نفت منطقه

* در نشریه بررسی استراتژیک چاپ لندن سال ۸۱ - ۱۹۸۰ در مورد ریشه درگیری ایران و عراق آمده است: <آغازگر جنگ عراق بود، لیکن از لحاظ کلی تر ریشه‌های درگیری را باید در انقلاب ایران و ستیزه‌جویی بین‌المللی آن و آرزوهای دیرینه صدام برای رهبری منطقه جست‌وجو کرد.>

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۶/۲۲)

** مایکل لدین و ویلیام لوتیس در کتاب خود نوشته‌اند: <سقوط شاه نشانه فروریختگی بنای استراتژی ما (امریکا) در خلیج فارس گردید، استراتژی که ما آن را بر قدرت اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی و نیروهای سیاسی و نظامی ایران پایه‌ریزی کرده بودیم، با محور رکن ایران، دیگر این استراتژی نمی‌توانست ایفای نقش کند.>

(هزیمت یا شکست رسوایی امریکا، ترجمه احمد سمیعی، نشر ناشر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۱)

*** روزنامه ستاره سرخ چاپ مسکو در مورد تصور عراق از نتایج ناشی از شکست نظامی ایران می‌نویسد: <رهبران عراق که تهاجم را در سطح وسیعی آغاز نمودند، تصور می‌کردند با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته، قطعه قطعه خواهد شد.>

(بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران، مسکو، ۱۳۵۹/۸/۸)

و موقعیت برتر نظامی، رهبری جهان عرب را به دست گیرد.^(۴) سردار محسن رضایی درباره مقاصد سیاسی عراق می‌گوید:

>عراق با همسو کردن منافع خود با آمریکا، سعی در پر کردن خلاء قدرت در منطقه را داشت. در ضمن بعضی از منافع را هم که به‌طور تاریخی در پی کسب آن بود، دنبال می‌کرد، مانند تسلط بر اروندرود، توسعه سواحل در خلیج فارس، سلطه دریایی بیشتر در شمال خلیج فارس و افزایش نقش سیاست‌گذاری در منطقه و این‌که از نظر سیاسی بتواند در سرنوشت کشورهای عربی نقش بیشتری داشته باشد.<^(۵)

می‌توان گفت، دولت عراق در اولویت نخست، در اندیشه اشغال بخشی از خوزستان به ویژه مناطق نفت‌خیز آن و نیز لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. رهبران عراق می‌پنداشتند که با تجزیه استان خوزستان، براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی آسان خواهد شد.* بعدها، آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع که پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، در تهران برگزار شد، در این زمینه فرمودند:

>این جنگ علیه انقلاب ایران و به‌منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد.<^(۶)

بنابر شواهد و قراین موجود، عراق در آغاز سال ۱۳۵۹ (یعنی ۱۳ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) از آمادگی لازم برای حمله به ایران و تأمین مقاصد سیاسی خود، برخوردار بود، ولی برای این اقدام نیاز به موافقت آمریکا داشت که تأمین نشده بود.

چنانچه در فروردین ۱۳۵۹ و پس از قطع رابطه آمریکا با ایران، عراق آمادگی خود را برای تهاجم نظامی به ایران اعلام کرد لیکن عدم موافقت آمریکا مانع از اجرای آن شد.^(۷) در این روند اجرای عملیات هوایی آمریکایی‌ها در صحرای طبرس به قصد آزادی گروگان‌های سفارتخانه، عراقی‌ها را در خصوص تشدید خصومت آمریکا بر ضد ایران و احتمال اقدام نظامی به نتیجه رساند.** در ادامه چنین وضعیتی شکست عناصر نفوذی

* خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌های خارجی در تهران در مورد هدف عراق چنین گزارش داد: >هدف اعلام نشده عراق در جنگ، سقوط حکومت جمهوری اسلامی ایران و تصرف منطقه نفتی خوزستان بوده است.<

** فارین‌افز چاپ آمریکا در مورد درک عراق از اقدام آمریکا می‌نویسد: >... یکی کوشش گروه نجات گروگان‌های آمریکایی برای خارج کردن گروگان‌ها از ایران بود. عراقی‌ها از این اقدام چنین برداشت کردند که آمریکا بار دیگر به اقدام نظامی به مراتب بزرگ‌تری علیه ایران دست خواهد زد.< (خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۹۴، ۱۳۵۹/۱۰/۱۷، رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶)

ضدانقلاب در ارتش - در کودتای نوژه در تیر ماه ۱۳۵۹ -^{*} نیز انگیزه دیگری بود تا شمارش معکوس برای آغاز تهاجم عراق به ایران آغاز شود. گزارش نشریه فیگارو از ملاقات برژینسکی و صدام برای توضیح میزان هم‌سویی امریکا و عراق و نقش امریکایی‌ها در حمایت، تشویق و ترغیب عراق برای تجاوز به ایران در این زمینه بسیار گویا است:

> جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیر ۱۳۵۹)، زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات نمود و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم نمود که امریکا با آرزوی عراق در مورد شط‌العرب [اردن] و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات، به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد. پیش‌بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی‌ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرف‌دار غرب جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، امریکا می‌تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.^(۸)

استراتژی نظامی عراق

اوضاع بین‌المللی، محیط منطقه - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی سقوط شاه - و درکی که عراقی‌ها از وضعیت سیاسی - نظامی و اجتماعی ایران داشتند، همراه با اعتقاد عراقی‌ها به توانمندی نظامی خود در برابر ایران^{**} سبب شد، استراتژی عراق با هدف کسب

* شهید فکوری بعدها در نامه‌ای به امام خمینی برای تشریح وضعیت خانواده‌های مددومان کودتا و ضرورت حل معضلات آنها برای ادامه اسکان در منازل سازمانی، مطالبی را به این ترتیب نوشته است که نشان‌دهنده میزان حضور و پراکندگی عناصر ضدانقلابی در درون ارتش می‌باشد: <معلومین نیروی زمینی که اکثراً از افسران زرهی و توپخانه، لشکر گارد سابق، لشکر ۹۲ زرهی اهواز، لشکر ۱۶ قزوین و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بودند، از تپ نوهده و نیروی هوایی نیز در کودتا شرکت داشته‌اند.>

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۴، ۱۲/۱۱/۱۳۵۹، ص ۳۴)

** در کتاب "درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق"، در مقایسه توانایی‌های عمده دو کشور، در مورد برتری عراق چنین تأکید شده است: <ثبات سیاسی - نظامی، روابط دوستانه با کشورهای همسایه، دسترسی مداوم به منابع متعدد جنگ افزارهای مدرن، برخورداری از ذخایر عظیم مالی و اعتبار بسیار، حمایت مالی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و پشتیبانی نظامی محدود مصر و اردن.>

(آنتونی کردزمن و آبراهام واکتر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق،

ترجمه حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۸، چاپ نشده)

پیروزی سریع بر پایه "جنگ محدود و برق‌آسا" * طرح‌ریزی شود. عراقی‌ها تمایل چندانی برای جنگ گسترده نداشتند ضمن این‌که پیش‌بینی می‌کردند که بلافاصله پس از آغاز تهاجم، تحولات سیاسی عمیقی در تهران رخ خواهد داد. این برداشت، اساساً متکی بر اطلاعات به دست آمده از امریکایی‌ها و عناصر فراری ایران به ویژه نظامی‌ها بود. ** اوضاع داخلی ایران و چنان‌که پیش از این اشاره شد، موضع‌گیری و رفتار امریکایی‌ها در برابر ایران، از جمله "عملیات طبس" و "طرح‌ریزی کودتای نوژه"، برای عراق این معنا و مفهوم را در بر داشت که امریکایی‌ها در پی "براندازی نظامی جمهوری اسلامی" هستند و لازمه تحقق این امر، وارد کردن یک شوک نظامی است که با حمله عراق انجام می‌گرفت عراقی‌ها می‌پنداشتند که با "حمله غافل‌گیرانه" به ایران، می‌توانند مناطق نفت‌خیز و شهرهای مهم خوزستان را تصرف کرده و مقدمات تشدید بی‌ثباتی در داخل ایران و براندازی نظام را فراهم کنند و یا دست‌کم، با شکست نیروهای نظامی و تشدید بی‌ثباتی در ایران، فرصت خواهند یافت تا خواست‌های ارضی خود را تأمین کنند.

تلاش‌های نسبتاً گسترده منافقین برای سازمان‌دهی تظاهرات وسیع در نخستین روز بازگشایی مدارس در سال ۱۳۵۹ و همچنین اقدامات عراق در تجهیز عناصر ضدانقلاب در خوزستان و تشدید درگیری‌های مسلحانه در غرب و به ویژه استان خوزستان، این امیدواری و انتظار را در عراقی‌ها به وجود آورده بود که "تهاجم غافل‌گیرانه و سراسری" و در عین حال محدود آنها، باعث تشدید بی‌ثباتی در داخل ایران و در نهایت، براندازی نظام جمهوری اسلامی *** خواهد شد.

* مقیاس جنگ و تعیین گستردگی یا محدودیت آن را می‌توان بر اساس هدف، وسعت منطقه نبرد، شمار نیروهای عمل‌کننده و زمان مشخص کرد. با توجه به اهداف عراق و صحنه نبرد در خوزستان و تلاش عراق برای جنگ ۳ تا ۷ روزه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که استراتژی عراق جنگ محدود بوده است.

** رادیو لندن در این زمینه می‌گوید: <کسانی مثل اویسی و شاهپور بختیار که از حمایت عراق برخوردار بوده‌اند، صدام را گمراه کرده‌اند.>
(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۱۰/۱۱، رادیو لندن، ۱۳۵۹/۱۰/۱۰)

*** روزنامه لوموند چاپ فرانسه می‌نویسد: <قرار بود که همراه با این حمله، در داخل ارتش و نیروهای مردمی نیز شورش‌ها و مخالفت‌هایی پدید آید و به دنبال آن، رژیم جمهوری اسلامی ساقط شود.>

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره‌کل مطبوعات خارجی، نشریه "بررسی مطبوعات جهان"، ۱۳۵۹/۱۱/۹)

برابر گزارش ستاد خنثی‌سازی کودتاه، پس از کودتای نوژه در ارتش، تا پایان سال ۱۳۵۹ در مجموع شش کودتا کشف و عناصر آن دستگیر و برای محاکمه به مراجع قضایی تحویل شدند. بنابراین "براندازی نظام" را می‌توان یک هدف نهایی برای دولت عراق تصور کرد.

اهداف نظامی عراق

تشریح اهداف نظامی عراق به دلیل محدودیت منابع و تناقض‌های موجود در رفتار نظامی ارتش عراق تا اندازه‌های دشوار و پیچیده است. به عبارت دیگر، میان تلاش‌های نظامی ارتش عراق با سخنان و مواضع رهبران و مسئولان سیاسی این کشور و ماهیت تهاجم آنها به ایران نوعی چندگانگی به چشم می‌خورد؛ به عقیده یکی از تحلیل‌گران نظامی، اهداف نظامی عراق مجموعه‌ای از اهداف درهم و برهم است.^(۹)

منطقه جنوب

در هر حال نظر به اهمیت و ارزش سیاسی - استراتژیک منطقه خوزستان، به نظر می‌رسد، بخش اساسی اهداف عراق از جنگ، در این منطقه، قابل تأمین و تحقق بود. این اهداف عبارت بودند از:

- ۱- اشغال شهرهای مرزی - که برخی از آنها عرب زبان بودند - به منظور ایجاد تحرک قومی و فراهم‌سازی اوضاع مناسب برای تجزیه استان خوزستان؛
- ۲- تصرف و اشغال اهواز برای مختل کردن سیستم اداری و اقتصادی منطقه جنوب و تجزیه استان؛
- ۳- قطع جاده مواصلاتی اهواز - اندیمشک از شمال به جنوب به منظور فراهم‌سازی وضعیت مناسب برای تصرف و اشغال بخشی از شهرها و مناطق استان خوزستان؛
- ۴- تسلط بر جزیره آبادان برای تسهیل تسلط عراق بر رودخانه اروند پس از لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی؛

همچنین با حمله عراق، برخی از شهرها و مناطق حیاتی، از جمله پایگاه هوایی دزفول، مناطق مهم نفتی اهواز و بندر امام خمینی در برد آتش توپخانه عراق قرار می‌گرفت.

منطقه میانی

- اهداف عراق در جبهه میانی که شامل منطقه دهلران تا شمال "تنگه باویسی" در مرز استان ایلام و باختران (کرمانشاه) می‌شد، عبارت بودند از:
- ۱- پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب؛

* این بحث بر اساس نظریات سرلشکر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران با عنوان "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" در دوره عالی جنگ سپاه در سال ۱۳۷۴ تهیه و تنظیم شده است.

۲- توسعه پدافند از بغداد و تعمیق مرزهای شرقی با دور کردن نیروهای ایران از مقابل بغداد.*

منطقه شمال غرب

- در منطقه شمال غرب، عراق با نگرانی از معابر وصولی میوان - پنجوین و نوسود - حلبچه، یک لشکر برای تأمین کرکوک و کنترل معارضان کرد عراقی آرایش کرده بود. حکومت صدام با اتکا به نیروهای ضدانقلاب، در این منطقه دو هدف را پیگیری می کرد:
- ۱- پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب با درگیر نگاه داشتن بخشی از نیروهای ایران؛
 - ۲- فراهم کردن زمینه های لازم برای تجزیه کردستان با حمایت از نیروهای ضدانقلاب.

استعداد و گسترش ارتش عراق

ارتش عراق قبل از تهاجم به خاک جمهوری اسلامی از استعداد زیر برخوردار بود:**

نیروی زمینی

- سپاه یکم، در محور شمالی که مقر آن در کرکوک بود و لشکرهای دوم پیاده کوهستانی، چهارم پیاده کوهستانی، هفتم، هشتم و یازدهم را تحت امر خود داشت.
- سپاه دوم، در محور میانی که مقر آن در بغداد بود و لشکرهای سوم زرهی، ششم زرهی و دهم زرهی را تحت امر خود داشت؛
- سپاه سوم، در محور جنوبی که مقر آن در ناصریه بود و لشکرهای یکم پیاده مکانیزه، پنجم پیاده مکانیزه و نهم زرهی را تحت امر خود داشت؛
- لشکر دوازدهم زرهی که قبل از شروع جنگ وابسته به ستاد کل بود؛
- تیپ های ۳۱، ۳۲، ۳۳ نیروهای مخصوص که با شروع جنگ به سپاه سوم مأمور شدند؛
- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری؛
- فرماندهی نیروهای گارد مرزی؛
- چند گردان دفاع الواجبات در مقرهای "سپاه" ها، نیروی دریایی و نیروی هوایی.

* برابر منابع موجود، استراتژی ایران و عراق در گذشته به این صورت بود که عراق همواره در موضع پدافند از بغداد و آفند به منطقه خوزستان قرار داشت، متقابلاً ایران در موضع پدافند در جنوب و آفند در برابر بغداد قرار داشت. در نتیجه هدف عراق پدافند از بغداد با عمق بخشیدن به مواضع دفاعی

موجود در مرزهای شرقی و میانی خود و دور کردن قوای نظامی ایران از بغداد بود.

** به نقشه صفحه ۴۳ نگاه کنید.

بدین ترتیب، نیروی زمینی دشمن در آغاز تجاوز شامل دوازده لشکر متشکل از پنج لشکر زرهی، دو لشکر مکانیزه و پنج لشکر پیاده و همچنین، سه تیپ نیروی مخصوص و نیروهای گارد ریاست جمهوری و نیروهای گارد مرزی - حدود بیست تیپ مرزی - بود. استعداد نیروهای جیش‌الشعبی عراق نیز حدود نیم‌میلیون نفر برآورد می‌شد که تا سقف یک‌میلیون نفر قابل افزایش بود.

نیروی هوایی

سازمان نیروی هوایی ارتش عراق با ۹ پایگاه هوایی و ۱۴ اسکادران هواپیمای شکاری - بمب‌افکن و ترابری دارای ۳۶۶ فروند هواپیمای نظامی ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر و همچنین ۴۰۰ قبضه توپ ضدهوایی و چند تیپ موشکی زمین‌به‌هوا بود.

نیروی دریایی

نیروی دریایی عراق در دو پایگاه اصلی در بصره و ام‌القصر استقرار داشت. تیپ ۷۷ متشکل از چند مین‌روب و چهار کشتی کوچک پیاده‌کننده نیرو در بندر بصره و تیپ هفتم دریایی متشکل از قایق‌های موشک‌انداز که در بندر ام‌القصر مستقر بودند.

سازمان نظامی

دولت عراق برای تأمین اهداف نظامی، تهاجم خود را با سازمان* زیر آغاز کرد:**

- سپاه یکم در جبهه شمالی با لشکر ۷ پیاده و با بهره‌گیری از نیروهای ضدانقلاب؛
- سپاه دوم در جبهه میانی با لشکرهای ۶ و ۱۲ زرهی، ۴، ۲ و ۸ پیاده؛
- سپاه سوم در جبهه جنوبی با لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه، ۳، ۹ و ۱۰ زرهی و تیپ ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص و لشکر ۱۱ پیاده؛
- تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری نیز در احتیاط سپاه سوم بود (این تیپ در حمله به بستان شرکت داشت).

البته در ماه‌های نخست جنگ، لشکر ۶ زرهی برای آرایش در مقابل اهواز و تیپ‌های ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص برای حمله و اشغال کامل خرمشهر به جنوب منتقل شدند.

* به نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

** این بخش با استناد از مقاله "نگاهی گذرا به جنگ هشت ساله"، نوشته داوود رنجبر، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوشته شده است.

استراتژی عملیاتی ارتش عراق جبهه جنوب

تلاش اصلی ارتش عراق - به همراه بیشتر نیروی نظامی خود - در منطقه جنوب متمرکز بود؛ ارتش عراق در این منطقه برای رسیدن به خط سبز* در نظر داشت با تکیه بر عوارض و موانع طبیعی، از دست‌آوردهای نظامی خود دفاع کند. حدود احتمالی خط حد نهایی عراق در این منطقه از شمال دشت خوزستان به ارتفاعات و شمال جاده دزفول و دهلران محدود می‌شد. همچنین در شرق، وجود رودخانه کرخه و موانع طبیعی بین دو رودخانه کرخه و دز و نیز تنگه ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری، امکان مسدود کردن راه‌های ارتباطی استان خوزستان با استان‌های شمالی آن را برای عراق فراهم می‌ساخت. همچنین، در شمال غربی اهواز، دشمن می‌توانست با تصرف تپه‌های فولی‌آباد، جای پایی برای خود در پشت رودخانه کارون به دست آورد و از طریق آن، اهواز را در کنترل عملیاتی قرار داده و در امتداد این خط، در غرب رودخانه کارون پدافند کرده و دو شهر خرمشهر و آبادان را تصرف کند.^(۱۰) عراق در نظر داشت، ضمن حمله غافل‌گیرانه به پایگاه‌های هوایی و از کار انداختن آنها، وضعیت مناسبی را برای پیشروی یگان‌های زمینی در عمق خاک ایران به‌منظور اشغال شهرهای اصلی، تنگه‌ها و ارتفاعات حساس و اشغال مناطق نفت‌خیز خوزستان، با تأمین خط سبز فراهم کند.

ارتش عراق تهاجم خود را بیشتر با استفاده از راه‌ها و معابر وصولی شناخته شده به‌منظور تأمین اهداف نظامی و عملیاتی، طرح‌ریزی کرده بود. طرح مانور سپاه سوم عراق بر اساس اهداف و معابر وصولی منطقه به شرح زیر بود:

۱- محور غرب - دزفول

لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند با استفاده از دو معبر وصولی منطقه، شامل؛ معبرالعماره - "فکه - چنانه - شوش" و معبر "علی غربی - شرفانی - عین‌خوش - جسرنادری - دزفول" و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز از شمال و دزفول از جنوب را کامل کنند.

* بر اساس نظریه سرلشکر محسن رضایی با عنوان "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" در دوره عالی جنگ سپاه، در سال ۱۳۷۴ تنظیم شده است؛ منظور از خط سبز، حد نهایی تصرف منطقه مورد نظر ارتش عراق در جنوب می‌باشد. برای اطلاع بیشتر، به نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

۲- محور چزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی مأموریت داشت، با عبور از معبر وصولی تنگه چزابه و تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیشروی کند. عبور از این معبر و نیز محور نشوه - طلائی - جفیر با هدف تصرف اهواز طرح‌ریزی شده بود.

۳- محور نشوه - جفیر - اهواز

لشکر ۵ مکانیزه مأموریت داشت، ضمن پاک‌سازی جاده اهواز - خرمشهر و قطع آن و محاصره خرمشهر از شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را تکمیل و با لشکر ۹ زرهی در شهر اهواز الحاق کند.

۴- محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص عراق مأموریت داشتند، ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال کنند.

جبهه میانی

مانور سپاه دوم عراق در جبهه میانی علاوه بر پشتیبانی از عملیات جنوب، بیشتر به منظور تأمین بغداد از طریق تعمیق مرزهای شرقی طرح‌ریزی شده بود. در صورت تأمین تنگه پاتاق در عمق ۵۰ کیلومتری خاک جمهوری اسلامی، ارتش عراق می‌توانست برای تأمین بغداد، نیروهای ایران را از این منطقه دور نگه دارد. بدین منظور مانور ارتش عراق در جبهه میانی از سه محور طرح‌ریزی شد:

۱- محور قصرشیرین - سرپل ذهاب - تنگه پاتاق

مانور این محور به عنوان مهم‌ترین بخش عملیات در جبهه میانی با شرکت سه لشکر طرح‌ریزی شد؛ لشکر ۶ زرهی از محور قصرشیرین با تصرف این شهر به سمت سرپل ذهاب و تنگه پاتاق پیشروی می‌کرد. این لشکر از دو جناح با لشکر ۴ و ۸ پیاده حمایت می‌شد. از جناح چپ، لشکر ۸ پیاده در شمال قصرشیرین با هدف دشت ذهاب و شهر سرپل ذهاب و از جناح راست، لشکر ۴ پیاده در جنوب قصرشیرین به سمت گیلان غرب، پیشروی می‌کردند.

۲- محور مندلی - سومار - نفت شهر

لشکر ۱۲ زرهی در این محور مأموریت داشت که منطقه را تأمین و تصرف کرده و معابر منتهی به مندلی را تأمین و مسدود کند.

۳- محور مهران

لشکر ۲ پیاده مأمور به تصرف شهر مهران، ارتفاعات مشرف بر آن و تأمین منطقه شد.

جبهه شمالی

در جبهه شمالی، سپاه یکم با لشکر ۷ مأموریت داشت ضمن حفاظت از منطقه و کنترل معارضان عراقی، نیروهای ضدانقلاب را به منظور تجزیه کردستان و بخشی از آذربایجان غربی، تجهیز، تقویت و پشتیبانی کند. سپاه یکم، احتیاط ارتش عراق نیز به شمار می‌رفت.

تشریح پیشروی نیروهای عراقی

در جبهه جنوبی، لشکر ۱۰ زرهی عراق تنها پس از چهار روز* پیشروی در عمق ۹۰ کیلومتری، از شرفانی تا جسرنادری - رودخانه کرخه - و در حالی که تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ اهواز و یگان‌هایی از ژاندارمری را در برابر خود داشت، نیروهایش را به سرعت در پشت رودخانه کرخه مستقر کرد. نیروی لشکر ۱ مکانیزه عراق نیز از معبر وصولی فکه به سمت شوش پیشروی کرد، ولی مقاومت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی شیراز به همراه دو گردان از لشکر ۲۱ حمزه، یگان‌های ژاندارمری نیروهای بسیج و سپاه حرکت آنها را کند کرد به گونه‌ای که چهار روز در پشت تنگه رقابیه متوقف شدند ولی پس از یک هفته، به پشت رودخانه کرخه رسیده و در آنجا ماندند، در حالی که هیچ مانعی برای پیشروی و عبور آنها وجود نداشت.

در محور تنگه چزابه به سمت اهواز، لشکر ۹ زرهی دشمن با تصرف شهرهای بستان و سوسنگرد و ارتفاعات الله‌اکبر به سمت شهر اهواز پیشروی کرد. در این محور علاوه بر نیروهای تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز و واحدهای ژاندارمری، نیروهای سپاه پاسداران نیز حضور داشتند. شبیخون نیروهای سپاه به فرماندهی شهید غیور اصلی موجب شد که نیروهای عراقی از اطراف حمیدیه عقب‌نشینی کنند و خارج از شهر سوسنگرد در مواضع جدید مستقر شوند. حضور نیروهای داوطلب از جمله نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید چمران در مقاومت علیه دشمن نقش مؤثری داشت.

در محور طلائیّه - نشوه به سمت اهواز، نیروهای عراقی که تیپ یکم از لشکر ۹۲ زرهی اهواز را در برابر خود داشتند، به سهولت به سمت اهواز پیشروی کردند و با قطع جاده خرمشهر - اهواز، در حوالی ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر استقرار یافتند ولی نتوانستند

* در منابع منتشره برادران ارتش، مدت پیشروی عراق در این منطقه ۷ روز نوشته شده است ولی اسرای عراقی از جمله برخی از فرماندهان لشکر ۱۰ زرهی عراق، زمان چهار روز را مورد تأکید قرار می‌دهند.

با لشکر ۹ زرهی خودشان در غرب شهر اهواز الحاق کنند. لشکر ۳ زرهی عراق نیز پس از ۱۹ روز تلاش ناموفق تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، سرانجام با عبور از رودخانه کارون و سپس رودخانه بهمنشیر، خرمشهر و آبادان را محاصره کرد. در این محور، علاوه بر گردان ۱۵۱ دژ، بیشتر نیروهای مردمی و سپاه در خرمشهر دست به مقاومت زدند و همین امر موجب تأخیر در حرکت لشکر ۳ دشمن برای عبور از رودخانه کارون و در نهایت شکست و ناکامی نیروهای عراقی در این محور شد. بدین ترتیب، عراقی‌ها نتوانستند راه مواصلاتی منطقه جنوب را از شمال به جنوب قطع کرده و شهر اهواز را تصرف کنند و آبادان را پس از محاصره به اشغال درآورند. مقاومت مردمی، موانع طبیعی همچون رودخانه‌های کرخه، کارون و بهمنشیر در کندی پیشروی نیروهای عراقی مؤثر بودند.

در جبهه میانی، نیروهای دشمن نتوانستند تنگه پاتاق را تصرف و تأمین کنند، حال آن‌که هسته اصلی مأموریت عراق در جبهه میانی اجرای این مأموریت بود. در منطقه شمال غرب، به دلیل حضور ضدانقلاب، ارتش عراق تحرک خاصی از خود نشان نداد. در این جبهه با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، محدود بودن اهداف و وجود ارتفاعات و تنگه‌های مختلف، ارتش عراق با تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه،* براحتی اهداف خود را تأمین کرد.

در محور قصرشیرین و سرپل‌ذهاب لشکر ۶ زرهی عراق با استفاده از جاده آسفالت، برای پاک‌سازی و محاصره شهرهای قصرشیرین و سرپل‌ذهاب از دو جناح اقدام کرد. با وجود مقاومت نیروهای خودی در قصرشیرین، این شهر به محاصره دشمن درآمد که عده‌ای از افراد خودی عقب‌نشینی کرده و یا اسیر شدند. لشکر ۸ پیاده دشمن در شمال قصرشیرین از محور دشت‌ذهاب وارد منطقه شد تا علاوه بر تأمین جناح چپ سپاه دوم عراق، در ازگله تا پل دوآب به سمت سرپل‌ذهاب پیشروی کند. لشکر ۴ پیاده دشمن نیز در جنوب قصرشیرین مأموریت داشت شهر گیلان‌غرب را تصرف کند. لشکر ۸ پیاده در نخستین روز حمله، وارد دشت‌ذهاب شد و سپس، از دو محور به سمت سرپل‌ذهاب و ازگله پیشروی کرد. لشکر ۶ زرهی نیز هرچند موفق به تصرف شهر قصرشیرین و پیشروی به سمت سرپل‌ذهاب

* ارتفاعات مسلط بر منطقه.

شد، اما به دلیل مقاومت‌های مردمی با مشکلات فراوان روبه‌رو شد. در این محور، لشکر ۸۱ ارتش جمهوری اسلامی در برابر نیروهای عراق قرار داشت، ضمن این‌که نیروهای مردمی و سپاه نیز به ویژه در شهر قصرشیرین در مقابل نیروهای عراقی مقاومت می‌کردند، لیکن سرانجام در روز چهارم، قصرشیرین سقوط کرد ولی شهر سرپل‌ذهاب از سقوط نجات یافت و نیروهای دشمن در ارتفاعات اطراف (قلایزان و کوره‌موش) استقرار یافتند. لشکر ۴ پیاده دشمن نیز به سهولت خود را به شهر گیلان‌غرب رساند، اما مقاومت نیروهای مردمی در شهر و واکنش مناسب هوانیروز منجر به عقب‌نشینی این لشکر از شهر شد و سرانجام، نیروهای دشمن در ارتفاعات "بازی‌دراز" و بخشی از ارتفاعات "دانه خشک" که بر شهر مشرف بود، استقرار یافتند.

در محور مندلی - سومار - نفت شهر، لشکر ۱۲ عراق با هدف تصرف شهرهای سومار و نفت شهر، عملیات خود را با دو فلش - از "میان تنگ" برای تصرف سومار و از شمال غرب نفت شهر برای تصرف این شهر - آغاز کرد. نیروهای دشمن در همان روز اول حمله وارد شهر سومار شدند، ولی در منطقه نفت‌شهر به دلیل مقاومت‌هایی که انجام گرفت، با یک روز تأخیر این شهر را اشغال کردند. با توجه به توقف لشکرهای ۴، ۶ و ۸ عراق، نیروهای لشکر ۱۲ نیز پس از تصرف شهرهای سومار و نفت شهر از ادامه پیشروی خودداری کردند.

در محور مهران، با توجه به اهمیت این شهر به دلیل نزدیکی به جاده شمالی - جنوبی که منطقه جنوب را به شمال متصل می‌کرد، لشکر ۲ پیاده ارتش عراق - تحت امر سپاه دوم شامل چهار تیپ - مأموریت خود را با هدف تصرف شهر مهران از سه محور آغاز کرد؛ یک تیپ از شمال شهر مهران به سمت تنگه کنجانچم، یک تیپ زرهی از لشکر ۱۲ و یک تیپ پیاده از لشکر ۲ به سمت شهر مهران و حرکت در عمق و فلش سوم لشکر ۲ به سمت ارتفاعات مرزی قلعه آویزان با استعداد یک تیپ اجرا شد. در این محور تیپ ۸۴ خرم آباد از مهران تا دهلران در برابر لشکر ۲ عراق دفاع کرد، یگان‌های تحت امر لشکر ۲ روزهای اول و دوم بدون برخورد با مانع مستحکمی، اهداف خود را تأمین کرده و در ارتفاعات دالپری و مورموری شمال دشت عباس و دهلران مستقر شدند.

اگر ارتش عراق می‌توانست خط سبز را تأمین کند، این امر به تحقق مقاصد سیاسی -

نظامی این کشور کمک می‌کرد و بدین ترتیب عراق می‌توانست* بر رودخانه اروند مسلط شود؛ مناطق عرب‌نشین خوزستان را تحت سلطه خود درآورد و خسارات اقتصادی مهمی بر ایران وارد کرده و بخش بزرگی از منابع نفتی کشور را تصرف و یا منهدم کند و در نتیجه این توانایی‌های به دست آمده، عراق قادر بود:

- ۱- ادعا کند که ایران را شکست داده است؛
- ۲- قرارداد ۱۹۷۵ میلادی را از موضع برتر لغو کند؛
- ۳- با تسلط بر شمال خلیج فارس و افزایش حضور نظامی در دریا و هوا، قدرتش را در منطقه افزایش دهد؛
- ۴- بر قیمت‌گذاری نفت اوپک تأثیر بگذارد؛
- ۵- تأثیر سیاسی تعیین‌کننده‌ای بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بگذارد؛
- ۶- به عنوان ژاندارم منطقه از موقعیت برتر برخوردار شود و از امریکایی‌ها امتیاز لازم را اخذ کند.

عراقی‌ها به دلیل ناکامی در تأمین خط سبز و استقرار در خط آبی،* از دست‌یابی به اهداف نظامی و مقاصد سیاسی - اقتصادی خود باز ماندند و این امر موجب شکست نیروهای عراق شد و همچنین تأکید بر توانایی و قدرتمندی انقلاب اسلامی ایران بود.

دلایل ناکامی عراق

برتری سیاسی - نظامی عراق همراه با حمله سراسری و غافل‌گیرانه به خاک جمهوری اسلامی ایران، هرگونه احتمال ناکامی عراق را از میان برده بود. به همین دلیل، یکی از مباحث اساسی تحلیل‌گران و ناظران امور نظامی، علل ناکامی عراق بود. در این زمینه گرچه تاکنون بحث مستقل و مفصلی صورت نگرفته است ولی در بحث‌های کارشناسی و تحقیقاتی که تاکنون به عمل آمده است، این موضوع به صورت اجمالی مورد اشاره و توجه قرار گرفته است که به آن اشاره می‌شود.

عراقی‌ها در طرح‌ریزی، هدف‌گذاری و سازمان‌دهی تجاوز به ایران، اساساً به تحولات سیاسی در داخل کشور به ویژه استان خوزستان نظر داشتند، و در ارزیابی توان نظامی ایران،

* بر اساس نظریه سرلشکر محسن رضایی با عنوان "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق" در دوره عالی جنگ، در سال ۱۳۷۴ تنظیم شده است؛ به

نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

* خط آبی، حد نهایی منطقی‌ای بود که عراق توانست تا آنجا پیشروی کند؛ به نقشه صفحه مقابل نگاه کنید.

امکان هرگونه مقاومت مؤثر را غیر عملی می‌دانستند. بنابراین، با بررسی رخدادها و واکنش‌هایی که در پی تجاوز به ایران صورت گرفت، می‌توان دریافت که محاسبات عراق از

نقشه هجوم سراسری عراق در آغاز جنگ

اوضاع داخلی و میزان مقاومت نیروهای نظامی ایران در هم ریخت و همین امر مرکز ثقل و نقطه آغاز ناکامی عراق بود. در واقع، قدرت اولیه تهاجمی عراق در برابر بسیج نیروهای انقلابی و مردمی به سمت جبهه‌ها، رنگ باخت و استراتژی تهاجمی ارتش عراق در خرمشهر و آبادان عملاً با شکست روبه‌رو شد. به گونه‌ای که ارتش عراق که برای اشغال خرمشهر تنها تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را در نظر گرفته بود، ناچار شد به تدریج نزدیک به دو لشکر نیروی نظامی به خرمشهر گسیل کند. علاوه بر این، در سایر زمینه‌ها نیز عراق دچار اشتباهاتی شد که گذرا به آنها اشاره می‌شود:

۱- نخستین اشتباه عراق، اتخاذ استراتژی "جنگ محدود" بود که اساساً برای دستیابی به صلح کارآمد است نه برای تسلیم قطعی دشمن که در جنگ عمومی و قطعی طرح‌ریزی می‌شود، به همین دلیل عراق برای تأمین مقاصد سیاسی و اهداف نظامی خود - که پیش از این برشمرده شد - لزوماً به جنگ عمومی و قطعی نیاز داشت و یا در صورت فراهم نبودن امکان چنین جنگی می‌بایست از جنگ خودداری می‌کرد.

۲- میان تدابیر تدارک نظامی عراق (سازمان، امکانات و طرح‌های نظامی) و مقاصد سیاسی و اهداف نظامی‌اش ارتباط منطقی وجود نداشت* و بدین‌خاطر در تقسیم و تخصیص نیروهای خود در مناطق مختلف دچار اشتباه شد مانند تلاش عراق در اختصاص دادن پنج لشکر برای تأمین بغداد در جبهه میانی که موجب زمین‌گیر شدن این لشکرها شد؛ در این باره به نظر می‌رسد عراقی‌ها با دو مشکل روبه‌رو بودند: نخست این که برای کلیه محورهایی که به بغداد و منطقه عمومی آن ختم می‌شد، باید نیروی احتیاط در نظر می‌گرفتند و مرز شرقی خود را از مهران تا قصرشیرین عمق می‌بخشیدند. این مسئله سبب شد، بخشی از ارتش عراق در جبهه میانی زمین‌گیر شود. همچنین، ارتش عراق می‌بایست کلیه محورهایی را که به کرکوک منتهی می‌شد (مانند نوسود - حلبچه - مریوان - پنجوین) مسدود کرده و از تعرض احتمالی معارضان به این مناطق جلوگیری می‌کرد، در نتیجه، به ناچار بخش دیگری از نیروهای ارتش عراق در این مناطق آرایش گرفتند. بدین ترتیب، عراق برای تأمین منطقه جنوب - که تمام اهداف این کشور را در بر می‌گرفت - تنها پنج لشکر در اختیار داشت که تحت امر سپاه سوم می‌بایست از مهران تا شلمچه و از معابر وصولی وارد

* این عارضه عمدتاً متأثر از درک غلط از اوضاع داخلی ایران به وسیله عراق و نیز تأثیرپذیری این کشور از ملاحظات سیاسی به ویژه خواسته‌های

عمل می‌شدند که این استعداد با مأموریت مورد نظر تناسبی نداشت.

۳- نداشتن تجربه عملیاتی و تاکتیکی سبب شده بود، حرکات ارتش عراق کند، ناهماهنگ و ارتباطات آن بسیار ضعیف باشد.^(۱۱)

۴- عراق در محاسبات نظامی خود نیروهای سپاه پاسداران و مقاومت مردمی را در نظر نگرفته بود اما حضور این نیروها و مقاومت مردمی منجر به گشایش جبهه‌های جدیدی شد که برای عراقی‌ها قابل پیش‌بینی نبود، به همین دلیل نیروهایی را که برای اهداف دیگری در نظر گرفته بودند، به این درگیری‌ها اختصاص دادند و همین مسئله منجر به کاهش توان ارتش عراق شد.^(۱۲)

۵- توقف ارتش در حال پیشروی عراق، عدم درک اهمیت سرعت مانور، عدم برخورداری از فرماندهی مؤثر نظامی برای هماهنگی عملیات زمینی، هوایی و دریایی و عدم بهره‌برداری از موفقیت‌های اولیه به ویژه در روزهای نخست جنگ، بخش دیگری از اشتباهات عراق بود. در نتیجه پیش‌فرض‌های نادرست عراق، ناتوانی نظامی، عدم تجربه عملیاتی به اضافه تردید در تصمیم‌گیری* و نیز پیش‌بینی نکردن مقاومت مردمی در ایران، زمینه‌های کندی و ناهم‌آهنگی در پیشروی اولیه نیروهای عراق در خاک ایران و سرانجام ناکامی آن ارتش را فراهم ساخت.

واکنش ایران در برابر تهاجم عراق

واکنش سیاسی ایران

فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی - به ویژه پس از تصرف لانه جاسوسی - این درک و باور را به وجود آورده بود که امریکا بر اقدامات خصومت‌آمیز خود بر ضد ایران انقلابی خواهد افزود، به همین دلیل، امام خمینی در دیدار با

* صدام بعدها در مصاحبه با روزنامه اشپیگل چاپ آلمان درباره مشکلات عراق به هنگام تصمیم‌گیری گفت: <بیشتر اوقات ما به هنگام اتخاذ تصمیم دچار مشکلاتی هستیم که آیا باید به پیشروی ادامه دهیم یا نه؟ چقدر و چرا؟> همچنین یک عضو حزب بعث در سال ۱۹۸۱ میلادی مطالبی را بیان کرد که حائز اهمیت است. وی گفته بود: <صدام به تنهایی علی‌رغم توصیه‌های مقامات بلندپایه حزب بعث و افسران نظامی، اصرار داشت هدف‌های نظامی عراق در جنگ با ایران محدود باشد.>

(بولتن ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، مقاله "عراق جناح شرقی دنیای عرب"، مؤسسه بروکینگز، ۱۹۸۴)

فرماندهان سپاه ضرورت هوشیاری و اجتناب از غفلت در برابر امریکا را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند: "قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید."^(۱۳)

در پی تشدید تحرکات مرزی عراق و مداخله این کشور در امور ایران، وقوع یک بحران نظامی و جنگ احتمالی در چارچوب منافع امریکا و غرب بر ضد ایران قابل پیش‌بینی بود. بر همین اساس، بلافاصله پس از آغاز تهاجم عراق، امام خمینی تجاوز عراق را بهای مخالفت ایران با امریکا خواندند.^(۱۴) افزون بر این، به دلیل ماهیت دینی انقلاب، امام، تهاجم عراق و دفاع ایران را به منزله جنگ کفر با اسلام ارزیابی کردند.^(۱۵) تلقی مردم و مسئولان از ماهیت تجاوز عراق منجر به ظهور واکنش گسترده در آنها برای مقابله با دشمن، با هدف دفاع از انقلاب و اسلام در برابر تهاجم همه‌جانبه جبهه کفر و استکبار، شد. پیدایش وضعیت جدید دو نتیجه مهم در پی داشت: نخست آن که "مقاومت و دفاع مردمی و همه‌جانبه" شکل گرفت؛ دوم، "راه هرگونه مصالحه و سازش" بسته شد. نتیجه اول، عملاً عراق را در نخستین گام‌های تجاوز با ناکامی مواجه ساخت و روند تثبیت نظام با ایجاد انسجام درونی آغاز شد. نتیجه دوم سبب شد، امیدواری لیبرال‌ها برای مذاکره و پیمودن راه سازش با عراق و امریکا کم رنگ شده و از میان برود؛ به همین دلیل در عمل این جریان به رهبری بنی‌صدر ابتکار عمل برای مذاکره سیاسی را از دست داد. در عین حال بنی‌صدر به عنوان نخستین و تنها فردی که به راه‌حل مذاکره تأکید می‌کرد، تنها ۲۴ ساعت پس از تجاوز عراق طی سخنانی گفت: "اگر مسئله، قرارداد الجزایر است، که می‌شود مذاکره کرد."^(۱۶)

تأثیرات جنگ در کشور و موضع‌گیری و اقدامات امام، مردم و مسئولان سبب شد که بر خلاف تصور امریکا و عراق - که ایران را در صورت شروع جنگ شکست خورده ارزیابی می‌کردند - روند جدیدی با رهبری امام و حضور مردم در صحنه جنگ و انقلاب آغاز شود که نتیجه آن، تحکیم انسجام و وحدت در میان قشرهای مختلف و افزایش حمایت از نظام جمهوری اسلامی و عقیم ساختن اهداف دشمنان بود.

واکنش نظامی ایران

بررسی واکنش نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم عراق از آن جهت مهم و ضروری است که این بررسی می‌تواند، "ارزیابی دولت عراق از توان نظامی ایران" و نقش آن در تصمیم‌گیری برای تهاجم به ایران و همچنین "عوامل مؤثر بر ناکامی و شکست عراق" را روشن سازد.

از فروردین تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ مرزهای ایران به‌طور مکرر مورد تجاوز نیروهای عراقی قرار گرفت ولی نیروهای نظامی ایران هرگز واکنش مناسب و قاطعی از خود نشان ندادند* و همین مسئله، عراقی‌ها را در اقدام به تجاوز و امیدواری برای دستیابی به پیروزی سریع و آسان تشویق کرد. ارزیابی‌های رسانه‌های خارجی و کارشناسان و تحلیل‌گران نیز با برداشت‌های دولت عراق از وضعیت نظامی ایران مطابقت و هم‌سوئی داشت.

با این ملاحظه کلی، دو سؤال اساسی مطرح می‌شود: اول، علت ناتوانی نیروهای نظامی ایران برای بازدارندگی عراق از تهاجم به ایران چه بود؟ دوم، اگر نیروهای نظامی ضعف و کاستی‌های اساسی داشتند، پس چه عواملی منجر به ناکامی عراق شد؟

تاکنون در بررسی‌های انجام شده، کمتر به نقش نیروهای نظامی در بازدارندگی عراق اشاره شده است، تیمسار صیادشیرازی** جانشین وقت رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز در مورد وضعیت ارتش توضیحاتی را ارائه می‌کند که در روشن شدن این بحث بسیار مفید است. وی می‌گوید:

«تصور کنید ارتشی مضمحل را که سران خیانت‌کار آن یا دستگیر انقلاب گردیده و محاکمه و اعدام شده‌اند و یا راه هزیمت در پیش گرفته و پناه به بیگانه برده‌اند. سراسر کشور در تب یک جنگ ویرانگر می‌سوخند و پس از آن، کرانه‌های غربی وطن، ناجوانمردانه توسط جمعی خودفروخته اشغال گردیده بود، سستی و رخوت مضاعف درون ارتشیان موج می‌زد و تجربه تلخ گزینش اولین رئیس‌جمهوری نااهل انقلاب این سستی را تشدید می‌کرد.

آیا ارتش با رهبری یک روحانی قادر به انجام دادن وظیفه و [به دست آوردن] پیروزی خواهد بود؟ این کلام یاران ارتشی ما بود که از جو آتش‌زای ایام نخست جنگ نشأت [می‌آ گرفت]»^(۱۷)

جانشین وقت رئیس ستاد مشترک ارتش (تیمسار آراسته) نیز در توضیح اقدامات ارتش،

طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان، مراحل آن را چنین ذکر کرد:

«۱- مرحله نخست، سد کردن و متوقف کردن دشمن و اجرای عملیات چریکی.

* برابر مندرجات کتاب "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس" از انتشارات سازمان سیاسی - عقیدتی ارتش، جلد اول،

نبردهای غرب دزفول، با وجود این که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹ نیروهای ارتش به مرز اعزام شدند، لیکن در خرداد همان سال با این توجیه که "تهدید برطرف شده است"، نیروهای لشکر ۹۲ به پادگان مراجعت کردند و یک ماه بعد کودتای نوزده سازمان‌دهی و اجرا شد.

** تیمسار علی صیادشیرازی در فروردین ۱۳۷۸ به وسیله سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به شهادت رسید.

۲- مرحله دوم، اجرای تک‌های محدود* به‌منظور ضربه‌زدن و انهدام نیروهای دشمن و خسته و فرسوده نمودن متجاوز که با شش عملیات تا قبل از سال ۱۳۶۰ عملی شد.

۳- مرحله سوم که عملیات تهاجمی گسترده در سرتاسر جبهه بود و با کمک سپاه پاسداران و بسیج مردمی و یا به تنهایی عملی گردید...»^(۱۸)

بدون تردید - چنان‌که در این اظهارات آمده است - نیروهای نظامی فاقد آمادگی و توانایی لازم برای "بازدارندگی" و مقابله مؤثر در برابر پیشروی ارتش عراق به عمق مناطق مرزی بودند. در این زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای (نماینده وقت حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع) فرمودند:

«روزهای اول مرتب خبر می‌رسید که عراقی‌ها فلان جا را گرفتند و تا فلان جا پیشروی کرده‌اند و این قدر نیرو آورده‌اند یا فلان شهر تهدید می‌شود و از جمله شهرهایی که به شدت تهدید می‌شد، دزفول بود. در حالی که ما آن جا نیرو کم داشتیم و وقتی هم به فرماندهان ارتش می‌گفتیم، می‌گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو و تجهیزات هر دو را با هم نداریم و راست هم بود، به این معنا که آمادگی‌های لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم ولی از کار افتاده بود و مهمات زیادی داشتیم که اینها از وجودش خبر نداشتند، افراد زیادی هم داشتیم که اینها در پادگان‌ها حضور نداشتند و لذا وضعیت خیلی بد بود.»^(۱۹)

بعدها، با تشدید درگیری‌های سیاسی در داخل کشور، بنی‌صدر - با وجود آن‌که فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت - تلاش می‌کرد، با سلب مسئولیت از خود، نیروهای خط امام را در وضعیت به وجود آمده مقصر نشان دهد. آیت‌الله خامنه‌ای در همان زمان در نماز جمعه تهران خطاب به بنی‌صدر فرمودند:

«نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید،** چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانستند مقاومت کنند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۱۳۵۸ به

* از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا پیش از پایان همین سال، سلسله تلاش‌هایی که ارتش و به فرماندهی بنی‌صدر انجام داد، گسترده و با هدف آزادسازی مناطق اشغالی بود؛ فی‌المثل بنابر مندرجات مجموعه پنج جلدی منتشره از سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، عملیات ۲۳ مهر با هدف آزادسازی منطقه غرب کرخه بود؛ عملیات سوم آبان با هدف شکستن محاصره آبادان؛ عملیات ۱۶ دی‌ماه در هویزه با هدف آزادسازی منطقه غرب کارون و خرمشهر بود و عملیات ۲۰ دی‌ماه با هدف شکستن محاصره آبادان انجام گرفت. بنابر این، مشخص نیست به چه دلیل این عملیات‌ها محدود ذکر شده است.

** بنی‌صدر در بهمن ۱۳۵۸ با رأی مردم رئیس‌جمهور و در اسفند همان سال به دستور امام خمینی به فرماندهی کل قوا منصوب شد.

فرماندهی کل قوا برگزید. در اول مهر ماه ۱۳۵۹، یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوا [ای] شما، جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید؟ چرا نظامیان را آموزش ندادید؟ آیا اینها را چه کسی می‌بایست انجام می‌داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار می‌شود، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟ وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سر و سامان نداده‌اید؟ می‌گوید: "چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند." منظور ایشان دادگاه‌های انقلاب و ارتش است. چون افراد متهم به کودتا را دست‌گیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا بشود و کودتاچیان آزاد گردند و دست‌گیر نشوند!^(۲۰)

این مسائل نشان می‌داد که ارتش آمادگی لازم را برای دستیابی به "بازدارندگی" در برابر عراق و نیز توان "مقابله مؤثر" را پس از تهاجم آن کشور نداشت. در عین حال، رخدادهایی که در پی تهاجم عراق به ایران پدید آمد، تمام سیاست‌های عراق را در هم ریخت و نیروهای متجاوز با ناکامی و شکست مواجه شدند.

الف - استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران

طرح هرگونه مبحث دفاعی و نظامی و تبیین استراتژی دفاعی اساساً بر پایه تجزیه و تحلیل تهدیدات داخلی و خارجی انجام می‌پذیرد. این مهم، هیچ‌گاه پیش از پیروزی انقلاب در درون سلسله مراتب نظامی ایران انجام نشد، زیرا امریکایی‌ها ضمن تعیین تهدیدات، راه‌های مقابله با آن را نیز به سیستم سیاسی - نظامی ایران دیکته می‌کردند و این روش، مانع از شکل‌گیری این‌گونه مباحث در میان نیروهای نظامی ایران می‌شد. بنابراین، دستیابی به مفاهیم روشن و مدون در این زمینه دور از انتظار بود. با این حال، به نظر می‌رسد که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش ایران استراتژی دفاعی خود را در برابر عراق بر پایه سه راه‌کار تنظیم کرده بود. در کتاب "دفاع مقدس" از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع چنین اشاره شده است:

> توجه به درگیری‌های ایران و عراق قبل از بیانیه الجزایر که مدت شش سال - از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ - طول کشید، دفاع در منطقه خرمشهر و محور شمالی آن مهم‌ترین موضوعی بود که فکر فرماندهان نظامی وقت را به خود معطوف کرده و در راه حصول به این هدف پس از دو سال بررسی و تفحص، سه راه‌کار برای این منظور پیش‌بینی گردید که اولین و بهترین راه‌حل، پیشدستی در تک در صورت خطر جدی ارتش عراق و تصرف کرانه شرقی دجله و متکی کردن پدافند این منطقه به رودخانه دجله بود. دومین راه‌کار، ایجاد استحکامات صحرائی در منطقه

مرزی و استقرار نیروی تأمین کافی در خط مرز و پیش‌بینی قدرت رزمی کافی برای عکس‌العمل سریع. سومین راه‌کار، دفاع و عمل تأخیری در منطقه خوزستان تا خط رودخانه کرخه و کارون و وارد شدن به خاک عراق و وارد کردن ضربت قاطع در منطقه کرمانشاه در روی محور قصرشیرین - خانقین - بغداد و تهدید پایتخت عراق بود.^(۲۱)

پس از انقلاب اسلامی و در پی تشدید درگیری در مرز ایران و عراق و با وجود تحولاتی که در "تغییر ماهیت تهدید" و "مقدورات" به وجود آمده بود، در طرح پدافندی "حر" - مستند به طرح عملیاتی "ابوذر" که در خرداد ۱۳۵۹ ابلاغ شده بود - درباره مأموریت لشکر ۹۲ به عنوان یگانی که مسئولیت سراسر منطقه خوزستان را به عهده داشت، چنین آمده است:

>الف- در منطقه مربوطه دفاع کنید.

ب - پیشروی را در جنوب اهواز در مناسب‌ترین مواضع (در محور شلمچه حتی‌المقدور در غرب نهر عرایض و در شمال این نهر در غرب جاده اهواز - خرمشهر) سد کنید.
پ - آماده باشید، پس از ورود لشکر ۱۶ به منطقه دزفول، با هماهنگی آن لشکر در منطقه اهواز و خرمشهر آفند متقابل نمایید.^(۲۲)

در این طرح، مأموریت لشکر ۸۱ چنین تعیین شده است:

>الف- مرحله یکم، لشکر ۸۱ زرهی با اعزام عناصر تأمینی حرکت متجاوز را در زمین‌های بلافصل مرز به تأخیر اندازد.

ب - مرحله دوم: پس از عقب‌نشینی عناصر تأمینی، در منطقه دفاع نموده و پیشروی دشمن را در مواضع سدکننده پیش‌بینی شده متوقف نماید.

ج - مرحله سوم: آماده می‌شود، بنا به دستور در محور عمومی قصرشیرین - خسروی - خانقین - بغداد آفند متقابل نموده و نیروهای متجاوز را نابود سازد.^(۲۳)

چنان‌که مشخص است، این طرح و مأموریت‌های ابلاغ شده، تناسبی با شرایط آن زمان نداشت و بیشتر برگرفته از طرح‌های پدافندی و آفندی گذشته بود. ضمن این‌که طرح عملیاتی ابوذر در موقعیتی تدوین و ابلاغ شد که با وجود استقرار یگان‌های ارتش در مرز، نیروی زمینی ارتش بر اساس برآورد خود حمله همه‌جانبه ارتش عراق را در آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌کرد، به همین دلیل، دستور بازگشت یگان‌ها را به پادگان‌ها ابلاغ کرد.^(۲۴)

این دستور نشان‌دهنده عدم درک درست از ماهیت تهدید و طرح "ابوذر" نیز مبین عدم درک صحیح از دشمن، توانایی‌ها، نحوه سازمان‌دهی و به‌کارگیری آن بود. ارزیابی طرح ابوذر

در کتاب منتشره "ارتش جمهوری اسلامی ایران" به خوبی این موضوع را روشن کرده است:
>اصولاً یگان‌های نیروی زمینی، تقریباً هیچ کدام در شرایطی از توان رزمی و استعداد پرسنلی و لجستیکی نبودند که قادر به اجرای عملیات آفندی مستقل باشند، و نیروی زمینی نیز فاقد امکانات لازم برای ترابری و جابه‌جایی یگان‌های عمده و انجام تمرکزات پیش‌بینی شده در طرح عملیاتی ابوذر بود.<^(۲۵)

بنابراین، استراتژی دفاعی ارتش ایران، مبانی و انسجام لازم را برای پاسخ‌گویی به تهدید عراق نداشت و به همین دلیل، در صحنه عمل در بازدارندگی و دفع تهاجم دشمن و جلوگیری از اشغال و محاصره شهرها و خاک مقدس جمهوری اسلامی موفق نبود.

(ب) آرایش دفاعی ارتش ایران*

ارتش در استراتژی خود برای دفاع از خوزستان، دو لشکر زرهی و یک تیپ پیاده در نظر گرفته بود. لشکر ۹۲ زرهی "مأموریت سرزمینی" دفاع در خوزستان را بر عهده داشت و لشکر ۱۶ زرهی با استقرار در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری منطقه، به عنوان نیروی عمل‌کننده و کمک‌کننده به لشکر ۹۲ مورد نظر بود. یک تیپ پیاده نیز برای منطقه مرزی جنوب استان ایلام، - از مهران تا دهانه فاو - مسافتی نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر را پوشش می‌داد.**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود مشاهده تحرکات عراق در مرز و شهرهای مرزی، هیچ تغییری در استراتژی نظامی و آرایش دفاعی ایران، انجام نگرفت.*** از نیمه دوم فروردین ۱۳۵۹، پس از تمرکز نیروهای عراقی در مرز، ارتش به تدریج به جابه‌جایی پرداخت؛ تا اواخر اردیبهشت لشکر ۹۲ و تیپ ۳۷ زرهی شیراز**** و گروه‌های ۲۲ و ۵۵ توپخانه در مناطق عملیاتی مستقر شدند. نیروهای لشکر ۹۲ در سه منطقه اصلی تمرکز یافتند:

۱- منطقه عملیاتی دزفول و شوش با تیپ ۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ و

* تمامی مباحث این بخش از منابع منتشر شده به وسیله ارتش جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است.

** مشخص نیست منظور از یک تیپ پیاده از مهران تا دهانه فاو - کدام تیپ است؟ زیرا اگر منظور، تیپ ۸۴ خرم آباد باشد، مأموریت و گسترش این

تیپ از مهران تا دهلران بود نه از مهران تا دهانه فاو. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر)

*** البته برابر گزارش‌های مندرج در کتاب "ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول" (از انتشارات سازمان عقیدتی -

سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۱) در خرداد سال ۱۳۵۹ طرح عملیاتی ابوذر توسط نیروی زمینی ارتش تهیه و ابلاغ شد. در این

طرح مأموریت دفاعی یگان‌ها مشخص شده بود لیکن تغییری اساسی در تفکر نظامی و دفاعی حاصل نشده بود. این طرح بیشتر ابلاغ دستور عملیاتی

به یگان‌ها بود.

**** سرهنگ رامین فرمانده اسبق تیپ ۳۷ زرهی در مصاحبه خود در این باره به گسترش تیپ ۲۷ شیراز در منطقه یاد شده اشاره نکرده است.

گردان‌های توپخانه.

- ۲- منطقه عملیاتی غرب اهواز شامل سوسنگرد و بستان با تیپ ۳ زرهی و در منطقه جنوب غربی اهواز، تیپ ۱ زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی*.
- ۳- منطقه خرمشهر با یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه. ضمن این‌که گردان ۱۵۱ دژ نیز در خرمشهر مستقر بود.

در اواخر خرداد ۱۳۵۹ با وجود آرایش دفاعی یاد شده، برخی از فرماندهان ارتش در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیدند که عراق در آینده نزدیک حمله نخواهد کرد** و این موضوع را به ارتش اعلام کردند. به همین دلیل بخشی از توان تیپ ۳۷ به شیراز بازگردانده شد و لشکر ۹۲ زرهی نیز با استقرار نیروی پوشش در مرز، به پادگان بازگشت. رژیم بعثی در دهه دوم تیرماه - به دلیل نقشی که در کودتای نوژه داشت و هماهنگ با عناصر کودتاگر و برای تمرکز توجهات به مرز - حملات خود را در بخشی از مناطق مرزی تشدید کرد. این حملات در مردادماه، با افزایش تمرکز نیروهای عراقی در مرز شدت گرفت. با وجود تحولات نظامی در مرز طی شش ماهه نخست سال ۱۳۵۹، سرانجام در ۱۵ شهریور این سال و تنها پنج روز قبل از آغاز غیررسمی جنگ و ۱۵ روز قبل از آغاز رسمی سراسری جنگ، نیروی زمینی ارتش یک طرح پدافندی برای یگان‌ها ارسال کرد. در این طرح نیز هیچ‌گونه دستوری برای تغییر مکان یگان‌ها صادر نشده بود و تنها، دفاع از مناطق مرزی به همان لشکرهای مستقر در مناطق پادگانی نزدیک منطقه محول شده بود. در ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی با استنباط از تحركات نیروهای عراقی، حمله آنها به خوزستان را قطعی دانسته*** و دستور آماده‌باش را صادر کرد.^(۲۶)

* این یگان‌ها را دو گردان از لشکر ۲۱ حمزه همراهی می‌کردند. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر)

** به نظر می‌رسد این تحلیل بیش از آن‌که بر مبنای درک صحیح از اوضاع سیاسی و نظامی حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و عراق باشد، به لحاظ طرح‌ریزی کودتا در ارتش بود که شاخه جنوب آن در لشکر ۹۲ زرهی فعالیت داشت.

*** سردار رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران درباره احتمال حمله عراق و بی‌توجهی بنی‌صدر اظهار داشت: <در آن زمان، من فرمانده سپاه در کردستان بودم و به ارتفاعات قصرشیرین که مشرف به خاک عراق می‌باشد، رفته بودم. لشکر مکانیزه دشمن در مرزهایمان مستقر شده بود. فرماندهان سپاه نیز در جلسه شورای عالی دفاع به بنی‌صدر اعلام کردند که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند ولی جوابی که بنی‌صدر به آنها داد این بود که شما پاسداران اصلاً می‌فهمید جنگ چگونه آغاز می‌شود؟ به زعم او بایستی روابط جهانی و بین‌المللی بین قدرت‌های بزرگ بر هم بخورد و موازنه سیاسی از بین برود و غیره. بالاخره با یک تحلیل سیاسی این مسئله را رد کرد و بعد هم در مه‌ران طی یک مصاحبه رادیو - تلویزیونی خطاب به مردم گفت، شایع است که جنگ می‌خواهد شروع شود ولی من الان در مه‌ران هستم و هیچ خبری نیست!>

نقشه آرایش دفاعی ارتش جمهوری اسلامی و ارتش
عراق در آغاز جنگ

به دلیل عدم درک و تجزیه و تحلیل صحیح از تهدیدات، توان موجود ارتش به گونه‌ای مناسب سازمان‌دهی و هدایت نشد و همین امر منجر به تأخیر در ورود بخشی از نیروهای ارتش از جمله لشکر ۷۷ و لشکر ۱۶ به منطقه درگیری شد که نشان‌دهنده عقب‌ماندگی ایران در برابر عراق بود.

در مجموع، آرایش دفاعی ایران در پایان شهریور به شرح زیر بود:

منطقه شمال غرب: لشکرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج با ضدانقلاب درگیر بودند و هیچ نیروی پدافندکننده‌ای در مرز استقرار نداشت.^{*} در ضمن، عناصری از لشکرهای ۹۲ زرهی، ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و عناصری از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و نیروهای ویژه هوآبرد و تیپ ۵۵ نیز در اختیار این لشکرها قرار داشتند.^{**}

منطقه غرب: لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد در این منطقه مستقر بودند. تعدادی از یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی نیز مسئولیت درگیری با ضدانقلاب را داشتند. منطقه جنوب: لشکر ۹۲ زرهی تقویت‌شده با تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۱۵۱ دژ، گردان تانک لشکر ۸۸ زرهی و یک گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱، یک گردان پیاده و یک گردان تانک از لشکر ۷۷ و عناصر ناحیه ژاندارمری خوزستان و پایگاه دریایی خرمشهر و عناصری از گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه، مسئولیت پدافند از منطقه خوزستان را بر عهده داشتند.

ارزیابی واکنش دفاعی ایران

واکنش اولیه نظامی ایران در برابر عراق، بیشتر، حملات گسترده هوایی به شهرهای عراق و درگیری در دریا بود که در مقایسه با واکنش زمینی، تا اندازه‌ای برجسته می‌نمود و این درک و تصور را به وجود آورد که استراتژی جنگی ایران، "جنگ عمومی" است. این باور اساساً متأثر از نحوه سازمان‌دهی حملات هوایی و دریایی ایران به مراکز استراتژیک عراق در ۲۴ ساعت اول بود. در هر صورت، واکنش اولیه ایران سبب شد، کلیه تحلیل‌های موجود درباره ناتوانی نظامی ایران تغییر کند.

* صحت این اطلاعات مورد تردید است زیرا تنها بخشی از توان لشکرهای ۶۴ و ۲۸ با ضدانقلاب درگیر بود و بقیه توان لشکر روی سلسله ارتفاعات

مرزی استقرار یافته بود. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر)

** با توجه به اسنادی که در این زمینه وجود دارد، در صحت این آمار تردید هست.

نیروی زمینی به دلیل کاهش نیروی انسانی، دچار ضعف و سستی بود* و نظر به این که سرنوشت جنگ در زمین تعیین می‌شود و نقطه برتری عراق نیز در جنگ زمینی بود، لذا مرور - هر چند اجمالی - عملکرد نیروی زمینی ارتش در منطقه جنوب، با استناد به گزارش منتشره از نیروی زمینی ارتش،** ضروری است.

بنابر گزارش‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی همراه با تیپ زرهی ۳۷ شیراز در غرب رودخانه کرخه در مجموع هفت روز مقاومت کردند.*** نیروهای تیپ ۳۷ شیراز در این مقاومت نقش برجسته‌ای داشتند، به گونه‌ای که اسرای دشمن نیز به آن اعتراف کردند. تأخیر در انتقال لشکر ۱۶ زرهی قزوین یکی از مسائل مهم در عدم مقابله مؤثر با پیشروی دشمن بود.

تیپ ۳ از لشکر ۹۲ که در منطقه "الله‌اکبر" استقرار داشت تنها یک روز در برابر دشمن مقاومت کرد و در روز دوم سازمان تیپ عملاً متلاشی شد. افراد این تیپ در مجموع سه روز در پدافند فعال شرکت داشتند. پیشروی نیروهای دشمن در هفته اول جنگ به سمت اهواز - که با شبیخون برادران سپاه به فرماندهی شهید غیور اصلی**** مجبور به عقب‌نشینی شده بودند - پس از متلاشی شدن سازمان این تیپ انجام گرفت.

تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی در منطقه حسینییه (کیلومتر ۲۵ در شمال خرمشهر) مستقر

* آقای هاشمی رفسنجانی در کنفرانس بین‌المللی "دفاع و تجاوز" در این زمینه می‌گوید: <با از بین رفتن رژیم سابق، ارتش ایران که توسط کارشناسان و مستشاران امریکایی و انگلیسی آموزش می‌دید و هدایت می‌شد، مدیریت خود را از دست داد و تخصص‌های بالایی که در ارتش وجود داشت، در ایران هنوز آماده بهره‌برداری نبود. علاوه بر این، بسیاری از سران ارتش خود از مهره‌های امریکا و ضدانقلاب بودند. بنابراین، با وجود امکانات فراوان در ایران، این امکانات برای مردم و انقلاب به صورت نقد و آماده بهره‌برداری نبود، در حالی که همه عوامل برای عراق آماده بود. در ایران به زمان نیاز داشتیم تا انقلاب و نیروهای مخلص ارتش که طبقات پایین‌تر و پیکره اصلی ارتش بودند، بتوانند بر اوضاع مسلط شوند. ما هنوز مشغول تصفیه ارتش بودیم. افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنان مجبوس بودند و جای کارشناسان امریکایی را که از ایران رفته بودند، کسی نگرفته بود. تعداد زیادی از قراردادهای تسلیحاتی که مکمل قدرت ارتش بود، در همان روزهای قبل از انقلاب توسط بختیار لغو شده بود و بسیاری از امکانات بدون پشتیبانی مانده بود و نیروی نظامی دیگری نیز هنوز در ایران شکل نگرفته بود.>

(دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد اول، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۴۶)

** نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گزارشی را تحت عنوان "دفاع مقدس" در اسفند ۱۳۷۱ منتشر کرد که در این بحث مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

*** البته اسرای دشمن اظهار می‌دارند ظرف چهار روز به ساحل رودخانه کرخه رسیدند.

**** شهید غیور اصلی از برادران ارتش بود که به سپاه پیوست و مسئولیت آموزش سپاه خوزستان را بر عهده گرفت.

بود. گردان ۱۵۱ دژ و همچنین نیروهای منطقه ۳ دریایی خرمشهر نیز در این محور در منطقه مأموریتی خود استقرار داشتند. نیروهای دشمن در این محور با عبور از کیلومتر ۲۵ (حسینیه، در روز سوم مهر نیروهای خودی را عقب راندند و به این ترتیب، خرمشهر از شمال محاصره شد. نیروهای دشمن همچنین از منطقه جنوب غربی به سمت اهواز پیشروی کردند که سرانجام در منطقه "نورد" متوقف شدند. بنابر این گزارش، یگان‌های تحت امر لشکر ۹۲ زرهی حداقل یک روز و حداکثر شش روز مقاومت کردند.

تلقی و درک نیروهای نظامی از اهداف دشمن، در واکنش نیروهای ایران تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت؛ فرمانده وقت نیروی زمینی بر این باور بود که هدف عراق تصرف گلوگاه خوزستان و استقرار در ارتفاعات شمال اندیمشک می‌باشد، لذا تمام تلاش نیروهای خودی به حفظ گلوگاه معطوف شد. شهید سرلشکر فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش نیز اعتقاد داشت، اهواز گلوگاه است و باید توان ارتش را برای حفظ آن متمرکز کرد. در این میان، خرمشهر و آبادان تقریباً از دست رفته تصور می‌شد، به ویژه این که نیروهای نظامی مشخصی جز گردان ۱۵۱ دژ و دو گردان زرهی و مکانیزه برای دفاع از منطقه اختصاص نیافته بود.

این نوع برداشت‌ها نشان‌دهنده نداشتن تصویری مشخص و یکسان از اهداف و تلاش اصلی دشمن در جنوب بود که در نتیجه، عدم اتخاذ تصمیم یکسان و واکنش مشخص برای رویارویی با دشمن را در پی داشت. این وضعیت، زمینه را برای تداوم پیشروی دشمن فراهم کرد. حال آن‌که در صورت درک اهداف و تلاش اصلی دشمن و عکس‌العمل مناسب، امکان ممانعت از پیشروی دشمن بهتر از آنچه انجام شد، امکان‌پذیر بود.

در مجموع، عدم آمادگی جنگی ایران به دلیل فقدان قرارگاه فرماندهی عملیات در مناطق مرزی و عدم استقرار کلیه یگان‌های نظامی در طول مرز، کاملاً آشکار بود. به عنوان مثال ایران هیچ‌گونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت و حتی اعلامیه‌های نظامی عراق حاکی از آن بود که ارتش عراق در یکی دو روز نخست جنگ با مقاومت چندانی روبه‌رو نشد. بنابراین، تمام شواهد نشان می‌داد، این عراق بود که با آمادگی لازم و به‌کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه‌جانبه‌ای را علیه ایران سازمان داد در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کافی نیز برخوردار نبود.^(۳۷)

با این حال، به نظر می‌رسد که آتش توپخانه و حملات هوایی نیروی هوایی ایران و نیز فعالیت هلی‌کوپترهای هوانیروز در پشتیبانی آتش و لجستیک، در مقایسه با تحرکات نیروی

زمینی ارتش از برجستگی خاصی برخوردار بودند، به گونه‌ای که علاوه بر اعتراف عراقی‌ها، رسانه‌های خارجی نیز بر این امر صحنه گذاشتند. نیروی دریایی ارتش ایران نیز به لحاظ برتری بالایی که در برابر عراق داشت با تحرکات آفندی در دریا، عملاً عرصه دریا را برای نیروهای عراقی به شدت محدود کرد. به ویژه عراق به دلیل محدودیت سواحلش در خلیج فارس قادر به حضور فعال در دریا نبود. این که نیروهای عراقی در مناطق مرزی ایران موفق به پیشروی شدند، نمایانگر وجود کاستی‌ها و نقص‌هایی^{**} در نیروی زمینی ارتش بود. در اینجا به چند نمونه از این ضعف‌ها اشاره می‌شود:

۱- در گذشته، استراتژی دفاعی ایران اساساً بر حمایت‌های نظامی، لجستیکی و مشاوره‌ای امریکایی‌ها متکی بود، به همین دلیل، با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از مدار سیاست‌ها و منافع غرب و نیز مبارزه با امریکا و همچنین تصفیه عناصر خائن در رأس ارتش، عملاً استراتژی پیشین کارآمدی لازم را از دست داد و در این فاصله (از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ)، استراتژی جدیدی نیز شکل نگرفت. این ضعف چنان اهمیتی داشت که نمی‌توان تأثیراتش را بر دست‌نیافتن تلاش‌های نظامی ایران به نتیجه‌ای مطلوب از جمله مقابله با پیشروی نیروهای عراقی نادیده گرفت.

۲- افزایش حملات هواپیماهای ارتش ایران به خاک عراق، به ویژه بغداد، انعکاس وسیعی داشت، ولی با توجه به پیشروی ستون‌های نظامی عراق در عمق سرزمین جمهوری اسلامی، عملاً بر پیشروی عراقی‌ها تأثیری نگذاشت. در واقع، حملات هوایی ایران هیچ ارتباطی با مقابله در برابر پیشروی نیروهای زمینی عراق و پشتیبانی از مقاومت نیروهای خودی در زمین نداشت، حال آن‌که در این زمینه - با توجه به ضعف‌های اولیه

* اسرای عراقی در اعترافات خود، حجم آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند. تلاش هلی کوپتر و وارد کردن تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق بویژه در محور عین‌خوش، امامزاده عباس و در گیلان‌غرب نیز مورد تأکید اسرا بود. همچنین روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۷/۱۷ به نقل از روزنامه لوماتن چاپ فرانسه در مورد نیروی هوایی می‌نویسد: «وزریدگی و هوشیاری نیروی هوایی ایران تعجب همگان را برانگیخته است.»

** سرلشکر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه می‌گوید: «ما برای دفاع از بخش‌های جنوبی خوزستان باید در شمال حسینیه متمرکز می‌شدیم تا در دو جبهه اهواز و خرمشهر بتوانیم دفاع کنیم. متأسفانه، تجزیه و تحلیل دقیقی از جنگ نداشتیم لذا در عین حالی که ارتش عراق در راه بود، همچنان آرایش ما به‌طور سنتی و با رعایت پوشش مرز بود تا با درک دقیق از اهداف عراق و احتمالات، بنابراین، نیروهای کلاسیک ما در گسترش عملیاتی و تاکتیکی دچار نقص و کاستی بودند و تلاش اصلی ارتش عراق را تشخیص ندادند، ضمن این‌که معابر را مسدود نکردند و از گسترش گردانی مناسب هم برخوردار نبودند. بنابراین، نیروهای کلاسیک در سطح استراتژی و سطوح عملیاتی و تاکتیکی دچار ضعف و کاستی بودند.»

نیروی هوایی ارتش عراق - نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می‌توانست تلفات بسیاری بر نیروهای عراق در میدان‌های نبرد وارد سازد.*

۳- با آن که از مدت‌ها پیش بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا فعالیت می‌کرد و اطلاعات نسبتاً فراوانی از احتمال تهاجم عراق در اختیار داشت، اما اقدام مناسبی در این زمینه انجام نداد. به همین دلیل با وجود آمادگی کشور برای مقابله و بسیج امکانات، فرماندهی و مدیریت به نحو مناسبی اجرا نشد.

۴- سرعت پیشروی اولیه عراقی‌ها در برخی از محورها نمایان‌گر عدم آمادگی برای مقابله با تهاجم دشمن بود، حال آن که ارتش عراق هرگاه با اندکی مقاومت روبه‌رو می‌شد، از شتاب و سرعت اولیه خود می‌کاست، در این خصوص؛ می‌توان از مقاومت تیپ ۳۷ زرهی شیراز در محور فکه یاد کرد که به دلیل اهمیتش حتی دشمن زبان به اعتراف گشود.

۵- ضعف آموزش نظامی و از هم‌پاشیدگی مدیریت کلان ارتش موجب شد که به تناسب امکانات و یگان‌های زرهی مستقر در منطقه جنوب کشور، مانور زرهی مناسب در برابر دشمن انجام نشود. حتی بعدها نیز این ضعف ادامه یافت تا آن جا که ارتش قصد کرد با ستون کردن تانک روی جاده ماهشهر - آبادان در هوای روشن دست به عملیات بزند که کمترین نتیجه آن، انهدام امکانات و تجهیزات نظامی بود!

۶- ناتوانی در اجرای اصول جنگ و روش‌های کلاسیک** به هنگام مقاومت در برابر نیروهای عراقی و بعدها در عملیات آفندی علیه ارتش عراق، بخش دیگری از ضعف‌های ارتش بود که ناکامی‌هایی را در پی داشت.

۷- استقرار نیروهای دشمن در مواضع نامناسب و توجیه نبودن آنها به منطقه، فرصت مناسبی را برای اجرای عملیات ایذایی در شب فراهم ساخته بود، اما این امر به هیچ‌وجه

* ویلیام اف‌هیگمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا در مقاله "ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی" از انتشارات مؤسسه مطالعات سیاست خارجی بروکینگز، در این باره معتقد است: <حملات نیروی هوایی به هدف‌های دور از مناطق درگیری به دلیل ارزش‌های سیاسی و روانی آن، تصمیم عاقلانه‌ای بود زیرا انجام دادن عملیاتی از قبیل پوشش هوایی برای نیروی زمینی به وجود هم‌آهنگی نیروها نیاز داشت و ایران در آن اوضاع فاقد آن بود.>

(ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱۲/۲۰)

** در این زمینه در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶۶ آمده است: <اصلاً "ارتش

جمهوری اسلامی در شرایطی با تجاوز عراق و ادامه آن روبه‌رو شد که اجرای برنامه‌های کلاسیک نظامی مقدور نبود.>

مورد توجه نیروهای کلاسیک قرار نگرفت و بیشتر این عملیات‌ها را نیروهای مردمی و انقلابی اجرا می‌کردند. عدم رویارویی با دشمن به شیوه چریکی به این دلیل بود که در آیین‌نامه‌های ترجمه شده از منابع ارتش امریکا، چنین عملیات‌هایی پیش‌بینی نشده بود و ارتش ایران نیز در این زمینه آموزش لازم را ندیده بود.

۸- کمبود نیرو و عدم سازمان‌دهی مناسب نیز به چشم می‌خورد؛ ارتش نه تنها روند تحولات نظامی دشمن را پس از انقلاب به درستی مورد توجه قرار نداد، بلکه توانایی لازم را نیز برای سازمان‌دهی نیروهای مردمی نداشت، لذا پس از شروع جنگ، نیروهای منقضی خدمت سال‌های قبل جذب شدند.^(۲۸) و البته با این تعداد نیرو (۸۰ هزار تن) امکان سازمان‌دهی پنج لشکر پیاده وجود داشت، لیکن اقدام مناسبی در این زمینه انجام نگرفت و تنها نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید چمران که در آبادان و سوسنگرد - الله‌اکبر و کرخه کور - مستقر بودند، از نظر لجستیک و فرماندهی تحت امر ارتش قرار گرفتند.

با این حال، ایران در برخی زمینه‌ها از برتری قابل توجهی در برابر عراق برخوردار بود. مانند عمق استراتژیک شهرهای ایران، وجود ارتش بزرگ و به جامانده از قبل که به سیستم‌های تسلیحاتی مدرن مجهز بود، وجود نیروهای مسلح نیمه آموزش دیده، وجود شور انقلابی که در تقویت روحیه نیروهای نظامی ایران بسیار مؤثر بود، در اختیار داشتن مقدار فراوانی تکنولوژی بسیار پیشرفته و وجود ذخایر نسبتاً مناسب ارزی که با افزایش قیمت نفت تا اندازه‌ای بهبود یافته بود.^(۲۹)

استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش‌های سپاه

عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در صحنه‌های مختلف اعم از مبارزه با گروهک‌ها و عناصر وابسته در داخل - از جمله در مناطقی همچون گنبد، کردستان، بلوچستان و خوزستان - و سپس مقاومت در برابر تجاوز عراق اساساً مبتنی بر درک و تلقی سپاه از ماهیت انقلاب اسلامی و ستیزه‌جویی همه‌جانبه قدرت‌های خارجی و ضدانقلاب داخلی با آن بود. سپاه با "روحیه شهادت‌طلبی" و "انسجام درونی" و "خلاقیت نظامی"، از قابلیت بسیاری برای مقابله با تهدیدات در صحنه‌های مختلف برخوردار بود. بیان امام خمینی در معرفی سپاه مبنی بر این که "اگر سپاه نبود کشور نبود." گویاترین عبارت در ترسیم نقش تعیین‌کننده سپاه در روند حوادث و تحولات انقلاب و جنگ است.

گرچه مأموریت مستقیم سپاه دفاع از مرزها نبود اما نیروهای سپاه پاسداران با توجه به ویژگی‌هایی که به آن اشاره شد، در کلیه محورهای جنگ به صورت مستقل و یا در کنار نیروهای ژاندارمری و ارتش حضور داشتند. حضور مؤثر سپاه در شهرها (به دلیل وضعیت بحرانی) و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب، موقعیت این نیرو را در وضعیت کاملاً مطلوبی قرار داده بود. به بیان دیگر، هرگاه وضعیت نامطلوبی در منطقه‌ای حاکم بود، به همان میزان سپاه از سازمان‌دهی و موقعیت مطلوب‌تری برای مقابله برخوردار می‌شد؛ به عنوان مثال در منطقه کردستان و یا در خوزستان به دلیل فعالیت عناصر ضدانقلاب و اقدامات ایذایی عناصر وابسته به عراق، نقش و موقعیت سپاه کاملاً برجسته بود. در منطقه جنوب، تحرکات گسترده ضدانقلاب در نقاط مختلف به ویژه در خرمشهر، سبب شد تا نیروهای سپاه با درکی که از ماهیت این تلاش‌ها و احتمال وقوع جنگ داشتند،* نیروهای مردمی را در این شهر برای مقابله با عناصر ضدانقلاب و تجاوزات احتمالی عراق، سازمان‌دهی کنند که تأثیرات این سازمان‌دهی در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر** در برابر دشمن آشکار شد.

البته تلاش‌هایی که امام خمینی پیش از این برای تشکیل بسیج و ایجاد آمادگی برای مقابله با تهاجم احتمالی امریکا یا عوامل وابسته به امریکا انجام دادند، بسیار با اهمیت بود و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مقاومت مردمی داشت؛ امام در پنجم آذر ۱۳۵۸ و تنها ۲۲ روز پس از اشغال لانه جاسوسی - با توجه به احتمال تهاجم نظامی امریکا به ایران - فرمان تشکیل بسیج با جذب، سازمان‌دهی، آموزش و به‌کارگیری نیروهای مردمی را صادر فرمودند. امام با این اقدام در نظر داشتند، ضمن کسب آمادگی برای رویارویی با هرگونه تجاوز نظامی، دشمنان را تهدید و از تهاجم بازدارند. ایشان در یکی از سخن‌رانی‌ها فرمودند:

> مهیا شدنمان هم طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که خیال هجمه دارند. دشمنان بترسند از قوه شما.< (۳۰)

* ۱۰ روز قبل از شروع جنگ، در مقر لشکر ۸۱ جلسه‌ای با حضور بنی‌صدر و فرماندهان نظامی تشکیل شد که شهید بروجردی نیز در آن حضور داشت. سردار رحیم صفوی می‌گوید: <ما در این جلسه گفتیم عراق می‌خواهد حمله کند و بنی‌صدر شروع کرد به قهقه زدن.> فرمانده وقت لشکر ۸۱ نیز گفت: <عراق جرأت می‌کند به ما حمله کند؟! ما توی دهن عراق می‌زنیم!>

(سردار رحیم صفوی، جلسه "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۲۲)

** البته با توجه به آغاز غیر رسمی جنگ در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ از مرز سلمچه که با مقاومت مردمی روبه‌رو شد و تا پایان سقوط خرمشهر ادامه داشت، در برخی نوشتارها این مقاومت ۴۴ روزه بیان شده است.

امام خمینی همچنین با توجه به تداوم توطئه علیه ایران، پس از حادثه طبرس فرمودند:

>سپاه ۲۰ میلیونی که خود را مجهز نموده‌اند، امروز برای فداکاری اسلامی مهیا باشند.<^(۳۱)

نه روز پیش از تهاجم سراسری عراق و در وضعیتی که درگیری در مناطق مرزی به گونه‌ای شدید و گسترده آغاز شده بود، امام فرمودند:

>ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازمان‌دهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است.<^(۳۲)

در آغاز جنگ علاوه بر ضعف نیروهای کلاسیک در مقابله با تهاجم گسترده دشمن، بسیج نیز به دلیل عدم انسجام و سازمان‌دهی نامناسب، نتوانست نقش اساسی در بازدارندگی ایفا کند، گرچه نیروهای مردمی به صورت پراکنده حضور داشتند. مهم‌ترین دلایل عدم کارایی اولیه بسیج از "فرماندهی نادرست" - که مورد حمایت بنی‌صدر بود - و "سازمان‌دهی نامناسب" ناشی می‌شد. با این حال در پی حمله دشمن و حضور نسبتاً فراگیر و گسترده مردم در جبهه‌ها* و "شکل‌گیری مقاومت مردمی"، مرحله جدیدی از حیات نظامی بسیج آغاز شد. در این مرحله، مقاومت مردمی اساساً در شهرها شکل گرفت و سبب شد که کلیه محاسبات عراق در هم ریخته و موجب تأخیر و ناهم‌آهنگی در پیشروی نیروهای عراقی و در نتیجه، ناکامی آنان شود. در این دوره، گرچه نیروهای انقلابی و مردمی در مقابله با دشمن از استراتژی طرح‌ریزی شده و مکتوبی پیروی نمی‌کردند، لیکن هسته اصلی این استراتژی نانوشته، "ناکام کردن دشمن و متوقف ساختن او" بود. سردار رضایی در این باره می‌گوید:

>نیروهای مردمی در مقابله با دشمن گرچه بر اساس یک استراتژی طراحی شده رفتار نمی‌کردند، لیکن متوقف کردن دشمن، هسته اصلی استراتژی اولیه را تشکیل می‌داد، به همین دلیل بر اثر مقاومت مردم علاوه بر انهدام نیروهای دشمن، پیشروی آنها را متوقف و یا با تأخیر و کندی همراه کرد.<^(۳۳)

علاوه بر مقاومت عمومی مردم، سایر نیروهای انقلابی همچون سپاه که از سازمان‌دهی اولیه مناسبی برخوردار بودند، برخلاف تفکر بنی‌صدر مبنی بر "دادن زمین برای به دست

* برابر گزارش ستاد عملیات جنوب (گزارش مورخه ۱۳۶۰/۴/۶، ص ۱) و برابر آمار مختصری که گرفته شده بود، در ابتدای جنگ غیر از سپاه و ارتش، بیش از ۲۰ گروه و سازمان و ستاد در منطقه نیرو داشتند. بدیهی است این حضور بر اساس تفکر امام (ره) مبنی بر بسیج نیروهای مردمی برای دفاع از انقلاب، شکل گرفته بود.

آوردن زمان"، استراتژی "مقاومت در هر مکان و حفظ زمین برای به دست آوردن زمان" و ایجاد تأخیر در حرکت دشمن را مبنای فعالیت خود قرار دادند. آیت‌الله خامنه‌ای نماینده وقت امام در شورای عالی دفاع در این مورد اظهار داشتند:

>سپاه بسیار مؤمنانه جنگید و با امکانات کمی که داشت توانست در وضعیت جنگ شدیداً مؤثر باشد.< (۳۴)

افزون بر تحرک فوق‌العاده نیروهای مردمی و سپاه در خرمشهر که پیشروی نیروهای دشمن به سمت آبادان را به تأخیر انداخت از سقوط حتمی آن جلوگیری کرد،^(۳۵) شبیخون نیروهای سپاه علیه دشمن در منطقه دشت‌آزادگان نیز سبب شد، در وضعیتی که نیروهای عراقی پس از عبور از شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه در آستانه ورود به شهر اهواز بودند، تا پشت شهر سوسنگرد عقب‌نشینی کنند.

بنابراین، در نگاهی کلی شاید بتوان گفت که از دست دادن بخشی از مناطق مرزی و شهرها با وجود جان‌فشانی و مقاومت‌های مردم و نیروهای ارتش و سپاه* اساساً متأثر از بینش سیاسی - نظامی بنی‌صدر بود. ضمن این‌که ناکامی دشمن نیز در تأمین تمام مقاصد سیاسی و نظامی که منجر به شکست استراتژی جنگ برق‌آسا شد، بیشتر به دلیل مقاومت‌ها و حرکت‌های تأخیری ناشی از مقاومت نیروهای مردمی و بر پایه یک استراتژی انقلابی بود. در واقع، زمین‌گیر شدن دشمن و تأخیر در پیشروی نیروهای عراقی** نمایانگر درست بودن و موفقیت استراتژی نیروهای انقلابی در جنگ بود.

بنابراین، به تأخیر انداختن پیشروی دشمن - از جمله، تأخیر در سقوط خرمشهر و جلوگیری از سقوط آبادان - و ایجاد شکاف بین یگان‌های ارتش عراق که ناکامی دشمن در رسیدن به اهدافش را رقم زد، اساساً متأثر از نتایج استراتژی نیروهای انقلابی و مردمی بود. از نقاط قوت نیروهای خودی، نقش محوری و تعیین‌کننده امام در مهار بحران، سازمان‌دهی، بسیج و تهییج نیروهای انقلابی و مردمی و همچنین حضور گسترده مردم و نیروهای

* امام خمینی - بر خلاف بنی‌صدر که تلاش می‌کرد با حذف نیروهای انقلابی میان سپاه و ارتش جدایی بیفکند - به وحدت نیروها اعتقاد داشتند، چنان‌که در یک جلسه خصوصی خطاب به فرماندهان سپاه فرمودند: >این جور فکر نکنید که شما به تنهایی می‌توانید جنگ را جلو ببرید، یا ارتش فکر کند که به تنهایی می‌تواند این کار را به انجام برساند، با هم این جنگ را جلو ببرید و با همدیگر دفاع بکنید.<

(مؤسسه حفظ آثار امام خمینی، امام و دفاع مقدس، مجموعه خاطرات، خاطرات محمد مبلغ، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲)

** سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۱۵.

حزب‌اللهی ارتش بود.^(۳۶) چنان‌که بعدها، امام خمینی فرمودند که عراقی‌ها در محاسبات خود نقش مردم و تحولی را که در ارتش صورت گرفته است، نادیده گرفتند. با این حال، حضور بنی‌صدر در رأس سیستم اجرایی کشور و نیز فرماندهی کل‌قوا، نبود استراتژی و طرح مناسب دفاعی و عدم آمادگی نیروهای نظامی و همچنین، توطئه عناصر ضدانقلاب در درون ارتش از جمله معایبی بود که سبب شد، با وجود تلاش‌ها و جان‌فشانی‌های انجام گرفته دشمن تمام مناطق مرزی - از نوسود تا فاو به طول ۱۰۰۰ کیلومتر - و برخی از شهرها را محاصره و یا اشغال کند.^(۳۷)

دلایل توقف ارتش عراق و نظریات موجود

ارزیابی استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش‌های سپاه می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد که "چه عواملی در شکست ارتش عراق تأثیر داشت؟" در این زمینه تاکنون نظریات گوناگونی بیان شده است^(۳۸) که به اجمال به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

الف: پاره‌ای از دلایل توقف پیشروی ارتش عراق بنا بر ملاحظات سیاسی و برخی محاسبات غلط نظامی دشمن بود؛ - که برخی از کارشناسان نظامی و اسیران عراقی آن را تأیید می‌کنند - به عنوان مثال، یکی از فرماندهان لشکر ۱۰ ارتش عراق می‌گوید:

> ما برای پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، عمق محدودی را پیش‌بینی کرده بودیم، لیکن هشام فخری، فرمانده لشکر از ما سؤال کرد که چرا تصرف دزفول و مسجد سلیمان را در اهداف خود پیش‌بینی نکرده‌اید؟ نقشه وضعیت‌های خود را توسعه دهید و باید تا آنجا پیشروی کنیم. وقتی ما طی چهار روز به سهولت به ساحل رودخانه کرخه رسیدیم، اصرار داشتیم از رودخانه عبور کرده و جاده اهواز - اندیمشک را قطع و به سمت اندیمشک و دزفول پیشروی کنیم، لیکن فرمانده لشکر مخالفت کرد و ما احساس کردیم، تصمیم فرماندهی رده بالاتر این است که فعلاً در مواضع تصرف شده متوقف شویم.^(۳۹)

در واقع، دستور توقف در این محور به هیچ‌وجه با مقاومت نیروهای خودی در برابر نیروهای لشکر ۱۰ ارتباطی نداشت، بلکه متأثر از ملاحظات سیاسی و نظامی دیگری بود که در سطح فرماندهی رده بالاتر ارتش عراق مورد توجه قرار گرفته بود.

ب: عامل اصلی در کند بودن پیشروی ارتش عراق و شکست آنها، مقاومت نیروهای مردمی در شهرها بود؛ ارتش عراق عمق ۵۰ تا ۸۰ کیلومتری در غرب رودخانه کرخه را - بنا به گفته اسیران عراقی - در چهار روز طی کرد، حال آن‌که در محور خرمشهر فاصله هفت

کیلومتری مرز تا پل نو را در هفت روز پشت سر گذاشت. به بیان دیگر، در منطقه غرب کرخه، ارتش عراق به‌طور میانگین روزی ۲۰ کیلومتر پیشروی کرده بود، حال آن‌که در محور خرمشهر روزی یک کیلومتر.

به این ترتیب، مقاومت مردمی در خرمشهر - در چارچوب استراتژی نیروهای انقلابی - سبب شد، ارتش عراق که تنها یک گردان نیروی مخصوص برای اشغال خرمشهر اختصاص داده بود، نیرویی افزون بر دو لشکر به منطقه اعزام کرده و سرانجام پس از ۳۴ روز درگیری و توقف در برابر پایداری مردم، خرمشهر را اشغال کند. با این حال، یگان‌های متجاوز بر اثر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی در خرمشهر دچار تلفات، صدمات و ضعف روحی و در نتیجه، کندی پیشروی شدند که به سبب آن، حرکت کلی ارتش عراق نیز با ناهم‌آهنگی روبه‌رو شد و سرانجام از دست‌یابی به اهداف خود ناکام ماند.^{*} این کندی حرکت و پیشروی ارتش متجاوز عراق در سایر محورهایی که شهرها و مقاومت مردمی سر راه او بوده‌اند نیز دیده می‌شود؛ مثل آبادان، بستان، سوسنگرد، حمیدیه و گیلان‌غرب.

* رژیم شاه به دلیل بر عهده داشتن مأموریت دفاع از منافع آمریکا در منطقه و همچنین اعتماد آمریکا به این حکومت - که متأثر از وابستگی شدید آن بود - ایران را به انبار تسلیحات تبدیل کرده بود. بخش هنگفتی از ارزش حاصله از افزایش قیمت نفت در سال‌های پایانی عمر رژیم صرف خرید تجهیزات نظامی شد، بنابراین، در این زمینه هیچ‌گونه کمبودی در مرحله آغاز جنگ و جود نداشت و اگر مسئله‌ای بود، تنها در به‌کارگیری آنها بود. برادران ارتشی به دلیل این‌که مأموریت دفاع از مرز و استقلال کشور را بر عهده داشته‌اند و کلیه امکانات موجود دفاع کشور در اختیار آنان بود، ضمن بررسی علل پیشروی عراق، نقش ارتش در مقابله با نیروهای دشمن را مورد تأکید قرار داده‌اند و در مورد علل پیشروی ارتش عراق و استقرار در مواضع اشغالی، بر این باور هستند که: «اگر دشمن در این مدت پیشروی کرده است به دلیل عدم برابر توان رزمی و برتری چشمگیر توان رزمی عراق در آغاز تهاجم بوده است. حداقل ۱ به ۱۰»

(جزوه منتشره از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، اداره آموزش، نقدی بر کتاب "از خونین شهر تا خرمشهر"، سال ۱۳۳۳، ص ۴)

در این تحلیل اساساً عنصر اصلی در پیشروی نیروهای عراقی برتری توان رزمی عراق به نسبت ۱ به ۱۰ مورد تأکید قرار گرفته است. برادران ارتشی در عین حال در مورد عامل توقف ارتش عراق معتقدند: «عامل اصلی توقف حمله دشمن که برابر سوابق موجود در چندین مرحله اجرا و همواره ناکام ماند، به‌کارگیری کلیه توان ارتش شامل نیروی هوایی قهرمان و ناوگان هلی‌کوپتری نزاجا [...] که به علت عدم آسیب در طول انقلاب کماکان چهارمین قدرت جهان محسوب می‌گردید و با حملات مداوم و شکار تانک و ترکیب قدرت آتش آن با حجم عظیم آتش توپخانه که در هر مرحله به صورت سد آتش متجلی می‌گردید و همچنین به‌کارگیری زرهی و پیاده که به سرعت بازسازی و به جبهه رهسپار می‌گردیدند، این عمل میسر شد.» (مأخذ پیشین)

در این جا نوعی تناقض مشاهده می‌شود، بدین معنا که پیشروی ارتش عراق به دلیل برتری آنها به نسبت ۱ به ۱۰ ذکر می‌شود ولی در مورد نقش نیروهای ارتش به قدرت و توانایی آنها مبنی بر "چهارمین ناوگان هلی‌کوپتری ارتش جهان" اشاره می‌شود! حال آن‌که اگر این ادعا اثبات شده بود، مسلماً ارتش عراق در تصمیم‌گیری برای تهاجم به ایران دچار تردید می‌شد.

تأثیرات و بازتاب‌های جنگ

الف) امریکا

نگرانی امریکا و کشورهای منطقه از تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و احتمال وقوع بحران و زلزله در درون این کشورها و همچنین ناتوانی امریکا در نفوذ و تأثیرگذاری بر مواضع ایران و به ویژه تلاش برای آزادسازی گروگان‌هایش که در لانه جاسوسی گرفتار شده بودند، منجر به حمایت امریکا از تهاجم نظامی عراق به منظور اعمال فشار بر ایران شد. اعتماد به پیروزی عراق در یک "جنگ محدود و برق آسا"^{*} مورد توجه و ملاحظه کشورهای منطقه نیز بود. ضمن این که احتمال تضعیف و تعدیل جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از نتایج تهاجم عراق، کشورهای منطقه را به حصول نتیجه امیدوار کرده بود و لذا حمایت خود را از عراق دریغ نداشتند، به گزارش نشریه ژون آفریک ۴۵ روز پیش از شروع حمله عراق، دولت سعودی گزارشی محرمانه از اوضاع سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران را به هنگام بازدید صدام از عربستان به وی هدیه کرد.

بنابراین، توافق کلی در سطح منطقه برای حمایت از تهاجم عراق به صورت محدود و کوتاه مدت وجود داشت. امریکایی‌ها کمترین نتیجه‌ای را که به صورت کوتاه مدت - در پی حمله عراق به ایران - برای خود پیش‌بینی می‌کردند، آزادسازی گروگان‌های امریکایی و درازمدت، گرایش دوباره ایران به سمت امریکا به منظور دستیابی به سلاح و قطعات برای ادامه جنگ در برابر عراق بود. به همین دلیل، کارتر در روز دوم جنگ گفت:

>جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروگان‌های امریکایی منجر شود. جنگ می‌تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین‌المللی متقاعد نماید. خبرهای رسیده حاکی از تمایل شدید ایرانیان برای حل اختلافات با ما می‌باشد.<^(۴۰)

ادموند ماسکی وزیر خارجه وقت امریکا نیز در مجمع عمومی سازمان ملل گفت:

**>امنیت ایران و ثبات منطقه به وجود یک ایران یکپارچه و نیرومند و مستقل بستگی دارد.
اگر ایران بخواهد به تعهداتش عمل کند، باید گروگان‌ها را آزاد کند. رهایی گروگان‌ها به

* کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا در مورد حمله عراق چنین پیش‌بینی کرد: <جنگ حداکثر ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق پایان خواهد یافت.>

** چند روز بعد، وزیر خارجه وقت عربستان، سعود الفیصل، در یک موضع‌گیری گفت: <تجزیه ایران نه به سود منطقه خلیج فارس است و نه به سود

عربستان سعودی.>

تحریم‌های ایران خاتمه می‌دهد و آثار گوناگونی به جای خواهد گذاشت. امریکا آماده است پس از آزادی گروگان‌ها بر اساس احترام متقابل و برابری، کلیه مسائل حل نشده و سوء تفاهم‌هایی که ایران و امریکا را جدا ساخته، مورد رسیدگی قرار دهد.^(۴۱)

اظهار نظر مقام‌های امریکایی به ویژه تأکیدشان بر "یکپارچگی ایران" تنها سه روز پس از آغاز جنگ، نمایانگر تغییر موضع آنها بود. امریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کردند که ایران بر اثر فشارهای وضعیت جدید به دلیل نیاز به حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی، الزاماً مناسبات خود را با امریکا عادی خواهد کرد، چنان‌که رئیس‌جمهور وقت امریکا اعلام کرد:

> ایالات متحده خواهان برقرار کردن روابط عادی خود با ایران است زیرا در این برهه زمانی این اقدام به نفع طرفین است ... ما بسیار محتاط بوده‌ایم و سعی کرده‌ایم به ایران بفهمانیم که ما بی‌طرف می‌مانیم و هیچ اقدامی جهت تنبیه ایران انجام نمی‌دهیم و فقط می‌خواهیم گروگان‌ها را آزاد کنیم.^(۴۲)

ناکامی عراق و آشکار شدن توانایی‌های نظامی و قابلیت سیاسی ایران در مهار کردن بحران، بیش از همه در تغییر موضع امریکا نقش داشت. بی‌گمان، اگر تهاجم عراق به نتیجه می‌رسید و یا اوضاع به گونه‌ای اساسی در ایران تغییر می‌کرد، موضع امریکا با توجه به واقعیات موجود، به گونه‌ای دیگر ظاهر می‌شد.

در عین حال، سیاست امریکا در برابر ایران در کمند گروگان‌ها گرفتار بود لذا در این وضعیت، مواضع دمکرات‌ها بیشتر معطوف به تلاش برای آزادی گروگان‌ها و در نتیجه، پیروزی در انتخابات بود. امریکا امیدوار بود با گرفتار شدن ایران در جنگ، معضل گروگان‌ها حل و فصل شود. موضع جمهوری خواهان نیز قابل توجه بود، چنان‌که کیسینجر طی تحلیلی اعلام کرد:

> پیروزی هریک از دو طرف درگیر در جنگ ایران و عراق موجب بروز مشکلات مختلفی برای منافع امریکا می‌شود.^(۴۳)

ریگان نامزد جمهوری خواهان در انتخابات رئیس‌جمهوری امریکا در نطق انتخاباتی خود با حمله به سیاست‌های کارتر اعلام کرد:

* رادیو امریکا بلافاصله پس از شروع جنگ در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ طی گزارشی از وضعیت ارتش ایران گفت: > هوایماها و تانک‌های پیشرفته امریکایی که در اختیار ارتش ایران قرار دارد به علت نبودن لوازم یدکی که از تحریم اقتصادی امریکا ناشی شده است، شدیداً آسیب‌پذیر است.<
(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، به نقل از رادیو امریکا، ۱۳۵۹/۷/۹)

> آنچه اکنون در ایران و عراق رخ داده، نتایج سیاست‌های دولت کارتر ظرف سه تا شش ماه گذشته است. عدم قاطعیت سیاست خارجی و ضعف توانایی نیروی دفاعی امریکا قابل سرزنش است. اوضاع بسیار خطرناک است و بدبختانه می‌تواند تأمین نفت جهان غرب را در معرض تهدید قرار دهد.<^(۴۴)

اظهارات جدید مقام‌های امریکایی برای عراقی‌ها مفهوم خاصی داشت؛ در واقع، این موضع‌گیری‌ها برداشت و باورهای عراق را در مورد اهداف امریکا در جنگ و وعده‌هایی که برای تشویق و ترغیب این کشور (عراق) برای تهاجم به ایران به سران بعثی داده بود، عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

ب) شوروی

تهاجم عراق به ایران - گذشته از نتایج و عوایدی که می‌توانست برای روس‌ها در بر داشته باشد - سیاست خارجی شوروی را در برابر وضعیت دشواری قرار داد. استاد آکادمی وزارت خارجه شوروی "جنریک ترو فیمنکو" در مورد پیچیدگی جنگ ایران و عراق می‌گوید: > این یک درگیری بسیار پیچیده است و شاید پیچیده‌ترین منازعه‌ای باشد که تاکنون در جهان سوم رخ داده است.<^(۴۵)

از نگاه مسکو، ایران که با انقلاب ضدامپریالیستی از مدار سیاست امریکا خارج شده و برای حفظ استقلال خود در ستیز با آن کشور بود، در یک سو قرار داشت و این، یک امتیاز مهم و استراتژیک برای روس‌ها محسوب می‌شد؛ در سوی دیگر، عراق به عنوان یک متحد سنتی با سیستم نظامی کاملاً وابسته به مسکو قرار داشت که در صف‌بندی سیاسی منطقه به سود مسکو و در جبهه اعراب رادیکال عمل می‌کرد. ضمن این‌که بسیار روشن بود که عراق در چارچوب سیاست و منافع امریکا، ایران را مورد تهاجم قرار داده است. در چنین وضعیت دشوار سیاسی دستگاه سیاست خارجی شوروی در واکنش‌های اولیه نسبت به جنگ و به ویژه از سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ میلادی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱) مسائل و مفاهیمی را مورد تأکید قرار داد که بیشتر حاوی "بی‌طرفی کامل" و "درخواست پایان جنگ از طریق مذاکره و راه‌های مسالمت‌آمیز" بود.*

* برژنف در این باره گفت: > ما قصد مداخله در جنگ ایران و عراق را نداریم. ما خواستار حل سیاسی هرچه سریع‌تر آن هستیم.<

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۱۷، به نقل از خبرگزاری فرانسه)

همچنین، دستگاه تبلیغاتی شوروی برای فراخوانی ایران و عراق جهت پایان دادن به جنگ، بر بهره‌برداری طرف سوم و از بین رفتن امکانات دو کشور، تأکید می‌کرد. در واقع، بهره‌برداری امریکا از اوضاع متشنج منطقه برای افزایش حضور در منطقه، به لحاظ منافع استراتژیک به زیان شوروی بود. لذا آنها همواره بر این مسئله پافشاری می‌کردند.

اعلام تعلیق فروش سلاح به عراق - که بر اساس قرارداد دو طرف اجرا می‌شد - آشکارترین موضع و اقدام شوروی برای نمایاندن مخالفت خود با تهاجم عراق به ایران بود. همچنین علی‌رغم سفر طارِق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق به شوروی، روس‌ها موضع مشخصی را در حمایت از عراق اعلام نکردند و این سفر نیز تأثیری در ارسال دوباره سلاح به عراق نداشت. البته با توجه به مقدار سلاح‌هایی که پیش از جنگ، به عراق واگذار شده بود، این اقدام شوروی تأثیر جدی و تعیین‌کننده‌ای در کاهش توان نظامی عراق نداشت، ضمن این‌که بنابر گزارش‌های خبرگزاری‌ها، برخی سلاح‌های روسی از طریق اروپای شرقی در اختیار عراق قرار می‌گرفت.

در واقع، مواضع و رفتار شوروی در برابر عراق، تلاش جدی روس‌ها برای جذب ایران و تحکیم روابط با آن کشور بود.^(۴۶) روس‌ها معتقد بودند که گرچه عراق به لحاظ نظامی بر ایران برتری دارد و اوضاع در داخل ایران نابسامان است، ولی این وضعیت به هیچ‌وجه نشانه تسهیل پیروزی عراق نخواهد بود. شوروی‌ها با تحلیلی که از اوضاع انقلابی حاکم بر کشور و پایگاه مردمی انقلاب داشتند، بر این باور بودند که جنگ به هیچ‌وجه منجر به از پا درآمدن انقلاب و جابه‌جایی قدرت در داخل کشور به سود امریکا نخواهد شد، بلکه سیاست ضدامریکایی ایران را تشدید خواهد کرد.

بر پایه این تحلیل، روس‌ها امیدوار بودند، تحولات حاصله از تشدید خصومت ایران و امریکا منجر به تمایل ایران به سوی همسایه شمالی - از طریق واگذاری سلاح و تجهیزات - شود. طبعاً رسیدن به چنین نتیجه‌ای علاوه بر آن‌که امتیازات سیاسی - استراتژیکی در اختیار شوروی قرار می‌داد، می‌توانست مواضع ایران در مورد نهضت مردم مسلمان افغانستان را به نفع روسیه تعدیل کند.

بدین ترتیب هسته مرکزی سیاست خارجی شوروی درباره جنگ تحمیلی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ میلادی - که به "سیاست بی‌طرفی" مشهور شد -^(۴۷) این نکته را مورد توجه داشت که روس‌ها ضمن حفظ عراق در مدار سیاست شوروی، ایران را نیز جذب کرده و بدین ترتیب، موقعیت خود را در منطقه در برابر امریکا بالا برده و تثبیت کنند.

ج) سازمان ملل

واکنش سازمان ملل در برابر تجاوز عراق به ایران - در مقایسه با موضع‌گیری این سازمان در برابر تجاوز عراق به کویت که بسیار متفاوت بود - نشان می‌داد که بیشتر اعضای شورای امنیت جمهوری اسلامی ایران را به دلیل برخورداری از ماهیت دینی، انقلابی و استقلال در سیاست خارجی و ارائه نگرانی‌های گروگان‌های امریکایی، محکوم به تحمل هرگونه مجازات می‌دانستند! بر پایه این برداشت، می‌توان موضع کاملاً جانب‌دارانه شورای امنیت از عراق را روشن کرد.

بلافاصله پس از حمله سراسری عراق به جمهوری اسلامی ایران، دبیرکل وقت سازمان ملل (کورت والدهایم) به ایران و عراق پیشنهاد کرد، برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دو کشور تلاش کنند، ولی پاسخی دریافت نکرد. یک روز پس از این پیشنهاد، بنا به درخواست دبیرکل سازمان ملل، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و نخستین موضع‌گیری خود را در مورد جنگ اعلام کرد.^(۴۸) نتیجه این جلسه، بیانیه رئیس شورا بود که در آن نسبت به "برخورد" ایران و عراق اظهار نگرانی شده بود. همچنین از دو طرف درخواست شده بود، از کلیه اقدامات مسلحانه دست بردارند و اختلافات را از راه صلح‌آمیز حل کنند.^(۴۹) ارزیابی نخستین واکنش سازمان ملل که با صدور بیانیه‌ای آشکار شد، میزان پایبندی و بی‌طرفی سازمان ملل را در اجرای منشور این سازمان و به رسمیت شناختن حق دفاع برای اعضا نشان داد. شورای امنیت در حالی این بیانیه را صادر کرد که شدت درگیری مستلزم صدور یک قطع‌نامه بود.^(۵۰) در این بیانیه هیچ اشاره‌ای به مواد منشور نشد و به جای لفظ "جنگ" از کلمه "برخورد" استفاده شده بود. در این بیانیه از گسترش فزاینده "برخورد" اظهار نگرانی شده بود، ولی هیچ‌گونه اقدامی برای پیش‌گیری و یا مقابله با آن پیش‌بینی نشده بود.^(۵۱) در هر صورت، این بیانیه واکنش جدی طرفین را در پی نداشت.^(۵۲) زیرا عراق در حال پیشروی در خاک ایران بود و ایران نیز که نقش قدرت‌های بزرگ را در اقدام عراق مشاهده می‌کرد، از اقدامات بین‌المللی به‌طور کامل ناامید بود.

در واقع، سازمان ملل با اتخاذ چنین موضعی به صورت آشکار و ملموس ضمن نادیده گرفتن تجاوز عراق به ایران، موقعیت عراق را تحکیم کرده و زمینه‌ای مناسب را جهت ادامه تجاوز و بهره‌برداری از اوضاع حاکم بر جنگ برای این کشور فراهم می‌کرد. در این حال، با وجود ضرورت تشکیل جلسه شورای امنیت، نماینده عراق نیز به بهانه عدم حضور وزیر خارجه کشورش، عملاً مانع از تشکیل اجلاس می‌شد.

سرانجام، هفت روز پس از تهاجم عراق و تنها به دلیل احتمال "مسدود شدن تنگه هرمز و گسترش دامنه جنگ" در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۷/۶) جلسه شورای امنیت تشکیل شد و قطعنامه ۴۷۹ با جانب‌داری از عراق به تصویب رسید. در این قطعنامه ضمن اظهار نگرانی عمیق از وضعیت رو به گسترش میان ایران و عراق، آمده است:

۱- از ایران و عراق می‌خواهد بلافاصله از توسل بیشتر به قوه‌قهریه بپرهیزند و اختلافات خود را مسالمت‌آمیز طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی حل نمایند.

۲- از هر دو کشور می‌خواهد هرگونه پیشنهاد میانجی‌گری یا سازش با توسل به سازمان‌های منطقه‌ای را که می‌تواند منشور را تسهیل سازد، بپذیرند.

۳- از کلیه کشورهای عضو می‌خواهد، نهایت خویش‌داری را مراعات نمایند و از هر عملی که منجر به افزایش برخورد شود، بپرهیزند.

۴- از تلاش‌های دبیرکل و پیشنهاد وی در مورد بهبود این وضعیت پشتیبانی می‌کند.

۵- از دبیرکل می‌خواهد ظرف ۴۸ ساعت، گزارش به شورای امنیت تسلیم نماید.^(۵۳)

چنان‌که مشهود است، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۷۹ بدون توجه به حقوق ایران، محکوم کردن متجاوز و خواهان پایان بخشیدن به درگیری‌ها و حل اختلافات از راه مسالمت‌آمیز شد. بدین ترتیب، تلاش‌های سازمان ملل بیشتر در چارچوب سیاست‌های امریکا پیگیری می‌شد و این کشور نیز طبعاً مایل به تداوم فشار بر ایران بود.

د) بازتاب جنگ در رسانه‌ها

در پی پیدایش وضعیت جدید در جنگ و رکود حاکم بر جبهه‌ها - از نیمه آبان ۱۳۵۹ - رسانه‌های خارجی و صاحب‌نظران محافل سیاسی و نظامی درباره اهداف عراق و علل ناکامی این کشور به ارائه تحلیل پرداختند. روزنامه گاردین در مورد محاسبات غلط عراق، نوشت:

> نیروهای عراقی مجبورند خود را برای یک جنگ بلندمدت آماده سازند، ولی این موضوع جزئی از برنامه اولیه آنها نبوده است. آنچه می‌توان از برنامه‌های عراقی‌ها حدس زد، نادرستی محاسبه آنها توأم با نوعی فریب‌خوردگی است. به تدریج سرعت پیشروی عراق کاهش یافت و در پاره‌ای موارد کاملاً متوقف ماند. صدام به اشتباه، مبنای استراتژی خود را شورش اعراب [خوزستان] قرار داده بود، در حالی که هیچ‌گونه طغیانی از جانب آنها مشاهده نشد. سؤالی که باقی می‌ماند، این است که آیا رئیس‌جمهور عراق می‌تواند بهانه‌ای منطقی برای توجیه شکست برنامه‌هایش ارائه کند؟^(۵۴)

راديو لندن نیز طی تفسیری، از نتایج ناکامی عراق گفت:

> این که عراق موفق نشد به یک پیروزی سریع نائل گردد، بسیاری از ناظران را به این نتیجه رسانده [است] که دولت صدام با مشکلات سیاسی بزرگی روبه‌رو خواهد شد. کارشناسان غربی معتقدند که پیشرفت جنگ بسیار کند بوده و ارتش عراق کفایت و کارآیی چندانی از خود نشان نداده است.<^(۵۵)

روزنامه ستاره سرخ مسکو در مورد پیش فرض‌های غلط عراق نوشت:

> رهبران عراق که تهاجم را در سطح وسیعی آغاز نمودند، فکر می‌کردند که ارتش این کشور به سرعت پیشروی خواهد کرد. این محاسبات ظاهراً بر اساس تصویری که از ارتش ایران به سبب نداشتن فرماندهی و نزول انضباط و نداشتن قطعات یدکی سلاح‌های امریکایی، یارای مقاومت ندارد، پایه‌گذاری شده بود. آنها همچنین تصور می‌کردند، با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته و قطعه قطعه خواهد شد. از نحوه پیشرفت در جبهه‌ها کاملاً روشن می‌گردد که نیروهای ایرانی همچنان به مقاومت سرسختانه - بدون توجه به صدمات روزهای اول جنگ - ادامه می‌دهند. هدف اعلام شده جنگ نیز در حال تغییر است؛ ابتدا عراق مدعی بخش کوچکی از اراضی قسمت شرقی رودخانه شط‌العرب [آروندرو] بود، ولی اکنون مطبوعات عراق نقشه‌ای چاپ می‌کنند که در آن استان خوزستان - که در بغداد به آن عربستان نام داده‌اند - جزء سرزمین عراق محسوب می‌شود.<^(۵۶)

سادات، رئیس‌جمهور مصر نیز در مصاحبه‌ای با مجله اشپیگل در مورد علت و اهداف تهاجم عراق به ایران، گفت:

> جنگ ایران و عراق را صدام به دلیل سوء استفاده از روش تدافعی امریکا آغاز کرده است. انگیزه صدام تسلط کامل بر شط‌العرب [آروندرو] و رهبری کامل منطقه بود. ولی تصور می‌کرد که ارتش ایران از بین رفته و [ارتش عراق] می‌تواند ظرف یک هفته پیروز شود، ولی امروز متوجه شده که در لجن فرو رفته و سال‌ها از آن بیرون نخواهد آمد... توازن خاور نزدیک بیش از پیش در مخاطره افتاده است.<^(۵۷)

راديو امریکا طی تحلیل درباره تأثیرات ناشی از پیروزی احتمالی عراق گفت:

> محافل سیاسی اتفاق نظر دارند که اگر عراق به سرعت بر ایران پیروز می‌شد، صدام تقویت شده و رؤیای او که رهبری جهان عرب است، محقق می‌گردد. ولی اکنون احتمال پیروزی کمتر از پیش است و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، احتمال وقوع فاجعه در عراق بیش از پیش افزایش می‌یابد.<^(۵۸)

خبرگزاری رویتر نیز با بیان اهداف اعلام‌نشده عراق مبنی بر سقوط حکومت جمهوری اسلامی و تصرف منطقه نفتی خوزستان به عنوان مقدمه اهداف درازمدت این کشور برای تسلط بر منطقه خلیج فارس، گزارش داد:

> پس از دوازده روز جنگ و در گل‌ماندن ارتش عراق در خوزستان، ایلام و کرمانشاه، احتمال به دست آوردن این اهداف بعید به نظر می‌رسد.^(۵۹)

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز به نقل از روزنامه گاردین گزارش داد:

> به نظر می‌رسد حمله عراق به ایران بر محاسبات غلط پایه‌گذاری شده است. یک مبارزه کوتاه و شدید می‌توانست بخشی از مشکلات عراق را فوراً حل کند، ولی درگیری طولانی مشکلات این کشور را بیش از پیش برملا خواهد کرد.^(۶۰)

در رسانه‌های خارجی و در تحلیل‌های اظهارشده از سوی صاحب نظران و کارشناسان امور جنگ ایران و عراق هیچ‌امیدی به کسب برتری نظامی ایران بر عراق - به لحاظ اوضاع سیاسی - نظامی کشور وجود نداشت، با این حال، قابلیت نظامی عراق نیز برای ایجاد تحولی نظامی زیر سؤال رفته بود و همین امر، آینده روند تحولات نظامی را تا اندازه‌ای در پرده‌ای از ابهام قرار می‌داد.

روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از ناکامی اولیه عراق

دست نیافتن عراق به نتایج قطعی و روشن در هفته نخست جنگ، نشان‌دهنده ناکامی و شکست عراق در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بود و این موضوع مورد تأکید ناظران و کارشناسان مسائل جنگ و منطقه نیز قرار گرفت. اما صدام به ناچار بخش دوم سناریوی جنگ را پیش از دست‌یابی به تمامی اهداف نظامی‌اش مطرح ساخت و این چیزی جز درخواست برقراری آتش‌بس و گرفتن زمان برای تحکیم مواضع نبود. صدام درخواست آتش‌بس و مذاکره مستقیم را با تأکید بر به رسمیت شناختن حق حاکمیت عراق بر شط‌العرب [اروندرو] و سه جزیره کوچک در تنگه هرمز، مطرح کرد و سپس که به سود او تنظیم شده بود پاسخ مثبت داد. در این حال، طارق عزیز معاون وقت نخست‌وزیر عراق نیز در پاریس گفت:

> ما به شرطی آماده مذاکره با ایران هستیم که دولت ایران به حاکمیت ما بر شط‌العرب

[اروندرو] و سرزمین‌هایی که چند روز پیش آزاد ساخته ایم، احترام گذارد.^(۶۱)

در واقع، عراقی‌ها به نام مذاکره و صلح، در نظر داشتند، شرایط خود را بر ایران تحمیل کنند؛ "طارق عزیز" آشکارا اعلام کرد که ایران علاوه بر پذیرش حاکمیت عراق بر رودخانه اروند، باید تمام مناطقی را که عراق با تجاوز به خاک ایران اشغال کرده است، به این کشور واگذار کند. خودداری ایران از پذیرش "صلح تحمیلی" - در حالی که دشمن در خاک جمهوری اسلامی ایران حضور داشت - عراق را در وضعیتی دشوار قرار داد. ناتوانی عراق از تأمین تمام اهداف نظامی خود، سبب شد، این کشور آنچه را در میدان جنگ به دست نیاورده بود، در پشت میز مذاکره طلب کند. گاردین در مورد پیدایش این وضعیت نوشت:

>امتناع پیش‌بینی نشده ایران از پذیرفتن آتش‌بس سازمان ملل متحد، صدام را در موقعیت سختی قرار داده است. این موقعیت تا وقتی ایران به فعالیت‌های نظامی - که دور از انتظار است - ادامه می‌دهد، سخت‌تر و سخت‌تر خواهد شد.<^(۶۲)

از سوی دیگر، بروز نشانه‌بن بست در جنگ به دلیل پیروز نشدن عراق در اثر مقاومت ایران در برابر تهاجم آن کشور و نیز مهار کردن بحران ناشی از جنگ با تدبیر امام و همت نیروهای انقلابی و پیش‌بینی احتمال گسترش و تداوم جنگ، دمکرات‌های امریکا را - در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آن کشور - با وضعیت دشواری مواجه ساخت.

تداوم جنگ و تأثیر آن بر افزایش قیمت نفت همراه با بمباران جزیره خارک به وسیله هوپیمای‌های عراق و تهدید ایران به بستن تنگه هرمز و کاهش تردد کشتی‌ها در خلیج فارس، وضعیت خاصی را در منطقه حاکم کرد. در پی این تحولات، کارتر بلافاصله اعلام کرد که برای باز ماندن تنگه هرمز با سایر کشورها تماس گرفته است.^(۶۳)

عراقی‌ها نیز از گسترش جنگ و افزایش فشار امریکا به عراق برای پایان بخشیدن به جنگ نگران بودند، به همین دلیل طارق عزیز اعلام کرد:

>عراق تمام تلاش خود را برای تغذیه نفتی کشورهای غربی انجام می‌دهد.<^(۶۴)

در این حال، امریکا برای مهار اوضاع، پایگاه خود را در جزیره "دیه‌گوگارسیا" فعال کرد و به نیروهای "واکنش سریع" برای انتقال به منطقه آماده‌باش داد. همچنین کارتر اعلام کرد:

>در صورت لزوم، ما از ملت خود خواهیم خواست که نیرویی متشکل از داوطلبان به خلیج فارس اعزام نماید.<^(۶۵)

سناتور "جاکوب ویتس" نیز در جلسه اعضای کنگره امریکا در کاخ سفید گفت:

>امریکا از متحدانش انتظار دارد که در عملیات حفاظت از منابع نفتی در خلیج فارس شرکت

داشته باشند، هرچند توانایی نظامیشان کمتر از امریکا باشد.^(۶۶)
شوروی‌ها که اقدامات امریکایی‌ها را با دقت تحت نظر داشتند، نگرانی خود را از پیدایش وضعیت جدید در منطقه اعلام کردند. در این باره، برژنف گفت:

>نه عراق و نه ایران از انهدام متقابل، خونریزی و آسیب‌زدن بر اقتصاد یکدیگر بهره‌ای نخواهند برد، فقط طرف سوم است که منتظر بهره‌برداری است. ایران و عراق هر دو روابط دوستانه‌ای با شوروی دارند. برخی می‌کوشند این نبرد را به سود خود جهت دهند و کنترل خود را بر نفت خاورمیانه برقرار سازند و رویای تبدیل ایران را به پایگاه نظامی و ژاندارم امپریالیسم در سر می‌پرورانند.^(۶۷)

عراقی‌ها که به صورت کامل به اهداف خود نرسیده بودند، از مواضع و اقدامات اخیر امریکا عمیقاً نگران بودند؛ "نعیم حداد"، رئیس مجلس عراق در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه گفت:

>عراق دلایلی در دست دارد که کره جنوبی و ژاپن با تصویب ایالات متحده سرگرم تحویل مقادیر معتناهی قطعات یدکی به ایران، به ویژه نیروی هوایی این کشورند.^(۶۸)

وی سپس با موضع‌گیری علیه امریکا و همسو با موضع شوروی‌ها، با اظهار نگرانی از لغو تحریم ایران و کمک به این کشور و در نتیجه، تداوم جنگ اعلام کرد:

>عراق سعی دارد، جنگ را در ابعاد محدود حفظ کند، لیکن ابرقدرت‌ها سعی در گسترش آن دارند.^(۶۹)

در این میان، حمله اسرائیل* به راکتور اتمی عراق - که با همکاری فرانسوی‌ها ساخته شده بود - بر نگرانی‌های عراق افزود. افزون بر این، تلاش امریکا برای آزادی گروگان‌ها و مبادله آنها با قطعات یدکی، عراق را به بازنگری اساسی در استراتژی و تحرکات خود واداشت.**

پیام ادموند ماسکی، وزیر خارجه امریکا به شهید رجایی، نخست‌وزیر ایران به منزله تلاش امریکا برای مذاکره با ایران به‌منظور آزادسازی گروگان‌های امریکایی بود. ماسکی در پایان پیام خود ضمن تأکید بر بی‌طرفی امریکا نوشته بود:

* ابتدا اسرائیلی‌ها این حمله را به ایران نسبت دادند لیکن بعداً وزیر دفاع عراق اظهار داشت: >عراق متقاعد شده است که حمله از سوی اسرائیل انجام گرفته است.

** در این زمینه در صفحات بعد توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

>درک موضع امریکا توسط ایران برای ما مهم است.<^(۷۰)

در این میان، اظهارات وزیر خارجه امریکا (ادموند ماسکی) نخستین اعتراف رسمی امریکا بر پذیرش انقلاب اسلامی و آمادگی امریکا برای عادی سازی مناسبات بود. وی گفت:

>امریکا هرگز کوچک ترین قصدی برای اشغال ایران نداشته و ندارد. ما به حقانیت انقلاب اسلامی معتقد و آماده ایم با ایران پیرامون مناسبات دو کشور بر هر پایه و اساسی که باشد، گفت و گو کنیم.<^(۷۱)

تلاش امریکایی ها برای عادی سازی مناسبات با ایران متأثر از چند موضوع بود: اول، امریکا از نتایج جنگ بهره برداری کرده و با اهرم فشار عراق، ایران را بار دیگر در آغوش می گرفت. دوم، گروگان ها در اولین گام آزاد می شدند. سوم، جنگ با ابتکار عمل امریکا به پایان می رسید و در آخر، روس ها از امکان هر گونه بهره برداری از اوضاع منطقه، ایران و عراق محروم می شدند.* در صورت تحقق این اهداف، بی گمان موضع دمکرات ها در برابر جمهوری خواهان تقویت می شد و پس از تلاش کارتر در به امضا رساندن قرارداد صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، مهار انقلاب اسلامی و جنگ و بازگرداندن دوباره ایران به دامان امریکا به منزله پیروزی دمکرات ها و نشانه کفایت آنها بود. بدین ترتیب، تلاش امریکایی ها در مناسبات با ایران از این پس، حول محور گروگان ها و مبادله آنها با سلاح دور می زد. شوروی ها که از تحقق چنین نتایجی برای امریکا ناخشنود بودند، در موضع گیری خود ضمن تأکید بر پایان جنگ از راه مسالمت آمیز، اقدامات امریکا را زیر سؤال بردند.

عراقی ها نیز به این نتیجه رسیده بودند که مأموریت خود را در مرحله اول با حمله به ایران انجام داده اند، ولی در صحنه عمل شاهد بودند که امریکا از فشار آنها (عراقی ها) برای جذب دوباره ایران استفاده می کند. این ترفند امریکا، عراق را از روند تحولات سیاسی در مناسبات ایران و امریکا و مسائل منطقه و تحولات نظامی جنگ به شدت نگران ساخت.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران پس از رها شدن از پی آمدهای تهاجم اولیه عراق، اوضاع داخلی را مهار کرد و با تشکیل شورای عالی دفاع - به منظور ایجاد هم آهنگی در مسائل

* جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا در مورد سیاست امریکا در خلیج فارس و منطقه توضیحاتی داد که قابل توجه می باشد. وی گفت: >ایالات متحده از هر وسیله ممکن برای باز نگاه داشتن تنگه هرمز استفاده خواهد کرد.< وی افزود: >امریکا در بحران ایران و عراق دو هدف دارد: یکی این که دو کشور را وادار سازد پای میز مذاکره بنشینند و دیگری، جلوگیری از دخالت روسیه در این دو کشور. ما در صدد هستیم از هر حادثه ای که باعث دخالت شوروی در ایران یا عراق شود جلوگیری کنیم.< (خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۱۲، خبرگزاری فرانسه)

نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و سیاست خارجی - ساختار مناسبی را برای اداره و هدایت جنگ به وجود آورد. با تأکید بر تداوم حضور مردم و نیروهای انقلابی* برای مقابله با نیروهای عراقی - به ویژه پس از ظهور آثار شکست عراق در تأمین تمامی اهداف خود - صحنه عملیات را همچنان گرم نگاه داشت. ضمن این که برابر اظهارات بنی صدر در مصاحبه با روزنامه لوموند، ایران خود را برای یک حمله بزرگ** آماده می کرد.^(۷۲)

وضعیت سیاسی ایران در این روند گرچه به طور کامل بهبود نیافت، ولی باعث کاهش تأثیرات روحی و روانی اولیه تهاجم عراق شد. اما در پی حاکم شدن رکود و بن بست در جبهه ها، بار دیگر اختلافات ظهور کرد. در این میان توانایی امام در مهار اوضاع سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی، کلیه امیدها و انتظارات را مبنی بر "فروپاشی" و یا تضعیف نظام با ناکامی و یأس مواجه کرد. توانایی جمهوری اسلامی از جمله عوامل تعیین کننده ای بود که تا پیش از این به هیچ وجه برای دشمنان داخلی و خارجی قابل ارزیابی و ارزش گذاری نبود.

مناسبات خارجی ایران با توجه به تأثیرات ناشی از گروگان گیری و قطع ارتباط امریکا با ایران در فروردین ۱۳۵۹ و تحریم اقتصادی امریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران، کاملاً در رکود بود، به همین دلیل، عراق با نهایت بهره برداری از این امر، مانع از صدور قطع نامه شورای امنیت در حمایت از حقوق ایران می شد. سفر شهید رجایی به نیویورک برای شرکت در اجلاس سازمان ملل و سفر آقای هاشمی، رئیس وقت مجلس به کشورهای سوریه، لیبی و

* مقاومت نظامی ایران در برابر عراق، به ویژه نقش سپاه در این امر، بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت، چنان که رادیو امریکا به نقل از روزنامه واشنگتن پست گفت: <در نخستین نبرد مهم در جنگ های دوازده روزه ایران و عراق، پاسداران انقلاب ایران که نیروهای خود را تقویت کرده بودند به جنگ های بی سابقه ای علیه نیروهای عراقی دست زده اند.>

(خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۱۴)

همچنین روزنامه میزان به نقل از واشنگتن پست نوشت: <تصمیم پاسداران انقلاب به ادامه جنگ تا سرحد مرگ، عامل بازدارنده مهمی بوده است.>

(روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۷/۱۴)

حال آن که بنی صدر در مصاحبه با روزنامه نول ابزواتور گفت: <این ارتش است که دلیرانه در برابر عراق از وطن خود دفاع می کند نه پاسداران.>

(خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۷/۲۲)

رادیو کلن نیز در مورد مقاومت پاسداران گفت: <سربازان و سپاهیان ایرانی با شهامتی فوق تصور در مقابل دشمنی که از لحاظ ساز و برگ نظامی بر

آنها برتری دارد، می جنگند و حتی پاسداران انقلاب که اغلب فاقد آموزش نظامی کامل نیز هستند، با رشادتی قابل تحسین، بدون کوچکترین هراس

از مرگ، در مقابل آتش توپخانه و تانک های عراق ایستادگی می کنند.>

(خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۷/۲۸)

** عملیات ارتش در ۲۳ مهر و سوم آبان ۱۳۵۹ که با ناکامی همراه شد، همان عملیات های بزرگی بود که بنی صدر به آن اشاره می کرد.

الجزایر بخشی از تحرکات دیپلماتیک ایران در آن مقطع بود. در مجموع، فرآیند اقدامات عراق و ایران حاکی از تداوم اشغال نظامی بخش‌هایی از خاک ایران بود. ضمن این‌که هیچ دورنمای روشنی از پایان جنگ و یا تغییر اوضاع به سود ایران به چشم نمی‌خورد. در چنین وضعیتی عراق برای بهره‌برداری از اوضاع، و به امید آخذ امتیازات سیاسی، مقدمات تکمیل و تحکیم مواضع خود در مناطق اشغالی را فراهم آورد.

تغییر مواضع امریکا و واکنش عراق

امریکایی‌ها پس از گرفتار شدن جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی عراق، موقعیت را برای بازگشت دوباره ایران به دایره نفوذ خود مناسب دیدند. آنها همچنین برای فراهم کردن زمینه آزادی گروهان‌هایشان، مواضع جدیدی را اتخاذ کردند که به منزله تغییرات مهمی قابل ارزیابی بود. نماینده امریکا در شورای امنیت در یک موضع‌گیری آشکار اعلام کرد:

>اراضی نباید با زور تصرف شود و اختلافات باید به جای توسل به جنگ با مسالمت حل شود.<^(۷۳)

ادموند ماسکی وزیر خارجه امریکا در این باره گفت:

>وجود ایرانی نیرومند و توانا و حفظ وحدت آن در جهت حفظ منافع آمریکاست. خواستار ایرانی هستیم که در صلح و صفا باشد، ایرانی متحد و قدرتمند با حکومتی که مورد علاقه و مطلوب مردم ایران است ... هیچ دولتی نباید در درگیری ایران و عراق دخالت کند، برای پایان دادن به این اختلاف باید بر اساس قوانین بین‌المللی، از راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز استفاده شود ... ایالات متحده در این جنگ جانب هیچ یک را نمی‌گیرد و هیچ کدام را سرزنش نمی‌کند ولی امریکا با تجزیه ایران مخالف است ... عراق تمامیت ارضی ایران را با تجاوز به خاک آن کشور مورد تهدید قرار داده است ... ما از تمام کشورهای منطقه و دیگر کشورها می‌خواهیم که از درگیری در این اختلاف برحذر باشند و کوشش کنند این نبرد محدود بماند تا راهی برای حل آن پیدا شود.<^(۷۴)

در پی تغییر محسوس مواضع امریکا، عراقی‌ها این کشور را به نقض بی‌طرفی متهم کردند. در مقابل، سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا در پاسخ به این اتهام، تأکید کرد که امریکا با تجزیه خاک هر کشوری با توسل به زور مخالف است و پیروی از این سیاست به آن معنا نیست که امریکا سیاست بی‌طرفی خود را کنار گذاشته است.^(۷۵) سفیر امریکا در سازمان ملل نیز در مورد تحویل سلاح به ایران گفت که هنوز تصمیمی گرفته نشده است.^(۷۶) در عین

حال، وزیر خارجه عراق بار دیگر اعلام کرد که امریکا بی‌طرفی را در جنگ کنار گذاشته است و از ایران حمایت شفاهی و مادی می‌کند.^(۷۷)

اهداف، تمایلات و منافع امریکا را در این مقطع حساس از جنگ، روزنامه نیوزویک مورد بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد در این تفسیر، موقعیت امریکا و پیچیدگی‌هایی که این کشور در برابر خود داشت، به خوبی بیان شده است:

>نبرد ایران و عراق و بحران گروگان‌های امریکایی چنان به هم آمیخته‌اند که تأثیر مهمی بر نقش سیاسی - نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس خواهد داشت. امریکا زمانی که نخستین گام را در راه منزوی ساختن ایران برداشت، اعلام کرد که به محض آزادی گروگان‌ها تحریم علیه ایران نیز پایان خواهد گرفت. اما اقدام به چنین امری در بحبوحه جنگ به جانب‌داری امریکا از ایران تعبیر خواهد شد. با این وصف، در صورت آزادی گروگان‌ها امریکا به سرعت در جهت از میان برداشتن تحریم‌های سیاسی اقتصادی علیه ایران، اقدام خواهد کرد. این امر به ایران اجازه خواهد داد تا مبادلات بازرگانی عظیم و حجیم خود را با اروپای غربی و ژاپن از سر گیرد و چهارصد میلیون دلار قطعات یدکی را که قبلاً از امریکا خریداری کرده، دریافت دارد. مقامات امریکا به‌طور روزافزونی نگران سرنوشت ایران و اثرات این جنگ در ثبات منطقه هستند.

دست‌یابی عراق به خوزستان می‌تواند بر ناآرامی‌های سیاسی در بخش‌های دیگر ایران دامن زد و موجب بهره‌برداری روسیه شوروی قرار گیرد. اگر دولت امریکا بتواند پیوند خود را با ایران از سر گیرد و روابط عادی با این کشور برقرار کند، عراق بیش از پیش به جست‌وجوی راه‌حلی برای پایان دادن به جنگ از طریق مذاکره برخواهد آمد، زیرا یکی از عوامل مهم تصمیم عراق برای آغاز جنگ با ایران، انزوای سیاسی ایران و عدم توانایی این کشور در به دست آوردن قطعات یدکی نظامی بوده است.^(۷۸)

هرگونه اقدام امریکا برای برقراری رابطه با ایران و لغو تحریم، از نگاه عراقی‌ها به شدت به منزله تغییر موازنه جنگ ارزیابی می‌شد و لذا ناراضی بودند، به همین دلیل، در پی انتشار این خبر که احتمال دارد، کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تحریم اقتصادی ایران را لغو کنند، عراق از این کشورها درخواست کرد که بی‌طرفی خود را در درگیری ایران و عراق حفظ کنند.^(۷۹) روزنامه اردنی "الاخبار" نیز اقدام اروپا را در لغو تحریم اقتصادی ایران به منزله بازتاب‌های خطرناک در آینده روابط عربی و اروپایی ذکر کرد.^(۸۰) ضمن این‌که رادیو بغداد به نقل از طارق توفیق عضو شورای انقلاب عراق گفت:

>وی به امریکا هشدار داده که آزادی گروگان‌ها را بهانه جهت فرستادن اسلحه به ایران قرار

ندهد و بی‌طرفی خود را حفظ کند و گرنه عراق ساکت نخواهد نشست.^(۸۱)

در این حال، تنها یک روز بعد (۱۳۵۹/۸/۶)، کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در مناظره انتخاباتی خود با ریگان گفت:

> آمریکا در صورت آزادی گروگان‌ها، تجهیزات نظامی را که ایران خریده و پول آن را پرداخته، به آن کشور ارسال خواهد کرد.^(۸۲)

اظهارات کارتر و سایر مقام‌های آمریکایی مبنی بر تمایل به برقراری رابطه با ایران - در صورت آزادی گروگان‌ها - از چنان گستردگی برخوردار بود که کیسینجر (وزیر خارجه اسبق آمریکا) از موضع جمهوری خواهان در هشدار به کارتر گفت:

> آمریکا نباید در شرایط کنونی برای حل مسئله گروگان‌ها بیش از حد به سوی ایران برود، زیرا ممکن است به صورت تسلیم آمریکا* در مقابل ایران جلوه‌گر شود.^(۸۳)

در این میان، مسئولان عراقی - چنان‌که ذکر شد - نگرانی خود را از راه‌های گوناگون ابراز کردند؛ عراق پیدایش وضعیت جدید را به منزله تفاهم ایران و آمریکا قلمداد کرد، طوری که وزیر خارجه این کشور گفت:

> آمریکا نمی‌خواهد عراق یا کشورهای عربی دیگر در این جنگ پیروز شوند، زیرا هنوز از روابط ایران و آمریکا بوی تفاهم به مشام می‌رسد و با تمام این هیاهوها، این تفاهم ایجاد شده است. آمریکا به هیچ عنوان حاضر نیست ایران را از دست بدهد و امکان این‌که به تدریج بین ایران و آمریکا اتحاد برقرار شود، زیاد است.^(۸۴)

با این حال، عراقی‌ها با توجه به تنش در میان جریان‌های داخلی و جو حاکم بر کشور، ایران را فاقد اراده سیاسی مشخص برای تصمیم‌گیری در مورد گروگان‌ها می‌دانستند و به حصول نتیجه قطعی و روشن در این زمینه، اطمینان نداشتند. اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۲ با اکثریت آرا این شرایط را برای آزادی گروگان‌های آمریکایی تصویب کردند: ۱- عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران، ۲- لغو تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران، ۳- بازگرداندن اموال شاه معدوم.^(۸۵)

در پی تصویب این طرح، آمریکایی‌ها - چنان‌که وزیر خارجه‌شان اظهار کرد -

* بعدها نیز کیسینجر در مخالفت با روش آمریکا در برخورد با آزادسازی گروگان‌ها گفت: > شرایط باید طوری تنظیم گردد که هرچه گروگان‌ها بیشتر نگهداری شوند، موقعیت بدتری برای گروگان‌گیرها به وجود آید.<

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۲۸، ۱۳۵۹/۸/۱۱، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس)

می‌پنداشتند که در ایران این نظریه قوت گرفته است که ادامه اسارت گروگان‌های امریکایی در جهت منافع و مصالح ایران نیست.^(۸۶) همچنین، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد که از طریق کانال‌های دیپلماتیک پیام‌هایی مبنی بر تمایل رهبران ایران برای پایان دادن فوری به بحران گروگان‌ها، دریافت کرده است.^(۸۷) در عین حال شرایط مجلس به ویژه بند ۱ و ۳ به گونه‌ای بود که امریکایی‌ها به آسانی قادر به تأمین آن نبودند و همین مسئله، در آزادی گروگان‌ها تأخیر ایجاد می‌کرد.

وزیر خارجه عراق بلافاصله پس از استقبال امریکا از تصمیم مجلس شورای اسلامی، مطالبی را بیان کرد که بسیار حائز اهمیت بوده و نشان‌دهنده محاسبات و برداشت عراقی‌ها از روابط ایران و امریکا است. این مقام عراقی با روزنامه کویتی القبس گفت:

> کشورش (عراق) هنگامی که وارد جنگ علیه ایران شده، کلیه احتمالات از جمله احتمال حمایت امریکا از ایران را بررسی کرده است. در صورتی که امریکا به ایران کمک بکند، عراق با چنین اقدامی مقابله خواهد کرد.<^(۸۸)

تنها یک روز پس از مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره آزادی گروگان‌های امریکایی و با وجود تبلیغات کارتر و دمکرات‌ها، در این زمینه ریگان، نامزد جمهوری خواهان با ۵۱ درصد آرا به عنوان چهلیمین رئیس جمهور امریکا انتخاب شد. ایران بلافاصله پس از این انتخاب، از امریکایی‌ها خواست که به مصوبه مجلس به‌طور علنی پاسخ دهند. در چنین وضعیتی هنری کیسینجر در مورد شرایط ایران گفت:

> این شرایط غیرقابل اجرا یا تحقیرکننده و یا هر دو است. اگر امریکا این شرایط را بپذیرد، در منطقه تحقیر خواهد شد.<^(۸۹)

بنابراین، با شکست دمکرات‌ها در برابر جمهوری خواهان، با وجود تلاش آنها برای آزادی گروگان‌های امریکایی این اقدامات نتیجه‌ای سودمند برای دمکرات‌ها - به مفهوم ادامه حضور در کاخ سفید - در پی نداشت. در عین حال، تفکر و برداشت جمهوری خواهان از سیاست‌های مماشات‌آمیز دمکرات‌ها در برخورد با مسائل منطقه، جنگ و حوادث ایران، موجب شد که آنها دیدگاه جدیدی را برای تشدید فشار بر ایران تحت عنوان "جنگ کم‌شدت" برای تحقق "جنگ بدون برنده" تهیه و ارائه نمایند.

تغییر در مواضع عراق

عراقی‌ها گرچه قبل از آغاز حمله به ایران ادعاهای بزرگی را مطرح ساختند و حتی

سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق در جمع خبرنگاران خارجی اعلام کرد: "اگر ما بتوانیم، حتی تهران را نیز می‌گیریم"^(۹۰) اما پس از ناکامی‌های اولیه، همین مقام عراقی مطالبی را بیان کرد که دقیقاً حاکی از تغییر موضع عراق بود. وی گفت: "قرار داد ۱۹۷۵ عادلانه و منصفانه نیست"^(۹۱) در واقع، با این موضع‌گیری، هدف عراق به یک حداقل کاهش یافت و بر این موضوع معطوف شد که این کشور بدون تغییر قرارداد ۱۹۷۵ میلادی با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهد شد. حال آن‌که اگر عراق به اهداف خود می‌رسید و از وضعیت مناسبی برخوردار می‌شد، تمام ادعاهایی را که در ابتدا بیان کرده بود، بار دیگر مطرح می‌کرد. رادیو لندن طی تفسیری در این باره گفت:

> اگر در چند روز اول حمله، رژیم آیت‌الله خمینی سقوط می‌کرد، یا جنگ به تصرف خرمشهر و آبادان منتهی می‌گردید، هیچ مشکلی برای رئیس‌جمهور عراق وجود نداشت.<^(۹۲)

بنابراین، عراق در برابر وضعیت جدیدی قرار گرفته بود و در پی آن بود که ایران را وادار به اعطای امتیازاتی کند تا حمله به این کشور را در مقابل مردم عراق و به‌طور کلی جهان عرب، موجه جلوه دهد. در واقع عراق در ادامه جنگ و خروج از وضعیت نامطلوبی که گرفتار شده بود، دو راه‌حل فرا روی خود داشت:

نخستین راه، ادامه پیشروی نیروهای عراقی در عمق مناطق اشغالی بود، که عراقی‌ها در آغاز تهاجم در وضعیتی که از امتیاز غافل‌گیری نسبی قوای ایران،^(۹۳) برخوردار بودند، موفق به انجام این مهم نشدند. از سوی دیگر، پیشروی در عمق مناطق اشغالی و تصرف مناطق نفت‌خیز و یا تصرف یک شهر دیگر مستلزم درگیری و به‌کارگیری نیروی بیشتری بود که عراق در آن وضعیت قادر به چنین اقدام نبود.^(۹۴)

دومین راه‌حل عقب‌نشینی از مناطق اشغالی بود که می‌توانست عراق را از این مخمصه نجات دهد. صدام طی نطقی در جلسه هیئت دولت بعث دیدگاه‌های خود را درباره جنگ بیان کرد که به روشنی علل عدم امکان عقب‌نشینی نیروهای عراقی را توضیح می‌دهد. وی در اظهارات خود با توجه به وارد آمدن فشارها و ارائه پیشنهادهایی مبنی بر عقب‌نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی و پی‌آمدهای آن، گفت:

> هر قدر عقب‌نشینی کنیم، آنها تعقیبمان خواهند کرد و بار دیگر ما را مورد حمله قرار خواهند داد. با عقب‌نشینی، بصره در تیررس توپخانه‌های آنان قرار خواهد گرفت.<^(۹۵)

صدام در سخنان خود تلاش ایران برای ادامه جنگ را دلیل عدم عقب‌نشینی از خاک ایران مطرح کرد؛ حال آن‌که ایران پیش از این در برابر پیشنهادهای صلح، آشکارا، شرط

هرگونه مذاکره را عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی اعلام کرده بود. لیکن عراق حاضر به پذیرش پیشنهادهای ایران نشد و همچنان در مواضع اشغالی باقی ماند.

صدام در بخش دیگری از سخنان خود دلیل واقعی عراق برای ادامه حضور در خاک ایران و عدم عقب‌نشینی را - با توجه به مسائل داخلی این کشور - چنین بیان کرد:

>عده‌ای از آنان به ما پیشنهاد می‌کنند بدون این‌که ایران خواسته‌های ما را برآورد، به جای خود بازگردیم. تصور کنید آنها تا بدین حد از پیروزی ما در فشارند! به آنان می‌گوییم جواب ملت خود را چه بدهیم؟ ... اکنون ما به ملت عراق بگوییم تمامی خون‌های ریخته شده، ارزان از دست رفته است و پیش از آن‌که به حقوق خویش دست یابیم، به جای خود بازگشته‌ایم.< (۹۶)

بدین ترتیب عراقی‌ها پس از ناتوانی از تأمین تمام هدف‌های سیاسی - نظامی خود، در گرداب یک تناقض آشکار قرار گرفتند؛ از یک سو، عراق به لحاظ وضعیت بنیه نظامی و ضعف روحیه قادر به پیشروی در مناطق اشغالی نبود و از سوی دیگر، رهبری حکومت عراق نیز با وضعیتی که نیروهایش در میدان جنگ گرفتار آن بودند، قادر به تصمیم‌گیری برای صدور فرمان عقب‌نشینی به داخل خاک عراق نبود. رهبری عراق برای فائق آمدن بر این بن‌بست، استراتژی جدیدی را اتخاذ کرد و در چارچوب آن، سلسله اقداماتی را انجام داد.

تلاش عراق برای خروج از بن بست

در اختیار داشتن بخش وسیعی از مناطق اشغالی ایران، امتیازی برای عراق بود تا این کشور برای گرفتن امتیاز سیاسی، از موضع برتر سخن گوید. به همین دلیل؛ صدام در توجیه استقرار نیروهای عراقی در مواضع اشغالی گفت:

* با توجه به تأثیر اوضاع داخلی عراق در تصمیم‌گیری رهبران این کشور، هفته‌نامه فارین ریپورت چاپ لندن نوشت: <اهمیت کسب پیروزی سریع در جنگ هم‌اکنون اثرات سیاسی خود را در بغداد ظاهر کرده است. گرچه تا به حال از صدام انتقاد نشده است، اما مشاور اصلی وی، طارق عزیز، طی دو روز گذشته مورد حمله شدید قرار گرفته است. طارق عزیز که مسئول سرویس‌های امنیتی عراق است، از سوی سایر اعضای شورای حکومتی عراق متهم به کشاندن عراق به یک جنگ نامعلوم و بی‌پایان شده است. انتقادکنندگان، طارق عزیز را به خاطر کسب اطلاعات نادرست درباره توانایی مقاومت ایران سرزنش می‌کنند. سرویس‌های اطلاعاتی عراق نه تنها نتوانستند ارزیابی صحیحی از موقعیت نظامی ایران به عمل آورند، بلکه پیش‌بینی کرده بودند، رژیم جمهوری اسلامی ظرف ۴۸ ساعت از آغاز جنگ سقوط خواهد کرد.<

(روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۲۵)

** در حمله عراق به کویت نیز پس از آن‌که عراقی‌ها با ناکامی مواجه شدند و بر خلاف تحلیل آنها، آمریکا و متحدانش به عراق حمله کردند، صدام همین مشکل را داشت؛ چنان‌که در پاسخ به پیشنهاد پریماکف، فرستاده ویژه گورباچف به عراق، گفت: <جواب ملت عراق را چه بدهیم؟>

>وقتی جنگی آغاز شود، عاقلانه‌ترین راه این است که چرخه آن در سرزمین دشمن بگردد نه در خاک ما ... نباید کسی به شما بگوید یا خود شما بپرسید، حال که ایرانیان را شکست دادیم و به آنها فهماندیم که می‌توانیم در برابرشان بایستیم و آزارشان دهیم، پس به مرزهای بین‌المللی خود که زین القوس، سیف‌سعد و نقاط دیگری است که در دست آنان بود و اکنون آنها را پس گرفته‌ایم، بازگردیم. جواب این است: شط‌العرب را مرز زمینی نمی‌تواند ایمن کند، حاکمیت لازم است...<^(۹۷)

بی‌گمان، تحلیل و درک عراقی‌ها از وضعیت سیاسی و نظامی ایران در تصمیم آنها مبنی بر استقرار در مواضع اشغالی بی‌تأثیر نبود، چنان‌که اسیران عراقی با استنباط از ذهنیت فرماندهان نظامی عراق، می‌گویند:

>فرماندهی نظامی عراق تصور می‌کرد که ارتش ایران قادر به جمع‌آوری یگان‌های کافی برای از بین بردن واحدهای عراقی که یک موضع دفاعی در امتداد قصرشیرین تا آبادان برای خود اتخاذ کرده بودند، نیست. زیرا که فراهم آوردن چنین نیرویی نیاز به تلاش‌های بسیار دارد و عراق با گذشت زمان، می‌تواند ایران را به پذیرش واقعیت مجبور کند. رهبری نظامی عراق دیدگاه‌های خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلافات شدید بین سیاستمداران ایران یعنی جریان بنی‌صدر از یک طرف و جریان اصلح اسلامی از طرف دیگر، بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می‌کرد، تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن عراقی‌ها در سایه پراکندگی داخلی، استوار خواهد بود.<^(۹۸)

راديو بغداد نیز طی تفسیری از اوضاع سیاسی ایران و اختلافات موجود در کشور، دیدگاه عراقی‌ها را درباره وضعیت داخلی ایران چنین بیان کرد:

>قدرمسلّم این است که یک کودتای پنهانی علیه بنی‌صدر در ایران وجود دارد زیرا بنی‌صدر عملاً اختیارات خود را از دست داده است ... بنی‌صدر در مناسبت‌های بسیار تلاش کرد، تحت عنوان تأثیر دیگران در درون دولت، مسئولیت شکست‌های نیروهای ایرانی در میدان‌های جنگ را به عهده دیگران بگذارد و این کار را به این علت کرد که مسئولیت شکست فعلی فقط به گردن او نیفتد و از آخرین پستی که برای او باقی مانده محروم نشود.<^(۹۹)

در رسانه‌های خارجی نیز اوضاع سیاسی ایران به شدت بی‌ثبات و بحرانی ترسیم می‌شد و همین امر به معنای ترغیب عراق برای باقی‌ماندن در مواضع اشغالی بود. راديو قاهره به نقل از روزنامه فیگارو در این باره گفت:

>ایران گرفتار یک اغتشاش کامل شده و این امر باعث گردید [است] تا کارشناسان معتقد شوند

که سربازان عراقی در صورتی که فعالیت‌های خود را هم‌آهنگ سازند، می‌توانند راه خود را به تهران باز کنند.^(۱۰۰)

در واقع، راه‌حل سوم عراق یعنی "استقرار در مواضع اشغالی"^{*} گرچه در آن وضعیت بهترین انتخاب برای این کشور بود، ولی این تصمیم نشان می‌داد که نوعی بن‌بست در روند سیاسی و نظامی جنگ ایجاد شده است، به ویژه این که عراق به دلیل ناکامی در تحقق اهداف سیاسی و نظامی خود، ابتکار عمل را از دست داده بود و تنها چیزی که در اختیار داشت، بخشی از مناطق اشغالی بود. لذا، عراقی‌ها با استقرار در مواضع اشغالی و با نگاه به تحولات داخلی ایران، نیروهای انسانی خود را بسیج و تجهیز کردند و در انتظار فرصتی مناسب برای کسب امتیاز در مذاکرات صلح بودند. در این حال، نه‌تنها عراق فاقد توانایی نظامی^(۱۰۱) برای تغییر وضعیت نظامی به سود خود بود، بلکه با تغییر اوضاع بین‌المللی^{**} امکان پی‌گیری اهداف عراق در سطح گذشته و حتی در سطح محدود با تکیه بر اهرم نظامی تا اندازه‌ای دشوار شده بود. رادیو اسرائیل در مورد موضع امریکایی‌ها و احتمالاتی که وجود داشت و وضعیت نظامی حاکم بر جنگ، گفت:

>عراق قدرت و ظرفیت آن را ندارد که ایرانیان را وادار به مذاکره نماید و ایران نیز قدرت و نیروی لازم را برای اخراج عراقی‌ها ندارد.^(۱۰۲)

این رادیو با توجه به اقدامات عراق و احتمالات موجود و تأثیر آن در سطح منطقه، افزود:
>اگر ایران با حمله عراق تجزیه شود، مسکو از اوضاع سوء استفاده کرده، نفوذ خود را گسترش خواهد داد. ثانیاً اگر عراق در صدد برآید سه جزیره عربی مسلط بر تنگه هرمز را به تصرف درآورد و یا بخواهد استان نفت‌خیز خوزستان را به خاک خود ضمیمه کند، امریکا مجبور به دخالت خواهد شد.^(۱۰۳)

عراقی‌ها بر این باور بودند که امریکا با باز شدن راه گفت‌وگو با لیبرال‌ها که به درون

* صدام در مجلس ملی عراق در این باره گفت: <دست‌آوردهای هر جنگی، حقوقی است که به حقوق پیش از جنگ افزوده می‌شود... هر ملتی که زمان بیشتری را در سرزمینی باقی بماند، حقوق بیشتری به دست می‌آورد.>

(ستاد تبلیغات جنگ، ستیز با صلح، صدام، ۱۹۸۰/۱۱/۱۴ برابر ۱۳۵۹/۸/۱۳)

** رادیو امریکا در گزارشی از سمیناری که در واشنگتن درباره جنگ ایران و عراق تشکیل شده بود، به نقل از "باری روبین" استاد دانشگاه جرج

تاون امریکا گفت: <دولت عراق به خوبی می‌داند که ابرقدرت‌های جهان اجازه نخواهند داد عراق بخشی از خاک ایران را به خود ملحق کند.>

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۲۴۳، ۱۳۵۹/۸/۲۶، به نقل از رادیو امریکا، ۱۳۵۹/۸/۲۵)

حاکمیت ایران نفوذ کرده بودند، به اهداف خود مبنی بر فراهم شدن مقدمات و زمینه‌های آزادی گروگان‌ها دست یافته است، در حالی که عراق هنوز از دست یافتن به هرگونه امتیازی محروم است. بنابراین، آنها به‌منظور بهره‌برداری از برتری نظامی، معتقد بودند که "یکی از کلیدهای وضع موجود را در دست دارند و آن خوزستان ایران یا عربستان اعراب است." (۱۰۴) لذا، عراقی‌ها با باقی‌ماندن در مواضع اشغالی با این ارزیابی که برگ برنده‌ای برای أخذ امتیازات سیاسی از ایران در دست دارند، منتظر تحولات سیاسی در داخل ایران و همچنین مذاکرات ایران و آمریکا حول محور آزادی گروگان‌های امریکایی بودند.

در این میان، گزینش راه‌حل سوم و استقرار قوای عراقی در مناطق اشغالی در واقع حاوی این مفهوم بود که عراق نه تنها نمی‌تواند سرنوشت جنگ را به سود خود تعیین کند، بلکه مهم‌تر از آن، این امر نشان‌دهنده طولانی شدن جنگ و نبودن دورنمای روشن برای پایان بخشیدن به آن بود. ضمن این که پیشنهادهای عراق برای مذاکره، به دلیل تلاش این کشور جهت بهره‌گیری از موقعیت برتر نظامی خود در برابر ایران، به هیچ‌وجه مورد توجه و استقبال ایران قرار نمی‌گرفت. عراق نیز برای تحمیل اراده سیاسی خود به ایران از توان نظامی لازم برخوردار نبود. صدام در نخستین کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی، ضمن تشریح مواضع عراق در جنگ - با توجه به بن‌بست حاکم بر جنگ و ناگزیر شدن عراق برای استقرار در مواضع اشغالی و طولانی شدن جنگ - گفت:

> این که گفته شود ذخیره ما برای دو ماه کافی بوده و جنگ چهار ماه به طول خواهد انجامید و محاسبات ما دقیق نبوده، این درست نیست و نباید بهانه‌ای باشد که بر دشمن خود پیروز نشویم. هنوز محاسبات ما دقیق است ... ما قصد اشغال سرزمین ایران را نداشتیم، ولی اگر مردم عربستان [خوزستان] از ما بخواهند، آنجا مستقر می‌شویم. < (۱۰۵)

صدام در این کنفرانس خبری با تأکید بر خواسته عراق مبنی بر تجزیه ایران، ضمن پاسخ به درخواست امریکایی‌ها، یکی از اهداف جنگ‌افروزی خود را بیان کرد و گفت:

> تا موقعی که ایران دشمن ملت عرب محسوب می‌شود، مسلماً نه تنها خواستار تجزیه آن بلکه خواستار نابودی آن هستیم. < (۱۰۶)

وی با توجه به این که بیان این‌گونه موضع‌گیری به صورت رسمی با اصول دیپلماتیک ناسازگار است، گفت:

> شاید بیان این حرف با اصول سیاست‌سنجی نداشته باشد، ولی این چیزی است که در قلب من و ملت عرب است که خاکشان را دوست دارند. < (۱۰۷)

صدام همچنین در ادامه سخنان خود با تأکید بر روابط عراق با فرانسه و شوروی، در واقع به مناسبات جدیدی که عراق بدان دست یافته بود، اشاره کرد:

> ما با کشورهایی در جهان دوست هستیم، فرانسه و شوروی در درجه اول قرار دارند و ما با آنها روابط گسترده‌ای از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داریم.<^(۱۰۸)

این سخنان صدام در رسانه‌های خارجی بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت؛ خبرگزاری یونایتدپرس این سخنان را نشان‌دهندهٔ آمادگی عراق برای ادامه جنگی طولانی و فرسایشی، ارزیابی کرد. رادیو کلن نیز در مورد اظهارات صدام به این نکته اشاره کرد که به دلایل بسیار، نه عراق به آسانی قادر به تصرف یا باقی‌ماندن در شهرهای ایران است و نه جو بین‌المللی اجازه چنین تجاوز و اشغالی را به عراق خواهد داد.^(۱۰۹)

۱) اتخاذ استراتژی جنگ ساکن^(۱۱۰)

فرسایش تدریجی نیروهای نظامی ایران در درازمدت، و حمله به مراکز استراتژیک با استفاده از آتش توپخانه و حملات هوایی، عناصر اصلی استراتژی جدید عراق را تشکیل می‌دادند، که در آن اوضاع و با توجه به ملاحظات بین‌المللی و منطقه‌ای و وضعیت نظامی عراق، تنها راه به نظر می‌رسیدند؛ زیرا عراق قادر به انجام دادن حرکات نظامی تعیین‌کننده نبود و در عین حال، در درون ایران نیز با مقاومت همراه با عملیات‌های تهاجمی محدود و ایذایی روبه‌رو بود.

کردزمن، کارشناس امور نظامی و برنامه‌ریزی آمریکا در کتاب خود در توضیح استراتژی عراق و هدف آن می‌نویسد:

>عراق استراتژی Guns butter (تفنگ و کره) را اتخاذ کرده بود که هدف آن از یک سو حفظ نیروهای عراق در سرزمین‌های اشغالی ایران، و از سوی دیگر به حداقل رساندن تلفات نظامی و جلوگیری از هرگونه خللی در زندگی عادی مردم بود. این استراتژی انعکاسی از این باور و امید بود که حوادث داخل ایران به سقوط [امام] خمینی منجر خواهد شد. در سرتاسر سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ (۱۳۶۰ و ۱۳۶۱) بسیاری از مقامات عالی‌رتبه عراقی بر این باور بودند که کشمکش بر سر قدرت در ایران به حکومت خمینی پایان داده و زمان صلح فرا می‌رسد.<^(۱۱۱)

عراق در ادامه یک جنگ فرسایشی، بر ایجاد مواضع دفاعی تأکید داشت به همین دلیل به ایجاد استحکامات و استقرار یگان‌های زرهی پیاده در سنگرهای مستحکم دست زد. یکی از متخصصان وزارت دفاع آمریکا نیز در مورد استراتژی عراق می‌گوید:

>استراتژی عراق به این صورت است که شهرهای اصلی غرب ایران را به جای تصرف، محاصره

کرده، سپس آنها را بمباران می‌کند. تا مقاومت ایران را در مقابل خواسته عراق برای کنترل شطالعرب [آروند رود] ضعیف کند.^(۱۱۲)

نقطه ثقل استراتژی عراق در این مرحله به تحولات داخلی ایران و نیز توانایی نظامی ارتش خود معطوف بود. به همین دلیل با محاصره برخی شهرها به جای تصرف آنها و حفظ قوای نظامی در درون سنگرها و مواضع دفاعی به بمباران اهداف غیرنظامی و اقتصادی اقدام می‌کرد. "در عین حال عراقی‌ها در حملات هوایی نیز احساس می‌کردند در صورت محدود بودن این حملات، با سقوط (امام) خمینی راحت‌تر می‌توانند با ایرانیان به توافق برسند."^(۱۱۳)

عراق، در پی اتخاذ استراتژی جدید خود* و فرا رسیدن فصل زمستان در جنوب و افزایش بارندگی، به تأسیس و تحکیم مواضع دفاعی پرداخت.* برخی از نشریات خارجی در مورد احداث دیوار دفاعی به دست نیروهای عراق و افزایش فعالیت ماشین‌های مهندسی در مواضع عراقی‌ها گزارش‌هایی منتشر کردند.

با این حال، در این مرحله از جنگ، عراقی‌ها غیر از برخی اقدامات مهندسی به‌منظور تکمیل مواضع دفاعی در منطقه "سوسنگرد در محور اهواز" و در "شرق رودخانه کارون" برای اشغال سوسنگرد و تکمیل محاصره آبادان، اقدامات مهم دیگری انجام ندادند. در اجرای این اقدامات علاوه بر ابعاد نظامی، ملاحظات سیاسی نیز مورد توجه بوده؛ در بُعد نظامی،

* رادیو کلن در مورد استراتژی عراق به نقل از کارشناسان نظامی گفت: <عراق امیدوار است که ضمن حفظ مواضع خود در خوزستان، شهر سوسنگرد را به تصرف درآورد و با حملات گاهوبی‌گاه موشکی و توپخانه‌ای به شهرهای اهواز و دزفول، این دو شهر را از سکنه خالی کند و بر سیل آوارگان ایرانی بیفزاید تا از این طریق و با در نظر گرفتن وضع نابسامان اقتصادی ایران، این کشور را به قبول آتش‌بس وادار کند. اما به نظر می‌رسد، با مقاومت شدید نیروهای ایرانی و وارد کردن ضربات متقابل به نیروهای مهاجم و تلفات مالی و جانی شدید که نیروهای عراقی به خصوص در هفته‌های اخیر و در حملات خود به شهرهای سوسنگرد و آبادان متحمل شده‌اند، این امید عراق نیز به تحقق نپیوندد.>

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۶۸، ۱۳۵۹/۹/۲۱، رادیو کلن، ۱۳۵۹/۹/۲۰)

** برابر اسناد به دست آمده از ارتش عراق، فرماندهی سپاه سوم در نامه‌ای به یگان‌های تابعه در توضیح استراتژی جدید عراق چنین نوشته است: <دستیابی به هدف‌های محدود نظامی [برای] ارتش شجاع ما به معنی پذیرفتن حالت دفاعی راكد و بی‌تحرك که دشمن را در وضعیت روانی و عملی برتر قرار دهد، نیست. دستیابی به اهداف محدود در مناطق مختلف، موجب ملنی شدن مبادرت به تهاجم از سوی فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌هایشان یا با شرکت قرارگاه‌های سپاه (برحسب نیازها و مقتضیات) نیست. این امر بدیهی است که هدف‌های ساکن مناسب‌ترین اهداف برای تهاجم هستند و یک هدف ایده‌آل برای ضربه‌زدن به ما، برای دشمن هدف‌های ساکن ما است.>

(اصغر کاظمی، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، دفتر ادبیات و هنر و مقاومت، ۱۳۷۵، ص ۳۰)

عراق با پیشروی در محور سوسنگرد و تصرف آن، ضمن نزدیک شدن به شهر اهواز - برای تأمین جناح چپ لشکر ۵ مکانیزه که در جنوب غربی اهواز استقرار داشت - می‌توانست نام یک شهر دیگر را به فهرست متصرفات خود اضافه کرده و بر روی آن تبلیغ کند. در محور آبادان، پس از تصرف خرمشهر که راه را برای تصرف آبادان باز کرد، محاصره و تصرف این شهر عمده‌ترین برگ برنده عراق در جنگ به شمار می‌رفت، زیرا تأسیسات نفتی منطقه آبادان و ادعای مرزی عراق در رودخانه اروند هر دو می‌توانست برتری عراق را با تداوم استقرار در مواضع اشغالی تضمین کند. به همین دلیل، عراق تقریباً کلیه تلاش‌های خود را برای تحقق اهداف نظامی فوق انجام داد، لیکن در این محور با شکست و ناکامی روبه‌رو شد. در بعد سیاسی، عراق امیدوار بود - با توجه به نزدیکی کنفرانس سران کشورهای عربی در امان پایتخت اردن - با دست زدن به تحرکات نظامی کشورهای عربی را نسبت به برتری نظامی خود متقاعد کند و آنها را به تشویق امریکا بر حمایت بیشتر از عراق، ترغیب سازد.

۲) گسترش مناسبات عراق با فرانسه

عراقی‌ها که به علت بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ در لاک دفاعی فرو رفته و شاهد تحولات سیاسی به ویژه تلاش سیاسی امریکا برای آزادی گروگان‌ها بودند، با درکی که از تأثیرات و دورنمای این روابط داشتند، اقداماتی را برای گسترش مناسبات خود با روسیه و فرانسه انجام دادند.

صدام در دومین اجلاس عادی مجلس ملی عراق در ۱۳/۸/۱۳۵۹ و تنها یک روز پس از تصویب شرایط ایران برای آزادی گروگان‌های امریکایی در مجلس شورای اسلامی و هم‌زمان با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات رئیس‌جمهوری امریکا، مطالبی را بیان کرد که دارای اهمیت است. وی در مورد گستردگی روابط بین‌المللی عراق گفت:

«دوستانی در جهان داریم که می‌توانیم از آنها اسلحه و قطعات یدکی به دست آوریم.»^(۱۱۴)

بلافاصله پس از این اظهارات، طارق عزیز معاون وزیر خارجه عراق عازم فرانسه شد و در دیدار با رئیس‌جمهور این کشور، نیاز عراق را به جنگنده‌های بمب‌افکن برای مقابله با برتری هوایی ایران بیان کرد. در این ملاقات‌ها خرید تجهیزات نظامی به ویژه هواپیمای میسراژ اف-۱ برای ارتش عراق و فروش نفت این کشور به فرانسه نقش محوری داشت. در این حال، وزارت خارجه فرانسه از مذاکرات و توافقات با احتیاط سخن می‌گفت، ولی گزارش‌های منتشره حاکی از آمادگی فرانسه برای تحویل ۶۰ فروند جنگنده میسراژ به عراق بود.^(۱۱۵)

طارق عزیز در مصاحبه با روزنامه لوموند با توصیف وضعیت عراق اعلام کرد:

> ما از این پس قوی‌تر و متحدتر خواهیم بود و اگر جنگ ادامه پیدا کند، کنترل دولت مرکزی [ایران] بر مناطق مختلف ضعیف خواهد شد و می‌توان حدس زد که در آن صورت چه خواهد شد. <(۱۱۶)

وی همچنین پس از دیدار با رئیس‌جمهور فرانسه (ژیسکار دستن) ضمن انتقاد از موضع امریکا و تمجید از موضع فرانسه، اعلام کرد:

> امریکا از ایران حمایت کرد که با این عمل به طولانی شدن جنگ کمک می‌کند... فرانسه مایل به حل مسالمت‌آمیز این جنگ است و این همان موضعی است که عراق از آن پیروی می‌کند. <(۱۱۷)

گسترش مناسبات عراق و فرانسه بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت؛ وال استریت ژورنال در مورد روابط دو کشور عراق و فرانسه نوشت:

> فرانسه که متکی به نفت عراق است، در سال‌های اخیر با دقت و توجه زیاد موفق به جلب دوستی بغداد شد و ظاهراً سفارش‌های بیشتری برای میلیاردها دلار اسلحه و مهمات نظامی اخیراً از این کشور عربی دریافت داشته است. <(۱۱۸)

همچنین، روزنامه اکسپرس چاپ لندن در مورد ماهیت تلاش‌های فرانسه مبنی بر واگذاری تجهیزات به عراق نوشت:

> پاریس سعی دارد از روشی پیروی کند که به او اجازه دهد قدمی در راه صلح بردارد، ولی دلایل عراق برای اجرای خواسته‌هایش از جانب فرانسه فوق‌العاده مهم است <(۱۱۹)

در واقع، فرانسه با برخورداری از شرایط لازم برای به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق - با توجه به موقعیت نامناسب امریکا و شوروی در این زمینه و همین تلاش‌های جدید خود - به ویژه کمک‌های مهم برای راه‌اندازی تأسیسات اتمی عراق، می‌توانست میدان مانور و موقعیت مناسبی را به‌دست آورد. رادیو کلن ماهیت و ابعاد تلاش‌های فرانسه را چنین بیان کرد:

> نخست‌وزیر فرانسه تأکید کرد که به عراق در استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی کمک خواهد کرد. * فرانسه آگاهانه و عملاً برای همکاری نزدیک با عراق کوشش به عمل می‌آورد. در حالی که

* با توجه به موضع‌گیری برخی از کشورها در برابر سیاست فرانسه در تجهیز اتمی عراق و حمله اسرائیل به راکتور اتمی عراق که با کمک فرانسوی‌ها برپا شده بود، قول مساعد نخست‌وزیر فرانسه در ملاقات‌هایش با طارق عزیز از مفهوم و معنای خاصی برخوردار بود و از سیاست‌های جدی و گسترده فرانسه در منطقه خلیج فارس حکایت می‌کرد.

در مورد آینده اقتصادی ایران قضاوتی بسیار بدبینانه دارد ... پاریس سال‌های سال است که برای جدا کردن عراق از شوروی کوشش می‌کند ... دیپلماسی فرانسه امیدوار است که به این طریق موقعیت ارزشمندی در خلیج فارس به دست آورد.^(۱۲۰)

در پی شتاب فرانسوی‌ها برای تسلیح عراق، دولت فرانسه دستور واگذاری میراژهای عراق را سه ماه زودتر از موعد قرارداد صادر کرد.^(۱۲۱) ایران نیز در برابر این اقدامات - با فراخوانی سفیر فرانسه در تهران - موضع‌گیری کرد لیکن این برخورد هیچ تأثیری بر سیاست جدید و حمایت‌آمیز فرانسه از عراق نداشت. در این میان، امریکایی‌ها نیز مایل بودند بدین‌وسیله علاوه بر بازنگه‌داشتن کانال اسلحه برای عراق و جلوگیری از چرخش این کشور به سوی مسکو، خود را به عنوان بی‌طرف در جنگ مطرح سازند و راه را برای مذاکره با ایران بگشایند.

فرانسوی‌ها در این روند ضمن این‌که همچنان بر حمایت خود از عراق ادامه می‌دادند، با افشا کردن خبر ملاقات محرمانه برژینسکی با صدام در مرز عراق و اردن پیش از آغاز جنگ، تلویحاً از سیاست‌های امریکا در برخورد با عراق انتقاد و گلایه کردند. مجله فیگارو در این زمینه نوشت:

> جریان جنگ عراق و ایران در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مورد دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات نمود و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم نمود که امریکا با آرزوی عراق در مورد شط‌العرب (اروند رود) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد. پیش‌بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی‌ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرفدار غرب جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، امریکا می‌تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.^(۱۲۲)

در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۶ صدور نفت عراق به فرانسه از سر گرفته شد و چند روز بعد، در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲ طارق عزیز برای سومین بار عازم فرانسه شد. وی در دیدار با وزیر خارجه فرانسه گفت که عراق هرگز قصد ندارد بیش از آنچه در طول دو هفته اول جنگ در خوزستان و غرب ایران پیشروی کرده است جلوتر برود. وی همچنین گفت که عراق اکنون برای انجام دادن مذاکرات صلح از موضعی قوی آماده است. وی در این سفر بر پای‌بندی عراق و فرانسه به انجام دادن تعهدات خود تأکید کرد.^(۱۲۳)

سرانجام، در پی این تلاش‌ها - بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه - عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۴ نخستین محموله هوپیمای میراژ اف-۱ را به صورت قطعات جداگانه و مونتاژنشده دریافت کرد.^(۱۲۴)

۳) تلاش برای رفع تیرگی روابط با مسکو

چرخش عراق به سمت غرب به ویژه روابط تسلیحاتی نسبتاً گسترده با فرانسه، سرکوب حزب کمونیست در داخل و موضع‌گیری در برابر تجاوز شوروی به افغانستان، از جمله عواملی بود که روابط بغداد - مسکو را تیره کرد. با این حال، قرارداد ۲۰ ساله "مودت" و روابط تسلیحاتی عراق و شوروی زمینه مناسبی برای بهبود دوباره روابط دو کشور بود. عراقی‌ها بیشتر به دلیل موضع‌گیری جدید امریکا، تمایل خود را به گسترش مناسبات با شوروی نشان دادند، چنان‌که صدام در نخستین کنفرانس مطبوعاتی با رسانه‌های خارجی بر دوستی عراق با فرانسه و شوروی تأکید کرد، لیکن توضیح داد که این روابط بدین معنا نیست که هنگام درگیری شوروی با کشور خارجی، ما از آن پشتیبانی کنیم یا این‌که زمانی که ما با کشورهای خارجی درگیر می‌شویم، شوروی از ما پشتیبانی کند.^(۱۲۵) بلافاصله پس از اظهارات صدام، طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق برای دومین بار راهی مسکو شد. آسوشیتدپرس به نقل از روزنامه‌های کویتی گزارش داد:

> طارق عزیز پیامی از صدام دارد که صدام در چارچوب قرارداد مودت شوروی با عراق، تقاضای سلاح و لوازم یدکی کرده است. <^(۱۲۶)

فاینشنال تایمز نیز در مورد روابط عراق و مسکو و علت اعزام هیئت عراقی نوشت:

> مسکو از دادن اسلحه و قطعات یدکی به عراق خودداری کرده است. بر اثر این برخورد، روابط بغداد و مسکو تیره شد و به همین خاطر هیئت‌هایی به پاریس و لندن فرستاده شد. علت اعزام طارق عزیز به مسکو از سوی صدام در روزهای نخست جنگ و نیز اعزام مجدد امروز نامبرده به مسکو، ارسال اسلحه و قطعات یدکی به عراق بوده است. <^(۱۲۷)

چند روز پس از آن‌که عراقی‌ها در تغییر موضع روس‌ها ناکام ماندند، طارق عزیز در مصاحبه با مجله عربی‌زبان المستقبل چاپ لندن، سیاست شوروی را نسبت به جنگ مورد انتقاد قرار داد. وی شوروی را متهم کرد که سیاست انگلستان را در جنگ ایران و عراق در پیش گرفته است، زیرا مسکو همانند لندن منتظر نتیجه جنگ است تا روش خود را نسبت به برنده مشخص کند.^(۱۲۸)

روس‌ها پس از پاسخ منفی به درخواست عراق، به‌طور رسمی این موضوع را به ایران نیز

ابلاغ دادند. اساساً، تیرگی مناسبات مسکو و بغداد و در مقابل، تمایل شوروی به ایران، از یک سو متأثر از درک و تحلیلی بود که شوروی‌ها از ماهیت انقلاب داشتند و از سوی دیگر، تأثیرات جنگ و سیاست‌های امریکا برای تضعیف و تعدیل ایران در این روند بود.

برژنف صدر هیئت رئیسه شوروی، موضع کشورش را در مورد جنگ چنین توضیح داد:

«بعضی‌ها سعی دارند به این مناقشه جنبه جدی‌تر بدهند. منظور از تلاش، تضعیف دوطرف درگیر است تا از این راه منافع نیروهای خارجی که پس از سقوط رژیم شاه در ایران از دست رفته است، باز ستانده شود. اتحاد شوروی برای حل هرچه زودتر اختلاف طرفین و علیه دخالت دیگر کشورها در مناقشه، اقدام می‌کند.»^(۱۲۹)

بعدها، مجله فارین‌افرز چاپ واشنگتن با تحلیل مواضع شوروی در جنگ نوشت:

«مدرکی از کمک‌های شوروی به عراق یا تشویق آن کشور در حمله به ایران در دست نیست. ... شوروی‌ها از قصد عراق برای جنگ با ایران آگاه بودند، اما مایل یا قادر نبودند که از آن جلوگیری کنند.»

این مجله همچنین در مورد اقدامات آینده شوروی افزود:

«شوروی ممکن است در موقع مناسب، نقش میانجی را در میان ایران و عراق ایفا کند و به این ترتیب موقعیت خود را در خاورمیانه تقویت کند.»^(۱۳۰)

۴) تشدید بی‌ثباتی در ایران

ناکامی نظامی عراق* و به موازات آن، تغییر و تحولاتی که به تدریج در نظام بین‌المللی به زبان عراق شکل می‌گرفت، این کشور را در وضعیتی قرار داد که تنها با امید به تحولات سیاسی و تشدید بی‌ثباتی در داخل ایران، در مناطق اشغالی استقرار یافت.

عراق برای اجتناب از جنگ درازمدت، سلسله تلاش‌هایی را در داخل ایران تدارک دید تا با تشدید بی‌ثباتی در ایران، همراه با ناکامی در بیرون راندن نیروهای متجاوز، به أخذ امتیازات سیاسی موفق شود.** عراق در این زمینه چنان امیدوار بود که توسط یاسر عرفات

* روزنامه لوموند چاپ فرانسه با توجه به تغییر اوضاع داخلی ایران و تغییر اوضاع بین‌المللی، طی تحلیلی در مورد انتخاب زمان حمله عراق نوشت: «کافی بود که صدام حسین ضربه نهایی و مرگبار خود را قبل از این که دولت رجایی شروع به کار کند، وارد بیاورد و یا قبل از این که مذاکرات در خصوص گروگان‌ها صورت گیرد، وارد عمل شود.»

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات خارجی، بولتن "بررسی مطبوعات جهان"، ۱۳۵۹/۱۱/۱۹، مجله لوموند، چاپ فرانسه)

** روزنامه السیاسه چاپ کویت با توجه به بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت فشار سیاسی از داخل، نوشت: «چنان که جنگ ایران و عراق

به بنی‌صدر پیام دادند:

>نیروهای مسلح عراق می‌توانند اهواز را هم تصرف کنند و در جبهه‌های دیگر هم پیشروی کنند، اما این کار را نمی‌کنند، چون منتظرند فعل و انفعالاتی در تهران بشود.<^(۱۳۱)

همچنین، صدام در پایان آبان ۱۳۵۹ سیاست عراق در ایران را چنین بیان کرد:

>ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم و صریحاً اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بورزد، هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود.<^(۱۳۲)

طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق نیز در اظهارات مشابهی اعلام کرد:

>وجود پنج ایران کوچک‌تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود. ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد؛ همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم کرد.<^(۱۳۳)

در این روند، دولت بعثی با توجه به این که در خوزستان نتیجه مطلوبی از تلاش‌های خودی برای جلب حمایت مردم عرب‌زبان به دست نیاورد، لذا توجه خاصی به منطقه کردستان معطوف کرد. به همین دلیل صدام طی مصاحبه‌ای رسماً اعلام کرد:

>ما جبهه تهاجمی جدیدی در شمال غرب کردستان گشوده‌ایم تا رژیم آیت‌الله خمینی را وادار سازیم که دعاوی ما را در مورد اراضی و آب‌های ساحلی بپذیرد.<^(۱۳۴)

در پی سخنان صدام، ارتش عراق حدود ۳۰۰ تانک و نفربر را که در کردستان مستقر بودند، به قصرشیرین اعزام کرد و عملیات در مناطق کردنشین را به‌طور جدی به نیروهای ضدانقلاب داخلی از جمله حزب دمکرات کردستان ایران و کومه‌له واگذار کرد.^(۱۳۵)

رادیو اسرائیل نیز طی گزارشی در مورد فعالیت‌ها و همکاری عراق با گروه‌های ضدانقلاب در مناطق کردنشین به نقل از دیپلمات‌های عرب در بیروت گفت:

>دولت عراق موفق شده [است] شورش کردهای ایران را علیه دولت مرکزی قوت بخشد تا از فشار نظامی ایران در جبهه‌های جنگ علیه عراق کاسته شود.<^(۱۳۶)

بنابراین، تشدید درگیری در منطقه کردستان علاوه بر تجزیه قوای نظامی ایران موجب

راه‌حل نظامی نداشته باشد، راه‌حل حتمی آن یک فشار سیاسی از داخل خواهد بود... اطلاعات حاصله حاکی است که یک جبهه سیاسی غیرمترقبه راه خود را به سوی ایران باز کرده است، طوری که در زمان کوتاهی اوضاع داخلی را به نابسامانی می‌کشاند تا ایران ناچار شود پیشنهاد آتش‌بس را قبول کند... در حالی که در پایتخت موافقین و مخالفین مشغول تظاهرات و راهپیمایی هستند و اختلافات بین رئیس‌جمهوری و لیبرال‌ها با روحانیون حاکم ادامه دارد، موفقیت این طرح تضمین است.<

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۶۰، ۱۳/۹/۱۳۵۹)

تخصیص بخشی از آن نیروها برای مقابله با ضدانقلاب می‌شد. عراق نیز می‌توانست با کاستن از نیروهای خود در این منطقه، قوای خود را در سایر مناطق تقویت کند.

درگیری در منطقه کردستان در نیمه اول دی‌ماه ۱۳۵۹ و تنها یک ماه پس از سخنان صدام، چنان شدت گرفت که به ارتفاعات "قرچلو" در حوالی دریاچه مریوان کشیده شد و گروه‌های مسلح ضدانقلاب به "سقز" که آرام‌ترین شهر منطقه بود هجوم برده و به هنگام ورود ستون نظامی به سقز، در پنج کیلومتری این شهر، راه را بر ستون ارتش بستند.^(۱۳۷)

در پی این تحولات کاخ ریاست جمهوری عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۲ همه استانداران و مسئولان سازمان‌های اطلاعاتی عراق در استان‌های کردنشین را به بغداد فراخواند تا در جلسه‌ای با حضور صدام شرکت کنند. صدام در این جلسه به حاضران گفت که باید در نهایت احترام، با فرماندهان گروه‌ها و مسئولان احزاب مخالف دولت ایران در مناطق کردنشین این کشور رفتار کرده و در مورد برآوردن خواسته‌ها و نیازهای آنان به فوریت اقدام کنند. صدام سپس در مورد نتایج این اقدامات گفت:

>پیش گرفتن چنین رویه‌ای [روشی] موجب می‌شود، افراد مسلح این احزاب و گروه‌ها بتوانند با کمال قدرت در مناطق غرب ایران، نیروهای انتظامی و نظامی دولت ایران را درگیر و مشغول سازند تا ما بتوانیم در جبهه خوزستان به آسودگی عمل کرده، پیشروی نماییم.<^(۱۳۸)

علاوه بر احزاب و گروه‌هایی که در مناطق کردنشین فعالیت داشتند به تدریج سایر گروه‌های ضدانقلاب نیز در منطقه فعال شدند؛ برابر گزارش ستاد مشترک ارتش، علاوه بر فعال شدن کلیه احزاب در بوکان، فراریان ضدانقلاب - از جمله عوامل بختیار - به حزب‌های دمکرات، کومه‌له و فدایی پیوستند. همچنین، سران حزب کومه‌له، دمکرات و گروه شیخ جلال حسینی در دو کیلومتری رودخانه اطراف پانوان، هریک بنکه‌ای (واحد مرزی) داشتند و برای حمله، ستادی تشکیل دادند. کلیه مایحتاج این گروه‌ها را منافقین یا دولت عراق تأمین می‌کردند. منافقین در سقز و بانه و افراد کومه‌له و دمکرات در سنندج و اطراف کامیاران و دهگلان مستقر شدند. دمکرات‌های مسلح در اطراف دیواندره نیز مشاهده شده بودند.^(۱۳۹) دمکرات‌ها نیز بر بلندی‌های اطراف پیرانشهر مستقر شدند و شهر را در محاصره خود گرفتند.^(۱۴۰)

افزایش تحرکات ضدانقلاب در کردستان تأثیر گسترده‌ای داشت به گونه‌ای که نیروهای سپاه و ارتش را به‌طور جدی درگیر کرد. در چنین وضعیتی، صدام با امیدواری به جریان‌های سیاسی در داخل و تحرکات ضدانقلاب در مناطق مختلف، به هنگام برگزاری مراسم سالگرد

تأسیس ارتش عراق طی تحلیلی گفت:

> ما می‌دانیم محافلی در داخل حکومت و خارج حکومت ایران وجود دارد که می‌خواهند با عراق در صلح زندگی کنند و روابط حسن هم‌جواری با عراق و امت عرب برقرار نمایند. از خلق‌های ایران، کردها، بلوچ‌ها، آذربایجانی‌ها و اعراب، ستایش و پشتیبانی خود را از مبارزه آنها علیه طغیان اعلام می‌کنم و از حقوق مشروع آنها پشتیبانی می‌نمایم.^(۱۴۱)

عراق به تدریج سازمان مناسبی را برای هم‌آهنگی تحرکات ضدانقلاب در مناطق کردنشین به وجود آورد، چنان‌که به دستور صدام از ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۹، مسئولیت بررسی وضعیت کلی کردهای مسلح عراق و گروه‌های مسلح سیاسی مخالف دولت ایران، در مناطق کردنشین غرب کشور به عهده اداره کل استخبارات عراق به ریاست بارزان و اداره استخبارات شمال عراق به ریاست سرتیپ خزل، گذاشته شد.^(۱۴۲) در گذشته، همه این مسئولیت‌ها بر عهده ارتش عراق بود.

انتقال مسئولیت فعالیت نیروهای ضدانقلاب در ایران، از ارتش عراق به اداره استخبارات نشان‌دهنده تغییر ماهیت همکاری‌های عراق با ضدانقلاب از نظر نظامی به سیاسی - نظامی بود. ضمن این‌که افزایش فعالیت‌های اطلاعاتی فراتر از همکاری موقت، و بیشتر برای درازمدت در نظر گرفته شده بود، چنان‌که به تدریج با توجه به اوضاع و امکاناتی که عراق در این منطقه به وجود آورده بود، قاسملو (از حزب دمکرات) با منافقین و بنی‌صدر فعالیت مشترک و هم‌آهنگی را آغاز کردند. مهم‌تر از همه، در پی این تلاش‌ها منطقه کردستان به عنوان "سرپل" برای خروج غیرقانونی از کشور به عراق یا اروپا تبدیل شد، چنان‌که مسعود رجوی در دی‌ماه ۱۳۵۹ به منظور بررسی مسیرهای خروج و تماس با فرانسوی‌ها، از طریق کردستان از کشور خارج شد و پس از ملاقات با فرانسوی‌ها و اعلام آمادگی برای اقدام به عملیات نظامی در داخل کشور، بار دیگر به کشور بازگشت و همین امر نقطه آغاز ورود منافقین به فاز نظامی با کمک و حمایت قدرت‌های خارجی و هم‌آهنگی با سایر جریان‌های ضدانقلابی در داخل کشور بود. در این روند نقش محوری فرانسه برای پشتیبانی از تحرکات ضدانقلاب و هم‌آهنگ کردن طیف‌های مختلف با یکدیگر در ایران، کاملاً آشکار بود. فرانسوی‌ها امیدوار بودند با تأثیرگذاری در داخل ایران و کمک به بنی‌صدر برای به دست گرفتن قدرت مطلق، اوضاع مناسبی را برای برقراری صلح بین ایران و عراق و خلع‌ید نیروهای انقلابی فراهم سازند و بدین‌وسیله، از موقعیت برتر در مقایسه با امریکایی‌ها در ایران و عراق، برخوردار شوند.

در این میان، سفر "اریک رولو" مفسر مشهور فرانسوی به ایران به عنوان فرستاده ویژه دولت فرانسه و دیدارهایی که با بنی‌صدر انجام داد و همچنین مصاحبه‌اش با عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دمکرات تحت عنوان "جنگ سری در کردستان" حائز اهمیت است. در این مدت، تحلیل‌های نشریات فرانسوی نظیر فیگارو، لوموند نیز قابل بررسی است؛* به عنوان نمونه، قاسملو در مصاحبه با لوموند، آشکارا اعلام کرد:

> ما باید مواد اولیه زندگی و سلاح را به دست آوریم تا کمبود یکی از آنها موجب آسیب‌پذیری ما نشود. در حال حاضر ما از عراق، ترکیه و شوروی که با ما مرز مشترک دارند کمک دریافت می‌کنیم. به‌طور کلی عراق همان اندازه به ما وابسته است که ما به آن کشور متکی هستیم. < (۱۴۳)

مصاحبه‌گر لوموند در پایان، یک پرسش اساسی مطرح کرد که نشان‌دهنده امیدواری آنها به تأثیرگذاری بی‌ثباتی سیاسی و اشغال نظامی برای از پای درآوردن ایران بود:

> آیا جمهوری اسلامی قادر خواهد بود در جنگی که در دو جبهه وجود دارد پیروز شود یا خیر؟ < (۱۴۴)

این روزنامه مدتی بعد - با برداشتی که از اوضاع داخلی ایران داشت - در پاسخ به این پرسش که "چه کسی در این جنگ پیروز خواهد شد؟" به نقل از ناظران نوشت:

> یکی از ناظران عقیده دارد که قوی‌ترین رژیم، آسیب‌پذیرترین خواهد بود. به نظر وی، بهتر است صاحب مملکت کوچکی شد که سازمان‌یافته باشد و توسط یک فرد اداره می‌شود، تا در سرزمینی زندگی کرد که قطعه قطعه شده و دچار هرج و مرج انقلابی باشد. < (۱۴۵)

بر اساس این تحلیل، امکان ادامه بقا و حیات سیاسی جمهوری اسلامی از میان رفته است و بدین ترتیب نظام اسلامی عملاً مضمحل خواهد شد و راهی جز جابه‌جایی در ساختار

* روزنامه فرانسوی لوموند در یکی از شماره‌های خود طی گزارشی از اوضاع کردستان نوشت: > جنگ پنهانی کردستان مسئله ساده‌ای نیست، این جنگ دست کم یک چهارم نیروی نظامی جمهوری اسلامی (سه لشکر از یازده لشکر نیروی زمینی) را به خود مشغول کرده است که خود گویای فقدان یا کمبود قدرت دفاعی ایران در آغاز جنگ با عراق است ... برای عبور یک ستون زرهی ارتش ۴۲ روز لازم است تا به قیمت از دست دادن صدها سرباز و ده‌ها وسیله نقلیه، پنجاه کیلومتر پیشروی کند. همه چیز به گونه‌ای جریان دارد، [که گویا] مهاجمان کرد و سربازان عراقی برای درهم شکستن جمهوری اسلامی عمل می‌کنند ... تنها هدف قاسملو سرنگونی رژیم (امام) خمینی از طریق کمک‌های مالی عراق است. < سپس لوموند به نقل از کیانوری در مورد قاسملو نوشت: > او با اسرائیل و آمریکا نیز همکاری می‌کند. او گفت می‌تواند، ثابت کند که قاسملو میلیون‌ها دلار از ناتو پول دریافت کرده است. <

سیاسی قدرت باقی نمانده است.

۵- تقویت سازمان نظامی عراق

در پی تهاجمات اولیه ارتش عراق و زمین گیر شدن آن در مواضع اشغالی، دولت بعثی به منظور گسترش سازمان ارتش خود، افسران احتیاط فارغ التحصیل دوره ۲۷ را فراخواند.^(۱۴۶) و یگان‌های پیاده خود را به منظور حضور طولانی در خاک ایران و پشتیبانی از یگان‌های زرهی خود، با تشکیل دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده افزایش داد. همچنین، عراقی‌ها یگان‌های گارد ریاست جمهوری و سایر نیروها را برای آموزش‌های ویژه جنگ شهری انتخاب کردند.^(۱۴۷)

از سوی دیگر دولت عراق برای احداث جاده‌ای عریض از بصره به سوی خطوط مقدم در مجاورت اهواز که برای مهمات رسانی و تدارکات نیاز داشت، اقدامات گسترده‌ای به عمل آورد و برای مقابله با طغیان رودخانه کارون در فصل زمستان و محافظت از خطوط دفاعی خود، خاکریزهایی را احداث کرد.^(۱۴۸) فعالیت مهندسی عراق نیز برای تحکیم مواضع اشغالی، در این مدت به شدت انجام می‌شد.

منابع و مأخذ فصل اول

- ۱- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (دفتر حقوقی، بهمن ۱۳۶۱)، ص ۷۸.
- ۲- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان (تهران، خرداد ۱۳۷۳)، ص ۲۳.
- ۳- پیشین، ص ۲۰، مصاحبه صدام حسین با خبرگزاری‌ها.
- ۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۲، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۵۹/۷/۱.
- ۵- پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیکی دانشگاه امام حسین (ع)، مجله "سیاست دفاعی"، شماره ۱۵ و ۱۶، سال
- چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۸.
- ۶- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد اول، ۱۳۶۸، ص ۱.
- ۷- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، خرمشهر در جنگ طولانی، نوشته مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی (تهران، ۱۳۷۵)، صص ۱۰۰ - ۸۷ و مأخذ ۱، صص ۲۰ - ۱۹.
- ۸- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۱۷.
- ۹- آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، (چاپ نشده).
- ۱۰- سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل

- جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۱۵.
- ۱۱- پیشین.
- ۱۲- مأخذ ۱۰.
- ۱۳- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۰، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۳۹.
- ۱۴- پیشین، جلد ۱۳، ص ۹۲.
- ۱۵- پیشین.
- ۱۶- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۱.
- ۱۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۳/۱۶، مقاله مردی به ازای شرف.
- ۱۸- روزنامه کیهان، ۱۳۷۵/۷/۱۵، مصاحبه تیمسار آراسته (جانشین وقت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران).
- ۱۹- انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مصاحبه در مورد شهادت شهید چمران، ۱۳۶۱/۳/۱۲، صص ۶۴ و ۶۵.
- ۲۰- نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۳/۲۹، مندرج در روزنامه‌های ۱۳۶۰/۳/۳۰.
- ۲۱- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۱.
- ۲۲- پیشین.
- ۲۳- مأخذ ۲۱، ص ۲.
- ۲۴- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۳، اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، (تهران: ۱۳۷۲)، ص ۴۳.
- ۲۵- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۱، نبردهای غرب دزفول، (تهران: اسفند ۱۳۷۱)، ص ۲.
- ۲۶- پیشین، ص ۶۹.
- ۲۷- مأخذ ۹، ص ۵۴.
- ۲۸- روزنامه انقلاب اسلامی، مهرماه ۱۳۵۹، مقاله "روزها بر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟"، نوشته ابوالحسن بنی‌صدر.
- ۲۹- مأخذ ۹، صص ۵۶ - ۵۵.
- ۳۰- مأخذ ۱۳، جلد ۱۱، سخنرانی امام خمینی، ۱۳۵۸/۱۲/۶.
- ۳۱- مأخذ ۱۳، جلد ۱۱، ۱۳۵۹/۲/۱۲.
- ۳۲- مأخذ ۱۳، جلد ۱۳، ۱۳۵۹/۶/۲۱.
- ۳۳- مأخذ ۱۰.
- ۳۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱۹.
- ۳۵- مأخذ ۱۰.
- ۳۶- پیشین.
- ۳۷- پیشین.
- ۳۸- مأخذ ۵، صص ۹۰ - ۵۹ مقاله "علل تهاجم و توقف اولیه عراق، بررسی نظریه‌های موجود" نوشته محمد درودیان.
- ۳۹- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوار مصاحبه فرمانده اسیر عراقی.
- ۴۰- مأخذ ۴، به نقل از خبرگزاری رویتر.
- ۴۱- پیشین، به نقل از رادیو امریکا.
- ۴۲- روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۷/۱۰.
- ۴۳- خبرگزاری پارس، "گزارش ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۷، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۷/۶.
- ۴۴- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۵.
- ۴۵- محی‌الدین مصباحی، مقاله چهارچوب مواضع شوروی، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، پژشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، (تهران: چاپ اول، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۴.
- ۴۶- پیشین.
- ۴۷- مأخذ ۴۵، ص ۲۲۲.
- ۴۸- عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰) صص ۷۰ - ۶۹.
- ۴۹- پیشین.
- ۵۰- مأخذ ۴۸.
- ۵۱- پیشین.
- ۵۲- پیشین.
- ۵۳- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم، هجوم سراسری، نوشته مهدی انصاری و حسین یکتا، (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۱۸۴.
- ۵۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۵، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۵۹/۸/۷.
- ۵۵- خبرگزاری آسوشیتدپرس، رادیو لندن، ۱۳۵۹/۸/۸.
- ۵۶- بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، ۱۳۵۹/۸/۸.
- ۵۷- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۵۲.

- ۱۳۵۹/۹/۵. ۵۸- مأخذ ۵۸، ۱۳۵۹/۸/۱۰.
- ۵۸- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۷، ۱۳۵۹/۸/۱۰، به نقل از رادیو آمریکا.
- ۵۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۱۲.
- ۶۰- روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۷/۱۲، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۶۱- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۴.
- ۶۲- مأخذ ۵۳، ص ۲۷۸.
- ۶۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۳.
- ۶۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۵، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۶۵- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۹، به نقل از رادیو آمریکا.
- ۶۶- پیشین، به نقل از رادیو لندن.
- ۶۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۹، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.
- ۶۸- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۸، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۶۹- پیشین.
- ۷۰- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۱۰، به نقل از رادیو آمریکا.
- ۷۱- مأخذ ۶۲، ص ۲۴۶.
- ۷۲- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۱۶، به نقل از رادیو اسرائیل.
- ۷۳- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۸/۳، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس.
- ۷۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۷/۳۰، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۷/۲۹.
- ۷۵- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۸/۴، به نقل از رادیو امریکا.
- ۷۶- پیشین، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس.
- ۷۷- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۵۹/۸/۵، به نقل از خبرگزاری رویتر.
- ۷۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۵.
- ۷۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۳، ۱۳۵۹/۸/۶، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۵۹/۸/۵.
- ۸۰- پیشین، به نقل از رادیو صوت‌الجماهیر، ۱۳۵۹/۸/۵.
- ۸۱- مأخذ ۷۹، به نقل از رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۸/۵.
- ۸۲- مأخذ ۵۸، ۱۳۵۹/۸/۱۰.
- ۸۳- مأخذ ۵۴، بن، ۱۳۵۹/۸/۶.
- ۸۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۶، ۱۳۵۹/۸/۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۸/۸.
- ۸۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱۳، به نقل از خبرگزاری پارس.
- ۸۶- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۹، ۱۳۵۹/۸/۱۲.
- ۸۷- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۸، ۱۳۵۹/۸/۱۱.
- ۸۸- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۳۰، ۱۳۵۹/۸/۱۳، به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی.
- ۸۹- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱۴، به نقل از لندن، خبرگزاری یونایتدپرس، روزنامه دلی تلگراف، ۱۳۵۹/۸/۱۳.
- ۹۰- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰.
- ۹۱- پیشین.
- ۹۲- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجم، هویزه آخرین گام‌های اشغالگر، نوشته علی‌رضا لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۳.
- ۹۳- مأخذ ۹۹، ص ۹۹.
- ۹۴- پیشین، ص ۱۳۴.
- ۹۵- ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، (تهران: ۱۳۶۶)، ص ۱۰۵.
- ۹۶- پیشین.
- ۹۷- مأخذ ۹۵.
- ۹۸- ستاد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی، نوشته اسیران عراقی.
- ۹۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۲، به نقل از رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۸/۲۱.
- ۱۰۰- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۶، به نقل از رادیو قاهره، ۱۳۵۹/۸/۲۵.
- ۱۰۱- پیشین.
- ۱۰۲- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۳.
- ۱۰۳- پیشین.
- ۱۰۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۲، به نقل از رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۸/۲۱.
- ۱۰۵- مأخذ ۹۹، به نقل از روزنامه لوموند.

- ۹۰- مأخذ ۹۹. ۱۳۰- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۹۴، ۱۰۷- پیشین.
- ۱۰۸- پیشین.
- ۱۰۹- مأخذ ۹۹، به نقل از رادیو کلن، ۱۳۵۹/۸/۲۱.
- ۱۱۰- ادلفی بی‌پر، بهار ۱۹۸۷، مقاله "جنگ ایران و عراق یک تحلیل نظامی" ۱۱۱- مأخذ ۹، ص ۱۳۴.
- ۱۱۲- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه، نشریه ۱۳۵۹/۸/۱۷، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۸/۱۷.
- ۱۱۳- مأخذ ۹، ص ۱۴۸.
- ۱۱۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۱۴، به نقل از رادیو صوت‌الجماهیر.
- ۱۱۵- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۱۶.
- ۱۱۶- پیشین.
- ۱۱۷- مأخذ ۹، ص ۱۴۸.
- ۱۱۸- مأخذ ۱۱۲.
- ۱۱۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۰.
- ۱۲۰- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۲، به نقل از رادیو کویت، ۱۳۵۹/۸/۲۲.
- ۱۲۱- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۸/۲۷، به نقل از هفته‌نامه لوبون، چاپ پاریس.
- ۱۲۲- روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۱۷، به نقل از فیگارو.
- ۱۲۳- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۸۰، ۱۳۵۹/۱۰/۳، به نقل از خبرگزاری آسوشیئیدپرس، ۱۳۵۹/۱۰/۲.
- ۱۲۴- روزنامه جمهوری‌اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۲۷، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳۵۹/۱۰/۴.
- ۱۲۵- مأخذ ۹۹.
- ۱۲۶- پیشین.
- ۱۲۷- مأخذ ۱۰۴.
- ۱۲۸- پیشین.
- ۱۲۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۶۷، ۱۳۵۹/۹/۲۰.
- ۱۳۰- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۹۴، ۱۳۵۹/۱۰/۱۷، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.
- ۱۳۱- ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟ جلد چهارم، گزارش ۸ تا ۱۳ آذر ۱۳۵۹، انتشارات انقلاب‌اسلامی، تهران ص ۲۸.
- ۱۳۲- مأخذ ۲۴، صص ۵۲ - ۵۱.
- ۱۳۳- پیشین.
- ۱۳۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۱۳۵۹/۱۰/۱۰، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۳۵۹/۱۰/۹.
- ۱۳۵- سند شماره ۰۰۲۴۱۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، لشکر ۸۱ زرهی، رکن ۲، ۱۳۵۹/۱۰/۸.
- ۱۳۶- مأخذ ۱۳۴.
- ۱۳۷- روزنامه انقلاب‌اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۱۰.
- ۱۳۸- سند شماره ۰۰۲۶۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، ۱۳۵۹/۱۰/۲۱.
- ۱۳۹- سند شماره ۰۰۲۵۰۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ستاد مشترک ارتش، ۱۳۵۹/۱۰/۱۴.
- ۱۴۰- سند شماره ۰۴۷۶۳۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سپاه پیرانشهر، ۱۳۵۹/۱۰/۱۴.
- ۱۴۱- مأخذ ۱۳۰، رادیو صوت‌الجماهیر، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.
- ۱۴۲- سند شماره ۰۰۲۶۰۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، ۱۳۵۹/۱۰/۲۱.
- ۱۴۳- اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، ۱۳۵۹/۱۰/۹، به نقل از لوموند، ۱۳۵۹/۹/۲۱.
- ۱۴۴- پیشین.
- ۱۴۵- اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، ۱۳۵۹/۱۱/۱۵، به نقل از لوموند، ۱۳۵۹/۹/۱۹.
- ۱۴۶- سند شماره ۰۰۲۰۹۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ستاد مشترک ارتش، ۱۳۵۹/۹/۱۶.
- ۱۴۷- مأخذ ۹، ص ۱۵۰.
- ۱۴۸- مأخذ ۱۱۰.

فصل دوم

بن بست نظامي، بحران سياسي

defoghaddas.ir

بن بست نظامی، بحران سیاسی

استراتژی بنی صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی

حضور گسترده و همه‌جانبه مردم در صحنه جنگ و جان‌فشانی در مقابله با تجاوز غافل‌گیرانه عراق، از پیشروی نیروهای دشمن جلوگیری کرد و این انتظار را به وجود آورد که متجاوزان باید به مناطق مرزی عقب رانده شوند، زیرا باقی‌ماندن آنها در خاک ایران اسلامی به هیچ‌وجه قابل پذیرش نبود. در موازات درخواست عمومی مردم برای بیرون راندن متجاوزان، استراتژی نظامی کشور نیز بر این خواسته متمرکز شد.^{*} در این اوضاع، بنی‌صدر در سمت فرمانده کل قوا، ۱۶ روز پس از آغاز تجاوز دشمن، در مصاحبه با لوموند گفت:

«ایران خود را برای یک حمله بزرگ آماده خواهد کرد.»^(۱)

نظر به این که پاسخ به خواست عمومی مردم برای دفع تجاوز، بر عهده ارتش بود، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در مورد شرایط آغاز تعرض به دشمن، چنین توضیح داد:

«در شیوه‌های نظامی، آغاز تعرض شرایطی دارد، یعنی در حالی که ارتش عراق در حال تعرض است، اگر تعرض متقابلی بر او هدایت بشود، یک نبرد تصادفی است و در نبرد تصادفی، تلفات و ضایعات فراوان خواهد بود. این است که در مرحله اول ما باید ارتش عراق را متوقف می‌کردیم که چنین کردیم، در مرحله دوم تثبیت و زمین‌گیر کردیم، در مرحله سوم توان رزمی دشمن را

* تلاش برای آزادسازی مناطق اشغالی در دو مقطع انجام گرفت: در مقطع اول، عملیات‌هایی به فرماندهی بنی‌صدر و با اتکا به نیروهای کلاسیک انجام گرفت که ناموفق بود و نتایج نامطلوبی در پی داشت. در مقطع دوم و پس از حذف بنی‌صدر، با هم‌آهنگی ارتش، سپاه و حضور نیروهای انقلابی و مردمی، تحولی در صحنه جنگ به وقوع پیوست که موجب شکست نیروهای دشمن شد.

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۵/۱۹)

تا آن حد کاهش بدهیم که ما قادر به آغاز تعرض و تداوم این تعرض باشیم. باید توجه داشت که در تعرض، هدف، انهدام نیروهای دشمن است وگرنه اگر منظور، دور کردن خطر و بیرون راندن دشمن بود، ممکن بود این کار را به تدریج از هفته‌های پیش آغاز کنیم.^(۲)

حال که بنابر تحلیل مذکور، شرایط برای آغاز تعرض به دشمن آماده بود، بنی‌صدر تلاش اصلی خود را به کسب پیروزی در جنگ معطوف کرد تا موقعیت سیاسی خود را بهبود بخشد. بنی‌صدر برای دستیابی به قدرت، در داخل کشور موانع جدی در برابر خود می‌دید که عبارت بودند از: امام، مجلس، دولت و نیروهای انقلابی.^(۳) به همین دلیل با وجود نقش تعیین‌کننده نیروهای انقلابی و مردمی در جنگ، وی از به‌کارگیری آنها امتناع می‌کرد زیرا حضور نیروهای مردمی در صحنه نبرد با تبلیغات سوء وی علیه نیروهای انقلابی مبنی بر اینکه آنها کارایی لازم را در یک جنگ بزرگ ندارند، منافات داشت. از سوی دیگر، او نمی‌خواست دیگران را در کسب پیروزی سهیم کند.

در حقیقت نیروهای انقلابی و مردمی با وجود کمبود امکانات، با عملیات محدود و ایدایی توان دشمن را کاهش داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در متوقف کردن ارتش عراق ایفا کردند. اما بنی‌صدر با بی‌توجهی به این موضوع، برای رسیدن به اهداف خود، به نیروهای کلاسیک روی آورد و تصور می‌کرد که قادر است بدون نیروهای مردمی و انقلابی مناطق اشغالی را آزاد کند و زمینه را برای کار سیاسی در داخل و خارج و تحقق اهداف خود فراهم سازد.*

نظر به ماهیت تلاش‌های بنی‌صدر در این زمینه، به نظر می‌رسید که تشدید مناقشات سیاسی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، بدین معنا که وی می‌پنداشت، در صورت کسب پیروزی نظامی، از موضع قدرت برخوردار خواهد شد و برای حذف نیروهای خط امام اقدام خواهد کرد و در صورت ناکامی نیز، با شانه خالی کردن از مسئولیت، به گونه‌ای دیگر به بحران سیاسی دامن خواهد زد.** بنابراین در استراتژی بنی‌صدر، اقدامات نظامی عمیقاً با اهداف

* یکی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش آمریکا در این زمینه می‌نویسد: <بنی‌صدر امیدوار بود از طریق اتصال خود به ارتش که به تازگی برای خود محبوبیتی کسب کرده بود، موفق به بهره‌گیری از احساس هواداری از ارتش در نزد عموم مردم و در نتیجه بهبود موقعیت خود در جنگ قدرت شود.> (ویلیام‌اف‌هیگمن، "ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲"، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۳۰/۱۲/۲۰)

** نشریه بررسی استراتژیک در مورد تأثیرات جنگ و نتایج آن بر موقعیت بنی‌صدر نوشت: <جنگ با عراق فرصتی را که بنی‌صدر سخت به آن نیاز داشت، به وی داد. او به عنوان فرمانده کل قوا شخصاً امور فرماندهی ارتشیان را به عهده گرفت. این اقدام حداقل چند موقعیت موقت برای وی داشت. به علاوه این مأموریت بدان معنا بود که قضاوت درباره او بستگی به نتایج جنگ داشت.> (خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۲۲)

سیاسی وی در هم آمیخته بود. در این حال، نیروهای انقلابی و سپاه بر این باور بودند که ادامه جنگ در مراحل بعد - به منظور آزادسازی مناطق اشغالی - اساساً بر پایه تفکر انقلابی و با سازمان‌دهی نیروهای مردمی میسر خواهد بود، لیکن بینش نظامی بنی‌صدر مانع از توجه به تجارب به دست آمده در به‌کارگیری از نیروهای مردمی می‌شد.

در این اوضاع که نیروهای انقلابی مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار داشتند، و حتی برادران سپاه دردمندان فریاد کشیده و استمداد می‌کردند،^{*} وضع چنان سخت شد که فرماندهی سپاه خوزستان طی نامه‌ای به بنی‌صدر ضمن تجزیه و تحلیل سهل‌انگاری و تسامح وی پیش از تجاوز دشمن و عدم تهیه طرح مقابله، نوشت:

> چرا ارگان رسمی مورد تأیید امام و امت و قانون اساسی، فاقد سلاح و مهمات کافی است اما افراد غیرمسئول نظامی دارای همه امکانات بوده و بدون ضابطه در اختیار همه کس قرار می‌دهند؟ ... <^(۴)

در بخش دیگری از این نامه با اشاره به تلاش‌هایی که به منظور مقابله با رشد نیروهای انقلابی و سپاه انجام گرفته بود، آمده است:

> مخالفین خط امام که در یک سال و اندی از رشد سپاه به عناوین گوناگون جلوگیری کردند، در ممانعت از تجهیز، مسلح کردن و آموزش سلاح‌های سنگین سپاه و حتی به انزوای سیاسی کشاندن آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند. <^(۵)

بنی‌صدر با هرگونه رشد و گسترش سپاه و تجهیز آن مخالف بود و حتی نسبت به گزارش‌های روزنامه‌ها که در آن به نقش سپاه در مقابله با دشمن اشاره شده بود، حساسیت نشان می‌داد.^{**} وی در مورد تجهیز سپاه گفت:

* فرمانده وقت سپاه خوزستان دریابان علی شمخانی در ۱۳۵۹/۸/۳ خطاب به مسئولان کشور نوشت: > سلاح را به دست صالحین بدهید ... ما نیاز به اسلحه و امکانات داریم ... فریادهای پاسداران از فقدان امکانات، بر ما زمین و زمان را تنگ کرده.<

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم،

هجوم سراسری، نوشته مهدی انصاری، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۵۵۱)

** رادیو کلن در بررسی جنگ ایران و عراق پس از شکسته شدن محاصره سوسنگرد، به نقل از بنی‌صدر گفت: > مذهبی‌های افراطی که متوجه عدم تخصص و کارایی خود در جبهه‌های جنگ شده‌اند و شدیداً از همه سو به دلیل همین دخالت‌ها مورد انتقاد قرار گرفته بودند، بار دیگر به تاکتیک همیشگی خود روی آورده‌اند و با در دست داشتن وسایل ارتباط جمعی، سعی در ناچیز جلوه دادن نقش ارتش نموده، کوشش می‌کنند نقش پاسداران و سایر نیروهای وابسته به خود را سبب پیروزی‌های چند روز اخیر نشان دهند.<

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۵۲، ۱۳۵۹/۹/۵، رادیو کلن، ۱۳۵۹/۹/۴)

>عده‌ای هم راه افتاداند که بله چیزی نیست اسلحه سنگین را به خود مردم بدهید، به غیر ارتش بدهید، مردم می‌جنگند و پیروز می‌شوند. گویندگان این حرف‌ها مثل همان مادری که بچه‌اش را به آهنگری برده بود، گمان می‌کنند به محض این‌که آهن را در کوره گذاشتند و گرم و نرم شد، درازکنی میخ می‌شود، پهن کنی بیل می‌شود!!^(۶)

با وجود تبلیغات سوء و ایجاد محدودیت‌ها، سپاه همچنان برای رویارویی با دشمن مصمم بود. دشمن - پس از ناکامی اولیه - به منظور تکمیل مواضع و برخورداری از موقعیت برتر برای مذاکره و نیز با توجه به نزدیکی زمان برگزاری کنفرانس سران عرب در امان پایتخت اردن، می‌کوشید با محاصره و تصرف آبادان و سوسنگرد و نیز پیشروی به سمت اهواز، ضمن پیشروی در عمق، از عقبه‌های مناسب برخوردار شود.

در این مقطع، هدف سپاه این بود که با جنگ چریکی، دشمن را از حرکت به سمت آبادان و سوسنگرد باز دارد و ضمن فرسودن نیروهای متجاوز، از استقرار آنها در مواضع اشغالی و تحکیم مواضع آنها، ممانعت کند.*

تلاش‌ها و اقدامات سپاه در این مقطع از جنگ موجب شد، تلاش دشمن برای اشغال سوسنگرد و همچنین عبور از رودخانه بهمنشیر با شکست همراه شود. نتیجه این تلاش‌ها و سایر اقدامات سپاه عملاً اوضاع مناسبی را برای زمین‌گیر شدن دشمن و اجرای حرکت‌های آفندی ارتش به فرماندهی بنی‌صدر فراهم آورد.

سلسله اقداماتی که بنی‌صدر با اتکا به نیروهای کلاسیک در این مرحله از جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام داد، شامل چهار عملیات بود. این عملیات عبارت‌اند از: ۱- عملیات ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کرخه، با هدف عقب راندن نیروی دشمن از مناطق اشغالی. ۲- عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ در محور آبادان، با هدف شکستن محاصره آبادان. ۳- عملیات نصر در شانزدهم دی‌ماه ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کارون (منطقه عمومی هویزه)، با هدف آزادسازی منطقه غرب رودخانه کارون و خرمشهر. ۴- عملیات توکل در بیستم دی‌ماه ۱۳۵۹ در محور آبادان، با هدف شکستن محاصره آبادان، که در این بخش به بررسی آنها می‌پردازیم.

* برای آگاهی بیشتر در مورد عملکرد سپاه در این دوره، نگاه کنید به: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد پنجم،

هویزه آخرین گام‌های اشغالگر، نوشته علیرضا لطف‌الله زادگان، تهران، ۱۳۷۳.

۱- عملیات ۲۳ مهر* در غرب کرخه

در طراحی نخستین عملیات آفندی ارتش که به فرماندهی بنی‌صدر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کرخه اجرا شد، پیش‌بینی می‌شد که دشمن به سمت اندیمشک و دزفول پیشروی خواهد کرد.^{**} برخی از فرماندهان ارتش نیز می‌پنداشتند که عراق در نظر دارد گلوگاه ورود به خوزستان را تصرف و در نتیجه، استان خوزستان را تجزیه کند. طرح‌ریزی و اجرای این عملیات در وضعیتی انجام می‌گرفت که تنها سه روز قبل از آن نیروهای عراقی با عبور از رودخانه کارون و قطع جاده آبادان - اهواز به سمت آبادان در حال پیشروی بودند. در این عملیات، لشکر ۲۱ حمزه مأموریت داشت با عبور از رودخانه کرخه، ارتفاعات علی‌گره‌زد و ایستگاه رادار (ارتفاعات ابوصلبی‌خات) را تصرف کرده و در صورت عدم مقاومت جدی دشمن، تک را به سمت غرب ادامه دهد و ارتفاعات تپه دوسلک و بعد عین‌خوش را تصرف و تأمین کند. لشکر ۱۶ زرهی نیز به عنوان احتیاط نیرو در منطقه دزفول می‌بایستی پس از موفقیت لشکر ۲۱، عملیات را ادامه داده^(۷) و تا مرز، "توسعه وضعیت" بدهد. در این عملیات، نیروها آموزش کافی ندیده بودند، شناسایی موقعیت دشمن ضعیف بود و اصل حفاظت و غافل‌گیری نیز رعایت نشده بود.^(۸) به این دلیل عملیات پس از دو تا سه ساعت، متوقف شد. در مورد این عملیات و دلایل پیدایش این وضعیت، در کتاب "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس" (جلد اول، ص ۱۳۶) آمده است:

> به هر حال، دو ستون از یگان‌های حمله‌ور تانک، شش کیلومتر از پل نادری یعنی خط سرپل دور شدند و در حدود دو کیلومتری خط پدافندی دشمن قرار گرفتند که آتش ضدتانک دشمن در ساعت هشت صبح بر روی تانک‌های در حال حرکت باز شد... در ساعت نه صبح با پیشروی یگان‌های تانک، بر حجم آتش دشمن افزوده شد و یگان‌های حمله‌ور که انتظار چنین عکس‌العمل شدیدی را نداشتند و از آن جایی که اطلاعات صحیحی نیز از دشمن به آنها داده نشده بود، احساس کردند که در دام افتاده‌اند، آن‌گاه سراسیمه در تلاش برای خروج از دام گسترده شده توسط دشمن افتادند.<

* گزارش این عملیات در مجله تاریخ جنگ، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۵، صفحات ۸۳ تا ۹۷ منتشره از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با استفاده از دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خوزستان، به تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۰، درج شده است.

** با توجه به شواهد و قراین موجود، اظهارات مقامات رسمی عراق و اسرای عراقی و آنچه که در عمل رخ داد، صحت این برداشت هنوز مورد تردید است. احتمالاً عراقی‌ها ترجیحاً در نظر داشتند در پشت رودخانه کرخه پدافند کرده و حرکت اصلی را در محور اهواز و خرمشهر - آبادان پیگیری کنند.

نقشه عملیات ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب کرخه

defamoghaddas.ir

برابر این گزارش، غافل‌گیری در برابر واکنش احتمالی دشمن و نداشتن اطلاعات صحیح منجر به دام افتادن نیروها شد. در حالی که بنی‌صدر چنان نسبت به کسب پیروزی امیدوار بود که با حضور در مقر تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی در پایگاه چهارم شکاری دزفول بسیاری از شخصیت‌های کشور را نیز برای مشاهده پیروزی به این محل دعوت کرد، اما عملیات تنها دو ساعت پس از آغاز متوقف شد.^(۹) در این عملیات، حدود ۶۰ تانک منهدم شد که بیش از ۵۰ دستگاه آن از نوع چیفتن بودند.^(۱۰) همچنین، نزدیک به ۴۰۰ تن از نیروهای لشکر شهید، مجروح و مفقود شدند.^(۱۱)

۲- عملیات سوم آبان در شرق رودخانه کارون

دومین تلاش نیروهای کلاسیک، عملیات سوم آبان بود که روی جاده اهواز - آبادان و با هدف آزاد کردن این جاده برای شکستن محاصره آبادان انجام گرفت.^(۱۲) استعداد نیرو و لجستیک یگان‌های عمل‌کننده در این عملیات برابر یک تیپ^(۱۳) بود. بر اساس طرح عملیات، گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ حمزه همراه با یک گردان تانک می‌بایست در نقش تلاش اصلی در محور ماهشهر - آبادان به خط سرپل دشمن حمله می‌کردند و سایر نیروها نیز در محورهای شادگان، دارخوین و بهمنشیر در نقش تلاش‌های پشتیبانی وارد عمل می‌شدند.^(۱۴)

این عملیات به دلیل نحوه آرایش تانک‌ها و حرکت آنها روی جاده به صورت ستون‌وار و همچنین، نداشتن اطلاعات دقیق از دشمن و بی‌توجهی به توان دشمن، و تناسب نداشتن توان خودی با اهداف تعیین‌شده و تاکتیک نامناسب با ناکامی روبه‌رو شد. * در این عملیات ۱۷ دستگاه تانک شرکت داشتند که ۱۵ دستگاه از بین رفت و نیروها با وضعیتی نامطلوب به مواضع اولیه خود عقب‌نشینی کردند.^(۱۵) بنی‌صدر با پذیرش این شکست** و مقایسه نیروهای خودی و دشمن، در گزارش‌های روزانه خود نوشت:

* در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶۸، در مورد دلیل ناکامی این عملیات آمده است:
> تک روز سوم آبان در محور ماهشهر - آبادان برای واحد پیاده در گرمای بسیار زیاد و در زمین کاملاً باز و با دشمنی که چندین برابر نیروی خودی توان رزمی داشت، انتخاب هدفی در عمق (حدود ۲۰ کیلومتر) غیراصولی بود.<

** بنی‌صدر پس از شکست عملیات سوم آبان و ناکامی در آزادسازی مناطق اشغالی، با فراخواندن مردم به خونسردی، گفت: <مردم باید خونسرد باشند و شتاب نکنند و بگذارند ما از روی آمادگی کامل، نیروهای دشمن را داخل خاک خودمان مضمحل کنیم و بعد به داخل خاک دشمن برویم.>

(روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۸/۵)

نقشه عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ در شرق کارون

defamoghaddas.ir

> به یک نسبت هر دو نیروی ما و خصم ضعف مشابهی داشتیم، البته ضعف ما بیشتر بوده است.< (۱۶)

وی همچنین با اشاره به نقش روحیه در جنگ ادامه داد:

> نکته جالب در این جنگ این است که روحیه تأثیر قاطعی در عملیات جنگی و سرنوشت آن دارد.< (۱۷)

در واقع ضعف روحی نیروهای کلاسیک از جمله مسائلی بود که بنی‌صدر در تجزیه و تحلیل علل شکست عملیات به آن اشاره می‌کرد.

دشمن پس از درک ناتوانی نظامی ایران، به منظور تکمیل محاصره آبادان و همچنین اشغال این شهر، با عبور از رودخانه بهمنشیر، فشار خود را از شمال به جنوب در کرانه شرقی رودخانه کارون تشدید کرد. در محور اهواز نیز عراق تلاش کرد، با تصرف سوسنگرد به سمت اهواز پیشروی کند.

تلاش‌های آفندی ارتش در این مقطع از جنگ، نتیجه روشنی در پی نداشت، به همین دلیل از سوم آبان تا ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹ (به مدت دو ماه و نیم) رکودی بر جبهه‌های جنگ حاکم شد، زیرا ایران و عراق هیچ یک قادر به انجام دادن تحرکات نظامی که منجر به شکل‌گیری تحولات جدیدی شود، نبودند. در این مدت، با وجود وعده‌ها و تحلیل‌هایی که ارائه می‌شد، به نظر می‌رسید، همان‌گونه که برای دفاع در برابر حمله‌های احتمالی دشمن استراتژی مناسبی تدوین نشده بود، برای عقب‌راندن نیروهای دشمن از مناطق اشغالی نیز برنامه مناسبی وجود نداشت.*

ناتوانی بنی‌صدر در به‌کارگیری نیروهای مردمی و انقلابی و عدم اعتقاد وی به آنان، موجب شد که "وحدت فرماندهی" در این مقطع از جنگ شکل نگیرد. از سوی دیگر، در میان نیروهای نظامی نیز در مورد اهداف دشمن و نحوه مقابله با آنها اختلاف نظرهای عمیق و شدیدی وجود داشت. چنان‌که بارها به بروز مشاجرات و استعفای مکرر فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش انجامید و همین مسائل موجب شد که در میان نیروهای کلاسیک نظامی هم‌آهنگی لازم و وحدت نظر حاصل نشود. در این حال، سپاه در آبان ۱۳۵۹ طی

* این مسئله از رفتار و عملکرد بنی‌صدر به عنوان فرمانده جنگ چنان آشکار بود که حتی رادیو آمریکا به نقل از تحلیل‌گران نظامی غرب به آن اشاره کرد و گفت: <ایران از یک استراتژی همه جانبه برای دفاع از کشور و عقب راندن مهاجمان عراقی بی‌بهره است.>

(خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۲۸، ۱۳۵۹/۸/۱۱، رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۸/۱۰)

نامه‌ای محرمانه به بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا ضمن تجزیه و تحلیل اوضاع حاکم بر جنگ، در مورد عدم وحدت فرماندهی در میان نیروهای نظامی، نوشت:

>فرماندهی مشترک در کل جبهه وجود ندارد. به‌طور کلی تنها منطقه خوزستان به سه قسمت تقسیم شده و خطوط سیاسی و حرکات مخالف خط امام در وضعیت جبهه‌ها تأثیر کامل دارند: جبهه اول شامل: دزفول، اندیمشک و شوش زیر نظر آقایان ظهیرنژاد و بنی‌صدر؛ جبهه دوم شامل: اهواز، حمیدیه، سوسنگرد و هویزه زیر نظر لشکر ۹۲ زرهی، آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر چمران؛ جبهه سوم شامل: ماهشهر، شادگان، آبادان و خرمشهر زیر نظر سرهنگ فروزان و سرهنگ ستاد ارون‌کنار. هیچ‌گونه هم‌آهنگی لازم و همکاری اصولی در مقابل دشمن نیست، نسبت به هم بی‌خبر و غیر مسئولانه برخورد می‌کنند.^(۱۸)

سپس در بند ۱۳ این نامه با توجه به ضرورت هم‌آهنگی سپاه و ارتش و تلاش‌هایی که برای جلوگیری از آن صورت می‌گیرد، آمده است:

>هم‌آهنگی بین ارتش و سپاه از بالا عملاً خنثی می‌شود.^(۱۹)

بنابراین، کاملاً روشن بود که با وجود ضرورت‌های موجود مبنی بر به‌کارگیری نیروهای انقلابی و مردمی - که از روحیه شهادت‌طلبی برخوردار بودند و نتیجه عملکرد آنها به هنگام مقابله با دشمن کاملاً مشهود بود - و نیز ضرورت هم‌آهنگی در درون ارتش و بین ارتش و سپاه، مقاصد سیاسی بنی‌صدر عملاً مانع از به‌کارگیری کلیه نیروها و مقدرات می‌شد. ضمن این‌که طرح مانور عملیات و اهدافی که در نظر گرفته شده بود، ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان و غیرقابل انکاری داشت.

به نظر می‌رسید که شکست عملیات‌های ۲۳ مهر و سوم آبان تا اندازه‌ای توهم بنی‌صدر را در هم شکست اما وی به جای جبران ضعف‌های موجود در استراتژی و تاکتیک‌های نبرد و نیز به جای به‌کارگیری نیروهای انقلابی و مردمی که بخش بزرگی از توان دفاعی و نظامی کشور را تشکیل می‌دادند، با نگرانی از پیامد شکست، بر تلاش‌های سیاسی و تبلیغاتی خود افزود تا زمینه را برای "سهیم کردن" دیگران در این شکست و ناکامی فراهم سازد.* در واقع، مقاصد سیاسی بنی‌صدر و روشی که برای رسیدن به آنها آغاز کرده بود،

* بنی‌صدر پس از ناکامی در دو عملیات گذشته، در نامه‌ای به امام نوشت: <یک بار کتباً نوشتم و جمعه پیش شفاهاً عرض کردم که اینها قرارشان بوده و هست که مرا از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری بردارند!>

بیشترین تأثیر را در شکست وی داشت، لیکن بنی‌صدر تنها با تأکید بر "تخصص" تلاش می‌کرد تا عدم به‌کارگیری نیروهای انقلابی و مردمی را توجیه کند. در همین چارچوب، وی تنها دو روز پس از شکست عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ بدون این‌که به تجزیه و تحلیل علل شکست خود و نیروهای متخصصش بپردازد، در گزارش روزانه خود به طرح‌ریزی عملیات‌های بعدی اشاره کرد و نوشت:

>مجموع این مباحث را که می‌شود گفت خلاصه تحقیق و جست‌وجو و علم و اطلاع در مدت جنگ و اقامت در خوزستان است، در یک متن آورديم که این متن، خط و ربط نظامی ما و چگونگی به‌کار گرفتن امکانات ما و چگونگی هدایت عملیات در جبهه‌های مختلف را در بر می‌گیرد.<^(۲۰)

وی همچنین در مورد تقدیم طرح‌ها و گزارش وضعیت جبهه‌ها به امام، نوشت:

>صبح به سمت تهران حرکت کردیم و به منزل امام رفتیم ... ظهرنژاد وضع و سازمان ارتش را در گذشته، شرح کرد و طرح‌هایی را که هست، مطرح کرد. امام هم گفتند، باید از اهل خبره یعنی نظامی‌ها در امور نظامی نظر خواست و نظر آنها را به‌کار گرفت.<^(۲۱)

بنی‌صدر سپس برای تثبیت نظراتش، با استقبال از نظر امام، نوشت:

>این اظهار نظر بسیار به موقع بود و امیدوارم برای بسیاری مجاب‌کننده باشد و بگذارند اهل خبره کار خودشان را بکنند و جنگ را به نتیجه برسانند.<^(۲۲)

بنی‌صدر با تأکید فریب‌کارانه بر تخصص و نظر اهل خبره، تلاش می‌کرد از هرگونه انتقاد دور بماند و بسیار امیدوار بود که با اتکا به نیروهای کلاسیک به پیروزی نظامی دست یابد. او با وجود شکست‌های فاحش، مدعی بود* که تلاش‌هایش را برای "بازسازی نیروهای مسلح به عنوان شرط اساسی و ضروری تغییر جنگ از حالت دفاع به حمله"^(۲۳) آغاز کرده است. با وجود ادعاها و تبلیغات بسیار بنی‌صدر در زمینه طرح‌ریزی عملیات نظامی، و با توجه به تجربه به دست آمده از عملیات ۲۳ مهر و سوم آبان ۱۳۵۹ و شناختی که از روحیه و توانایی نیروهای کلاسیک داشت، وی سخت نگران عدم موفقیت خود بود. بنی‌صدر در روزنامه خود** به برخی از این مسائل اشاره کرده است که در جای خود قابل تأمل است:

* وی در نامه‌ای به امام در همین زمینه نوشت: >اگر کوشش‌های شبانه‌روزی این‌جانب نبود، ارتش هرگز آمادگی پیدا نمی‌کرد.<

(سند شماره ۵۱/۲۵۰۹۰۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۱/۱۰/۱۳۵۹)

** روزنامه انقلاب اسلامی.

> به یکی از فرماندهان گفتم شما با همه قابلیت نظامی که دارید از عمل می‌ترسید! می‌ترسید دست به اجرای طرحی بزنید و ناکام بشوید و این جفدها که دور تا دور آماده ایستاده‌اند تا ما شکستی در جایی بکنیم، به پرواز درآیند و نوای یاس سردهند یا به پرواز آیند و با ایجاد جبهه روانی، سیاسی، به تبلیغ مشغول شوند.<^(۲۴)

وی که به شدت به یک پیروزی نظامی برای رسیدن به مقاصد سیاسی نیاز داشت، افزود:
>من همه مسئولیت را به گردن می‌گیرم، شما طرح‌ها را به اجرا بگذارید.<^(۲۵)
بنی‌صدر همچنین نوشت:

>من تعهد می‌کنم که در این جنگ پیروز می‌شویم، به شرط این‌که ما را به حال خود بگذارید و به شرط این‌که بگذارند کارم را انجام دهم و با اختیار کشور را به سوی پیروزی ببرم.<^(۲۶)

با سپری شدن ماه‌های آبان و آذر، به تدریج تلاش‌های تبلیغاتی بنی‌صدر برای پوشش ناکامی‌های پیشین و شکست‌های احتمالی آینده، تشدید شد اما به دلیل ضعف‌های اساسی در بینش و مدیریت، قادر به طراحی و اجرای عملیات سریع و پیروزمندانه نبود. بنی‌صدر با گرفتاری در چنین تناقضی با ارسال نامه‌ای به امام از ضرورت اتمام جنگ سخن گفت:

>با وضعی که هست اگر حالا جنگ را تمام نکنیم، هرگز به این کار موفق نمی‌شویم. اما می‌شود این طور فرض کرد ... جنگ تا تمام شدن مهمات ادامه پیدا کند در حالی که ما دشمن را عقب نزنیم، در این صورت کشور بدون ارتش، بدون ارز، بدون حاکمیت دولت و با استان‌های آشفته چه خواهد کرد؟<^(۲۷)

با فرا رسیدن چهارمین ماه حضور دشمن در مناطق اشغالی، ضرورت اجرای عملیات بیش از پیش افزایش یافت. بنی‌صدر در مورد عمومی شدن این درخواست گفت:

>امروز می‌گویند چرا مسامحه می‌شود و چرا ارتش با هجوم و حمله پیشروی خود را شروع نمی‌کند؟ این قدر گفته و می‌گویند که همه این سؤال را می‌کنند. امروز این سؤال یک سؤال عمومی شده است.<^(۲۸)

بنی‌صدر در این اظهارات با زیرکی خاصی از توضیح علت عمومی شدن این درخواست خودداری می‌کند؛ حال آن‌که این حق طبیعی و مسلم مردم بود که از فرماندهی کل قوا درخواست کنند که با یورش به دشمن آنها را از سرزمین‌های اشغالی عقب برانند. ضمن این‌که پیش از این، در توجیه از دست دادن این مناطق و پیشروی دشمن، همواره بر این استدلال تأکید می‌شد که تعرض به دشمنی که در حال پیشروی است، اشتباه است و باید ابتدا دشمن را "متوقف و تثبیت" کرد، سپس مورد تعرض قرار داد!

در این حال، بنی‌صدر که علت تأخیر و کندی در حمله به دشمن را روحیه نیروهای ارتش ذکر می‌کرد،* و مسئولیت عملیات را به عهده ارتش گذاشت و گفت:

<از این به بعد وظیفه نیروهای مسلح است که به این خواست عمومی پاسخ بدهند.>^(۲۹)

چهار روز بعد، در جلسه‌ای که با حضور امام خمینی، مسئولان وقت نظامی و اعضای شورای عالی دفاع برگزار شد، امام پس از جویاشدن از وضع جبهه‌ها و شنیدن پاسخ جانشین وقت ستاد مشترک ارتش، پرسیدند:

<... مدتی است درباره حمله صحبت می‌شود اما حمله نمی‌شود، چرا؟>^(۳۰)

امام خمینی سپس با توجه به خطرات ناشی از تداوم حضور دشمن در مناطق اشغالی و رکود حاکم بر جبهه‌ها و همچنین تبلیغات بنی‌صدر برای حمله و عدم اجرای آن، فرمودند:

<در صورتی که به دشمن هجوم نشود، احتمال این هست که روحیه‌ها برگردد و خطر پیش آید که نه از من و نه از رئیس‌جمهور کاری ساخته نباشد.>^(۳۱)

امام در این تحلیل هشدارگونه بر این نکته تأکید فرمودند که به جای تبلیغات سیاسی، باید به جنگ پرداخت، زیرا در صورت ادامه حضور اشغال‌گران، "ثبات سیاسی" کشور از میان خواهد رفت. به عبارت دیگر، امام ضرورت فائق آمدن بر بحران داخلی و پایان بخشیدن به حضور اشغال‌گران در مناطق اشغالی را تنها در اجرای عملیات نظامی به دور از هرگونه تبلیغات و جنجال سیاسی - که بنی‌صدر انجام می‌داد - می‌دانستند.

با وجود این ضرورت‌ها و رهنمودهای امام و همچنین وعده‌های بنی‌صدر برای اجرای عملیات، تا پایان آذر ۱۳۵۹، هیچ اقدام نظامی مهمی انجام نشد. نماینده امام در شورای عالی دفاع (آیت‌الله خامنه‌ای) پس از برگزاری جلسه این شورا و عدم حضور بنی‌صدر و برخی از فرماندهان نظامی، در جمع‌بندی گزارش جلسه** خطاب به بنی‌صدر نوشتند:

<اکنون چندین هفته است که همه - از جمله خود شما - احساس می‌کنیم که موقع نظامی ما

* بنی‌صدر در نامه‌ای به امام، تأخیر در اجرای عملیات را متوجه ارتش دانست و نوشت: <به‌هر حال با همه آنچه عرض شد، به نظر این جانب ترس ارتشیان عامل عمده کندی کار است.>

(سند شماره ۵۱/۲۵۰۹۲۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۵۹/۱۰/۱۱)

** گرچه متن نامه یک روز پس از جلسه ۱۳۵۹/۱۰/۵ یعنی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۶ نوشته شد، لیکن با یک هفته تأخیر (در ۱۳۵۹/۱۰/۱۳) ارسال شد که در مورد علت تأخیر آمده است: <در طول هفته بعد از آن، از آن جا که هر روز انتظار اقدامی می‌رفت و مرتباً چه جناب عالی و چه فرماندهان نظامی خبر از قریب‌الوقوع بودن حمله می‌دادید، بنده ترجیح دادم که فعلاً از فرستادن نامه خودداری کنم و در صورت استمرار تخلف، آن را ارسال دارم.>

اجازه می‌دهد که به دشمن حمله کنیم. این بنابر تفکر برادران نظامی که آمادگی‌های تجهیزاتی و رزمی را تا پیش از این مدت برای تعرض وسیع کافی نمی‌دیدند و اما بر تفکر کسانی که به روحیه ایمان بهای بیشتری می‌دهند قبل از این مدت هم آمادگی وجود داشته است.^(۳۲)

در واقع، تأخیر در اجرای عملیات بر پایه کسب آمادگی نظامی بود، حال آن که نیروهای انقلابی و مردمی - که به دستور بنی‌صدر منزوی شده بودند - از مدت‌ها پیش آمادگی لازم را برای حمله سریع به دشمن داشتند و این مسئله نشان می‌داد که تأکید بر "آمادگی‌های تجهیزاتی و رزمی" * برای تأخیر عملیات منطقی نبود. در این نامه در مورد مصوبات شورای عالی دفاع برای حمله به دشمن و تغییر مکرر زمان آن، آمده است:

درک این موقعیت (ضرورت حمله به دشمن) به ما حکم می‌کرد که بی‌درنگ حمله را آغاز کنیم. اول قرار شد حمله فقط در جبهه آبادان انجام بگیرد، بعد پیشنهاد و تصویب شد که در جبهه اهواز، هم‌زمان تعرض شروع شود. شما در روز دوشنبه ۹/۱۷ شفاهاً و مؤکداً به تیمسار ظهیرنژاد دستور دادید که طرحش را اجرا کند. طبق گفته او زمان برای اجرای آن طرح، سه‌شنبه بعد (۹/۲۵) می‌شد. روز ۹/۱۸ که این جانب و تیمسار فلاحی به ماهشهر رفتیم، معلوم شد عملیات ارونه هم درست روز سه‌شنبه انجام خواهد گرفت. پس با این قرار سه‌شنبه روزی بود که باید تعرض وسیع ما در دو جبهه اهواز و آبادان آغاز می‌شد. سه‌شنبه گذشت و عملیات آغاز نشد و در جلسه جمعه ۹/۲۸ که از سرکار و آقای فلاحی سؤال شد، هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای ندادید و نبودن چند بولدوزر را به عنوان مانع شروع عملیات - عملیاتی با آن اهمیت - ذکر کردید! جو جلسه و دلایلی که بر ضرورت شروع حمله ذکر می‌شد موجب گشت که شما و آقای فلاحی قاطعانه قول بدهید که تا پایان هفته یعنی نهایت تا ۱۳۵۹/۱۰/۵ حمله شروع شود.^(۳۳)

بنی‌صدر گرچه قاطعانه قول داده بود، عملیات را در ۱۳۵۹/۱۰/۵ اجرا کند ولی نه تنها به قول خود عمل نکرد، بلکه در جلسه شورای عالی دفاع نیز حضور نیافت و این موضوع باعث شد، نماینده امام در شورای عالی دفاع در نامه‌ای - که پیش از این به آن اشاره شد - به بنی‌صدر زبان‌های ناشی از تأخیر در اجرای عملیات و وعده‌های کاذب را به یادآوری کند:

شروع عملیات تعرضی در جبهه آبادان و اهواز همچنان مانده است برای زمانی که هیچ معلوم

* بنی‌صدر پس از ناکامی در عملیات ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹، نداشتن نیروی احتیاط را مطرح کرد، در حالی که پیش از این، "آمادگی‌های تجهیزاتی و

رزمی" را بهانه کرده بود!

نیست کی خواهد بود. این وضع برای ما که در موضع تصمیم‌گیرنده برای سرنوشت جنگ تعیین شده‌ایم، غیرقابل تحمل است. بارها شما و فرماندهان وعده شروع تهاجم را در زمان معینی داده‌اید و آن‌گاه به وسیله خود شما و دیگران به مردم نیز نوید مبهمی داده‌اید و همیشه تخلف شده است. آیا تخلف‌های مکرر در این نویدها، مردم و تمامی مسئولان را دچار تردید و یأس نمی‌کند؟ و آیا برای اعضای شورای عالی دفاع که مسئولان درجه اول اوضاع و سرنوشت جنگند، در چشم دیگران اعتباری باقی می‌گذارد؟^(۳۴)

در این نامه پس از تشریح تخلفات و آثار منفی آن، در مورد علت این تخلفات از بنی صدر چنین پرسش شده است:

> بارها شما در حضور اعضای شورای عالی دفاع به مسئولان نظامی فرمان تهاجم داده‌اید. سؤال این است که آیا در آن لحظه شما می‌دانستید که چه موانعی در راه اجرای فرمان‌ها وجود دارد؟ و آیا با توجه به اوضاع، این فرمان را صادر کرده‌اید؟ در این صورت چرا فرمان شما جدی گرفته نشده و اطاعت نشده است؟ اگر اوضاع را در آن لحظه نمی‌دانستید، چرا فرماندهان نظامی برای شما که مافوقشان هستید اوضاع را تشریح نکرده و شما را در جریان نقایص و موانع قرار نداده‌اند؟^(۳۵)

نماینده امام در شورای عالی دفاع در ادامه با توجه به نظر امام درباره آثار نامطلوب رکود در جبهه‌ها، به حرکت‌های موزیانه گروهک‌ها در داخل کشور اشاره کرده و نوشتند:

> به جرأت می‌توان گفت که زمینه این خرابکاری‌ها در پشت جبهه، وجود حالت "نه جنگ نه صلح" در جبهه است. ادامه این حالت، ادامه این خرابکاری‌ها را به دنبال خواهد داشت و به‌طور متزاید پشت جبهه‌ها را خراب خواهد کرد.^(۳۶)

سپس در ادامه نامه، یازده دلیل در مورد ضرورت اجرای عملیات در دو جبهه اهواز و آبادان - که مورد توافق اعضای شورای عالی دفاع بود - ذکر شده است:

> به عقیده ما در حال حاضر تعرض نظامی در جبهه آبادان و اهواز ضرورتی مهم و حیاتی است، زیرا:

- ۱- نیروهای نظامی ما در هر دو جبهه دارای استعداد کافی برای انجام این مأموریت هستند. این نیروها حداقل دو برابر آن مقداری است که قبلاً برای چنین عملیاتی لازم شمرده می‌شد.
- ۲- افزایش نیروهای ما در این دو جبهه با این فرض که به جبهه‌های دیگر ما لطمه‌ای وارد نیاید، حمله غیر ممکن است. جناب عالی خود بارها گفته‌اید که ما در بهترین شرایطیم و وضع ما از این بهتر نخواهد شد.

۳- با ادامه حالت کنونی - که فقط به آتش توپخانه دو طرف میدان داده است و نه چیز دیگر - دشمن با برخورداری از نیروهای مهندسی عالی، قادر بر ایجاد استحکامات صعب‌الوصول و جاده‌های ارتباطی بیشتر خواهد بود.

۴- همچنین فرصت خواهد داشت که نیروهای تازه‌نفس و داوطلب را با تجهیزات جایگزین که طبق گزارش‌های متعدد هم‌اکنون به سوی عراق روانه است، وارد میدان کند.

۵- وضع کنونی، متقابلاً نیروهای ما را دچار ضعف روحیه و از دست دادن تدریجی میل به تعرض و بدگمانی به فرماندهی و مسئولان خواهد ساخت.

۶- و نیز مردمی را که در پشت جبهه و در شهرهای مجاور جبهه‌ها هر لحظه در انتظار پایان کارند به بی‌تفاوتی و فراموشی از جنگ و در نتیجه قطع پشتیبانی‌های ارزشمند خود خواهد کشانید.

۷- ما روزانه در همه‌ی جبهه‌ها و در شهرهای نزدیک جبهه تلفات انسانی غیرقابل توجیهی داریم، به طوری که جمیع تلفات یک هفته جبهه‌های ما کمتر از تلفات یک حمله موفق نیست.

۸- وضع کنونی از جهت اتلاف مهمات نیز وضعی خسارت‌آمیز است. روزانه مقادیر سنگینی از مهمات ما - که برابر گزارش ستاد مشترک هم‌اکنون رو به اتمام است - در همه جبهه‌ها نابود می‌شود و این برای ما که دست و دل خرید نداریم، می‌تواند فاصله‌ساز باشد.

۹- احتمال بارندگی و عوارضی از این قبیل در آینده نزدیک بسیار زیاد است که در آن صورت شروع عملیات تعرضی حداقل سه ماه عقب خواهد افتاد و ملت ایران محکوم خواهد بود که هیکل شوم و سنگین دشمن را چند ماه دیگر هم بر روی خوزستان عزیز تحمل کند.

۱۰- غیر از خسارت سیاسی و روانی، تأثیر چنین وضعیتی بر روی اقتصاد کشور بسی مصیبت‌بار است.

۱۱- فرمان امام در مورد آبادان و خونین شهر صریح و قاطع بود. به نظر شما این اندازه تأخیر در اجرای این فرمان، منطقی و قابل قبول است؟ آیا حفظ حرمت این فرمان به ما شوری نمی‌دهد که با گستاخی و خطرپذیری بیشتری مسئله جنگ را تعقیب کنیم؟^(۳۷)

دلایل یادشده اساساً بر این فرض استوار بود که تلاش‌های نظامی بنی‌صدر - همان‌گونه که وعده داده شده بود - به "آزادسازی مناطق اشغالی" منتهی خواهد شد، حال آن‌که رخدادهای بعدی به خوبی نشان داد که منطق و تفکر حاکم بر رفتار نظامی و ابزارهایی که به کار گرفته شد، به هیچ‌وجه نمی‌توانست فرمان امام و خواسته عموم مردم مبنی بر آزادسازی مناطق اشغالی را تحقق بخشد. بدین ترتیب، تأخیر در تعرض به دشمن ضمن از دست دادن زمان، منجر به تداوم حضور دشمن در مناطق اشغالی و تلاش آنها در تحکیم این مواضع با اقدامات مهندسی و انتقال نیروهای تازه‌نفس به جبهه‌ها می‌شد. در مقابل،

روحیه نیروهای خودی نیز دچار یأس و سرخوردگی می‌شد.

۳- عملیات نصر در هویزه

عملیات نصر موسوم به عملیات هویزه - تنومه در چارچوب یک استراتژی نظامی به فرماندهی بنی‌صدر و با طراحی قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی در جنوب، در ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹ در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد اجرا شد. این عملیات در دو دور و با هدف نهایی تأمین تنومه در ساحل شرقی اروند رود (شطالعرب) طرح‌ریزی شده بود و در آن علاوه بر نیروهای ارتش، نیروهای سپاه* و شماری از نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران نیز شرکت داشتند.

بر اساس این طرح، قرار بود عملیات در چند مرحله انجام شود، بدین ترتیب که ابتدا با پاک‌سازی شمال و جنوب کرخه‌کور، پادگان حمید و منطقه جفیر و سپس منطقه طلائی و کوشک در جنوب این منطقه آزاد شود، و در مرحله بعد، پس از آزادی خرمشهر و پاک‌سازی کل منطقه خوزستان، نیروها بنا به دستور، می‌بایست در حدفاصل کوشک تا شلمچه دشمن را در خاک عراق تا شطالعرب تعقیب کنند و با پاک‌سازی منطقه عمومی شرق بصره، در کنار این رود استقرار یابند.^(۳۸)

برابر ابلاغیه فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، عملیات در دو دور و هر دور در دو مرحله به این ترتیب انجام می‌گرفت:

در مرحله اول از دور اول، قرار بود تیپ ۳ همدان از لشکر ۱۶ زرهی قزوین به همراه دو گردان از نیروهای سپاه از محور ابوحمیظه - سوسنگرد حرکت کرده، منطقه شمال رودخانه کرخه را پاک‌سازی کرده و تیپ ۱ از لشکر ۱۶ به همراه دو گردان پیاده از سپاه از منطقه هویزه حرکت کرده، پس از پاک‌سازی جنوب کرخه‌کور، با نیروهای تیپ ۳ الحاق کند.^(۳۹) در همان روز، لشکر ۹۲ زرهی می‌بایست با احداث پل روی رودخانه کارون در منطقه فارسیات، به کرانه غربی رفته و با پیشروی خود، جاده اهواز - خرمشهر را برای تردد نیروهای عراقی ناامن می‌کرد. طبق طرح پنج گردان از نیروهای سپاه نیز تحت امر لشکر قرار می‌گرفتند.

* سردار غلامپور در مورد استعداد نیروهای سپاه در این عملیات می‌گوید: <در محور هویزه سه گردان نیرو داشتیم شامل: گردان شهید علم‌الهدی، یک گردان از اهواز و یک گردان از سوسنگرد که با تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶ [قزوین] به فرماندهی سرهنگ جمشیدی در عملیات شرکت کردند. در محور کرخه‌کور از نیروهای سپاه حمیدیه به فرماندهی برادر شهید علی هاشمی با تیپ ۳ زرهی از لشکر ۱۶ به فرماندهی سرهنگ جوادی و نیروهای سپاه اهواز با لشکر ۹۲ زرهی در عملیات شرکت کردند.>

در مرحله دوم از دور اول، می‌بایست دو تیپ یادشده (تیپ‌های ۱ و ۳) پس از الحاق، به سمت جفیر و پادگان حمید پیشروی و این اهداف را تأمین می‌کردند. لشکر ۹۲ نیز با هجوم به سمت پادگان حمید، لشکر ۱۶ را در تسخیر پادگان یاری می‌کرد.^(۴۰)

دور دوم عملیات نیز می‌بایست در دو مرحله انجام می‌شد: در مرحله اول، لشکر ۹۲ زرهی می‌بایست با تصرف خط سیمرغ* (از روی نوار مرزی، در مقابل ایستگاه گرم‌دشت تا ۱۲ کیلومتری شمال دارخوین در کناره غربی رود کارون) این خط را تأمین می‌کرد. لشکر ۱۶ زرهی نیز با پیشروی از خط کرکس** (که از منطقه قجریه در غرب کارون شروع می‌شد و با عبور از شمال غربی جفیر، خط مرزی را قطع می‌کرد) به سمت غرب و جنوب، می‌بایست پاسگاه‌های طلائی و کوشک را به تصرف درمی‌آورد و سرانجام، خط عقاب*** (که از منتهی‌الیه غربی خط سیمرغ شروع می‌شد و به فاصله سه کیلومتر از خط مرزی و به موازات آن در داخل خاک عراق به سمت شمال ادامه می‌یافت و از حوالی کوشک به سمت شمال غرب منحرف می‌شد و در نهایت به منتهی‌الیه خط کرکس، در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب غربی "یزدنو" می‌انجامید) را تأمین می‌کرد.

در مرحله دوم از دور دوم بنا به دستور، لشکر ۱۶ زرهی مأموریت داشت به سوی غرب پیشروی کرده و ساحل شرقی شط‌العرب را تصرف کند و لشکر ۹۲ نیز با تصرف خرمشهر و سپس شلمچه به سوی تنومه تک را ادامه می‌داد و با نیروی دیگری از همین لشکر که مأموریت پیشروی به سمت تنومه را داشت، الحاق می‌کرد.

با نگاهی بسیار اجمالی، به سهولت می‌توان دریافت که تأمین چنین اهدافی با این‌گونه مرحله‌بندی و با استعداد تنها دو لشکر زرهی نمایان‌گر وجود اشتباهات اساسی در استراتژی نظامی، استراتژی و در نتیجه در تاکتیک‌های عملیاتی است. گفتنی است، عملیات بیت‌المقدس بعدها (اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱) در این منطقه با همین هدف اجرا شد و به آزادی خرمشهر انجامید، با این تفاوت که در عملیات بیت‌المقدس، ارتش و سپاه با همه توانایی خود و با هم‌آهنگی کامل و بر اساس یک استراتژی مناسب اقدام به عملیات کردند که به فتح خرمشهر انجامید ولی در این عملیات (نصر) - غیر از روز اول عملیات که با موفقیت‌هایی همراه بود - عراق ابتکار عمل را به دست گرفت و با انهدام نیروها و تجهیزات

خودی، لطمه‌های روحی و روانی سختی بر رزمندگان ما وارد ساخت. عملیات نصر در ساعت ۱۰ صبح ۱۶/۱۰/۱۳۵۹ و پس از اجرای ۱۵ دقیقه آتش تهیه، آغاز شد. تیپ ۳ همدان در حوالی ظهر با موفقیت از رودخانه کرخه‌کور عبور کرد و تیپ ۱ قزوین نیز با حرکتی کُند به سمت این منطقه، در حال پیشروی بود. در این روز، نیروهای خودی ۳۰ کیلومتر پیشروی کردند* و ۸۰۰ تن را به اسارت گرفتند.

عملیات در محور فارسیات - که قرار بود هم‌زمان با سایر محورها آغاز شود - با ۲۰ دقیقه تأخیر آغاز شد. نیروهای عبورکننده با سه ساعت تأخیر از رودخانه عبور کردند. با آن‌که سپاه، لشکر ۹۲ زرهی را از وجود مین در منطقه مطلع کرده بود اما برای پاک‌سازی و ایجاد معابر، اقدامی نشد که به همین دلیل، سه تانک روی مین رفت و حرکت ستون در جناح راست متوقف شد، جناح چپ نیز با کمی پیشروی متوقف شد. نیروها تا ۳۰۰ متری غرب رودخانه پیشروی کردند ولی نتوانستند جاده را برای دشمن ناامن کنند. در روز اول یک تیپ زرهی و دو گردان پیاده دشمن منهدم شد و غنایم زیادی به دست آمد که از منطقه خارج نشد. در روزهای بعد با از دست دادن منطقه، غنایم بار دیگر در اختیار دشمن قرار گرفت.

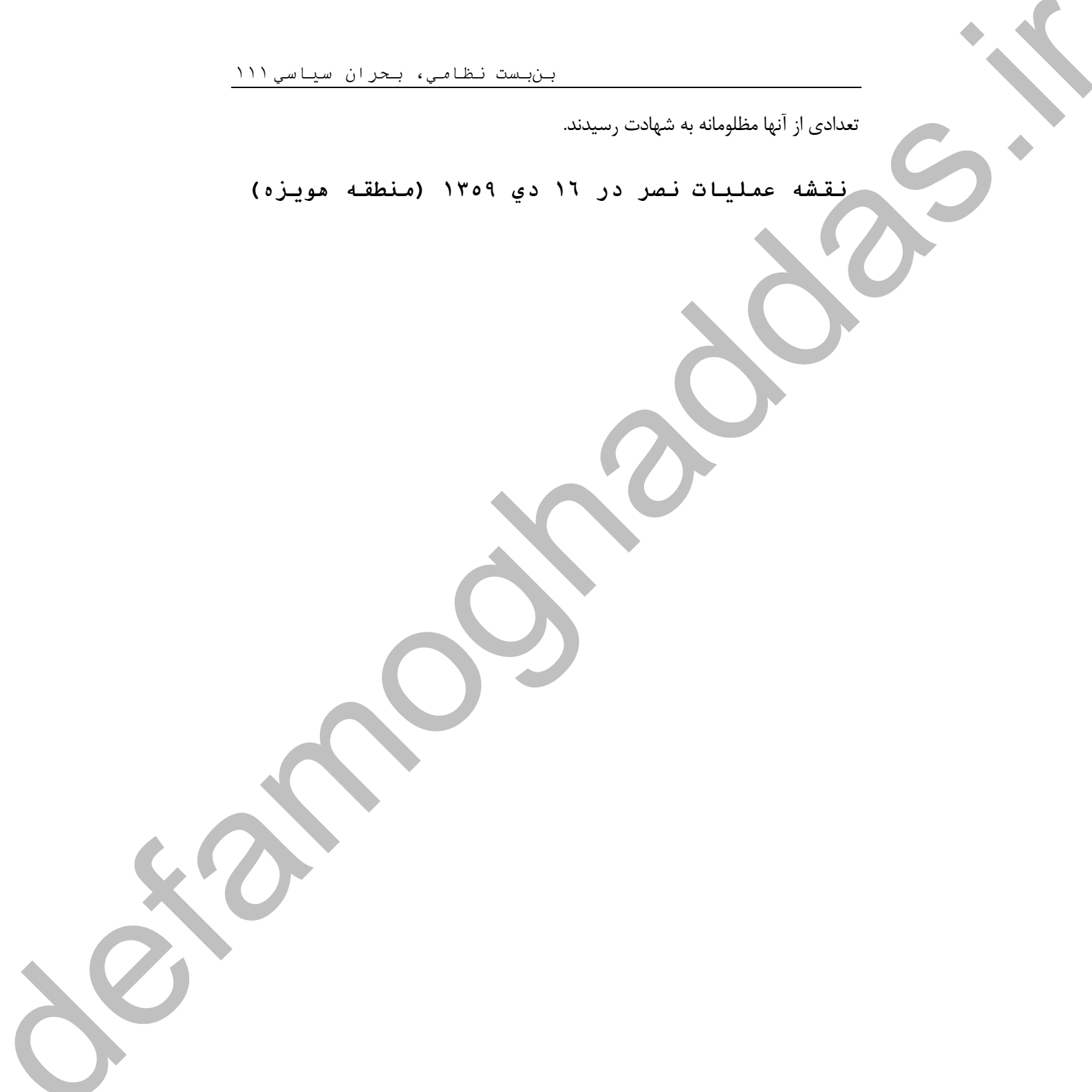
تأثیرات روحی ناشی از پیروزی‌های اولیه و عدم پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین منطقه با اقدامات مهندسی و عدم تحکیم مواضع، موجب شد که پیروزی‌های به دست آمده به شدت در معرض آسیب قرار گیرد. از سوی دیگر، چون طبق طرح عملیات، منطقه جفیر می‌بایست در مرحله سوم تصرف می‌شد، عقبه‌های دشمن آسیب ندیده بود، در نتیجه دشمن از تحرک و قدرت جابه‌جایی بسیاری برخوردار بود. گزارش‌های رسیده، از تجمع تانک‌ها و نفربرهای نیروهای دشمن خبر می‌داد. در این حال، مرحله دوم از دور اول عملیات در ساعت ۸ صبح روز ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. پس از پیشروی‌های اولیه در این روز، با تشدید آتش دشمن، پیشروی به تدرج کُند شد و سرانجام در بعدازظهر در حالی که نیروهای سپاه در خط مقدم درگیر بودند، نیروهای زرهی ارتش عقب‌نشینی کردند!

عقب‌نشینی یگان‌ها علاوه بر تأثیر نامطلوب بر روحیه نیروها، موجب از بین رفتن سازمان و انسجام نیروهای خودی شد. نیروهای پیاده سپاه نیز که ۱/۵ تا دو کیلومتر جلوتر از نیروهای ارتش قرار داشتند، به علت عدم آگاهی از عقب‌نشینی، در محاصره دشمن قرار گرفته و

* ۳۰ کیلومتر به معنای حرکت نیروها از مبدا تا آخرین نقطه استقرار می‌باشد و به معنای ۳۰ کیلومتر پیشروی در عمق به سمت جنوب نیست.

تعدادی از آنها مظلومانه به شهادت رسیدند.

نقشه عملیات نصر در ۱۶ دی ۱۳۵۹ (منطقه هویزه)



برابر گزارش سپاه، ۱۴۰ تن از نیروهای انقلابی که شماری از آنها دانشجویان پیرو خط امام بودند به شهادت رسیدند. این دانشجویان پس از تحویل گروگان‌های امریکایی به دولت جمهوری اسلامی، عازم جبهه‌های نبرد شده بودند.

بنی‌صدر که امید بسیاری به پیروزی در عملیات داشت، پس از شکست، به‌منظور توجیه علل این ناکامی، در نامه‌ای به امام چنین نوشت:

> دشمن حمله متقابل در پنج نوبت کرد با دو لشکر. نیروهای ما امروز چهارمین روز مقاومتشان است. این طور که می‌گویند یک لشکر دشمن از بین رفته است. اما به ما هم بسیار صدمه خورده است. حمله بدون نیروی احتیاط نتیجه نمی‌دهد. روز اول، پیروزی بود، روز دوم ساعت ۴ بعدازظهر پشت به جبهه کردند، وقتی خبر با شدم، نیم‌ساعتی از این عمل می‌گذشت.^(۴۱)

گرچه بنی‌صدر در این نامه به ضعف‌های فکری، مدیریتی و همچنین اشتباه‌های استراتژی نظامی و تاکتیک‌ها اشاره نکرد، ولی موضوع مهم این بود که به ناچار، شکست را پذیرفت. تضعیف موقعیت سیاسی بنی‌صدر بر اثر این ناکامی از جمله مسائلی بود که ناظران و تحلیل‌گران خارجی نیز به آن توجه داشتند. کردزمن در کتاب خود درباره تأثیر این عملیات در کاهش توان زرهی ایران می‌نویسد:

> یک نمونه از این‌گونه اشتباهات در جریان نخستین ضد حمله عمده ایران در جنگ رخ داد که طی آن سه تیپ تانک کم توان نیروی زمینی ایران در ۵ ژانویه ۱۹۸۱ میلادی (۱۵ دی ۱۳۵۹) بدون برخورداری از پشتیبانی پیاده نظام به نیروهای عراقی در جنوب سوسنگرد حمله کرده و به سختی شکست خوردند. یگان‌های تانک بخشی از نیروهای زمینی ارتش بودند و تحت فرماندهی رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) قرار داشتند و به نظر می‌رسید که فقدان پشتیبانی پیاده نظام ناشی از سیاست داخلی ایران بوده باشد ... بنی‌صدر یا عمداً تلاش کرده است تا قدرت نیروی زمینی ارتش را با فرستادن تانک‌ها به خطوط مقدم به نمایش بگذارد و یا این‌که رهبری مذهبی ایران [از در اختیار قرار دادن] پیاده نظام پاسدار خودداری کرده است. بسیاری از تلفات و ضایعات ایرانی‌ها در نبرد ۵ ژانویه ۱۹۸۱ به دلیل عدم توانایی آنها در اجرای مانور و تدارک مجدد در گل وارد آمد. قوای زرهی ایران در این حمله بیش از آن‌که در اثر آتش عراق دچار شکست شود، در پی فرورفتن [در گل] و رها کردن [تانک‌ها] از هم پاشید ... در مجموع، خسارت‌های ایران در این عملیات سنگین بود و حدود ۱۰۰ دستگاه تانک ام-۶۰ و تانک‌های چیفتن نابود شد و ۱۵۰ دستگاه هم به دست عراقی‌ها افتاد. عراق هم حدود ۵۰ تانک تی-۶۲ خود را از دست داد.^(۴۲)

رادیو لندن نیز طی تفسیری در مورد هدف بنی‌صدر از این عملیات گفت:

>این واقعیت که حملات تهاجمی ایران چنین سریع صورت گرفته، در محافل بین‌المللی این سخن را به وجود آورده است که ابوالحسن بنی‌صدر در مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران بیشتر به‌منظور کسب امتیازات سیاسی و نه نظامی، این حملات را تدارک دیده است.<^(۴۳)

مفسر رادیو لندن با توجه به مقاصد سیاسی بنی‌صدر و ابعاد نظامی عملیات و اهداف آن، چنین تجزیه و تحلیلی را بیان کرد. نیویورک‌تایمز نیز در همین زمینه نوشت:

>چنان‌که ادعای پیروزی ایران در محافل سیاسی مورد توجه قرار گیرد، می‌توان دریافت که بنی‌صدر به پیروزی در عرصه نبرد نیاز داشته تا بتواند مبارزه‌ای را که برای احراز قدرت سیاسی در جریان است، ادامه دهد.<^(۴۴)

رادیو اسرائیل نیز به نقل از مقامات عراقی گفت:

>مقامات عراقی ادعا کرده‌اند که حمله اخیر چیزی جز یک حمله نافرجام نیست که رئیس‌جمهور برای ادامه حکومتش به آن دست زده است.<^(۴۵)

در پی ناکامی در عملیات نصر، بنی‌صدر نتوانست اهداف سیاسی خود را بر پایه آن استوار کند. در عین حال، با توجه به این‌که عملیات توکل در محور آبادان نیز پیش از این طرح‌ریزی شده بود، بنی‌صدر همچنان به کسب پیروزی امیدوار بود لیکن نگرانی از شکست در عملیات نظامی و آثار سوء آن بر موقعیت سیاسی‌اش، سبب شد که مسائل جدیدی از جمله پایان دادن به جنگ را مجدداً مطرح کند؛ هرچند پیش از این در پی طرح "حل مسئله جنگ از طریق سیاسی" از سوی او، هیئت دولت با آگاهی از ماهیت تلاش‌هایش، شرایطی را برای پایان بخشیدن به جنگ تعیین کرده بود. در همین زمینه، بنی‌صدر در نامه‌ای به امام به مسئله قابل توجهی اشاره کرد:

>این جنگ قرار بود چند روز بیشتر طول نکشد. جنگ‌های زرهی امروز چند روز بیشتر طول نمی‌کشد. هند و پاکستان جنگ کردند چهار روزه تکلیف معلوم شد. اعراب و اسرائیل جنگ‌شان بین ۶ تا ۱۰ روز بود. این جنگ طولانی‌ترین جنگ‌های زرهی بعد از جنگ جهانی دوم است. ما در ماه چهارم هستیم، بدون این‌که بتوانیم از این دنیا مهمات و سلاح تهیه کنیم.<^(۴۶)

بنی‌صدر در این نامه - در حالی که هنوز ۴۸ ساعت تا آغاز عملیات توکل در محور

آبادان باقی مانده بود - نوشت:

>ادامه جنگ در شرایط فعلی وضع را بدتر خواهد کرد. من مأیوس نیستم و می‌جنگم اما جنگ در شرایط فعلی دردی را دوا نمی‌کند.<^(۴۷)

بنی‌صدر در این نامه، با استناد به دیدگاه نظامیان، پیشنهادهای خود را ارائه کرد:

>... گفت‌وگو با نظامیان، این طور به نظرم می‌رسد که اگر بخواهیم جنگ را ادامه بدهیم و قرار باشد این جانب بار مسئولیت را بدوش بکشم ... به شرط این‌که در کار نظامی دخالت نشود و از هیچ راه فشار نیاورند بلکه بتدریج دشمن را ضعیف کنیم ... بنابراین یا باید به جنگ خاتمه داد و یا اگر بخواهیم به جنگ ادامه بدهیم، باید طول زمان را بپذیریم و راهی به بازارهای اسلحه و مهمات باز کنیم.<^(۴۸)

بنی‌صدر در این نامه آشکارا، پیروزی در جنگ و بیرون راندن متجاوزان را مشروط به "جنگ طولانی" و خرید سلاح و مهمات می‌کند. این اظهارات که بیانگر نوعی ناامیدی بود زمینه لازم را برای اجرای عملیات توکل در محور آبادان آماده کرد.

۴- عملیات توکل در شرق رودخانه کارون

در پی تهدیدهای ناشی از عبور نیروهای دشمن از رودخانه کارون و تلاش برای محاصره و اشغال آبادان، ارتش جمهوری اسلامی با فرماندهی قرارگاه ستاد ارونند در جنوب، نخستین اقدام جدی را به‌منظور عقب راندن نیروهای دشمن به غرب رودخانه کارون در سوم آبان ۱۳۵۹ اجرا کرد. آزاد کردن جاده اهواز - آبادان مهم‌ترین هدف این عملیات بود. امام در ۱۴ آبان ۱۳۵۹ پس از ناتوانی ارتش در عقب راندن دشمن از شرق رودخانه کارون، طی سخنانی به نیروها دستور "شکستن حصر آبادان" را ابلاغ فرمودند. در این روند، عملیات توکل به عنوان یک عملیات آفندی نسبتاً گسترده طرح‌ریزی شد. در کتاب "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم" در این زمینه آمده است:

>به هر حال جو کلی سیاسی کشور درباره جنگ از یک طرف و شروع بارندگی‌های فصلی از طرف دیگر ایجاب می‌کرد که هرچه سریع‌تر یک عملیات آفندی نسبتاً گسترده در یکی از مناطق نبرد خوزستان طرح‌ریزی و اجرا شود* و بدین جهت فرماندهی ارونند از ۲۵ آذرماه طرح‌ریزی چنین عملیاتی را آغاز کرد.<^(۴۹)

صدور فرمان امام موجب شد ستاد ارونند که فرماندهی منطقه را بر عهده داشت، پس از بررسی اولیه، مأموریت را به این شکل مشخص کند:

* در صفحه ۲۰۰ همین کتاب (منتشره ارتش جمهوری اسلامی) در مورد میزان آمادگی برای اجرای عملیات آمده است: >با وجودی که ارتش و سایر نیروهای ایرانی آمادگی لازم رزمی را کسب نکرده بودند، در راستای خواسته‌های ملت و رهبران سیاسی تصمیم گرفته شد که طرح‌های آفند متقابل از اول دی‌ماه به صورت جدی برای اجرا آماده شوند.<

فرماندهی عملیات اروند در منطقه مربوطه (ماهشهر، آبادان، دارخوین) دفاع می‌کند و آماده می‌شود با عملیات آفندی نیروهای دشمن را در منطقه مربوطه نابود سازد و خرمشهر را آزاد کند و تک را تا ترمیم خط مرز از شلمچه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ ادامه دهد.^(۵۰)

پس از بحث درباره راه‌کارهای عملیات، سرانجام مقرر شد که حمله در دو محور اجرا شود. در محور شمالی - جنوبی، گروه رزمی ۲۴۶ تانک، از سلمانیه به سمت جنوب حمله کند. تلاش اصلی در محور ماهشهر - آبادان در شمال جاده با تیپ ۳۷ زرهی اجرا گردید و یک تلاش فرعی دیگر به وسیله عناصر تیپ ۲ قوچان و سایر واحدهای مستقر در کرانه شمالی بهمنشیر از جنوب به شمال به سمت خاکریزهای خط سرپل اجرا شود.

بر اساس آخرین راه‌کار پیشنهادی، فرماندهی اروند دستور تهیه طرح عملیاتی را صادر کرد که در ۲۷ آذر به نام طرح عملیاتی توکل منتشر شد. بر این پایه، یگان‌ها از سرفرماندهی اروند در سه فرماندهی عملیاتی سازمان‌دهی شدند که عناصر اصلی آنها عبارت بودند از:

۱- فرماندهی عملیات آبادان - خرمشهر: شامل تیپ ۲ پیاده قوچان با سه گردان پیاده، یک گروهان تانک چیفتن، نیروهای ژاندارمری مستقر در جزیره آبادان، نیروهای سپاه پاسداران و بسیج مردمی، گردان توپخانه ۱۰۵، یک آتشبار توپخانه ۱۳۰ میلیمتری و یک آتشبار توپخانه کاتیوشا.

۲- تیپ ۳۷ زرهی: شامل یک گردان امداد ژاندارمری، یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ و یک آتشبار توپخانه کاتیوشا.

۳- گروه رزمی ۲۴۶ تانک: شامل گردان ۲۴۶ تانک (منهای یک گروهان)، یک گردان پیاده از نیروهای لشکر ۲۱ پیاده، یک گردان مختلط توپخانه ۱۰۵ و ۱۵۵ میلیمتری و عناصر سپاه پاسداران.

۴- یک فرماندهی عملیات نامنظم: متشکل از حدود دو گروهان ژاندارمری و نیروهای مردمی.

۵- یک فرماندهی توپخانه: با چهار آتشبار توپخانه صحرائی ۱۳۰ و ۲۰۳ میلیمتری کاتیوشا.

۶- عناصر دیگر پشتیبانی خدمات رزمی و پشتیبانی رزمی شامل تیپ هوانیروز، گروهان مهندسی و غیره.^(۵۱)

در این عملیات نیز - همچون عملیات نصر - بدون توجه به استعداد دشمن و وسعت منطقه، هدف‌های بسیاری در عمق منطقه تعیین شده بود.

عملیات توکل در ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد ولی برخلاف عملیات نصر حتی در گام‌های نخست نیز موفقیتی به دست نیاورد و نیروها به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. به نوشته کتابی که ارتش منتشر کرده است، هوشیاری و اجرای آتش دشمن در روز پیش از عملیات (۱۹ دی ماه) نشان می‌داد که آنها از طرح عملیات قبلاً آگاهی داشتند. در این کتاب از جابه‌جایی‌های عمده دشمن برای تقویت منطقه عملیات و گرمای هوا به عنوان یکی از عوامل کاهش توان نیروهای خودی نام برده شده است.^(۵۲)

بنی‌صدر پس از این دو شکست، با توجه به وعده‌های پیشین و اهدافی که بر پایه امیدواری به کسب پیروزی نظامی پیگیری می‌کرد، در گزارش "کارنامه رئیس‌جمهور" به تجزیه و تحلیل عملیات پرداخت و مسائلی را یادآور شد که خواندنی است. وی گفت:

>سؤال این است که چرا در اتخاذ شیوه‌های جنگی نمی‌باید آن شیوه‌های جنگی را انتخاب کنند که به دشمن حداکثر تلفات را وارد کند، و می‌تواند وارد کند؟<^(۵۳)

وی سپس از قول فرماندهان نظامی این مطلب را بیان می‌کند:

>اعمال روش‌های موفقیت‌آمیز امکان‌پذیر است و ما نیز این مسئله را به فرماندهی نیروهایمان اظهار کرده‌ایم ولی فرماندهی پذیرفته و دستور حمله برق‌آسا داده است.<^(۵۴)

بنی‌صدر با استناد به اظهارات فرماندهان نظامی، در واقع، علل ناکامی را جو سیاسی حاکم بر شرایط تصمیم‌گیری که به وی تحمیل شده بود، ذکر می‌کند:

>برای آنها (فرماندهان نظامی) توضیح دادم که جو سیاسی موجود با توجه به جریان‌هایی که به وجود می‌آید، این حمله و روش تحمیل شده است.<^(۵۵)

این‌گونه برخورد ساده‌ترین راه برای توجیه ناکامی‌های حاصله پس از دو ماه و نیم ائتلاف وقت و وعده‌ها و وعیدهای بی‌نتیجه بود. بنی‌صدر درباره نیازمندی به سلاح و مهمات می‌گوید: "تعقیب عملیات نظامی تا یک پیروزی کامل، محتاج ابزار و آلات نظامی و مهمات است." اما وی در جای دیگری چنین بیان می‌کند:

>شاید کمبود اسلحه را با افزایش روحیه، میل به ابتکار، شجاعت و پایداری جبران کنیم. در صورتی که بتوانیم روحیه نیروهای مسلح را بالا ببریم، اصلاً لازم نیست که به اندازه دشمن اسلحه داشته باشیم.<^(۵۶)

بنی‌صدر پیش از این نیز پس از ناکامی‌های نظامی، همواره از ضعف روحی نیروهای مسلح به عنوان دلایل این ناکامی‌ها نام می‌برد، اما به هیچ‌وجه به دلایل واقعی این ضعف روحی اشاره نمی‌کرد.

نقشه عمليات توکل در ۲۰ دي ۱۳۵۹ (شرق رودخانه
کارون)

defamoghaddas.ir

تحولاتی که - بعدها پس از فرار بنی‌صدر - رخ داد و منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد، با اتکا به امکانات موجود و بدون خریداری تجهیزات جدید انجام گرفت،* لذا باید دلایل اصلی پیروزی را در هم‌آهنگی ارتش و سپاه، اتخاذ استراتژی مناسب با به‌کارگیری کلیه مقدرات و امکانات کشور، جست‌وجو کرد؛ تدبیری که بنی‌صدر هیچ‌گاه قادر به درک و انجام دادن آن نبود.

نتایج شکست و ناکامی بنی‌صدر در آزادسازی مناطق اشغالی

عدم درک عمیق از دشمن و وجود باورهای توهم‌آلود همراه با مبالغه درباره میزان توانایی نظامی نیروهای کلاسیک** و درستی طرح‌های نظامی این نیروها، سبب شد که بنی‌صدر پیروزی بر دشمن را آسان و قابل دسترس بداند و دست‌یابی به اهداف سیاسی را بر اساس آن پایه‌ریزی کند. شکست نیروهای خودی در این مرحله از جنگ، نتایج و پی‌آمدهای بسیار نامطلوبی داشت چنان‌که پس از گذشت هشت ماه از تجاوز دشمن و در حالی که متجاوزان همچنان در مناطق اشغالی استقرار داشتند، کشور در یک بحران سیاسی و ناامنی عمیق فرو رفت.

یأس و سرخوردگی حاصله از پیدایش وضعیت جدید، هرگونه امیدواری به کسب پیروزی نظامی را از میان برد، زیرا تصور می‌شد، در حالی که کلیه امکانات و توان کشور را متخصصان سیاسی - نظامی به‌کار گرفته‌اند و باز هم موفقیتی حاصل نشده است، بنابراین هیچ راه‌حل نظامی برای جنگ وجود ندارد و باید از نظر سیاسی در پی راه‌حلی^(۵۷) بود و تنها با امیدواری به پشتیبانی قدرت‌های جهانی و تلاش‌های سیاسی در نهان و یا مصالحه و

* مقام معظم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای) در خاطرات خود از گزارش فرماندهان در جلسه شورای عالی دفاع، در مورد میزان موجودی سلاح، به عنوان یک خاطره تلخ نام می‌برند. در این جلسه مسئولین و فرماندهان ارتش متفقاً گفته بودند ایران برای ۲۰ تا ۲۵ روز بیشتر سلاح و مهمات ندارد. امام خمینی پس از شنیدن گزارش سلاح‌های موجود در ارتش، فرموده بودند: <بدانید اسلحه و مهماتی که در کشور از پیش ذخیره شده، برای مقابله با کشوری مثل روسیه تعبیه شده. خیلی بیش از این حرف‌ها، ما سلاح و مهمات داریم.> در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که امکانات زیادی وجود داشت که یا از آنها بی‌اطلاع بودند، یا گزارش نادرست داده می‌شد.

(روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۷/۱)

** ویلیام‌اف‌هیگمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش آمریکا در مورد شکست تلاش‌های نظامی ارتش به فرماندهی بنی‌صدر، می‌نویسد: <همان‌طور که در جریان تهاجم ماه ژانویه (دی‌ماه) به اثبات رسیده بود، عملیات هم‌آهنگ نیروهای ارتش به تتهایی برای شکست عراقی‌ها کافی نبود و هم‌آهنگی آنها با نیروهای مردمی ضرورت داشت.>

(ویلیام‌اف‌هیگمن، مقاله "ارتش از هم‌پاشیده و از نو متولد شده در ۱۹۸۲، ترجمه گروه تحقیق، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰/۱۲/۱۳۶۳)

سازش با دشمن و دادن امتیازات، می‌توان اوضاع را تغییر داد. بنی‌صدر نیز پیش از این و پس از شکست عملیات نصر و قبل از آغاز عملیات توکل، با احتمال وقوع شکست مجدد، زمزمه‌های پایان دادن به جنگ و مسئله صلح را مطرح کرد.

علاوه بر این مسائل، ناکامی در این مرحله سبب شد تا ضمن از دست رفتن امکانات،* زمان نیز از دست برود و دشمن در مواضع اشغالی به احداث استحکامات و جاده‌های ارتباطی اقدام کند و بیرون راندن او نسبت به گذشته به مراتب دشوارتر شود.** در عین حال، امیدواری عراق به استقرار در مواضع اشغالی و همچنین تصمیم ارتش به اتخاذ استراتژی پدافندی، بخش دیگری از نتایج ناکامی در این مرحله از جنگ بود.

امیدواری عراق برای استقرار در مواضع اشغالی

نتایج این عملیات‌ها، عراق را نسبت به درستی تحلیل‌ها و باورهای خود مبنی بر ناتوانی نیروهای نظامی ایران برای آزادسازی مناطق اشغالی، متقاعد کرد و از این پس، حضور دشمن در این مناطق با آسایش خیال و بدون هیچ‌گونه نگرانی ادامه یافت. کردزمن در بیان بازتاب ناکامی‌های ایران در نخستین ضدحملات خود، بر امیدواری عراق برای استقرار در مواضع اشغالی تأکید می‌کند:

> نخستین تأثیر این بود که عراقی‌ها باور کردند که با نسبتاً مقداری استقامت دفاعی می‌توانند دست‌آوردهای خود را حفظ کنند.^(۵۸)

از سوی دیگر، عراقی‌ها اوضاع سیاسی داخل ایران را تحت نظر داشته و می‌پنداشتند که تنش‌های سیاسی موجود در ایران حتی در صورت کسب پیروزی نظامی ایران، پایدار خواهد ماند. ضمن این‌که هرگونه شکست نظامی می‌توانست، منجر به تشدید این تنش‌ها شود. به همین دلیل، بر پایه رخدادهای جدید، عراقی‌ها از طریق یاسر عرفات به ایران پیام دادند که قادرند اهواز را تصرف کنند ولی این کار را نمی‌کنند و منتظر فعل و انفعالاتی در تهران هستند.^(۵۹)

* تنها در عملیات نصر، لشکر ۱۶ زرهی از ۳۷۰ دستگاه تانک خود، ۱۴۰ دستگاه را از دست داد، در حالی که امکان جایگزینی آنها نیز وجود نداشت.

** صدام در مصاحبه مطبوعاتی که از تلویزیون بغداد پخش شد، خطاب به مردم عراق می‌گفت: <آیا می‌دانید در طول پنج ماه شما چقدر راه ساخته‌اید؟ شما دو هزار و اندی کیلومتر راه برای ارتش خود ساخته‌اید.>

(ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، ص ۵۳)

اظهارات طه یاسین رمضان معاون اول نخست‌وزیر عراق و فرمانده ارتش خلق در مصاحبه با روزنامه الشوره مبنی بر این که "ما بر این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر این که رژیم حاکم بر ایران به‌طور کلی منهدم شود" و همچنین سخنان صدام مبنی بر این که "ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم"،^(۶۰) علاوه بر آن که متأثر از رخدادهای نظامی بود، بیشتر به رخدادهای سیاسی داخلی ایران مربوط می‌شد.

تشدید اوضاع کردستان و تلاش‌های جدید منافقین به ویژه خروج پنهانی رجوی از طریق کردستان و مذاکراتی که وی در فرانسه انجام داد، از جمله مسائلی بود که عراقی‌ها به تأثیرات آن بسیار امیدوار بودند، به همین دلیل، از سقوط و تجزیه ایران سخن می‌راندند.

اتخاذ استراتژی پدافندی از سوی ارتش

عدم پیروزی نیروهای کلاسیک به فرماندهی بنی‌صدر، نیروهای نظامی را دچار یأس و سرخوردگی کرد تا آنجا که ستاد اروند در جنوب در برآورد خود به این نتیجه رسید:

<نیروهای جمهوری اسلامی ایران الزاماً می‌باید دفاع را ببپذیرند.>^(۶۱)

در همین زمینه، در جلد سوم کتاب "ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس" در مورد نتایج عملیات توکل آمده است:

>پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل، از روز ۲۱ دی‌ماه وضعیت کلی منطقه عملیاتی آبادان - ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاماً نیروهای فرماندهی اروند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجدداً به حالت نبرد توپخانه بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد و طرفین به تقویت و تحکیم مواضع دفاعی پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه ماهشهر - آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تکه‌های محدود و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود هشت ماه ادامه داشت.>^(۶۲)

بدین ترتیب، از دی‌ماه ۱۳۵۹ تا تابستان ۱۳۶۰ هیچ برنامه آفندی به مفهوم عملیات گسترده برای آزادسازی مناطق اشغالی، در برنامه نیروهای کلاسیک وجود نداشت و تنها بر اساس برآورد یادشده، عملیات‌های محدود به صورت ایذایی و محلی توصیه می‌شد.

کوشش بنی‌صدر در تشدید بحران سیاسی

موقعیت سیاسی بنی‌صدر در پی ناکامی وی در آزادسازی مناطق اشغالی رو به تضعیف نهاد. در چنین وضعیتی، بنی‌صدر برای خروج از بن‌بست، راه‌حل‌های محدودی پیش رو

داشت؛ از یک سو، ادامه روند پیشین به دلیل بی‌نتیجه بودن آن امکان‌پذیر نبود و از سوی دیگر، خصلت‌های جاه‌طلبانه بنی‌صدر مانع از تغییر رویه و عقب‌نشینی وی می‌شد، در نتیجه، "تشدید بحران داخلی" تنها گزینه‌ای بود که در برابر بنی‌صدر قرار داشت. در همین زمان، منابع بیگانه نیز اطلاعاتی به صورت محرمانه مبنی بر فوت زودهنگام حضرت امام در اختیار بنی‌صدر قرار داده بودند* تا وی بتواند حرکت خود را با قاطعیت و اطمینان بیشتری ادامه دهد. در واقع، بنی‌صدر چنین تصور می‌کرد که موقعیت استثنائی** وی در زمینه سیاسی - نظامی و همچنین در میان روشنفکران و نیروهای ارتش*** به گونه‌ای است که در صورت وقوع بحران داخلی، قادر به مهار اوضاع و به دست‌گیری کامل قدرت خواهد بود. در پایه همین عقیده، بنی‌صدر در روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ با منازعه‌جویی در برابر نظام و انقلاب و به‌منظور قلع و قمع کردن نیروهای انقلابی، تلاش خود را با حمایت گروه‌های ضدانقلاب آغاز کرد.

در وضعیت جدید، منافقین و سایر گروه‌های ضدانقلاب حول محور بنی‌صدر گردهم آمدند. پیش از این، در حوالی زمستان ۱۳۵۹، رجوی با خروج غیرقانونی از کشور علاوه بر بررسی مسیر خروج در حال اضطراری، با حضور در فرانسه و ملاقات‌هایی که انجام داد، ضمن تشریح اوضاع داخلی ایران و موقعیت سازمان منافقین، حمایت غربی‌ها را برای ورود به فاز نظامی جلب کرد و پس از جلسات متعددی که رجوی با کادر مرکزی سازمان برگزار

* بنی‌صدر در این زمینه گفت: «وقتی که ما از دولت آلمان علت شرکتشان در تحریم اقتصادی ایران را پرسیدیم به ما گفتند که با مطالعه بولتن‌های پزشکی امام به نتیجه رسیدیم که امام بیش از سه ماه دیگر زنده نیست.» (به نقل از بیانیه شماره ۲۱ دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۰/۶/۳۱)

همچنین در اسناد لانه جاسوسی آمده: «بنی‌صدر فردی جاه‌طلب و از لحاظ سیاسی زیرک است. نقش خود را محتاطانه با چشم‌دست به روزی که خمینی از صحنه کنار رود، بازی می‌کند.» (دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۹، ص ۴۳ تا ۴۷)

** منافقین پس از آنکه در کنار بنی‌صدر قرار گرفتند، رجوی طی نامه‌ای به بنی‌صدر در مورد موقعیت وی نوشت: «تکرار می‌کنم، حذف شما، حذف رئیس‌جمهوری با این پشتوانه عمومی، حذف فرمانده کل قوا در کشور در حال جنگ، حذف عالی‌ترین مجری قانون و مرجع مراجعه قانونی گسترده‌ترین سازمان انقلابی کشور (منظور سازمان منافقین است)، مفهومی جز استقبال از زوال قطعی و سقوط نهایی انحصارطلبان ندارد ... همه دنیا می‌داند که بدون شما حکومت چند هفته نیز دوام ندارد.» (سند شماره ۵۲/۲۵۰۹۲۴/۵۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه ۱۳۶۰/۱/۲۱)

*** بنی‌صدر در مصاحبه با روزنامه اتریشی بروفایل در این مورد گفت: «مردم ایران، ارتش و روشنفکران به نحو وسیعی طرفدار او هستند.»

(خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۱، خبرگزاری رويترز، ۱۳۶۰/۵/۱۲)

همچنین روزنامه دلی تلگراف به نقل از نماینده خود در تهران، نوشت: «بنی‌صدر قبل از برکناری به ارتش آماده‌باش کامل داده بود تا احتمالاً برای حمایت او به خیابان بیایند.» (خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۳/۲۱)

کرد، آنها را در مورد ورود به فاز نظامی متقاعد و آماده کرد. در چارچوب همین تلاش‌ها، حمایت از بنی‌صدر و ترغیب وی به ایستادگی در برابر امام و انقلاب شدت گرفت.

در همین روند و در حالی که امام هیئتی سه نفره را برای حل اختلاف تشکیل داده بودند،* بنی‌صدر با اعلام بن‌بست در کشور، برگزاری رفراندوم عمومی را مطرح کرد. سردمدار منافقین طی نامه‌ای به بنی‌صدر ضمن تبریک به مناسبت اقدام جدید بنی‌صدر، نوشت:

<اعلام حالت بن‌بست و ارائه پیشنهاد رفراندوم (حالا که انتخابات مجلس را حضرات عملی نمی‌دانند)، فوق‌العاده جالب و شایسته حمایت آشکار و علنی عموم نیروها و مردم است؛ به عبارت دیگر، دامنه کار هیئت سه نفره را به هیئت ۳۶ میلیون نفره بایستی گسترش داد.>^(۶۳)

رجوی در این نامه پیشنهاد کرد: "راهپیمایی آرام و مطلقاً بدون تظاهر تا جماران پس از کسب اجازه از مقام رهبری است که طبعاً میلیون‌ها نفر را با خود خواهد داشت."^(۶۴) رجوی در همین نامه به بنی‌صدر تأکید کرد:

<شما چه از نظر سیاسی و چه به لحاظ اجتماعی در وضعیتی هستید که اگر بخواهید و اگر بایستید، می‌توانید فی‌الواقع "جارویش" کنید.>^(۶۵)

طرح منافقین برای جابه‌جایی قدرت بدین ترتیب بود که می‌خواستند در سایه بنی‌صدر و با اعلام راهپیمایی به سمت جماران، پس از حضور در حسینیه جماران، امام را مورد حمله قرار دهند و پس از آن، مراکز قدرت را تصرف کنند. موقعیت بنی‌صدر و درخواست وی از عموم مردم برای "راهپیمایی" می‌توانست در تحقق اهداف منافقین مفید و مؤثر باشد. بنی‌صدر به موازات تشدید "بحران داخلی" در اندیشه پایان بخشیدن به جنگ نیز بود، تا این‌بار بتواند از طریق صلح و سوار بر امواج بحران داخلی، پیروزی سیاسی را به دست آورد. به همین دلیل، پس از آن‌که کنفرانس غیرمتعهدها در اردیبهشت ۱۳۶۰ پیشنهاد صلح داد، بنی‌صدر در نامه‌ای به امام خمینی نوشت:

<اگر قرار بر صلح باشد، پیشنهاد از این بهتر نمی‌شود.>^(۶۶)

* امام خمینی، آیت‌الله مهدوی‌کنی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد. آقایان شهید بهشتی، رفسنجانی و شهید رجایی نیز آقای یزدی را انتخاب کردند و بنی‌صدر نیز یک نماینده معرفی کرد تا علاوه بر بررسی ماجرای ۱۴ اسفند، اختلافات را نیز بررسی نمایند. امام در پیام خود به آیت‌الله کنی مرقوم نمودند: «موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی نمایند و نیز در زمان جنگ که زمان استثنایی است به احوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور می‌باشد رسیدگی نمایند.»

وی همچنین در جایی دیگر در مورد تداوم جنگ با توجه به اوضاع داخلی - که خود مسبب اصلی آن بود - تحلیل رجوی را به گونه‌ای دیگر در این نامه برای امام مطرح کرد:

> برای موفقیت کامل، یک انسجام تمام عیار لازم است. صاف و صریح بگویم که حاکمان نادان سود خود را در ادامه جنگ توأم با ناکامی می‌بینند، چرا که ادامه جنگ موجب تحکیم موقعیت آنها می‌شود و ناکامی سبب می‌شود که آن را به گردن رئیس‌جمهور بیندازند و کار او را یک‌سره کنند و نمی‌دانند که کار کشور و رژیم جمهوری اسلامی یک‌سره می‌شود.^(۶۷)

بنی‌صدر در مورد ضرورت پایان بخشیدن به جنگ چنین استدلال می‌کرد که افکار عمومی مخالف ادامه جنگ است.^(۶۸)

بدین ترتیب، با تلاش‌های بنی‌صدر به موازات تحولات نظامی،* مرحله جدیدی از بحران داخلی آغاز شد که از خرداد ۱۳۶۰ با ورود منافقین به فاز نظامی و اقدام به ترور مردم و انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ و مقرنخست‌وزیری در ۸ شهریور همان سال شدت یافت.

هم‌زمان با "ایجاد بن‌بست نظامی" و "پیدایش بحران سیاسی" در کشور، عراقی‌ها نیز مواضع خود را نسبت به جنگ تغییر دادند؛ بدین ترتیب که عراق پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ که آمادگی خود را برای پایان بخشیدن به آن با شرایطی اعلام کرده بود، با مشاهده ناکامی نظامی ایران به تدریج مواضع جدیدی را اعلام کرد. صدام در آبان ۱۳۵۹ در مصاحبه با روزنامه المستقبل اعلام کرد که با درگذشت رئیس‌جمهور الجزایر (هواری بومدین) در سال ۱۹۷۸ میلادی، قرارداد الجزایر نیز دفن شده است.^(۶۹) وی مدتی بعد، طی سخنانی هر گونه عقب‌نشینی از خاک ایران را کار ضعیفان نامید و گفت:

> این وضعیت (عقب‌نشینی از خاک ایران) برای عراق نوین و مردم آن روی نخواهد داد. عقب‌نشینی را ضعیفان، بی‌خردان، کسانی که سرزمین خود را دوست ندارند و مردمی که به ملت خود علاقه‌مند نیستند انجام می‌دهند.^(۷۰)

همچنین، لطیف جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در مصاحبه‌ای با القیس گفت:

> عراق به مرزهایی که آنها را مرز حقیقی خود می‌داند رسیده است و اعلام داشته که حتی اگر ارتش ده سال در این مناطق باقی بماند، از آنها بازپس نخواهد نشست.^(۷۱)

صدام پس از واقعه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در موضع‌گیری جدیدی، مناطق اشغالی را همان مرزهای حقیقی اعلام کرد و با توجه به موقعیت نظامی ایران، بازپس‌گیری این مناطق را از موضع قدرت غیرممکن دانست:

>موضوعی که آنها (ایران) باید آن را درک کنند. این است که راه ادامه جنگ و سخن از عقب راندن نیروهای عراقی از مواضع به دست آمده با اتکا به قدرت، مسئله‌ای غیرممکن است.<^(۷۲)
بر پایه برخی اطلاعات، عراقی‌ها در بهار ۱۳۶۰ اشغال دزفول را طراحی کردند که اجرای آن به دلایلی همچون عملیات اردیبهشت ۱۳۶۰ در تپه‌های الله‌اکبر، منتفی شد.
عراقی‌ها از موضع خود در برقراری آتش‌بس نیز عدول کردند. صدام در این خصوص تأکید کرد:

>اگر می‌خواهید نظر ما را بدانید، باید بگویم ترجیح می‌دهیم در حالی که جنگ ادامه دارد، با ایرانیان به قصد رسیدن به توافق به مذاکره بنشینیم، زمانی که به توافق دست یابیم، می‌گوییم جنگ خاتمه یابد.<^(۷۳)

وی در این موضع‌گیری با برداشت خود از اوضاع داخلی ایران، مبنی بر نبود دولت رسمی و با ثبات در این کشور، پایان دادن به جنگ را پیش از مذاکره و توافق طرفین نفی کرد.

مه‌ار بحران با مدیریت و تدبیر امام خمینی

با ظهور تدریجی آثار ناشی از ناکامی نظامی بنی‌صدر و تشدید درگیری‌های سیاسی، امام خمینی با تأکید بر ضرورت حفظ آرامش در داخل،^(۷۴) به این نکته اشاره کردند که:

>دشمن‌های ما شاید اهمیت به این اختلافات داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی.<^(۷۵)

امام سپس در جای دیگری خطاب به دولتمردان فرمودند:

>ما نباید حالا که گرفتار هستیم، باز به پیروزی هم نرسیده‌ایم، نباید این مردم را سستشان کنیم.<^(۷۶)

امام خمینی با درکی که از سیاست‌های مخاصمه‌جویانه امریکا علیه ایران به ویژه پس از اشغال لانه جاسوسی داشتند، و با توجه به ماهیت حرکت‌های جدید و شکل‌گیری ترکیب جدیدی از ضدانقلاب، در یک جمع‌بندی فرمودند:

>امروز تمامی آنان که علیه جمهوری اسلامی متحد شده‌اند، با واسطه یا بدون واسطه در رابطه با امریکا می‌باشند.<^(۷۷)

در این روند، نزدیکی منافقین و بنی‌صدر و وقوع حادثه ۱۴ اسفند نقطه تعیین‌کننده‌ای برای آغاز برخورد امام با بنی‌صدر بود، چنان‌که حاج سیداحمد خمینی در این باره گفت:

>در جریان دانشگاه (۱۴ اسفند)، من مرتب اخبار را به امام می‌رساندم. برای ما خیلی روشن بود که تمام این کارت‌های کمیته و غیره دروغ است. البته بنی‌صدر هم با این کارهایش گور خودش را کند. از همان زمان بود که امام تصمیم گرفتند که دیگر کار را تمام کنند، حتی یک بار صریح به من گفتند دیگر کار او تمام شده و دیگر ایشان امیدوار نیست.<^(۷۸)

در واقع، آنچه را که بنی‌صدر برای خود نقطه شروع حرکت می‌دانست و به آن امیدوار بود، به منزله نقطه پایان حیات سیاسی وی به شمار می‌رفت.

امام ابتدا تلاش کردند میان حرکات سیاسی بنی‌صدر و مسئولیت وی در قوای نظامی تفاوت قائل شوند و در ضمن، حساب گروهک‌ها را از بنی‌صدر جدا کنند، به همین دلیل، ایشان در نخستین واکنش آشکار در برابر فاجعه ۱۴ اسفند، در پاسخ به پیام آیت‌الله گلپایگانی، خطاب به گروه‌ها و دسته‌های منحرف سیاسی و غیرسیاسی تأکید کردند که با آنها برخورد اسلامی خواهد شد و به شرارت‌های ضداسلامی پایان خواهند داد.^(۷۹) امام همچنین یازده روز پس از این حادثه، در پیامی به مردم و مسئولان با تأکید به ادامه فرماندهی بنی‌صدر بر کل قوا، در مورد مسائل جنگ فرمودند:

>مسائل دفاع در شورا طرح و رسیدگی می‌شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند.<^(۸۰)

امام با تشکیل هیئت سه نفره برای حل اختلافات میان بنی‌صدر و دولت، به ارتش درباره سوء استفاده‌هایی که ممکن است از آن بشود، هشدار دادند تا کلیه توهّمات بنی‌صدر مبنی بر کسب حمایت ارتش در برخورد داخلی درهم شکسته شود. ایشان همچنین بر ضرورت حفظ روابط ارتش با ملت تأکید فرمودند:

>توجه داشته باشید که خدای نخواستہ یک وقتی اسباب این نشود که ملت ایران بگوید که این ارتش، ارتش کذایی است و به اسلام کاری ندارد و این طور چیزها. شما وقتی قدرت دارید که ملت دنبال شما باشد.<^(۸۱)

امام با هشدار به ارتش در مورد جدا شدن از ملت، فرمودند:

>شما از ملت هستید، جدا نیستید. اگر حساب خودتان را همان طوری که در سابق بود از ملت جدا کنید، ملت به شما پشت خواهد کرد و برای شما دوام نخواهد بود.<^(۸۲)

ایشان در جای دیگری در جمع فرماندهان نظامی و اعضای شورای عالی دفاع خطاب به

ارتش فرمودند:

>ارتشی که ملت باهانش مخالف است، نمی‌تواند این ارتش باشد، چنان‌که ملتی هم اگر ارتشش باهانش مخالف باشد، نمی‌تواند زندگی کند. کوشش کنید پیوند خودتان را با ملت هرچه می‌توانید تقویت کنید.<^(۸۳)

بنی‌صدر که در مرحله جدید اوضاع را کاملاً به سود خود ارزیابی می‌کرد و در نظر داشت با اتکا به مردم، خیز نهایی را برای کسب قدرت بردارد، هرگز تصور نمی‌کرد که سخنان امام چه تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر افزایش حضور نیروهای مردمی در صحنه انقلاب و جدا شدن مردم از وی خواهد داشت. امام با هشدار به بنی‌صدر در مورد نتیجه حضور مردم، به نکته‌ای اشاره کردند که تا پیش از وقوع آن، هرگز قابل تصور نبود:

>بترسید از آن روزی که مردم به‌فمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار* حاصل بشود؛ از آن روز بترسید که ممکن است یکی از ایام‌الله، خدای نخواستہ باز پیدا بشود.<^(۸۴)

یکی از دیگر اقدامات برجسته امام در برخورد با بنی‌صدر، مربوط به مسئله جنگ بود. ایشان با توجه به این مهم و توهماتی که بنی‌صدر در مورد نقش انحصاری خود داشت، در جلسه‌ای که با حضور افراد مختلف تشکیل شده بود، فرمودند:

>این فکر را از مغزت در کن که اگر تو نباشی این جنگ می‌خوابد. من خودم این جنگ را بخوبی اداره می‌کنم.<^(۸۵)

امام در تداوم این برخورد، بنی‌صدر را در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۰ از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار کردند؛ اقدام بسیار مهمی که بنی‌صدر هرگز تصور آن را نمی‌کرد. چنان‌که رادیو لندن نیز طی تحلیلی، از برخورد امام به عنوان بزرگ‌ترین ضربه به بنی‌صدر یاد کرد.^{**} پس از عزل بنی‌صدر، انتصاب سرلشکر فلاحی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا

* سرانجام در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ امام مردم را برای حضور در صحنه فراخواندند و در نقطه‌ای که ضدانقلاب با تجمع خود برای مخالفت با لایحه قصاص در نظر داشت ضربه آخر را وارد کند، امام با اتکال به قدرت خدا و با تکیه بر حضور مردم در صحنه سیاسی طومار ضدانقلاب را در هم پیچید به گونه‌ای که بنی‌صدر راهی نداشت جز آن‌که با لباس زنانه و به همراه رجوی و خلیان شاه از کشور فرار کند.

** ویلیام‌اف‌هیگمن (از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا) در مورد تأثیر برخوردهای امام در جذب ارتش و عدم حمایت ارتش از بنی‌صدر می‌نویسد: >هم‌زمان با تشدید حملات سیاسی علیه بنی‌صدر، میزان نفوذ وی بر ارتش نیز کاهش یافت. اگرچه بنی‌صدر در تمامی طول جنگ مهم‌ترین شخصیت غیرروحانی حامی ارتش به شمار می‌رفت، ولی وقتی آیت‌الله خمینی از او خلع ید کرد، ارتش به کمک وی نیامد، که این نشانه بارزی از موفقیت رژیم روحانی در زمینه کسب نفوذ در نیروهای مسلح بود و باعث فراهم آمدن مقدمات ظهور ارتش به عنوان یک ارگان اسلامی شد.<

(ویلیام‌اف‌هیگمن، "ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲"، ترجمه گروه تحقیق، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱۲/۲۰)

اطمینان لازم را در نیروهای نظامی برای ادامه فعالیت به وجود آورد. از سوی دیگر، امام در برخورد با مسئله جنگ - با توجه به نتایج و تجارب مرحله پیشین - بر نکاتی تأکید فرمودند که پایه‌های شکل‌گیری مرحله جدید جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی را فراهم کرد.

منابع و مأخذ فصل دوم

- ۱- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۱۶.
- ۲- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۲۵.
- ۳- سرلشکر محسن رضایی، درس‌های "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۲۲.
- ۴- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجم، هویزه آخرین گام اشغالگر، نوشته علیرضا لطف‌الله زادگان، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۷۳.
- ۵- پیشین.
- ۶- ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟ جلد چهارم، گزارش روز ۱۳۵۹/۹/۱۸، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
- ۷- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه "تاریخ جنگ"، نشریه شماره ۱۲، ص ۹۵.
- ۸- پیشین، ص ۹۰.
- ۹- مأخذ ۳.
- ۱۰- مأخذ ۷، ص ۹۵.
- ۱۱- پیشین.
- ۱۲- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، (تهران: بهار ۱۳۷۳) ص ۱۹۵.
- ۱۳- پیشین، ص ۱۵۶.
- ۱۴- مأخذ ۱۲، ص ۱۵۸.
- ۱۵- پیشین.
- ۱۶- ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟ جلد سوم، گزارش روز ۱۳۵۹/۸/۳، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ص ۷.
- ۱۷- پیشین.
- ۱۸- مأخذ ۴.
- ۱۹- مأخذ ۴.
- ۲۰- مأخذ ۱۶، گزارش روز پنجم، آبادان ۱۳۵۹، ص ۱۳.
- ۲۱- مأخذ ۱۶، گزارش روز هشتم آبادان ۱۳۵۹، ص ۳۱.
- ۲۲- پیشین.
- ۲۳- مأخذ ۱۶، گزارش روز یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۵۹، ص ۷۳.
- ۲۴- مأخذ ۱۶، ص ۱۴۰.
- ۲۵- پیشین.
- ۲۶- مأخذ ۱۶، گزارش روز پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۵۹، ص ۳۱.
- ۲۷- مأخذ ۱۶، گزارش روز سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۵۹، ص ۱۴۰.
- ۲۸- مأخذ ۶ گزارش ۲۹ آذر ۱۳۵۹، ص ۱۳۸.
- ۲۹- پیشین.
- ۳۰- پیشین، مأخذ ۲۸.
- ۳۱- پیشین، مأخذ ۲۸.
- ۳۲- سند شماره ۲۵۰۸۹۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه آیت‌الله خامنه‌ای به بنی‌صدر، ۱۳۵۹/۱۰/۶.
- ۳۳- پیشین، ص ۱ و ۲.
- ۳۴- مأخذ ۳۲، ص ۲.
- ۳۵- مأخذ ۳۲، ص ۲ و ۳.
- ۳۶- مأخذ ۳۲، ص ۳.
- ۳۷- مأخذ ۳۲، ص ۵ - ۳.
- ۳۸- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجم، هویزه آخرین گام‌های اشغالگر، نوشته علیرضا لطف‌الله زادگان (تهران، ۱۳۷۳) ص ۵۶۳ - ۵۵۵.
- ۳۹- پیشین.

- ۴۰- پیشین.
- ۴۱- سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۵۹/۱۰/۱۸.
- ۴۲- آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۵۹/۱۰/۱۸، (چاپ نشده).
- ۴۳- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۹۴، ۱۳۵۹/۱۰/۱۷، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.
- ۴۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، نشریه ۲۹۷، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰، به نقل از نیویورک‌تایمز، ۱۳۵۹/۱۰/۱۹.
- ۴۵- پیشین، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۳۵۹/۱۰/۱۹.
- ۴۶- مأخذ ۴۱.
- ۴۷- مأخذ ۴۱.
- ۴۸- مأخذ ۴۱.
- ۴۹- مأخذ ۱۲، ص ۱۹۴.
- ۵۰- مأخذ ۱۲، ص ۱۹۵.
- ۵۱- مأخذ ۱۲، ص ۱۹۷.
- ۵۲- مأخذ ۱۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۰۷.
- ۵۳- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۳۰، کارنامه ۱۹ تا ۱۳۵۹/۱۰/۲۱، رئیس‌جمهور.
- ۵۴- پیشین.
- ۵۵- مأخذ ۵۳.
- ۵۶- پیشین.
- ۵۷- روزنامه کیهان، ۱۳۷۷/۳/۳، مصاحبه سردار رحیم صفوی (فرمانده سپاه پاسداران).
- ۵۸- آنتونی کردزمن، درس‌هایی از جنگ مدرن، جنگ ایران و عراق، ترجمه: نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل.
- ۵۹- مأخذ ۶، گزارش ۱ تا ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹، ص ۲۸.
- ۶۰- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۱، نبردهای غرب دزفول، (تهران: بهار ۱۳۷۱) صص ۵۲ - ۵۱.
- ۶۱- مأخذ ۱۲، ص ۲۰۹.
- ۶۲- پیشین، ص ۲۰۷.
- ۶۳- سند شماره ۵۲/۲۵۰۹۲۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۰/۱/۲۱.
- ۴۴- پیشین.
- ۴۵- مأخذ ۶۳.
- ۴۶- سند شماره ۷۶/۲۵۰۹۲۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۰/۲/۲۱.
- ۴۷- پیشین.
- ۴۸- مأخذ ۶۷.
- ۴۹- ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، به نقل از مجله المستقبل، شماره ۱۹۵، ۱۹۸۰/۱۱/۱۵، ص ۷۳.
- ۷۰- پیشین، ص ۱۰۱.
- ۷۱- مأخذ ۶۹، به نقل از روزنامه القبس، ۱۹۸۱/۱۰/۱۸، ص ۱۱۹.
- ۷۲- پیشین، صدام حسین، ۳ و ۱۹۸۱/۳/۱۴ و مجله "الف با" شماره ۶۵۱، ۱۹۸۱/۳/۱۸، ص ۱۲۲.
- ۷۳- مأخذ ۶۹، ص ۱۲۳.
- ۷۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۳، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۳۲.
- ۷۵- پیشین.
- ۷۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۴، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۰.
- ۷۷- پیشین، ص ۶۳.
- ۷۸- انتشارات پیام آزادی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، جلد دوم، (تهران: فروردین ۱۳۶۲)، صص ۶ - ۵.
- ۷۹- مأخذ ۷۶، ص ۱۲۶.
- ۸۰- پیشین، ص ۱۲۸.
- ۸۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۸.
- ۸۲- مأخذ ۷۴، ص ۱۲۱.
- ۸۳- مأخذ ۸۱، ص ۸.
- ۸۴- پیشین.
- ۸۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مکتب جمعه، جلد ۳، صص ۲۸ - ۲۷، نماز جمعه، ۱۳۶۰/۴/۱۲.

آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی

defoghaddas.ir

آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی

زمینه‌های تحول در جنگ

"بن‌بست نظامی" در جنگ و "بحران سیاسی" در کشور به عنوان دو چالش اساسی، فرا روی نظام جمهوری اسلامی قرار داشتند و ادامه حیات نظام لزوماً مشروط به پاسخ مناسب برای "شکستن بن‌بست" و "فائق آمدن بر بحران" بود. از سوی دیگر، عراقی‌ها با درکی که از پیدایش چالش‌های سیاسی - امنیتی در ایران داشتند و همچنین، در پی ناکامی نظامی در آغاز جنگ و ناتوانی در تحمیل صلح به ایران، امیدوار بودند به موازات چالش‌های سیاسی - امنیتی در ایران، با اقدام نظامی، جنگ را به سود خود پایان دهند. القبس به نقل از مقام‌های عراقی در فروردین ۱۳۶۰ درباره طرح عراق برای اشغال و تجزیه خوزستان نوشت:

>عراق قصد حمله گسترده‌ای به خوزستان را دارد و هدف از آن، آزاد کردن خوزستان و اشغال چاه‌های نفت، اعلام استقلال آن و تشکیل حکومت موقت می‌باشد.^(۱)

در همین اوضاع، صدام در جمع نیروهای ارتش خلقی (جیش‌الشعبی)، استراتژی جدید عراق را چنین تشریح کرد:

>ما به مردم عرب عربستان [خوزستان] به عنوان اقلیتی که ویژگی‌هایش در تاریخ از لحاظ ملی و قومی شناخته شده است و نیز سایر ملیت‌های ایران به ویژه کردها، بلوچ‌ها و همه وطن‌پرستان واقعی و شریف اعلام می‌داریم که آماده‌ایم، روابط محکمی با آنها به‌وجود بیاوریم تا بتوانیم از حقوق ملی و قومی خویش بهره‌مند شده و با شرافت و امنیت مناسب، حسن هم‌جواری برقرار نماییم. ما آماده‌ایم هرگونه کمک از جمله سلاحی که مورد نیاز آنها باشد به آنها بدهیم. این است تصمیم ما، حال بگذارید حکام ایران به جنگ ادامه دهند. آنها پاره‌پاره و ما یک‌پارچه بشویم. ما به تمامیت ارضی ایران علاقه‌ای نداریم و این است استراتژی ما که از مدت‌ها پیش اعلام نموده‌ایم.^(۲)

بنابر اسناد و قراین، عراقی‌ها برای از سرگیری تهاجم دست کم دو طرح مشخص داشتند:

۱- تکمیل محاصره آبادان؛ عراقی‌ها برای این منظور، با ایجاد ماکت منطقه عملیاتی آبادان، یک یگان رزمی را در حوالی بغداد آموزش دادند. این یگان در پی عملیات نیروهای خودی در تپه‌های الله‌اکبر و شوش، به این منطقه اعزام شد که بخشی از نیروهای آن کشته و یا اسیر شدند.*

۲- اجرای عملیات در منطقه دزفول با عبور از رودخانه کرخه؛ به گفته یکی از اسرای عراقی، این عملیات قرار بود در فروردین یا اردیبهشت ۱۳۶۰ اجرا شود.

در این حال، پرسش اساسی در مرحله جدید جنگ این بود که چه عوامل و زمینه‌هایی سبب شد تا جمهوری اسلامی که پس از یک ناکامی نظامی، به شدت دستخوش بحران سیاسی شده بود و دشمن نیز در اندیشه تهاجم مجدد و احتمالاً تجزیه استان خوزستان بود، ضمن شکستن بن‌بست جنگ و حل بحران سیاسی، وضعیت کلی جنگ را با آزادسازی مناطق اشغالی، به سود خود تغییر دهد؟ به عبارت دیگر، در مرحله‌ای که - به عقیده ناظران و تحلیل‌گران - نظام جمهوری اسلامی در بن‌بست سیاسی - نظامی گرفتار شده بود و هیچ‌گونه راه‌حلی فراروی خود نداشت، چگونه زمینه‌های "تحول در جنگ" با تبدیل شدن وضعیت بحرانی به وضعیت با ثبات سیاسی و دستیابی به پیروزی‌های نظامی فراهم شد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست، باید عواملی را که در صحنه نبرد منشأ چنین تحول و تغییر وضعیتی بودند، شناسایی کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت و نماینده امام در شورای عالی دفاع طی مصاحبه‌ای در اردیبهشت ۱۳۶۲، در ارزیابی عملیات‌های نظامی که پیش از عملیات ثامن‌الائمه(ع) انجام شده بودند، عنصر تعیین‌کننده در این تغییر وضعیت را مورد شناسایی و تأکید قرار دادند:

> کلاً تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه(ع)، عملیات‌ها غالباً موفق نبوده است و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات

* اسیران عراقی در این زمینه گفتند: <فرماندهی نظامی عراق به لزوم و ضرورت در دست داشتن زمین در این منطقه و ادامه محاصره آبادان می‌اندیشید. فرماندهی عراق می‌دانست، آبادان کاملاً در محاصره نیست، لذا در پی فرصت مناسب بود تا با فراهم آوردن نیروی کافی، بار دیگر به عملیات گسترده [برای] عبور از شط‌العرب [بروندرد] و سقوط آبادان اقدام کند. بنا به گزارش‌های موجود، عراقی‌ها لشکر ۷ پیاده و تیپ ۳۲۰ نیروی مخصوص خود را برای انجام دادن این عملیات آماده کرده بودند، لیکن اقدام ایران در اجرای عملیات محدود سبب شد تا نیروهای دشمن به مناطق مورد هجوم، اعزام شوند. (سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی، نوشته اسرای عراقی)

ثامن‌الائمه(ع)، نیروهای مردمی به‌کار گرفته نمی‌شد، یعنی از بسیج و سپاه در عملیات به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این، مسئولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند و لذا، یکی از درگیری‌های ما با بنی‌صدر همین مسئله بود. نیروهای محدود ارتش هم طبیعی بود که با فرماندهی مثل بنی‌صدر شانس موفقیت بسیار کمی را داشت و عملاً هم موفق نبود.^(۳)

در این تجزیه و تحلیل، "نقش سپاه و نیروی مردمی" به عنوان عامل تعیین‌کننده در پیدایش تحول در جنگ مورد تأکید قرار گرفته است، موضوعی که بنی‌صدر قادر و مایل به درک آن نبود و به همین دلیل، در تلاش‌های نظامی خود ناکام ماند. آیت‌الله خامنه‌ای در مصاحبه دیگری با اشاره به زمان فتح خرمشهر و علت تأخیر در آزادسازی مناطق اشغالی، فرمودند:

> در روز سوم خرداد (یعنی دیروز) خرمشهر از دست رفته و غضب‌شده ما برگشت و به اعتقاد من یک سال دیر برگشت، چون می‌توانست خرمشهر در سال گذشته یعنی یک سال پیش آزاد شود، اما چرا نشد؟ علتش همین عدم محاسبه و محاسبه‌های غلط بود و اما آنچه که امسال را با سال گذشته فرق می‌گذارد، چیست؟ ما امکانات و انگیزه بیشتری از سال گذشته نداریم، یعنی امام همان امام و امت همان امت است و همان حرف‌ها و همان توصیه‌ها و همان انگیزه‌ها هنوز هم هست، منتها تفاوت در این است که سال گذشته در این وقت، سپاه پاسداران جدی گرفته نمی‌شد و وجود سپاه در صحنه رزم فرض نمی‌شد و البته سال گذشته، مسئول، کسانی بودند که امروز خوشبختانه یا در مملکت وجود ندارند و یا خط فکریشان در این مملکت حاکم نیست، لذا، امسال ما در کنار ارتش دلاور و مؤمن و فدار کارمان یک نیروی عظیم کارآمد از جان گذشته و فداکاری داریم که عبارت است از سپاه و بسیج، در صورتی که پارسال ما اینها را نداشتیم. البته نه به این معنا که پارسال ما سپاه و بسیج نداشتیم، بلکه سپاه و بسیج داشتیم، اما آنچه نداشتیم، اجازه ورود اینها به میدان جنگ به‌طور شایسته بود...^(۴)

به‌کار نگرفتن نیروهای مردمی و سپاه در عرصه جنگ حاصل تفکر و بینش لیبرالیستی بنی‌صدر و همچنین، بینش نظامی کلاسیک و سنتی بود. هنگامی که این تفکرات - با وجود شعارها - در آزمون عملی شکست خورد، زمینه برای حضور نیروهای مردمی و انقلابی فراهم شد؛ به عبارت دیگر، حضور این نیروها، پاسخ به کاستی‌ها و ضرورت‌هایی بود که انقلاب و جنگ در آن وضعیت سخت و دشوار به آن نیاز داشتند.

سردار غلامعلی رشید در مورد وضعیتی که بن‌بست نظامی ایجاد کرده بود و ضرورت

دست‌یابی به راه‌حل جدید برای شکستن این بن‌بست، گفت:

> پس از انتقال لشکرهای ارتش به منطقه، ارتش بسیج شد و به فرماندهی بنی‌صدر چهار عملیات انجام داد و ما دیدیم اتفاقی نیفتاد، یعنی تحول خاصی صورت نگرفت و عراقی‌ها همچنان در خاک ما ماندند. رفتیم به فکر گفتیم پس چرا ارتش آمده و اقدامات خود را انجام داد ولی نتیجه‌ای نداد؟ این را هم تشخیص می‌دادیم که این جور نیست که مجدداً بخواهند و یا بتوانند عملیات کنند. بالاخره در برخی از جلسات حاضر می‌شدیم و می‌توانستیم این مسئله را درک کنیم. وقتی آن عملیات‌ها را انجام دادند، احساس کردیم که حالا باید یک کار دیگری صورت بگیرد.^(۵)

از آنجا که ناکامی نظامی علاوه بر داشتن پی‌آمدهای سوء سیاسی - نظامی، می‌توانست روحیه ناامیدی و یأس را در نیروها حاکم کند، امام خمینی در دی ۱۳۵۹ در دیدار با اقشار مردم و نیروهای نظامی و سپاه فرمودند:

> یأس، از جنود ابلیس است، یعنی شیطان‌ها انسان را به یأس وا می‌دارند.^(۶)

همچنین، امام با توجه به موقعیت حساسی که وجود داشت، در اول بهمن ۱۳۵۹ طی پیامی به مردم و نیروهای مسلح، با اشاره به "مقطع زمانی سرنوشت ساز"، تذکراتی را در یازده بند بیان فرمودند. موضوع اصلی در پیام امام، غلبه بر اوضاع نامطلوب سیاسی - نظامی و ضرورتاً، دست‌یابی به وحدت، ثبات سیاسی و شکستن بن‌بست نظامی بود.^(۷)

مسئولان سیاسی کشور که از سرنوشت جنگ نگران بودند، با حضور در جبهه‌های نبرد، تلاش کردند، راه‌حل مناسبی برای خروج از اوضاع بحرانی موجود بیابند. در همین حال شهید حسن باقری مسئول اطلاعات ستاد عملیات جنوب، در فروردین ۱۳۶۰ پس از بحث با برخی مسئولان و فرماندهان نظامی، گفت:

> باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود.^(۸)

سردار غلامعلی رشید در این باره می‌گوید:

> ارتش برای انجام عملیات صحبت از حرف‌های جدیدی نمی‌زد و با دیدن طرحی که ارتش با دو لشکر زهی در ۱۶ دی ۱۳۵۹ با آن به سمت جفیر رفت که جفیر را بگیرد و خرمشهر را آزاد کند که موفق نشد، این فکر در برادران سپاه به وجود آمد که ایده جنگ را باید عوض کرد.^(۹)

در چنین اوضاعی، مسئولان کشور نیز به تدریج در مورد فرماندهی بنی‌صدر دچار تردید

شدند. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

چون پس از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ این مسئله کم‌کم پیدا شد که گویی فرماندهی بنی‌صدر کارآیی ندارد، این اولین تردید در شورای عالی دفاع و مسئولان سیاسی کشور و نیروهای حزب‌اللهی بود.^(۱۰)

بدین ترتیب، زمینه برای آغاز تحول در جنگ فراهم شد.

شکل‌گیری استراتژی جدید در جنگ، حاصل تحولی بنیادین بود که با حضور نیروهای انقلابی و مردمی ایجاد شد. بازشناسی منطق این تحول می‌تواند تا اندازه‌ای ماهیت و تأثیرات آن را در روند جنگ روشن کند. در حالی که بنیه دفاعی ایران در آستانه جنگ آسیب دیده بود، حضور مؤثر و تعیین‌کننده نیروهای مردمی برای رویارویی با دشمن* منجر به شکل‌گیری چهار جریان با سازمان‌دهی متفاوت در صحنه جنگ شد:

۱- نیروهای احتیاط که به دستور ارتش فراخوانده شدند و بنابر گزارش بنی‌صدر در کارنامه روزانه رئیس‌جمهور، در این مرحله، حدود ۸۰ هزار نیرو سازمان‌دهی و در یگان‌های ارتش به کار گرفته شدند.^(۱۱)

۲- نیروهای جنگ‌های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران، که در پی حضور نامبرده و نماینده امام در شورای عالی دفاع در صحنه جنگ، سازمان‌دهی و در منطقه اهواز و سوسنگرد استقرار یافتند.

۳- نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی که تنها در منطقه آبادان مستقر بودند.

۴- نیروهای بسیج ویژه تحت امر سپاه که در کنار نیروهای سپاه در مناطق مختلف، به ویژه در شهرها حضور داشتند.

پس از فروکش کردن التهاب اولیه جنگ که ناشی از تهاجم دشمن بود، بخشی از نیروهای احتیاط به دلیل عدم جذب و سازمان‌دهی کامل در درون سازمان ارتش، به تدریج به خانه‌های خود بازگشتند. ستاد جنگ‌های نامنظم نیز با شهادت شهید چمران و پس از مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر ادغام بسیج در سپاه، منحل شد. نیروهای فدائیان

* در کتاب درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، در این مورد نوشته شده است: «ایران با بسیج تعداد زیادی از داوطلبان جدید مردمی و واحدهای به شدت پراکنده و فاقد سازمان‌دهی ارتش و نیروهای انقلابی به سرعت بسیج شده، به مقابله با تجاوز عراق برخاست.»

(آنتونی کرزمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، ترجمه حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۱۲، منتشر نشده)

اسلام نیز به تدریج در بسیج ادغام شدند. ولی نیروهای بسیج ویژه همچنان در کنار نیروهای سپاه در جبهه‌ها باقی‌ماندند و حتی برخی از نیروهایی که به صورت داوطلبانه و انفرادی به جبهه آمده یا در تشکیلات دیگری سازمان‌دهی و به‌کارگیری شده بودند، کم‌کم به بسیج ویژه سپاه پیوستند.

در چهار ماهه نخست جنگ، با وجود قابلیت و توانایی نیروهای بسیج و سپاه و نقش مؤثر آنها در مقابله با متجاوزان، بنی‌صدر با مانع‌تراشی، عملاً از حضور و به‌کارگیری این نیروها جلوگیری می‌کرد. با این حال، به دلیل امیدواری‌هایی که همچنان به توانایی نیروهای کلاسیک به فرماندهی بنی‌صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی وجود داشت، نیروهای سپاه و بسیج در این عملیات‌ها شرکت کردند که خسارات بسیاری را متحمل شدند. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

> حتی پاسداران ما فکر می‌کردند، بنی‌صدر و ارتش می‌توانند با این عملیات‌ها مناطق اشغالی را آزاد کنند، لذا بخش زیادی از نیروهای سپاه در این عملیات‌ها شرکت کردند و تلفات سنگینی بر آنها وارد شد. ما هم امیدوار بودیم که شاید اینها با جنگ آشنا هستند و با امکانات، تانک و توپ که در اختیار دارند، به نتیجه برسند.<^(۱۲)

سپاه در این مرحله از جنگ؛ برای حضور فعال در صحنه نبرد، علاوه بر مخالفت‌های بنی‌صدر، همچنان با دو مانع اساسی و بزرگ دیگر روبه‌رو بود که بدون رفع این موانع، نمی‌توانست از نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای برخوردار شود؛ نخست، بی‌اعتمادی مسئولان کشور به نیروهای سپاه و بسیج بود؛ گرچه دولتمردان نظام با دید تردید به ماهیت تلاش‌های سیاسی - نظامی بنی‌صدر می‌نگریستند و تا اندازه‌ای از او ناامید شده بودند، ولی هیچ امید و اعتمادی نیز به امکان موفقیت نیروهای سپاه و بسیج نداشتند. این مسئله در میزان حمایت مسئولان کشور از سپاه، مؤثر بود.* مشکل دوم، وجود گرایش‌های موجود در سپاه و برداشت‌های متفاوتی که از فلسفه وجودی این سازمان و وظایف آن وجود داشت و به منزله مانعی اساسی و جدی، در برابر حضور همه‌جانبه و گسترده سپاه در کلیه سطوح در

* سردار غلامعلی رشید در این مورد گفته است: >در همین چهار ماهه دوم جنگ (دی ۱۳۵۹ تا اردیبهشت ۱۳۶۰) به فکر عملیات‌های محدود افتادیم، چون عملیات‌های بزرگ را کسی تصویب نمی‌کرد. اگر ما پیشنهاد می‌دادیم، اعتقادی به حرف‌های ما نداشتند، یعنی کسی باور نمی‌کرد که مثلاً برویم و بگویم ما یک طرح بزرگ داریم، نه شورای سپاه و نه کسی در تهران، قادر به تأمین بسیج نیرویی که ما پیشنهاد می‌دادیم هم نبودند، اصلاً چنین چیزی وجود نداشت.<

جبهه‌های جنگ خودنمایی می‌کرد.

با این حال، روند تحولات سیاسی در داخل کشور و تحولات نظامی در جبهه‌های جنگ در سال ۱۳۶۰* عبور از این موانع را آسان کرد؛ در چهار ماهه نخست جنگ (مهر تا دی ۱۳۵۹) نیروهای مردمی و انقلابی پس از بی‌توجهی بنی‌صدر، با استقرار در مناطقی از جبهه‌های جنگ، به تشکیل خط، شناسایی مواضع و کنترل تحرکات دشمن و همچنین، هم‌آهنگی با نیروهای هم‌جوار پرداختند.

در این مرحله، سپاه، سازمان منسجم و مناسبی برای جنگ با نیروهای منظم دشمن نداشت زیرا خود را مسئول جنگ نمی‌دانست، با این حال، در حدود ۳۰ تا ۴۰ گردان سازمان‌نیافته در اختیار داشت که از مریوان تا فاو مستقر بودند. در منطقه غرب کشور نیز بیشتر، "ابوشریف" به عنوان مسئول عملیات سپاه فعال بود، ولی در منطقه جنوب، نیروهای بومی و محلی سپاه حضور و مسئولیت داشتند.^(۱۳)

منطقه جنوب در مقایسه با منطقه غرب از اهمیت بیشتری برخوردار بود، زیرا اهداف اصلی دشمن در استان خوزستان تأمین می‌شد بنابراین، توان اصلی عراق در این منطقه متمرکز شده بود. بیشتر مسئولان سیاسی - نظامی کشور نیز در جنوب حضور داشتند و حتی، بنی‌صدر برخی از نشست‌های شورای عالی دفاع را در دزفول برگزار می‌کرد.

بدین ترتیب، با توجه به اهمیت منطقه جنوب و ضرورت هم‌آهنگی نیروهای سپاه در این منطقه، "ستاد عملیات جنوب"*** به عنوان نخستین اقدام، تشکیل شد. تشکیل این ستاد به منزله نقطه عطفی در "هویت‌یابی سازمان سپاه" در منطقه جنوب بود. از این پس، "ستاد عملیات جنوب" محل تمام هم‌آهنگی‌های درونی و بیرونی سپاه و بین منطقه جنوب با مرکز سپاه بود. نیروهای اعزامی به منطقه جنوب نیز ابتدا به پایگاه منتظران شهادت اعزام شده و از آنجا طبق تدابیر ستاد عملیات جنوب به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند.

ستاد عملیات جنوب مسئولیت منطقه دهلران تا آبادان را بر عهده داشت؛ این مناطق، به تناسب معابر تهاجم دشمن و یگان‌هایی که از سپاه برای مقاومت در برابر دشمن تشکیل شده بود، به چند محور تقسیم شدند:

* با تشدید درگیری سیاسی و پیوند بنی‌صدر با منافقین و چپ‌های امریکایی، و دست یافتن بنی‌صدر به پیروزی، توجه مسئولان از جبهه‌ها به بی‌ثباتی داخل کشور متمرکز شد.

** این ستاد در باشگاه گلف اهواز، که در طول جنگ به "پایگاه منتظران شهادت" مشهور شد، مستقر بود.

> محور یکم: دزفول، با مسئولیت برادر رئوفی؛ محور دوم: شوش، با مسئولیت برادران شهید مجید بقایی و مرتضی صفار؛ محور سوم: تپه‌های الله‌اکبر که بچه‌های شهید در آن مستقر بودند؛ محور چهارم: سوسنگرد، با مسئولیت برادر عزیز جعفری؛ محور پنجم: کرخه کور (نور)، با مسئولیت شهید علی هاشمی؛ محور ششم: جاده اهواز - خرمشهر (ایستگاه کارخانه نورد) با حضور برادران سپاه اهواز؛ محور هفتم: منطقه فارسیات، با مسئولیت برادر اسدی؛ محور هشتم: دارخوین، با حضور بچه‌های اصفهان و مسئولیت شهید حسین خرازی؛ محور نهم: ماهشهر، با مسئولیت آقای عسگری؛ محور دهم: فیاضیه، با مسئولیت برادر احمد کاظمی؛ محور یازدهم: سپاه آبادان با مسئولیت برادر بنادری؛ محور دوازدهم: خرمشهر، با مسئولیت شهید جهان‌آرا که فرمانده سپاه این شهر بود.^(۱۴)

مسئولان محورها برای ارائه گزارش، در جلسات ستاد عملیات جنوب شرکت می‌کردند. در این جلسات، شهید حسن باقری، رحیم صفوی، غلامعلی رشید، شمخانی و برادر احمدپور، مسئول تدارکات و پشتیبانی نیز حضور داشتند. مسئولیت این جلسات ابتدا با برادر رحیم صفوی بود و پس از آن که وی از مهرماه ۱۳۶۰ به تهران منتقل شد، برادر غلامعلی رشید جلسات را اداره می‌کرد. سردار غلامعلی رشید درباره این جلسات می‌گوید:

> اینها می‌آمدند و گزارش جبهه‌هایشان را می‌دادند و بعد هم یک قسمت از وقت جلسه بحث‌های مربوط به پشتیبانی بود که آقای احمدپور انجام می‌داد. در این جلسات از آخرین حوادث مطلع می‌شدیم و مشکلاتی که وجود داشت، آخرین وضعیت خودی و دشمن را متوجه می‌شدیم.^(۱۵)

تداوم جلسات مسئولان محورها و هم‌آهنگی‌هایی که با تلاش ستاد عملیات جنوب انجام می‌گرفت، منجر به ایجاد نوعی انسجام درونی و پیدایش ایده‌های جدید شد؛ به عبارت دیگر، ستاد عملیات جنوب به منزله کانون "شکل‌گیری هویت نظامی و اندیشه‌های دفاعی سپاه" برای شکستن بن‌بست جنگ بود. استقرار طولانی نیروها در خطوط مقابل دشمن و شناسایی‌های انجام شده، سبب شد تا سپاه ضمن ارائه ایده‌ها و پیشنهادهای جدید، عملکرد بنی‌صدر و نیروهای نظامی را مورد نقد و بررسی قرار دهد و با توجه به امکانات و مقدرات خود،* مرحله جدید جنگ را با آغاز عملیات‌های محدود طرح‌ریزی و اجرا کند. سردار

* در حالی که بنی‌صدر کلیه امکانات و تجهیزات نظامی شامل هواپیما، توپ و تانک را در اختیار داشت، هرگونه برنامه‌ریزی بر پایه آنها بی‌نتیجه بود، لذا در برنامه‌ریزی جدید، بر "نیروهای انقلابی و شهادت‌طلب" تأکید شد.

محسن رضایی درباره شکل‌گیری این استراتژی و آغاز عملیات‌های محدود می‌گوید:

>استراتژی نظامی به‌طور کلی در ایران از هم پاشید. در این جا استراتژی جدید نیروهای حزب‌الله آغاز شد. نیروهای حزب‌اللهی آمدند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و بر اساس آن یک سری عملیات‌های محدود انجام شد.<^(۱۶)

سردار غلامعلی رشید در توضیح نحوه این طرح‌ریزی‌ها می‌گوید:

>هرکس در هر محوری مسئول بود یک پیشنهادهایی می‌داد، بررسی می‌کردیم، وقتی قانع می‌شدیم، به کمک آنها می‌رفتیم. تیم ما (آقارحیم، شهید باقری و من) مثلاً از اهواز می‌رفتیم پیش عزیز جعفری در سوسنگرد، می‌ماندیم پیش آنها. اگر در عملیات کمک لازم داشتند، کمک می‌کردیم و مشکلات آنها را پی‌گیری می‌کردیم.<^(۱۷)

با توجه به مرحله جدید جنگ، آموزه (دکترین)* نیروهای انقلابی برای پاسخ به خلاء و ضرورت‌های موجود، عبارت بود از:

- ۱- تداوم جنگ با اجرای عملیات محدود؛
- ۲- تکیه بر وحدت، ایمان و عشق به شهادت؛
- ۳- جذب نیرو و گسترش سازمان رزم نیروهای انقلابی با جذب و به‌کارگیری نیروهای بسیجی؛
- ۴- هم‌آهنگی و همکاری کامل با واحدهای پشتیبانی آتش ارتش جمهوری اسلامی ایران و به‌کارگیری نیرو و امکانات آنها؛**
- ۵- اتخاذ تاکتیک‌های جدید با اتکا بر نیروهای پیاده*** و اجرای عملیات در شب؛

* آموزه به جای دکترین به‌کار گرفته شده است و مهم‌ترین کاربرد نظامی این مفهوم آن است که نیروهای نظامی چگونه در عملیات‌های رزمی خواهند جنگید.

(معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، تئوری عملیات و جنگ، ۱۳۷۵، ص ۳۳)

** سرلشکر محسن رضایی در مورد تحول در فرماندهی و افزایش همکاری‌های ارتش و سپاه در این مقطع می‌گوید: >فرماندهی دچار یأس شد و همین نیروها به نتیجه رسیدند که اصلاً آن فرماندهی فایده‌ای ندارد و بایستی خودشان فکری بکنند. فرماندهان لشکرهای ارتش که در جبهه‌ها دیگر آن سخت‌گیری‌های قبلی را نمی‌کردند، همین مسئله موجب شد میدان مانور نیروهای حزب‌الله افزایش یابد.<

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجربه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۲۷)

*** ستاد عملیات جنوب در تیرماه ۱۳۶۰ طی تحلیلی در این زمینه نوشت: >با طولانی شدن جنگ، توجه سپاه و نیروهای مردمی روی این نکته متمرکز شد که با توجه به محدودیت و آسیب‌پذیری وسایل زرهی و عدم امکان جایگزینی آنها با موقعیت ففلی انقلاب‌اسلامی ایران سه علت مخالفتش با ابرقدرت‌های سازنده این وسایل - بهترین راه، تکیه بر استفاده از نیروهای پیاده می‌تواند باشد.<

۶- آشنایی با وضعیت زمین منطقه و استفاده کامل از آن؛
۷- ایجاد شبکه اطلاعاتی در خطوط برای جمع‌آوری اطلاعات از دشمن و تکیه بر اطلاعات در طرح‌ریزی؛

۸- استفاده بیشتر از سلاح‌هایی که مهمات آنها در اختیار باشد، مانند آر.پی.جی-۷*.
در مرحله جدید، با توجه به تجارب ناشی از عملیات‌های گذشته، بر کسب اطلاعات دقیق از دشمن و آشنایی کامل با زمین منطقه و بهره‌برداری مناسب از آن نیز تأکید می‌شد. به این ترتیب، نخستین عملیات با مشخصه‌های جدید و کاملاً متفاوت با روش‌های گذشته و در عین حال، کاملاً مطابق با توان و مقدرات خودی، در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در جبهه غرب سوسنگرد با نام مبارک امام‌مهدی (عج) طرح‌ریزی و اجرا شد. در این عملیات، نیرویی در حد یک گردان مانوری تقویت شده با استعداد ۳۵۰ تن توانستند به نیروهای دشمن که شامل یک گردان پیاده، یک گروهان تانک و دو گروهان مکانیزه بودند، حمله کنند و ضمن انهدام دشمن، ۷۰ تن از آنها را به اسارت درآوردند.^(۱۸)

در پی این عملیات، جبهه‌ها جان تازه‌ای گرفت و استراتژی جدید جنگ که متکی به تهاجم با نیروهای پیاده بود، پی‌ریزی شد و در ادامه آن، عملیات‌های "الله‌اکبر" و "شوش" به اجرا درآمد. این استراتژی در فروردین ماه مورد پذیرش سران نیروی زمینی و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت که یکی از نتایج آن، آزاد شدن ارتفاعات الله‌اکبر و پنج کیلومتر از غرب سوسنگرد بود.^(۱۹)

در آموزه‌های جدید که برای نخستین بار به معرض آزمون گذاشته شده بودند، بر خلاف آموزه نیروهای کلاسیک که در شکستن خطوط دشمن و پیشروی، بیشتر، بر آتش و نیروی زرهی تأکید می‌شد، نیروی پیاده اساس کار را تشکیل می‌داد. بهره‌برداری از تاریکی هوا و اجرای عملیات در شب نیز بخش دیگری از ویژگی‌های آموزه جدید بود که به منظور جبران کمبود امکانات مورد تأکید بود، ضمن این که تجربه نشان داد دشمن در برابر عملیات در شب آسیب‌پذیر است.

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اسناد ستاد عملیات جنوب)

* موارد ۶ و ۷ و ۸ در این قسمت، با استفاده از گزارش واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان با عنوان "اوضاع سیاسی فعلی جنگ در جنوب و مسئله محاصره آبادان"، ص ۲، تهیه شده است.

اجرای عملیات محدود

در ادامه روند جدید جنگ، در مجموع ۲۵ عملیات محدود* از اسفند ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ انجام گرفت که نقش تعیین کننده‌ای در روند تحولات جنگ داشت؛ در این عملیات‌ها، ضمن اینکه نیروهای ارتش و سپاه هم‌آهنگی لازم را با یکدیگر داشتند، نیروهای انقلابی در طرح‌ریزی، فرماندهی و اجرا، نقش محوری را برعهده داشتند.

مرحله اول این عملیات‌ها که از اسفند ۱۳۵۹ تا ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ ادامه داشت هم‌زمان با خلع بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و اوج‌گیری بحران سیاسی در داخل کشور بود. در این مرحله، در مجموع ۱۴ عملیات محدود در محورهای مختلف انجام گرفت که عبارت بودند از: ۱- عملیات کلینه در منطقه دشت‌ذهاب در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹؛ این عملیات به‌منظور آزادسازی روستای سیدصادق و کلینه و با استعداد یک گردان انجام گرفت. در این عملیات، روستای کلینه آزاد شد و ۶۴ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند.

۲- عملیات روی ارتفاعات چغالوند در منطقه گیلان‌غرب در ۲۴ اسفند ۱۳۵۹؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاع چغالوند و با ترکیب نیروهای سپاه و ژاندارمری انجام گرفت. آزادسازی ارتفاع چغالوند و اسارت ۱۶ تن از عراقی‌ها از جمله دست‌آوردهای این عملیات بود. ۳- عملیات امام‌مهدی (عج) در غرب منطقه سوسنگرد در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ که پیش از این، به آن اشاره شد.

۴- عملیات قوچ‌سلطان در منطقه مریوان، در اول فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات به‌منظور آزادسازی ارتفاع قوچ‌سلطان و روستاهای اطراف آن و با استعداد دو گردان از سپاه و ارتش انجام گرفت. در این عملیات، نیروهای خودی ضمن آزادسازی ارتفاع یادشده و روستاهای اطراف آن، ۸۷ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

۵- عملیات در ارتفاعات ذیل در منطقه ایلام در ۱۴ فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات پدایبی و هدف آن، انهدام سنگر و نیروهای دشمن بود. نیروهای عمل کننده در این عملیات یک دسته از سپاه ایلام بودند.

۶- عملیات حضرت مهدی (عج) در منطقه غرب دزفول در ۱۵ فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات به‌منظور تصرف کانال ال (هندلی) و تپه‌چشمه و با استعداد دو گروه گشتی - رزمی

* در مجموع در این مرحله، ۲۵ عملیات محدود انجام گرفت که نظر به اهمیت عملیات "فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا" در دارخوین و هم‌زمانی آن با حذف بنی‌صدر از صحنه سیاسی کشور، مرحله اول این عملیات در این بحث، توضیح داده شده است.

از ارتش و یک گردان از سپاه و بسیج عشایر انجام گرفت که تنها تپه‌چشمه آزاد و تلفاتی بر دشمن وارد شد.

۷- عملیات امام‌مهدی(عج) در منطقه شوش در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات برای تصرف بلندی‌های زغن و شلیبه و با استعداد یک گروهان تقویت شده از نیروهای سپاه و ۱۸ تن داوطلب از لشکر ۲۱ حمزه انجام شد که در مراحل اولیه موفق بود، ولی با افزایش فشار دشمن، نیروهای خودی به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. اسارت ۲۴ تن از عراقی‌ها، انهدام ۲۲ دستگاه تانک و نفربر و یک فروند هلی‌کوپتر بخشی از نتایج این عملیات بود.

۸- عملیات بازی‌دراز در منطقه سرپل‌ذهاب که از دوم تا دهم اردیبهشت ۱۳۶۰ ادامه داشت؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاعات بازی‌دراز و تسلط بر مواضع دشمن در منطقه سرپل و قصرشیرین و با استعداد دو گردان از سپاه و دو گردان از ارتش انجام گرفت. شناسایی اولیه منطقه را برادران سپاه انجام دادند. در این نبرد، قله‌های ۸۵۰، ۹۰۰، ۱۰۰۰، ۱۱۰۰ از ارتفاعات بازی‌دراز آزاد شد و بیش از ۷۰۰ تن از عراقی‌ها، به اسارت درآمدند.

۹- عملیات آزادسازی تنگه حاجیان در منطقه گیلان‌غرب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات ۱۰ روز پس از عملیات بازی‌دراز و به‌منظور آزادسازی تنگه حاجیان و بازشدن جاده مواصلاتی گیلان‌غرب به جبهه شیشه‌راه و سرپل و با شرکت ۹۰۰ تن از نیروهای سپاه انجام گرفت. آزادسازی تنگه حاجیان و اتصال جاده مواصلاتی جبهه‌های گیلان‌غرب به سرپل‌ذهاب و اسارت بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای دشمن از جمله نتایج این عملیات بود.

۱۰- عملیات شیخ فضل‌الله نوری در منطقه آبادان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات به‌منظور آزادسازی تپه‌های مُدُن و با استعداد دو گروهان ۶۰ نفره که از نیروهای ارتش و سپاه تشکیل می‌شدند، انجام گرفت. سپاه در طرح‌ریزی و اجرای این عملیات نقش محوری را بر عهده داشت. تپه‌های مُدُن در این عملیات آزاد و ۲۲ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شدند و ۷۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

۱۱- عملیات امام‌علی(ع) روی تپه‌های الله‌اکبر در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات از سه محور شوش، غرب سوسنگرد و تپه‌های الله‌اکبر به‌منظور تصرف تپه‌های الله‌اکبر و تپه‌های حد فاصل شلیبه - عنکوش، به صورت مشترک انجام گرفت. در این عملیات، دشمن از محور غرب سوسنگرد عقب رانده شد و ۴۰۰ تن از نیروهای عراقی به اسارت درآمدند. همچنین، محور الله‌اکبر و تپه‌های شحیطه در شمال غربی الله‌اکبر آزاد شدند. در این محور، علاوه بر اسارت عده‌ای از نیروهای دشمن، ۶۵ دستگاه تانک و نفربر نیز به غنیمت

گرفته شد. در محور شوش نیز نیروهای خودی مواضع مورد نظر را تأمین کردند و بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

۱۲- عملیات آزادسازی ارتفاع و روستای کاهزه‌رها و ارتفاع موسوک در منطقه پاوه - مریوان در ۸ خرداد ۱۳۶۰؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاعات مرزی هورما و روستای کاهزه‌رها و با شرکت ۸۰ تن از نیروهای سپاه و ۸۰ نیروی داوطلب ارتش انجام گرفت. آزادسازی بخشی از ارتفاعات منطقه و اسارت ۱۷ تن از دشمن، از نتایج این عملیات بود.

۱۳- عملیات ایذایی در منطقه دهلران - چیلان، در ۱۱ خرداد ۱۳۶۰؛ در این عملیات، پنج تانک و نفربر دشمن منهدم شد و بیش از ۶۰ تن از نیروهای عراقی به اسارت درآمدند.

۱۴- عملیات فرماندهی کل قوا در منطقه دارخوین در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰؛ این عملیات با توجه به اوضاع سیاسی کشور و همچنین از لحاظ منطقه عملیات و تأثیرات آن در شکستن محاصره آبادان، از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عملیات‌ها برخوردار بود.*

در این عملیات که نیروهای سپاه آن را طراحی کرده بودند، ۳۶۴ تن** از رزمندگان با فرماندهی سپاه شرکت داشتند. اجرای آتش پشتیبانی نیز با نیروهای ارتش بود.

به دلیل اهمیت منطقه عملیاتی دارخوین برای دشمن، به عنوان جناح شمالی منطقه سرپل، ارتش عراق ۱۴۰۰ تن از نیروی پیاده و ۵۰۰ تن از نیروی مخصوص خود را همراه با ۶۵ دستگاه تانک و نفربر در این منطقه مستقر کرده بود.

هدف این عملیات، تصرف خاکریزهای دشمن و سه کیلومتر پیشروی به سمت جنوب (به طرف پل مارد) بود. مهمترین تلاش در این عملیات، حفر کانال برای نزدیک شدن به مواضع دشمن بود که برای اولین بار در جنگ به دست نیروهای سپاه انجام گرفت. حفر این کانال که سه ماه طول کشید، در غافل‌گیری دشمن و موفقیت عملیات نقش مؤثری داشت.

* برابر اسناد به دست آمده از دشمن، بخش "ثبت تحلیل نبردها" در مورد این عملیات نوشته است: <اهداف مورد نظر دشمن [ایران] محقق شد. به سبب دست‌یابی آنان به خطوط اول واحدهای ما در دارخوین و وارد آوردن خسارت‌های سنگین بر آنان و این‌که علی‌رغم خسارت‌های وارده به نیروهای دشمن [ایران]، آنها به مواضع خود عقب‌نشینی نکردند.> در مورد محاسن عملیات آمده است: <به‌کارگیری نیروهای پیاده به شیوه بسیار عالی و در حد زیاد، به‌کارگیری توپخانه سنگین به‌طور مؤثر.> در مورد معایب آمده است: <ضعفی وجود نداشت.>

(اصغر کاظمی، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۵، ترجمه سند ۸، ص ۳۷)

** مجموع نیروهای سپاه در این عملیات برابر یادداشت‌های شهید حسن باقری بیش از ۷۰۰ تن بودند، ولی این تعداد، نیروهایی بودند که برای اجرای عملیات در ساعات اولیه تک، با دشمن درگیر شدند.

نقشه عملیات فرماندهی کل قوا در ۲۱ خرداد
۱۳۶۰ (منطقه دارخوین)

defamoghaddas.ir

عملیات دارخوین در ساعت ۳:۳۰ بامداد ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ از سه محور آغاز شد. در این عملیات نیروهای خودی با دو تا سه کیلومتر پیشروی در منطقه، حد فاصل رودخانه کارون تا جاده آبادان - اهواز، ضمن انهدام بیش از ۳۰ دستگاه تانک و نفربر و یک فروند هلی کوپتر دشمن، موفق شدند ۳۰۰ تن از متجاوزان را به اسارت درآورند. پس از عملیات، دشمن طی سه روز متوالی برای بازپس گرفتن منطقه آزاد شده تلاش کرد، ولی نتیجه‌ای نگرفت. درباره ویژگی‌های این عملیات، آقای هاشمی رفسنجانی طی پیامی به کنگره یادواره عملیات دارخوین نوشت:

> عملیات دارخوین با این که در مقایسه با عملیات وسیع پس از آن، وسیع و طولانی نبود، اما ویژگی ارزشمند آن در این است که نقطه پایان یک دوره رکود و زمین‌گیری و نقطه آغاز حرکت و پیروزی‌های عظیم و حماسی نیروهای جهادگر اسلامی‌مان در تاریخ دفاع مقدس است. ابتکار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حفر کانالی به طول دو کیلومتر و با عمق یک متر و هشتاد سانتی‌متر در دل تاریک شب، از جلوه‌های زیبا و با شکوه این عملیات در زمان خود است.^(۲۰)

نتایج عملیات محدود

اجرای سلسله عملیات‌های محدود در منطقه جنوب و غرب کشور گرچه بر سرنوشت نهایی جنگ تأثیر تعیین‌کننده‌ای نداشت، اما در ایجاد اعتماد به نفس و امید به پیروزی در نیروهای خودی و تضعیف روحیه عراقی‌ها با اهمیت بود. این عملیات‌ها در برخی از مناطق، آزمایش و مقدمه‌ای برای عملیات‌های بعدی بودند؛ علاوه بر آن در تکمیل پایه‌های استراتژی جدید نظامی - که پس از بن‌بست ایجاد شده در جنگ به وجود آمده بود - نقش قابل توجهی داشتند. اجرای "عملیات محدود" نتایج دیگری نیز در بر داشت که عبارت بودند از:

۱- پیروزی‌های به دست آمده در این عملیات‌ها علاوه بر نمایاندن ضعف‌های دشمن، توانایی و قابلیت نیروهای انقلابی و مؤثر بودن استراتژی جدید را نشان داد. بر همین اساس، برادران سپاه در جلسه‌ای با حضور حجت‌الاسلام اشراقی نماینده امام، تیمسار فلاحی، تیمسار ظهیرنژاد و فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۹۲، ۷۷ ارتش، طرح خود را با عنوان "استراتژی عملیاتی در جنوب" به شرح زیر ارائه کردند:

> (الف) محورهای دزفول و شوش و منطقه سوسنگرد؛ در این منطقه به علت گستردگی منطقه و پیوسته بودن جبهه‌ها امکان عمل وسیع در موقعیت فعلی برای ما مشکل و یا غیرممکن است و شیوه‌های تک محدود نتیجه مطلوب‌تری را برای نیروهای خودی به همراه دارد.

ب) منطقه آبادان؛ در منطقه عمومی آبادان نیز به علت دشت و هموار بودن زمین و پیوستگی نیروها و در اختیار نبودن جناحین دشمن، امکان حمله محدود، مشکل و یا غیرممکن است و نمونه آن، تک دارخوین در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ می‌باشد که دشمن توانست تمام آتش و توجه خود را به این جبهه معطوف نماید، لذا برای حمله به نیروهای دشمن در شرق کارون باید تک گسترده و همه جانبه صورت گیرد.^(۲۱)

به عبارت دیگر، با توجه به شناخت سپاه نسبت به استعداد و آرایش دشمن در منطقه جنوب و نیز توان و مقدرات نیروهای خودی و تناسب آن با زمین منطقه، در این طرح تأکید شده بود که در سایر محورها عملیات محدود انجام شود ولی در محور آبادان به منظور شکستن حصر آبادان، عملیات گسترده صورت گیرد. به باور سپاه، گرچه آبادان تنها برگ امتیازگیری دشمن در جنگ بود، ولی به لحاظ موقعیت زمین منطقه، وضعیت عقبه دشمن - که متکی بر دو پل رودخانه کارون بود - و جناح گسترده عراق از شمال و جنوب منطقه، دشمن کاملاً آسیب‌پذیر بود و در صورت انجام دادن عملیات گسترده، دست به عقب‌نشینی می‌زد. بر همین اساس، طرح یادشده به دلیل برخورداری از ویژگی‌های مستحکم نظامی، در حضور فرماندهان ارشد نظامی ارتش مورد تصویب قرار گرفت.*

۲- برابر مدرکی که پس از عملیات دهلاویه و دارخوین از دشمن به دست آمد، ارتش عراق در بررسی شکست‌های خود، در مورد نیروهای ایرانی چنین اظهار نظر می‌کند:

>الف) نیروهای انسانی ایران سه برابر نیروی انسانی عراق است، لذا ایران در صدد برآمده از این عامل استفاده کند. ب) نیروهای ایرانی با وجود اختلافاتی که با هم دارند، همه دستورهای آیت‌الله خمینی را اجرا می‌کنند. ج) سران نظامی ایران بین خود اختلاف نظرهای بسیاری دارند و حمله‌هایی که به وسیله افراد پیاده انجام می‌دهند، طرح شخصی است و زمان معینی ندارد و به نگهبانان دستور می‌دهند باید در تمام ساعت‌های شبانه‌روز هوشیار باشند. حمله‌های نیروهای پیاده ایران راه‌کار مشخصی نیز ندارند و از مکان معلومی حمله نمی‌کنند. گاه از پهلو و حتی گاهی نیز جبهه‌ای حمله می‌کنند.^(۲۲)

۳- پس از آن‌که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ با کمک نیروهای ارتش، عملیات مشترک روی تپه‌های الله‌اکبر در محور شوش و سوسنگرد انجام گرفت، روحیه یأس و ناامیدی از

* طرح اولیه سپاه پس از تصویب آن در جلسه‌ای که مورد اشاره قرار گرفت، تهیه و در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۲۵ تحت عنوان طرح پیشنهادی عملیات حمزه(ع) یک نسخه به قرارگاه مرکزی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در جنوب ارسال شد و با لشکر ۷۷ نیز هماهنگی لازم انجام گرفت.

نیروهای نظامی و مسئولان سیاسی برطرف شد. بنی‌صدر در اطلاعیه‌ای که صادر کرد، از برادر صفوی و دکتر چمران نام برد و از آنها تشکر کرد. سردار رشید در این باره می‌گوید:

«ارتش و مسئولان را که کاملاً مأیوس شده بودند به فکر فروبرد. من احساس کردم که فرماندهان ارتش، فرماندهان تیپ و لشکر از این عملیات‌های محدود خوشحال بودند، چون از آنها کمک می‌گرفتیم. وقتی عملیات انجام می‌دادیم، اسیر می‌گرفتیم یا یک کیلومتر پیشروی می‌کردیم یا منطقه‌ای را تصرف می‌کردیم، خوشحال می‌شدند و ما این تغییر حالت را در چهره آنها مشاهده می‌کردیم.»^(۲۳)

۴- عملیات فرمانده کل قوا بلافاصله پس از خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری انجام گرفت. پیش از آن، بسیاری بر این باور بودند که کشور در "گرداب عمیق بی‌ثباتی سیاسی" فرو خواهد رفت و سرنوشت نظام انقلابی با توجه به حضور نیروهای دشمن در خاک ایران، تعیین خواهد شد. از سوی دیگر، بنی‌صدر با تبلیغات گسترده خود، این تصور را ایجاد کرده بود که تنها او قادر به ادامه و مهار جنگ و به‌کارگیری نیروهای نظامی می‌باشد، لذا بسیاری از منابع غربی احتمال حمایت نیروهای نظامی از بنی‌صدر را مورد بررسی قرار دادند.

بنابراین، با پیروزی عملیات فرمانده کل قوا که در آن، برای نخستین بار نیروهای خودی با ۳/۵ کیلومتر پیشروی، ۲۵۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند، تصورات موجود در هم شکست و امکان عبور از مرحله بحران سیاسی با این پیروزی نظامی، فراهم شد.

۵- چنان‌که پیش از این اشاره شد، به دلیل وجود گرایش‌های گوناگون در سپاه، امکان تمرکز کلیه امکانات و انتقال افراد سپاه به جنگ وجود نداشت. به‌طور کلی، در سپاه سه تفکر و گرایش متفاوت نسبت به جنگ وجود داشت؛ جریان اول: برخی تنها به انجام عملیات نامنظم در کردستان با هدف مبارزه با ضدانقلاب اعتقاد داشتند. این طرز تفکر علاوه بر اینکه متأثر از نوع وظایف و رسالت سپاه به عنوان نیروی انقلابی بود، اساساً از آنجا ناشی می‌شد که بخشی از نیروهای سپاه برای مقابله با ضدانقلاب در منطقه کردستان حضور داشتند و ضمن آشنایی با منطقه، در زمینه جنگ‌های نامنظم نیز تجارب ارزنده‌ای به دست آورده بودند. در این میان، ابوشریف، مسئول عملیات سپاه که دارای تجربه جنگ چریکی بود، در پیشبرد این تفکر نقش مؤثری داشت. جریان دوم: به مداخله سپاه در جنگ معتقد بودند ولی به دلیل ویژگی سازمان سپاه، بیشتر به جنگ‌های نامنظم در منطقه غرب کشور - به خاطر کوهستانی بودن این منطقه - تمایل داشتند، از این رو، نیروهایی را که در جنوب با دشمن درگیر بودند، برای جنگ به غرب کشور دعوت می‌کردند. برادر رشید در این زمینه می‌گوید:

>دسته دوم اعتقاد به شرکت در جنگ داشتند ولی سازمان آن را مناسب نمی‌دانستند و معتقد نبودند سپاه قادر است همراه با ارتش در جنگ بجنگد، لذا می‌گفتند به غرب بیاید.<^(۲۴)

جریان سوم: بیشتر، نیروهای بومی منطقه خوزستان بودند که از ابتدای جنگ در شهرها و مناطق مختلف در برابر دشمن جنگیده و در این زمینه تجربه مناسبی اندوخته بودند. به عقیده این دسته، سپاه قادر بود با دشمن در منطقه جنوب درگیر شده و به پیروزی دست یابد. این جریان برخلاف دو جریان قبلی که مورد حمایت مرکزیت سپاه بودند، از پشتیبانی عمده‌ای در تهران برخوردار نبود، با این حال، در مقایسه با سایر نیروهایی که در غرب کشور استقرار داشتند، از نظر امکانات و نیرو خودکفا بودند. این مسئله و همچنین، حضور مداوم و درگیری آنها با دشمن سبب شد که به تدریج مورد توجه و حمایت قرار گیرند. در این باره، ابتدا شهید کلاهدوز ارتباطی نسبتاً منطقی با ستاد عملیات جنوب برقرار کرد و در مرحله بعد، پس از شهادت وی و انتصاب برادر رضایی به دستور امام، به فرماندهی کل سپاه، جریان سوم بر کل سپاه غالب شد و به تدریج امکانات و نیروهای سپاه به جنگ منتقل شدند.*

۶- سپاه در مرحله جدید، به موازات کسب نقش تعیین‌کننده در جنگ، با افزایش حضور نیروهای رزمی سپاه و نیروهای مردمی - که طبق مصوبه مجلس در سپاه ادغام شده بودند- **

* علاوه بر این مسائل، به نظر می‌رسد حذف بنی‌صدر و مناقبین از یک سو و از سوی دیگر پیروزی‌های به دست آمده در عملیات‌های محدود و ضرورت بیرون راندن متجاوزان، در این تحول نقش بسزایی داشت.

** سپاه در پی مصوبه ۱۳۵۹/۹/۱۲ مجلس، پس از برگزاری گردهمایی فرماندهان در ۲۵ آذر ۱۳۵۹ قطع‌نامه‌ای را صادر کرد و در اختیار رسانه‌ها قرار داد که در آن آمده بود: <با توجه به مسئولیت سپاه و سازمان‌دهی بسیج نیروهای مردمی که پایه‌های آن را سپاه به وجود آورده است و از طرف ملت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی رسماً به سپاه محول شد، لازم است امکانات و تجهیزات کافی در اختیار سپاه قرار گیرد تا به نحو شایسته این نیروی عظیم مردمی را سازمان‌دهی و اهداف عالی امام را به نحو احسن اجرا کند.>

حجت‌الاسلام اسدالله بیات عضو کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی در این باره گفت: <حدود چهل روز قبل، عده‌ای از نمایندگان به خاطر مسئله جنگ و نیز سازمان‌دهی بهتر بسیج و اعمال فرماندهی مکتبی سپاه در بسیج، لایحه‌ای با قید دو فوریت تقدیم مجلس کردند ... عده‌ای مخالف ادغام سازمان بسیج در سپاه بودند و می‌گفتند بسیج و سپاه و ارتش ارگان‌های مستقلی هستند و بنابراین نباید بسیج را در سپاه ادغام کرد ... سرانجام بر اساس استدلال‌های قوی به این نتیجه رسیدیم که سپاه به عنوان یک ارگان مستقل و متکی به مکتب بوده که قانون اساسی هم بر آن صحه گذاشته و برای آن نیروی ذخیره پیش‌بینی کرده و ما نیروی ذخیره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را همین سازمان بسیج می‌دانیم.>

(سپاه پاسداران، مجله "پیام انقلاب"، شماره ۲۱، ۱۳۵۹/۹/۱۲)

در همین روند، در ۹ دی ۱۳۵۹ ماده واحده‌ای در مجلس به تصویب رسید مبنی بر این که از آن پس، سپاه قادر به استفاده از نیروهای وظیفه باشد. در این ماده واحده آمده است: <به سپاه پاسداران اجازه داده می‌شود که تعداد نفرات مورد نیاز خود را از میان مشمولین خدمت نظام وظیفه طبق ضوابط و صلاحیت‌های مقرر در سپاه پاسداران انتخاب کند و آموزش دهد و پس از پایان دوره خدمت وظیفه، برگ خاتمه خدمت صادر نماید.>

در صحنه نبرد مواجه شد. در چنین وضعیتی سپاه، با استفاده از توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی که کسب کرده بود، از خرداد تا مهر ۱۳۶۰ در مجموع هفت عملیات محدود را به موازات گسترش بحران سیاسی در داخل کشور، طرح‌ریزی و اجرا کرد.

در این مرحله، سپاه طرح عملیات گسترده‌ای را برای شکستن حصر آبادان با عنوان "طرح عملیاتی حمزه" در ۲۵ تیر ۱۳۶۰ برای قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جنوب و با امضای فرمانده عملیات سپاه جنوب برادر رحیم صفوی ارسال کرد.*

بدین ترتیب، سپاه در چارچوب تفکر نظامی جدید خود، دو اصل دیگر را علاوه بر آنچه پیش از این به عنوان اصول اجرای عملیات ارائه کرده بود، مطرح کرد؛** نخست، استعداد نیروهایی که سپاه در هر عملیات جذب و سازمان‌دهی می‌کرد، باید در مقایسه با عملیات قبلی افزایش می‌یافت. بر همین اساس، یازده ماه پس از عملیات دارخوین که در آن، تنها حدود دو گردان نیرو شرکت داشتند، در عملیات بیت‌المقدس، بیش از ۱۰۰ گردان در سازمان تیپ و با قرارگاه لشکری، وارد عمل شدند. اصل دوم - برای طرح‌ریزی عملیات - مبتنی بر استفاده از راه‌کارهایی بود که برای دشمن قابل پیش‌بینی نباشد و منجر به غافل‌گیری آن شود.

۷- تغییر نگرش دشمن نسبت به تحولات تاکتیکی جدید ایران، یکی دیگر از نتایج اجرای عملیات محدود بود. در یکی از اسناد به دست آمده از دشمن با اشاره به تاکتیک جنگی گذشته ایران و تفاوت‌هایی که بعداً در این زمینه ایجاد شد، آمده است:

«در مدتی که از جنگ گذشته، دشمن [ایران] تاکتیک مشخص و روشنی نداشته و این فقط به دلیل ناتوانی فرماندهی نظامی در اتخاذ تصمیم است. جمعیت ایران سه برابر جمعیت عراق است و لذا نیروی پیاده ارتش ایران، هم سه برابر نیروهای پیاده عراقی است و در این اواخر، دشمن با استفاده از این امتیاز با نیروی پیاده به خط ما حمله می‌کند.»^(۲۵)

البته، گرچه دشمن به برخی تحولات تاکتیکی ایران پی‌برده بود، لیکن ابعاد این تحول در گام‌های نخست برای او روشن نبود، به همین دلیل، پس از شتاب گرفتن روند عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی، دشمن دچار نوعی عقب‌ماندگی شد.

* در صفحه‌های بعد در این مورد توضیح داده خواهد شد.

** دو اصل یادشده را برادر محسن رضایی پس از انتصاب به فرماندهی کل سپاه، طرح کرد و مورد تأکید قرار داد.

همچنین، در اسناد دشمن* ضمن اشاره به برخی دیگر از ویژگی‌های تاکتیکی عملیات‌های ایران و تحلیل آنها، چگونگی مقابله با این تاکتیک‌ها نیز گوشزد شده است:

> دشمن [ایران] در حملات خود به فاصله دو جبهه و عوارض [ایجاد شده] دیگر، توجه نمی‌کند و از نقاطی دست به حمله می‌زند که کمتر قابل پیش‌بینی است؛** در مواضع دفاعی از مقابل حمله نمی‌کند، لذا دیده‌بانان و نگهبانان باید در تمام جهات آمادگی مقابله با حمله‌های غافل‌گیرانه دشمن [ایران] را داشته باشند.

- چون ساعت حمله دشمن نیز مشخص نیست، نگهبانان باید در طول ساعات شبانه‌روز مراقب باشند.

- چون دشمن [ایران] سعی در از بین بردن زرهی ما را دارد، کوشش گردد که تانک‌ها را از مواضع خارج نکنند تا مورد اصابت سلاح‌های ضدتانک قرار نگیرند و فقط از اسلحه سبک علیه پیاده‌ها استفاده کنید.

- سیستم اعلام خطر در طول جبهه‌ها کار بگذارید و همیشه از ایستگاه‌های استراق سمع و شنود در خطوط جبهه استفاده کنید.

- حتماً از میدان‌های مین در جلو مواضع دفاعی خود استفاده کنید.

- نسبت به اعزام نیروهای گشتی - رزمی اقدام مستمر صورت گیرد. <(۲۶)

افزون بر این، بخش دیگری از ویژگی‌های عملیات‌های سپاه عبارت بود از: "عملیات غافل‌گیرانه در حرکت و رخنه"، "عمل از راه‌کارهای غیر قابل پیش‌بینی"، "تکیه اصلی بر نیروی پیاده" و "شناسایی بسیار دقیق زمین منطقه و معابر نفوذی".

در توصیه‌های دفاعی دشمن به مسائل دیگری نیز اشاره شده است که نمایانگر درک دشمن از ویژگی‌های عملیات‌های جدیدی بود که از تدوین برنامه‌ها و اتخاذ تاکتیک‌های جدید نظامی نشأت گرفته بود.

* سردار غلامعلی رشید درباره این اسناد، در حاشیه کتاب حاضر نوشته است: >در تحلیل‌های دشمن عملیات‌های سپاه چند مشخصه داشت: ۱- در شب و یا قبل از روشنایی (مثلاً ساعت ۴ صبح - ۳ صبح) حمله می‌کردند؛ ۲- کاملاً غافل‌گیرانه عمل می‌کردند در حرکت و رخنه در دشمن؛ ۳- از راه‌کارهای پیش‌بینی نشده برای دشمن استفاده می‌کردند. (راه‌کارهای شناخته شده همان راه‌کارهایی بود که نیروهای کلاسیک، با داشتن عقبه و جاده‌های اصلی علاقه‌مند بودند استفاده کنند)؛ ۴- تکیه اصلی بر نیروی پیاده بود؛ ۵- شناسایی زمین و معابر نفوذی بسیار دقیق و عمیق بود. <

** این مشخصه یکی از دلایل اصلی در غافل‌گیری دشمن بود، در واقع، عملیات‌هایی که در چارچوب تفکر کلاسیک صورت می‌گرفت، کاملاً برای دشمن شناخته شده بود.

۸- شکل‌گیری ترکیب جدید ارتش و سپاه برای عملیات مشترک از برجسته‌ترین نتایج اجرای عملیات محدود بود؛ در مرحله جدید، سپاه سلسله عملیات‌های محدود را بر پایه شناسایی نیروهای مستقر در محورها و با اتکا به نیروی پیاده و اجرای عملیات در شب طرح‌ریزی می‌کرد. درخواست آتش پشتیبانی و هم‌آهنگی با نیروهای ارتش که در منطقه مستقر بودند، تنها مواردی بود که در این عملیات‌ها انجام می‌گرفت ولی بعدها، به موازات پیروزی‌های به دست آمده در این عملیات‌ها و امیدواری نیروهای ارتش و همچنین حذف بنی‌صدر از صحنه سیاسی کشور، بسیاری از نیروهای متدین و حزب‌اللهی ارتش بدون هم‌آهنگی با رده بالاتر، امکانات لازم را در اختیار نیروهای سپاه قرار می‌دادند. سردار محسن رضایی در این مورد می‌گوید:

> ناکامی در جنگ و از بین رفتن فرماندهی قاطع، موجب شد، نیروهای انقلابی به این نتیجه برسند که "باید کاری انجام داد". از این پس نیروهای کلاسیک نقش محوری نداشتند، بلکه به عنوان پشتیبانی عملیات با آتش، با برادران سپاه هم‌آهنگی می‌کردند. این هم‌آهنگی‌ها [به‌طور] محلی انجام می‌گرفت و به خاطر از بین رفتن فرماندهی، متأثر از سلسله مراتب نبود.^(۲۷)

در مراحل بعدی نبرد، این هم‌آهنگی گسترش و تعمیق یافت به نحوی که قرارگاه مشترک عملیاتی تشکیل شد و عملیات‌های مرحله آزاد سازی مناطق اشغالی به صورت ادغامی طرح‌ریزی و اجرا می‌شد.

عملیات ثامن الائمه (ع) شکستن محاصره آبادان

عملیات ثامن‌الائمه (ع) گرچه به عنوان یکی از چهار عملیات بزرگ و برجسته در چارچوب سلسله تلاش‌هایی که برای آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت، به شمار می‌رود ولی این عملیات به منزله "نقطه عطف" و "حلقه واسط" برای انتقال استراتژی جنگ از وضعیت گذشته به وضعیت جدید بود. سردار محسن رضایی در این باره می‌گوید:

> عملیات ثامن‌الائمه (ع) نقطه عطف است و به عنوان مبداء آغاز استراتژی مرحله دوم جنگ است و یکی از نقاط "اعتماد به نفس" در استراتژی مرحله دوم، عملیات ثامن‌الائمه (ع) بود که حلقه واسط و مبداء تحول بود.^(۲۸)

اوضاع سیاسی کشور، با توجه به تلاش جبهه متحد ضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر، بسیار

ملتهب بود، چنان‌که در خرداد ۱۳۶۰، در پی اوج‌گیری درگیری‌های داخلی، منافقین با ورود به فاز نظامی، به قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی دست زدند. فراخوانی امام برای مقابله با این جریان، منجر به حضور گسترده و فعال مردم در صحنه انقلاب و همچنین جبهه‌های نبرد شد. گرچه بنی‌صدر همراه رجوی از کشور فرار کرد، ولی این امر به منزله پایان بحران سیاسی نبود، زیرا گسترش ترور و انفجار، حوادثی چون فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور را به وجود آورد. این حوادث با آن‌که موجب تثبیت اوضاع داخلی به سود نیروهای انقلابی شد، ولی زیان‌های جبران‌ناپذیری را نیز بر جای نهاد.

وضعیت داخلی ایران بازتاب نامطلوبی در رسانه‌های خارجی داشت، چنان‌که یک روز پیش از آغاز عملیات ثامن‌الائمه(ع)، رادیو اسرائیل در برنامه "ایران از دیدگاه روزنامه‌های جهان" با بررسی دیدگاه‌های موجود در باره جمهوری اسلامی، ایران را به لحاظ نظامی ناتوان ارزیابی کرد. این رادیو به نقل از هفته‌نامه امریکایی یو.اس. نیوز.آند وُرد رپورت گفت:

> پس از یک سال اشغال قسمتی از خاک ایران توسط عراقی‌ها، جنگ بدون نتیجه همچنان ادامه دارد. نه امکان پیروزی در میدان جنگ بر افق دیده می‌شود و نه امیدی به برقراری متارکه وجود دارد. بغداد از ترس متحمل شدن تلفات زیاد جرأت نمی‌کند با یک حمله همه‌جانبه به سوی پیروزی بشتابد و از طرفی، دولتمردان متعصب ایران ضعیف‌تر از آن هستند که اشغالگران عراق را از خاک خود بیرون برانند.<

در این هفته‌نامه به نقل از کارشناسان خاورمیانه آمده است:

> برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، رژیم جنگ‌زده آیت‌الله خمینی باید سقوط کند. سقوط سران حکومت خمینی گاهی بسیار نزدیک به نظر می‌آید و رهبر رژیم کنونی با بمب‌گذاری‌های گروه مخالفان بسیار ضعیف شده است. سرکشی و قیام به سرعت در حال رشد است. علی‌رغم این وضع، به محض آن‌که یکی از دستیاران خمینی از بین می‌رود، یکی دیگر جانشین وی می‌شود. در چنین وضعی، نیروهای آیت‌الله خمینی قصد ندارند در میدان مبارزه تسلیم شوند.<^(۲۹)

لوس‌آنجلس تایمز نیز دولت انقلابی ایران را در آستانه سقوط خواند:

> وقتی که اوضاع جاری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، یک کلمه بیش از هر واژه دیگری در گوش طنین‌انداز می‌شود و آن "ازهم‌پاشیدگی" است. ناظرانی که حتی کوچک‌ترین اختلافات سیاسی ایران را از نظر دور نمی‌دارند، حالا دیگر متقاعد شده‌اند که مناقشات کنونی این کشور زمینه را برای سرنگونی رژیم و تعویض قدرت به یک نظام نوین آماده می‌سازد.<^(۳۰)

عراقی‌ها که با مشاهده وضعیت داخلی ایران، اوضاع کشور را بحرانی ارزیابی می‌کردند برای اعطای پناهندگی سیاسی به رئیس‌جمهوری (بنی‌صدر) اعلام آمادگی کردند! * علاوه بر آن، عراقی‌ها، ایران را فاقد توان نظامی برای بازپس‌گیری این منطقه می‌دانستند، به ویژه این‌که بنی‌صدر دو عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ و بیستم دی ۱۳۵۹ را برای شکستن محاصره آبادان به انجام رساند، ولی جز ناکامی و یأس نتیجه دیگری بدست نیاورد.

امام خمینی با نگرانی از اوضاع داخلی و تأثیر غیرقابل‌انکار آن بر وضعیت نظامی، همواره جنگ را مسئله اصلی کشور می‌دانستند. ایشان در پیامی به مناسبت هفته جنگ فرمودند:

> ملت عزیز و به خصوص دست‌اندرکاران و قوای مسلح می‌خواهیم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحه همه امور قرار دهند که دست خیانتکار برای انصراف آنان از جنگ درکار است.<

امام همچنین در این پیام ضرورت هجوم به دشمن را مورد تأکید قرار دادند:

>بر قوای مسلح اسلامی از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان مزدوران جبهه را از کشور اسلامی‌شان برانند و ایران عزیز را از این خس و خاشاک پاک نمایند و بدانند که نیروی ایمان پیروز است.< (۳۱)

گذشته از این ملاحظات، عراقی‌ها امیدوار بودند، با ادامه استقرار نیروهای خود در شرق رودخانه کارون و محاصره آبادان - با وجود این‌که از نظر نظامی نحوه استقرار این نیروها غیراصولی بود - از اهرم سیاسی - نظامی لازم برای فشار بر ایران جهت پایان بخشیدن به جنگ برخوردار باشند. در یکی از اسناد به دست آمده از لشکر ۳ زرهی عراق، درباره ارزش حیاتی این منطقه برای نیروهای دشمن آمده است:

* صدام طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی با نشریه السیاسه چاپ کویت اعلام کرد: >چنانچه بنی‌صدر تمایل داشته باشد، عراق آماده دادن پناهندگی سیاسی به وی می‌باشد. ما برای بنی‌صدر و هریک از مخالفین رژیم ایران، وسایل زندگی شرافتمندانه و محترمانه را بدون در نظر گرفتن موضع آنها نسبت به جنگ فراهم خواهیم کرد. عراق با مشکلات داخلی و مداخله کشورهای خارجی، همان‌گونه که ایران با آن دست به گریبان است، روبه‌رو نیست.<

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بررسی مطبوعات جهان، شماره ۵، به نقل از السیاسه، ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱ میلادی)

وزیر خارجه فرانسه (کلودشون) نیز طی مصاحبه‌ای رسماً اعلام کرد که فرانسه آماده است به بنی‌صدر پناهندگی سیاسی اعطا کند: >اگر بنی‌صدر از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی بکند، چون فرانسه کشور حقوق‌بشر است، به وی پناه خواهیم داد و از او حمایت خواهیم کرد.<

(دفتر سیاسی سپاه، "رویدادها و تحلیل"، شماره ۱۹، ۱۴/۴/۱۳۶۰، خبرگزاری فرانسه، ۲۹/۳/۱۳۶۰)

> عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون به منظور حصول به هدف‌های سیاسی و استراتژیک بوده و نیروهای ایرانی تلاش کردند نیروهای عراقی را از وصول به این هدف و نگه‌داری آن باز دارند، لذا نگه‌داری منطقه سرپل اشغالی شرق کارون برای نیروهای عراقی اهمیتی حیاتی پیدا کرد.^(۳۲)

گرچه بعید به نظر می‌رسید، ارتش عراق پس از شکست در کوی ذوالفقاری آبادان، و عقب‌نشینی از ساحل جنوب رودخانه بهمنشیر و استقرار در شمال این رودخانه توانایی لازم را برای اشغال آبادان داشته باشد، ولی خطرات ناشی از تداوم محاصره آبادان و اقدامات احتمالی دشمن با ادامه استقرار در این منطقه، سبب شد تا جمهوری اسلامی در برابر این وضعیت، حساسیت خاصی نشان دهد، به ویژه این‌که امام در ۱۴ آبان ۱۳۵۹ و تنها ۲۵ روز پس از عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون، و همچنین ناتوانی بنی‌صدر برای عقب‌راندن دشمن از مواضع اشغالی در عملیات سوم آبان روی جاده ماهشهر - آبادان، دستور شکستن محاصره آبادان را خطاب به نیروهای نظامی و انتظامی صادر فرمودند.

چگونگی انتخاب منطقه و تلاش‌های سیاسی

فرمان امام برای شکستن محاصره آبادان، اهمیت و ارزش منطقه، موقعیت نیروهای خودی و موقعیت زمین با توجه به نحوه استقرار دشمن و اتکا بر پل‌های نصب‌شده روی رودخانه کارون، سبب شد تا سپاه توجه خاصی به این منطقه کند. در این میان، فرمان امام بیش از هر عامل دیگری در شکل‌دهی تفکر و ذهنیت مسئولان، فرماندهان و نیروهای سپاه و تلاش‌های این نهاد نقش کلیدی و تعیین‌کننده داشت. سردار رضایی در این باره می‌گوید:

> حضرت امام مدت‌ها بود که دستور داده بودند که حصر آبادان باید شکسته شود، اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را به این کار نمی‌داد و حتی بقایای این مدیریت هم با این‌که آقای بنی‌صدر کنار رفته بود، باز به سختی زیر بار حمله به این منطقه می‌رفتند، به طوری که در فروردین سال ۱۳۶۰ طرح اولیه سپاه آماده شد، ولی شش ماه طول کشید تا این عملیات اجرا شد.^(۳۳)

بدین ترتیب، از فروردین ۱۳۶۰ سپاه طرح‌ریزی عملیات را به‌طور جدی آغاز کرد.^(۳۴) در اردیبهشت همان سال، مراحل طرح‌ریزی و سپس، پیگیری تصویب عملیات با ترکیب برادران رضایی، رحیم صفوی، شهید باقری، غلامعلی رشید و سرهنگ صیاد شیرازی* به

* امیر شهید صیاد شیرازی در آن هنگام پس از درگیری با بنی‌صدر از ارتش اخراج شده و به نیروهای سپاه پیوسته بود.

شکل جدی‌تری ادامه یافت. همچنین، پس از ملاقات سرهنگ صیاد شیرازی با رئیس وقت شورای عالی دفاع (آیت‌الله خامنه‌ای) و اخذ تدبیر از ایشان، قرار شد این عملیات به صورت مشترک با نیروهای ارتش انجام شود.^{*} در این میان، برادران رحیم صفوی، غلامعلی رشید و شهید حسن باقری نخستین طرح پیشنهادی منسجم و کامل عملیات را در اوایل خرداد ۱۳۶۰ برای بنی‌صدر تشریح کردند.^{**} نماینده سپاه نیز طرح را در جلسه‌ای که نماینده حضرت امام، آقای هاشمی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و سایر اعضای شورای عالی دفاع حضور داشتند، ارائه کرد که مورد تصویب قرار گرفت. در این حال، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش با توجه به این که لشکر ۷۷ خراسان مسئولیت این منطقه را بر عهده داشت، گفت: "لشکر ۷۷ باید این طرح را قبول کند!"^(۳۵) در پی این تصمیم و با تلاش‌ها و اقداماتی که صورت گرفت، سرانجام لشکر ۷۷ طرح را پذیرفت و برای انجام دادن آن متقاعد شد.^{***}

در اواخر خرداد ۱۳۶۰ جلسه دیگری با شرکت جانشین ریاست ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی، فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۷۷، ۹۲ ارتش و فرمانده سپاه پاسداران خوزستان و با حضور حجت‌الاسلام اشراقی نماینده حضرت امام و دکتر چمران در دفتر فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز تشکیل و در مورد چگونگی ادامه نبرد بحث شد.

در این جلسه، فرمانده نیروی زمینی ارتش بر پایه طرح جدید سپاه، بر شکستن محاصره آبادان تأکید داشت حال آن‌که جانشین ریاست ستاد مشترک ارتش بر حمله به بستان به عنوان تقدم نخست پافشاری می‌کرد. بدین ترتیب، توافق لازم به دست نیامد،^(۳۶) ولی سپاه به تلاش‌های خود ادامه داد، چنان‌که در نهم تیر ۱۳۶۰ - یعنی ده روز پس از جلسه بررسی طرح‌های یادشده - فرمانده سپاه پاسداران خوزستان^{****} طرحی را ارائه کرد که مربوط به عملیات آفندی قاطع در منطقه ماهشهر و آبادان بود. این طرح قابل اجرا تشخیص داده شد،

* این توضیح بر اساس دست نوشته سردار غلامعلی رشید بر حاشیه کتاب حاضر تنظیم شده است.

** در ۵ خرداد ۱۳۶۰ برادران سرلشکر رحیم صفوی و شهید حسن باقری برای توضیح طرح سپاه با بنی‌صدر ملاقات کردند.

[سند شماره ۴۰۲/د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر ثبت جنگ (یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری)، ۶۰/۱/۱ - ۱۳۶۰/۱۲/۲۶]

*** متأسفانه در جزوه نقد کتاب از خونین‌شهر تا خرمشهر، طرح‌ریزی عملیات به لشکر ۷۷ نسبت داده شده است حال آن‌که در آن وضعیت به هیچ‌وجه اندیشه عملیات آفندی گسترده در باور و ذهنیت مسئولان نیروی زمینی ارتش و لشکر ۷۷ وجود نداشت.

**** در کتاب ارتش در ۸ سال دفاع مقدس به اشتباه سرلشکر رحیم صفوی فرمانده سپاه خوزستان معرفی شده است در حالی که وی در آن هنگام فرمانده عملیات جنوب بود. در آن زمان دریابان علی شمخانی فرماندهی سپاه خوزستان را بر عهده داشت.

اما به سبب مشکلاتی که وجود داشت، اجرای آن تا شهریور ماه ۱۳۶۰ مسکوت ماند. * (۳۷) از اوایل شهریور ۱۳۶۰ بار دیگر مقدمات اجرای عملیات فراهم و طرح به واحدها و قرارگاه‌ها ابلاغ شد. **

موقعیت منطقه

منطقه عملیات ثامن‌الائمه(ع) در شرق رودخانه کارون و در حد فاصل شمال شهر آبادان و جنوب منطقه دارخوین قرار داشت و شامل سرپل دشمن به وسعت ۱۵۰ تا ۱۸۰ کیلومتر مربع می‌شد که در اشغال نیروهای عراقی بود. عوارض حساس منطقه، رودخانه کارون و دو جاده اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان بودند و عوارض مصنوعی منطقه نیز بیشتر شامل مواضع و استحکامات دشمن نظیر خاکریزهای متعدد، مواضع تانک، سنگرهای اجتماعی و انفرادی می‌شدند. با توجه به اهمیت دو پل قصبه و حَفّار برای دشمن که به منزله معبر و محل اتصال عقبه‌های او در شرق کارون بودند، مواضع و استحکامات فراوان و تعداد زیادی نیروی رزمی در این دو محور وجود داشتند.

* در کتاب ارتش، بار دیگر به مذاکرات فرماندهان سپاه با فرمانده لشکر ۷۷ اشاره می‌شود بدون آن که تاریخ آن را ذکر شود. اما مسئله مهمی که در این جا به آن اشاره شده است، مخالفت فرمانده وقت نیروی زمینی با اجرای طرح می‌باشد: <اتفاقاً چند روز بعد فرمانده نیروی زمینی، سرتیپ ظهیرنژاد، مجدداً به خوزستان آمد و درباره آن طرح مذاکره شد. فرمانده نیرو در آن اوضاع اجرای طرح را تأیید نکرد و در نتیجه مسکوت ماند و طرح اجرای تک‌های محدود و محلی مانند سابق، تدبیر کلی هدایت جنگ قرار گرفت.>

(سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، ص ۲۵۰) برابر این گزارش، مخالفت فرمانده وقت نیرو مانع از اجرای طرح شد، به همین دلیل پس از تشکیل جلسه شورای عالی دفاع در محضر امام در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۰، امام فرمودند: "چرا حمله نمی‌کنید و بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک‌ماه دیگر طرح داریم... اگر نمی‌خواهید بچنگید بگوئید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم." در این جلسه، امام در واقع، با توجه به اوضاع سیاسی داخلی کشور، بر اجرای عملیات و کسب پیروزی تأکید داشتند، لذا فرماندهان ارتش را مورد خطاب قرار داده و از سپاه نیز گلابه کردند.<

[سند شماره ۳۰۲/۱/۲۵۰۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری)، ۱۷/۵/۱۶]

** گفتمنی است که مقدمات اجرای عملیات ثامن‌الائمه(ع) در چند مرحله انجام گرفت که عبارت بود از تهیه طرح اولیه در سپاه بر مبنای فرمان امام و تصویب آن در شورای عالی دفاع، ایجاد هم‌آهنگی بین سپاه و ارتش، شناسایی منطقه، طرح‌ریزی عملیات، سازمان‌دهی نیروها، آماده‌سازی منطقه و سپس اجرای عملیات در پنجم مهر ۱۳۶۰ که منجر به شکست محاصره آبادان شد.

وضعیت دشمن

دشمن برای استقرار در منطقه سرپل، واقع در شرق رودخانه کارون، دچار تناقض بود؛ از یک سو به لحاظ اهمیت منطقه ضرورت حفظ آن می‌بایست از نیروی بسیاری استفاده می‌کرد و از سوی دیگر، با توجه به محدودیت عقبه خود، تجمع این میزان نیرو برای ناممکن بود. در عین حال، شناخت عراقی‌ها از توان نیروهای خودی در عقب راندن دشمن - به ویژه پس از ناکامی ارتش در عملیات‌های سوم آبان ۱۳۵۹ و بیستم دی ۱۳۵۹ - آنها را مطمئن کرده بود که مورد تعرض جدی قرار نخواهند گرفت. استعداد و آرایش یگان‌های دشمن در این منطقه برابر اسناد به دست آمده از تیپ ۸ مکانیزه ارتش عراق در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ عبارت بودند از:

- ۱- تیپ ۸ مکانیزه از لشکر ۳ زرهی که با سه گردان مکانیزه و یک گردان تانک در شمال سرپل و جنوب سلمانیه مواضع پدافندی را اشغال و تحکیم کرده بود.
 - ۲- تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی که با سه گردان تانک و یک گردان مکانیزه در قسمت مرکزی و شرقی در شمال جاده ماهشهر - آبادان مستقر بود.
 - ۳- تیپ ۴۴ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، که با یک گردان تحت امر لشکر ۳ زرهی در قسمت جنوبی منطقه سرپل و جنوب جاده ماهشهر - آبادان پدافند می‌کرد.^(۳۸)
 - ۴- تیپ ۱۲ زرهی لشکر ۳ در غرب کارون در احتیاط قرار داشت و گردان‌های تانک الطارق و سیف‌سعد و چند گردان جیش‌الشعبی، گردان پیاده از تیپ ۴۴ و گردان ۱ از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز در منطقه شرق کارون استقرار داشتند.
- برابر شواهد، قراین و اسناد موجود، در پی گسترش حملات رزمندگان اسلام به منطقه اشغالی سرپل در نیمه اول سال ۱۳۶۰، دشمن دچار اضطراب شده و احتمال حمله نیروهای خودی را پیش‌بینی می‌کرد. با این حال، عراقی‌ها همچنان به استقرار در مناطق اشغالی اصرار داشتند و این امر بدین دلیل بود که عراقی‌ها تصور می‌کردند که نیروهای اسلام از انجام دادن عملیاتی دقیق و برنامه‌ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند.^(۳۹) در واقع، فرماندهی عراق احتمال تدارک حمله از محور شرق رودخانه را پیش‌بینی می‌کرد اما به هیچ‌وجه تصور نمی‌کرد این حمله، گسترده و همه‌جانبه باشد.^(۴۰)
- ۵- استعداد دشمن در این منطقه برابر یک لشکر تقویت شده بود، ضمن این که فرمانده سپاه سوم می‌توانست از احتیاط لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی که در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد مستقر بودند، برای تقویت لشکر ۳ زرهی استفاده کند.

همچنین، دشمن پیش‌بینی می‌کرد که در صورت حمله، محور اصلی تهاجم در محور تیپ ۸ مکانیزه در منطقه سلمانیه با پیشروی به سمت پل‌های قصبه و حَقّار، خواهد بود، لذا برای تقویت این محور، اقداماتی به عمل آورد.

طرح عملیات

الف) اهداف و مأموریت

هدف اصلی عملیات، انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون و تصرف و تأمین منطقه بود. در طرح اولیه سپاه آمده بود:

> سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در آبادان و دارخوین و ماهشهر مأموریت دارند تا با هم‌آهنگی و همکاری کامل لشکر ۷۷ پیاده خراسان در ساعت (س) روز (ر) از محور فیاضیه و دارخوین به‌طور گسترده و از سه محور ایستگاه ۱۲ و ایستگاه ۷ و جاده ماهشهر - آبادان تک نمایند و نیروهای دشمن را که از کناره کارون تا جاده ماهشهر - آبادان گسترش دارند، به‌طور کامل محاصره و بعد از انهدام دشمن، در منطقه متصرفه پدافند نمایند.^(۴۱)

سران نظامی امیدوار بودند با انجام عملیات تأمین‌الائمه(ع) تهدید احتمالی دشمن برای تصرف آبادان که عراق آن را به صورت اهرم فشاری علیه ایران در تبلیغات خود مورد استفاده قرار می‌داد، خنثی شود. از سوی دیگر، در این عملیات پس از پاک‌سازی شرق رودخانه کارون، نیروهای خودی از خطوط پدافندی آزاد شده و امکان به‌کارگیری آنها در مراحل بعدی آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم می‌شد.

ب) سازمان رزم

ترکیب نیروهای عمل‌کننده در این عملیات، شامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای ژاندارمری به این شرح بود:

* در کتاب دفاع مقدس، منشیره نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، صفحه ۱۱۲، در این باره آمده است: >لشکر ۷۷ پیاده با همکاری سپاه پاسداران آبادان مأموریت دارد در مورخه ۵ مهرماه ۱۳۶۰ در منطقه تک‌نموده، شرق رودخانه کارون را در منطقه مربوطه تأمین و سپس پدافند نماید.< متأسفانه مشخص نیست برابر چه اسنادی در این جا به سپاه آبادان اشاره شده است، حال آن‌که برادر رحیم صفوی به عنوان مسئول عملیات ستاد جنوب، علاوه بر ارائه طرح شکستن حصر آبادان و پی‌گیری آن، به عنوان یکی از فرماندهان عملیات نیز امر هدایت نبرد را بر عهده داشت.

- لشکر ۷۷ با سه تیپ شامل ۹ گردان نیروی پیاده؛
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۱۶ گردان نیروی پیاده* که در سازمان سه قرارگاه تیپی عمل می‌کرد؛^(۴۲)
- تیپ ۳۷ زرهی شیراز؛
- گردان ۲۵۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی؛**
- گردان ۱۰۷ ژاندارمری؛
- گروه رزمی ۲۹۱ تانک؛
- جهاد سازندگی، علاوه بر احداث جاده وحدت در فروردین ۱۳۶۰، امور مقدماتی مهندسی عملیات را انجام داد.

پس از حذف بنی‌صدر برای نخستین بار بود که نیروهای عمل‌کننده در چنین مقیاسی با هم ترکیب شده به نحو شایسته‌ای با یکدیگر همکاری و هم‌آهنگی می‌کردند، چنان‌که این اقدام، الگوی مناسبی برای ادامه همکاری ارتش و سپاه در سایر عملیات‌ها شد.^(۴۳)

ج) طرح مانور

در طرح مانور، سه محور عمده و یک محور فرعی برای انجام عملیات در نظر گرفته شده بود: محور شمالی شامل منطقه دارخوین و محمدیه و محور جنوبی شامل محور فیاضیه و ایستگاه ۷ بود. بر اساس این طرح، تلاش فرعی نیروها برای پشتیبانی نیز در محور جاده ماهشهر - آبادان انجام می‌شد. در این میان، محور دارخوین و فیاضیه با هدف تصرف و تأمین پل‌های حَقّار و قصبه دارای اهمیت بیشتری بودند و در صورت برخورداری نیروهای خودی از سرعت عمل، امکان انهدام و اسارت بسیاری از افراد دشمن در این محور وجود داشت. و همین ضرورت، در آرایش نیروها مؤثر بود، که به این ترتیب مشخص شد:

* در کتاب ارتش در هشت سال دفاع مقدس، صفحه ۲۵۵، استعداد نیروهای سپاه ۱۵ گردان ذکر شده است و در صفحه ۲۶۱ با اضافه شدن یک گردان دیگر، در مجموع ۱۶ گردان نوشته شده است. در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۷، صفحه ۱۱۲ نیز تنها عنوان "یگان‌هایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" درج شده است. با این حال، برابر طرح اولیه سپاه در تیرماه ۱۳۶۰ که در ستاد عملیات جنوب تنظیم و ارائه شد، سپاه ۱۲ گردان پیش‌بینی کرده بود ولی در مراحل بعدی، بنا به ضرورت‌ها و نیز جذب و سازمان‌دهی نیروهای بیشتر، در نهایت ۱۶ گردان وارد عمل شدند. از ارتش نیز با احتساب سه تیپ از لشکر ۷۷ و یک تیپ از لشکر ۳۷ زرهی شیراز و گردان تانک، نزدیک به ۱۴ گردان وارد عمل شدند.

** در مورد حضور این گردان در سازمان رزم تردید وجود دارد.

محور دارخوین - محمدیه: پنج گردان از سپاه (چهار گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و سه گردان از ارتش (دو گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و یک گردان تانک در احتیاط و پشتیبانی.

محور فیاضیه: پنج گردان از سپاه (چهار گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و سه گردان از ارتش (یک گردان آفندی و دو گردان احتیاط).

محور جاده ماهشهر - آبادان: دو گردان از سپاه (یک گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و دو گردان از ارتش (یک گردان آفندی و یک گردان پدافند).

برای پشتیبانی عملیات، سه گردان توپخانه و ۵۰ قبضه سلاح پدافند هوایی در نظر گرفته شده بود.^(۴۴) طرح مانور عملیات همراه با تدبیر آن و نیز استعداد نیروی عمل کننده در جلد سوم کتاب منتشره از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر آمده است:

> جزئیات طرح برای اجرای حمله به منطقه سرپل دشمن در شرق کارون چنین بود که تیپ ۲ پیاده که شامل سه گردان پیاده ارتش و چهار گردان پاسدار و یک گردان تانک که یک گروهان اضافی نیز داشت و در خط تماس با دشمن در شمال بهمنشیر دفاع می نمود، از منطقه فیاضیه در شرق کارون و شمال بهمنشیر به مواضع نیروهای متجاوز عراق حمله می کرد و حاشیه شرقی پل حَفّار را که به وسیله نیروهای عراقی بر روی کارون برقرار شده بود، تصرف پل را کنترل می نمود و نیروهای دشمن را در منطقه عملیاتی مربوطه منهدم می کرد و کرانه شرقی رودخانه کارون را تأمین می نمود. تیپ ۱ پیاده با دو گردان پیاده ارتشی و یک گردان سوارزهی و شش گردان پاسدار ابتدا از مواضع پدافندی یگان های تیپ ۲ پیاده در شمال بهمنشیر و در منطقه ذوالفقاری از خط عبور می کرد و نیروهای دشمن را در جنوب جاده آبادان - ماهشهر منهدم می کرد و سپس حمله را با یک چرخش ملایم از شرق به غرب، به سمت شمال غربی ادامه می داد و نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر - آبادان در منطقه مسئولیت خود منهدم می ساخت. ضمناً این تیپ مأموریت داشت، هرگونه عکس العمل شدید دشمن را در محور آبادان - ماهشهر* خنثی و جناح شرقی منطقه عملیات را تأمین نماید. تیپ ۳ پیاده که از منطقه گیلان غرب به خوزستان تغییر مکان یافته بود، به صورت احتیاط لشکر بود و مأموریت داشت، از مواضع پدافندی

* در صحت این اطلاعات تردید وجود دارد، زیرا نوعی تناقض در مانور ایجاد می کند و در عمل نیز امکان پذیر نیست. همچنین، با توضیحات سطر

سوم تا پنجم نیز تناقض دارد. (یادداشت های سردار غلامعلی رشید در حاشیه کتاب حاضر)

گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب سلمانیه از خط* عبور کند و از شمال به جنوب پیشروی نماید و پل قصبه را بر روی رودخانه کارون که به وسیله نیروهای عراقی برقرار شده بود، تصرف و منطقه مسئولیت خود را از وجود دشمن پاک نماید. این تیپ شامل دو گردان پیاده ارتش، پنج گردان پاسدار و حدود یک گردان تانک بود. ضمناً، سپاه پاسداران نیز حداکثر امکانات آن روز خود را برای عملیات آماده کرد و ۱۵ گردان پاسدار** وارد میدان نبرد کرد. <(۴۵)

در مجموع، به نظر می‌رسید، دشمن به دلیل برخورداری از نیروی احتیاط و به ویژه امکان به کارگیری لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی تحت امر سپاه سوم، در موضع برتری قرار داشت، لیکن نیروهای خودی با توجه به شناخت دقیق از دشمن، ویژگی برتر عملیاتی، ترکیب جدید سپاه و ارتش - که پیش از این هرگز در این سطح وجود نداشت - و بهره‌برداری مناسب از زمین، از موقعیت بهتری برخوردار بودند. افزون بر این، دشمن به لحاظ درک و باوری که از توان نیروهای خودی داشت، به‌طور نسبی در غافل‌گیری به سر می‌برد و این عوامل در مجموع می‌توانست دست‌یابی به پیروزی را آسان کند.

در این میان، افزایش قابل توجه نیروهای سپاه در مقایسه با عملیات‌های پیشین و نقش طراحان نظامی سپاه در طرح‌ریزی و هدایت عملیات، از جمله ویژگی‌های عملیات ثامن‌الائمه(ع) و عامل برتری نیروهای خودی در برابر دشمن بود. در جلد سوم کتاب "ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس" در این باره آمده است:

> نکته‌ای که لازم است روی آن تأکید شود، حضور سپاه پاسداران به صورت فعال و مؤثر و قدرتمند در این عملیات بود ... برای عملیات ثامن‌الائمه(ع)، ۱۵ گردان توسط سپاه آماده شده بود، در نتیجه می‌توان گفت، توان رزمی سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در عملیات ثامن‌الائمه(ع) به ده برابر افزایش یافته بود و با به عبارت دیگر، با بهره‌برداری از نیروی عظیم بسیج مردمی توان رزمی نسبی در جبهه بالا رفته بود و این امر کلید موفقیت نیروهای مسلح ایران در عملیات ثامن‌الائمه(ع) و عملیات‌های بعد از آن مانند طریق‌القدس و فتح‌المبین و بیت‌المقدس گردید. <(۴۶)

بدین ترتیب، عملیات ثامن‌الائمه(ع) به‌منظور شکستن محاصره آبادان و انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون پس از آماده‌سازی مقدمات آن، آغاز شد.

* صحت این اطلاعات مورد تردید است.

** استعداد سپاه در این عملیات ۱۶ گردان بود که در صفحه ۲۶۱ کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس به آن اشاره شده است.

تشریح عملیات

عملیات در ساعت ۱ بامداد روز پنجم مهر ۱۳۶۰ آغاز شد. قوای ایران در ساعات نخست عملیات، با تهاجم به مواضع دشمن و درهم شکستن مقاومت نیروهای آنان، خاکریزهای اول دشمن را تصرف و تأمین کردند. مقاومت اولیه نیروهای عراقی در برخی از محورها و به ویژه تداوم آن در منطقه پل حَقّار، نشان‌دهنده هوشیاری نسبی دشمن بود. بنابر گزارش اسیران عراقی، اسارت یکی از نیروهای خودی در منطقه عملیاتی تیپ ۸ مکانیزه در محور دارخوین سبب هوشیاری دشمن شده بود، ولی شناخت نادرست فرماندهان نظامی عراق نسبت به توان نیروهای خودی که بر مبنای برآوردهای عملیات‌های ناکام پیشین ایجاد شده بود، سبب شد در برابر حمله نیروهای خودی واکنش مناسبی نشان ندهند.

با روشن شدن هوا و ادامه پیشروی نیروهای خودی از محور شمالی به سمت پل مارد و تهدید عقبه نیروهای دشمن، نخستین ضربه شکننده بر نیروهای عراقی وارد آمد. با این حال، نیروهای دشمن در منطقه پل حَقّار همچنان مقاومت می‌کردند. گستردگی محورهای تهاجم و عقب‌ماندگی دشمن سبب شد تا نیروهای خودی با به دست گرفتن ابتکار عمل و ادامه پیشروی در محورهای مختلف، دشمن را تحت فشار قرار دهند.

از سوی دیگر، در پی تغییر وضعیت میدان نبرد، فرماندهی نیروهای دشمن تلاش می‌کرد تا تاریخ شدن هوا به مقاومت در پل حَقّار ادامه دهد. دشمن قصد داشت، با تقویت منطقه، ابتدا منطقه سرپل را حفظ کند و پس از آن، با نصب پل روی رودخانه کارون، نیروهای محاصره شده را نجات دهد و سپس، با استقرار در منطقه غرب رودخانه کارون، از ادامه پیشروی نیروهای خودی جلوگیری کند.

بر همین اساس، دشمن در اولین اقدام، با وارد کردن تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، سعی کرد، پل حَقّار را حفظ کرده و با استقرار تیپ ۱۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی در غرب رودخانه کارون، از پیشروی نیروهای خودی جلوگیری کند. تهاجم رزمندگان به نیروهای تیپ ۱۰ سبب شد تا این نیروها در همان لحظات اولیه حضور در منطقه سرپل، محاصره شده و عقب‌نشینی کنند، در صورتی که اگر در حمله به تیپ ۱۰ تأخیر صورت می‌گرفت، بی‌گمان نیروهای تیپ ۱۰ دشمن پس از حضور در منطقه، دست به ضدحمله می‌زدند.^(۴۷)

با آزاد شدن جاده ماهشهر - آبادان در ساعت ۸:۳۲ بامداد روز پنجم مهر و پیشروی نیروهای خودی از شمال به جنوب و تصرف پل قصبه، در واقع مقاومت دشمن در منطقه پل حَقّار، بیشتر نوعی عملیات تأخیری بود، زیرا با توجه به محدودیت عقبه دشمن، سرعت عمل

رزمندگان و گستردگی محورهای تهاجم، امکان مقاومت از عراقی‌ها گرفته شده بود. در بعدازظهر همان روز بخشی از پل حَقَّار تصرف شده بود ولی عراقی‌ها برای باز نگاه‌داشتن عقبه نیروهای محاصره شده خود در شرق کارون، همچنان مقاومت می‌کردند، چنان‌که با تاریک شدن هوا حرکت ستون نیروهای دشمن از اهواز به سمت خرمشهر دیده می‌شد. بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها، به تاریک شدن هوا، باز نگاه‌داشتن پل حَقَّار برای تقویت منطقه و یا امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود. در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و یا عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد. در روز سوم عملیات نیز در پی پاک‌سازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاک‌سازی کامل منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون استقرار یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی - که درگیر پدافند در منطقه بودند- آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

خسارات و تلفات دشمن

- ۱- بیش از سه هزار تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و نزدیک به ۱۸۰۰ تن از آنها به اسارت درآمدند.
 - ۲- تعداد ۹۰ دستگاه تانک، نفربر و خودرو دشمن منهدم شد و ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر دیگر به همراه ۱۵۰ دستگاه خودرو به غنیمت درآمدند. سه فروند هواپیما و یک فروند هلی‌کوپتر دشمن نیز در این عملیات سرنگون شدند.
- افزون بر این، شمار فراوانی از امکانات دشمن شامل لودر و بولدوزر، سلاح و مهمات، منهدم شد و یا به غنیمت درآمد. از نتایج مهم این عملیات به غنیمت گرفتن ده‌ها تانک از تیپ ۶ زرهی عراق بود که سپاه با استفاده از این تانک‌ها نخستین یگان زرهی خود را با نام تیپ ۳۰ زرهی سازمان‌دهی کرد. اولین گردان زرهی این یگان در عملیات طریق‌القدس به کار گرفته شد. با به غنیمت گرفتن ۲۰ قبضه توپ ۱۵۲ و ۱۲۲ میلی متری از دشمن، نخستین یگان توپخانه سپاه نیز شکل گرفت و در عملیات طریق‌القدس شرکت کرد.^(۴۸)

نقشه عملیات ثامن‌الائمه (ع) در ۵ مهر ۱۳۶۰ (شکست
حصر آبادان)

defamoghaddas.ir

ارزیابی عملیات

با شکسته شدن محاصره آبادان، تحول جدیدی در جنگ به وجود آمد؛ زیرا ناکامی دشمن در جنگ از همین نقطه آغاز شد. به بیان دیگر، دشمن - در وضعیت‌های مختلف - چنین می‌پنداشت که لازمه تغییر معادله نظامی به سود خود، افزایش فشار نظامی به ایران برای تحمیل خواسته‌های خود و آغاز مذاکرات صلح می‌باشد، لذا بیش از همه، به تکمیل محاصره آبادان و اشغال آن توجه داشت. در مقابل، نیروهای خودی نیز - بر اساس فرمان امام - بیشترین تلاش خود را برای شکستن محاصره آبادان متمرکز کرده بودند که در این میان، دو عملیات به فرماندهی بنی‌صدر با شکست مواجه شد و سرانجام، با عملیات پیروزمندانه ثامن‌الائمه (ع) فرمان امام تحقق یافت و استراتژی دشمن نیز در نقطه ثقل آن، در هم شکست. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

> استراتژی دشمن از مشخصه سیاسی و امنیتی برخوردار بود. عراق در انتظار تحول در اوضاع داخلی بود، اگر به نتیجه نمی‌رسید، مسلماً روی آبادان عمل می‌کرد. بنابراین ما وقتی روی آبادان عمل کردیم. در واقع استراتژی دشمن را در نقطه اصلی آن در جبهه نظامی با شکست مواجه کردیم.< (۴۹)

اعتماد به نفس و افزایش روحیه نیروهای خودی هم از عوامل مؤثر در پیروزی، هم بخشی از نتایج به دست آمده در این عملیات بود؛ در حالی که دشمن به دلیل حضور در مناطق اشغالی در شرق رودخانه کارون و سلسله عملیات‌های محدودی که در همین منطقه انجام گرفته بود، دچار نوعی فرسایش روحی شده بود. نیروهای خودی با روحیه‌ای مضاعف - به ویژه پس از شکسته شدن طلسم نفاق در کشور - از آمادگی مناسبی برای بیرون راندن متجاوزان از سرزمین‌های اشغالی برخوردار شدند. سردار رضایی در این باره می‌گوید:

> نیروهای ما متوجه شدند که می‌توانند بجنگند و از طرف دیگر فهمیدند با جنگ انقلابی می‌توانند خارج از قواره کلاسیک جنگ را ادامه دهند.< (۵۰)

در واقع، اعتماد به نفس نشان‌دهنده موفقیت استراتژی جدید نیروهای انقلابی در صحنه عمل بود، ولی هرگونه ناکامی احتمالی نیز در این عملیات می‌توانست سرنوشت جنگ و حتی حیات سیاسی کشور را با خطر روبه‌رو کند.

تجارب نظامی مهمی نیز در این عملیات به دست آمد؛ پس از عملیات ثامن‌الائمه (ع)، فرماندهان سپاه در جلسه‌ای که به منظور ارزیابی عملیات در ۷ مهر ۱۳۶۰ برپا شد، به بررسی ویژگی‌های این عملیات پرداختند. برادر غلامعلی رشید در این جلسه گفت:

> بنابه تجربه قبلی، در طراحی این عملیات چند فاکتور در نظر گرفته شد: اول تهاجم یکپارچه و همه جانبه در کل محورها؛ دوم حمله شبانه؛ سوم قیچی کردن دشمن در دو پل؛ چهارم تک پشتیبانی تا حدودی فریبنده در محور خرمشهر. در واقع، باید از این عوامل به عنوان محسنات این عملیات یاد کرد. دشمن که آمادگی مقابله با چنین تهاجمی را نداشت، لذا رعب و هراس در نیروهای عراقی از یک سو و دست‌پاچگی و عدم کنترل و هدایت فرماندهی از سوی دیگر، گریبان‌گیر دشمن شد.^(۵۱)

شهید حسن باقری یک ویژگی خوب این عملیات را بیان جزئیات طرح مانور برای همه فرماندهان سپاه تا رده دسته خواند. برادر رحیم صفوی نیز بخشی از ویژگی‌های مثبت این عملیات را تلاش خستگی‌ناپذیر نیروهای پیاده برای رسیدن به مواضع دشمن و هدایت و رهبری خودجوش فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها برای مقابله با دشمن برشمرد.^(۵۲)

همچنین، اجرای عملیات در شب - که بعدها به عنوان یک اصل جدا نشدنی تا پایان جنگ در اجرای عملیات‌های نیروهای خودی مورد توجه قرار گرفت - در این عملیات بازدهی بسیار خوبی داشت. برادر رشید در این مورد می‌گوید:

> اگر عملیات را در روز شروع می‌کردیم، نیروی زرهی دشمن به لحاظ برتری کمی و کیفی که نسبت به واحدهای پیاده خودی داشت، مانع از پیشروی رزمندگان می‌شد. دشمن در شب قدرت مانور ندارد و از سویی چون تمامی نیروهای مهاجم ما را پیاده نظام تشکیل می‌دادند، به راحتی توانستیم پیشروی کنیم.^(۵۳)

با این حال، عملیات ثامن‌الائمه (ع) دارای نقایصی هم بود؛ از جمله، با توجه به آشفتگی نیروهای دشمن در منطقه سرپل، نیروهای خودی در صورت برخورداری از توان نظامی و سرعت عمل لازم می‌توانستند با تصرف عقبه‌های دشمن تعداد بیشتری از آنان را کشته و مجروح کرده و یا به اسارت درآورند. همچنین، اصل تعقیب دشمن ایجاب می‌کرد که نیروهای خودی با عبور از رودخانه کارون، آنها را در غرب رودخانه - که فاقد استحکامات و مواضع بود - منهدم و در صورت امکان، سرپل مناسبی را تصرف و تأمین کنند.

به‌طور کلی عملیات موفقیت‌آمیز ثامن‌الائمه (ع)، سرآغاز استراتژی جدید نیروهای انقلابی برای آزادسازی مناطق اشغالی بود. دشمن که با خیالی آسوده در مناطق اشغالی استقرار یافته بود، بر اثر ضربه وارده در این عملیات دچار وحشت و اضطراب شد و در آستانه هزیمت و شکست قرار گرفت. از این زمان به بعد، در حالی که دشمن در اندیشه حفظ سرزمین‌های اشغالی بود و نیروهای خودی نیز برای آزادسازی این مناطق تلاش می‌کردند، عدم درک

دشمن از تحولات برخاسته از استراتژی جدید، منجر به غافل‌گیری آنها شد که از عوامل مؤثر در دستیابی آسان رزمندگان اسلام به پیروزی‌های بعدی بود.

بازتاب عملیات

اقدام ایران در انتشار اخبار مربوط به عقب راندن عراقی‌ها از شرق کارون و شکسته‌شدن محاصره آبادان با توجه به روند تحولات سیاسی - نظامی در داخل کشور و تجزیه و تحلیل ناظران و کارشناسان خبری از این واقعه، به عنوان "انتشار گزارش‌های ضد و نقیض ایران" ارزیابی می‌شد. رادیو آمریکا یک روز پس از آغاز عملیات، در اخبار خود طی گزارشی گفت:

> در ایران هم‌زمان با انتشار گزارش‌های ضد و نقیض درباره پیروزی بزرگ ایران در جنگ یک ساله آن کشور با عراق، زد و خوردهای شدیدی در نقاط مختلف پایتخت صورت گرفت. <^(۵۴)

پس از آنکه رادیو آمریکا به نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش شکسته شدن محاصره آبادان را منتشر کرد، به نقل از رادیوی دولت عراق گفت:

> ولی خبرگزاری رسمی عراق تصرف مجدد آبادان را توسط نیروهای ایرانی تکذیب کرده است. <^(۵۵)

رادیو بی.بی.سی نیز در نخستین واکنش نسبت به اخبار عملیات، دفاع ایران از آبادان طی یک سال گذشته را نشان تصمیم این کشور برای مقاومت و پایداری در برابر عراق ارزیابی کرد و حمله سحرگهی ایران را نخستین تلاش عمده دو طرف جنگ برای پایان دادن به بن‌بست موجود خواند.^(۵۶) در گزارش خبری این رادیو با اشاره به اقدامات منافقین در داخل کشور، به‌طور تلویحی بر متناقض بودن اوضاع تأکید شده بود:

> نشانه شدت مناقشات سیاسی در داخل ایران نیز از این جا به دست می‌آید که در زمان وقوع جنگ در آبادان، حامیان و مخالفان دولت هم در تهران، و پایتخت کشور، به مبادله آتش دست زده‌اند. <^(۵۷)

در حالی که رادیو آمریکا و رادیو لندن همچنان با تردید به پیروزی نظامی ایران می‌نگریستند، رادیو صوت‌الجماهیر (بغداد) به نقل از یک سخن‌گوی صلاحیت‌دار، اخبار هزیمت و شکست دشمن در شرق رودخانه کارون را تأیید کرد و در توجیه آن گفت:

> نیروهای نظامی ما (عراق) طبق برنامه عمومی آن وقت (شروع جنگ)، در شرق کارون حضور یافتند و علی‌رغم تلاش‌های دشمن، در طول یک سال کامل در شرق کارون باقی‌ماندند. واحدهای دلیر ما هر بار چه به‌طور مستقیم و با ضدحمله، حملات دشمن را دفع می‌کردند و

دشمن در روزهای اخیر آسیب‌هایی به پل‌های ما بر روی کارون وارد ساخته و همچنین فعالیت‌های نظامی علیه ما نموده است و این امر باعث شده تا فرماندهی کل تصمیم خود دایر بر انتقال دادن واحدهای مذکور از شرق کارون به غرب کارون اتخاذ کند...^(۵۸)

پس از اعتراف عراقی‌ها به پیروزی ایران، رادیو لندن در بررسی نتیجه این پیروزی گفت:
> پیروزی ایران برای صدام حسین نه تنها یک عقب‌نشینی نظامی است بلکه یک عقب‌نشینی سیاسی نیز به حساب می‌آید...^(۵۹)

در پی سقوط هواپیمای حامل فرماندهان نظامی که از جبهه عازم تهران بودند، رسانه‌های خبری دنیا به جای بررسی پیروزی نظامی ایران، سقوط هواپیما را محور گزارش‌های خبری قرار دادند. همچنین، با شهادت هاشمی‌نژاد به دست منافقین در مشهد و پاره‌ای از حوادث دیگر از جمله تظاهر مسلحانه گروهک‌ها در تهران، بار دیگر رخدادهای ناشی از درگیری‌های سیاسی داخلی کشور مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفت.^(۶۰)

ادامه رخدادهای سیاسی - امنیتی در داخل کشور و بازتاب آن در رسانه‌های خبری سبب شد تا بن‌بست در جنگ مجدداً مورد تأکید ناظران سیاسی قرار گیرد، چنان‌که نشریه ژاپن تایمز، چاپ ژاپن، پس از بررسی وضعیت سیاسی - نظامی ایران نوشت:

> در خاورمیانه اعتقاد راسخی وجود دارد که جنگ پایان نخواهد یافت مگر آن‌که تغییرات عمده‌ای در دولت ایران یا عراق و یا هر دو صورت گیرد. بدون شک صدام از وجود جنگ داخلی بین چپ‌گرایان و انقلابیون اسلامی در ایران خرسند است. به نظر می‌رسد این مسئله به اضافه رکود اقتصادی، رژیم خمینی را محکوم به فنا کند. به هر حال، آقای خمینی ضربه‌های پیاپی را پشت سر گذاشته است. جنگ با عراق یکی از عوامل ایجاد وحدت در ایران است... جنگ به بن‌بست کشانده شده ایران و عراق دیگر نگرانی‌هایی در منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی در جهان به وجود نمی‌آورد، اما این درگیری هنوز توان ایجاد بحران جدیدی را دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، یا به دست فراموشی سپرد.^(۶۱)

نکته مهمی که در تمام گزارش‌ها و تحلیل‌های خبری، مشاهده می‌شد، ارائه وضعیت‌ی دوگانه از ایران بود؛ رسانه‌های خبری جهان به موازات اخبار مناقشات سیاسی، خبر پیروزی نظامی ایران را نیز منتشر می‌کردند. به نظر می‌رسد، برای ناظران خارجی پیروزی ایران در این عملیات پذیرفتنی نبود، به همین دلیل با وجود تأکید بر ارزش پیروزی نظامی ایران و شکست سیاسی - نظامی عراق، همچنان، اوضاع کلی جنگ به عنوان یک بن‌بست ارزیابی می‌شد که تنها، تحولات سیاسی و جابه‌جایی قدرت در یکی یا هر دو کشور می‌توانست آن

را برطرف کند. به بیان دیگر، گرچه شکسته شدن حصر آبادان - با وجود ناباوری‌های اولیه - مورد پذیرش محافل سیاسی و نظامی دنیا قرار گرفت، ولی این پیروزی به این معنا نبود که روند جدیدی در جنگ آغاز شده و اوضاع به سود ایران تغییر کرده است.

بعدها، یکی از کارشناسان امریکایی مسائل نظامی در مورد بازتاب عملیات ثامن‌الائمه(ع)، بر این نکته تأکید کرد که پیشنهاد آتش‌بس یک‌ماهه عراق در ماه نوامبر، متأثر از پیروزی ایران در آبادان در ماه اکتبر بود. وی در مورد ماهیت این پیروزی در کتاب خود نوشت:

> پیروزی ایران در جبهه آبادان این حقیقت را آشکار کرد که برتری در قدرت زرهی و هوایی می‌تواند بی‌معنا باشد. علاوه بر این، پیروزی در آبادان هشدار برای غرب بود. حتی اگر نیروهای غربی که احتمالاً کارآمدتر از نیروهای عراقی در استفاده از قدرت هوایی و سلاح‌های سنگین بوده باشند، در مقابله با نیروهای ایران باز هم با مشکلی که عراق گریبانگیر آن بود، مواجه می‌شدند، خصوصاً این که دولت‌های غربی از لحاظ سیاسی آمادگی پذیرش تلفات سنگین در یک جنگ کم‌شدت را ندارند.<^(۶۲)

کردزمن به عنوان کارشناس نظامی، ماهیت شکل‌گیری نوع جدیدی از جنگ را مورد توجه قرار می‌دهد که شکست حصر آبادان نقطه آغاز تحقق آن بود. وی سپس می‌نویسد:

> هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند.<^(۶۳)

تبیین استراتژی آزادسازی

پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه(ع) که برجسته‌ترین تحول نظامی در سال اول جنگ بود، زمینه تبیین استراتژی جنگ را با هدف آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم کرد. در این حال، تحولات سیاسی که بر روند تحولات نظامی اثر داشت، خود نیز از این تحولات متأثر بود. امام خمینی با شناخت خود از روند تحولات، چند حرکت را به موازات هم اداره و هدایت کردند. امام، انتخاب ریاست جمهوری را به عنوان "یک امر حیاتی برای جمهوری اسلامی"^(۶۴) ارزیابی کرده و حضور مردم را در صحنه ضروری و تعیین‌کننده خواندند. ایشان در دیدار با فرماندهان نظامی - پس از سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی - فرمودند:

> به انتخابات نظر کنید می‌فهمید که ایران پایدار خواهد ماند ... وقتی می‌توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد، ولی وقتی ملت در صحنه بود، چه کاری از آنان ساخته است و در این جنگ فهمیده شد که ملت بی‌طرف نیست. ملت و ارتش ما قوی است و بخوبی مملکت را می‌تواند حفظ کند.<^(۶۵)

امام در ۱۷ مهر ۱۳۶۰ - ۱۰ روز پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع) و سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی - در حکم تنفیذ ریاست جمهوری، آیت‌الله خامنه‌ای، فرمودند:

> شرکت بی‌سابقه مردم کشور امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید. <^(۶۶)

امام در جای دیگری از این حکم فرمودند:

> شرکت عمومی ملت شجاع و متعهد در انتخابات و پیروزی‌های پی‌درپی قوای مسلح در جنوب و غرب و حضور مداوم ملت در سرتاسر کشور ... کاخ‌های تخیلی آنان را فرو ریخت. <^(۶۷)

امام، حضور گسترده و سرنوشت‌ساز مردم را در انتخاب ریاست جمهوری به مثابه گذار از مرحله بی‌ثباتی حاصله از مناقشات سیاسی به مرحله جدید ارزیابی کردند. ایشان در پاسخ به تلگرام فرماندهان در مورد پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه(ع)، پیامی صادر فرمودند که در واقع چارچوب و خط‌مشی قوای نظامی را مشخص کرد؛ امام اظهار امیدواری کردند:

> آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین‌های میهن ما است، ملت شریف به زودی مشاهده کند. <^(۶۸)

با تبیین استراتژی جنگ تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی به تدریج در حوزه نظامی نمایان شد؛ از یک سو، با افزایش حضور نیروهای مردمی، سپاه تلاش‌های جدیدی را برای گسترش سازمان رزم انجام داد و از سوی دیگر، نیروهای ارتش و سپاه استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی را طرح‌ریزی کردند. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

> دو کار اساسی انجام شد؛ یکی در عملیات و یکی در سازمان‌دهی. در عملیات، طرح‌ریزی سلسله‌وار صورت گرفت، یعنی در حقیقت استراتژی نظامی شکل گرفت، دوم در سازمان‌دهی، سپاه رفت به دنبال این که یک سازمان رزم برای خودش فراهم کند. این دو از اولین تحولات پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع) است. <^(۶۹)

سردار غلامعلی رشید نیز در مورد سازمان رزم سپاه و اقداماتی که انجام شد، می‌گوید:

> سال دوم جنگ را سال رشد و تثبیت سپاه نام‌گذاری کردیم. بعد از عملیات ثامن‌الائمه(ع)، کلاهدوز شهید شد. * آقا رحیم رفت تهران که مسئول طرح عملیات بشود، من هم به حکم

* سرلشکر محسن رضایی در مورد نقش برادر کلاهدوز در عملیات ثامن‌الائمه(ع) می‌گوید: > شهید کلاهدوز در این عملیات نقش خیلی مؤثری

داشت. قبل از این عملیات حدود یک هفته یا ۱۰ روز قبل فرمانده سپاه شد و برای این عملیات بیشترین زحمات را کشید <

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۵/۷/۱۲)

فرمانده کل سپاه مسئول عملیات جنوب شدم ... یادم هست که با شهید باقری نشستیم بودیم به فکر تشکیل تیپ افتادیم و این که بعد از این، برای انجام عملیات بعدی (طریق القدس) ما نیروی زیادی نیاز داریم و باید تیپ درست کنیم.^(۷۰)

همان گونه که پیش از این اشاره شد، به دلیل پیروی سپاه از اصل دو برابر شدن نیروهای عمل کننده در هر عملیات نسبت به عملیات قبلی، سازمان مناسبی برای سپاه طرح ریزی شد. در عملیات ثامن الائمه (ع) نیروهای سپاه با سازمان گردان وارد عمل شدند و مفهوم تیپ پس از این عملیات شکل گرفت.^(۷۱) بر اساس تأکید سپاه در سازمان رزم، بر نیروی انسانی، تیپ‌های جدید شکل گرفت. درباره تشکیل تیپ‌ها و نام‌گذاری آنها، سردار رشید می‌گوید:

> بیشتر اعداد ما برای نام‌گذاری مایل به اعداد تیپ‌های عراقی بودند تا ارتش خودمان. ارتش خودمان شماره‌های ۹۲، ۸۱، ۶۴ و کلاً اعداد بالاتر از ۳۰، ۴۰ را استفاده کرده‌اند ولی عراقی‌ها ۱ و ۲ تا ۱۲ ما آمدیم بین اینها را انتخاب کردیم و حداکثر را ۴۱ گذاشتیم، اول که حکم دادیم تیپ‌های ۸، ۲۵، ۱۴ تشکیل شد.^(۷۲)

بدین ترتیب، گسترش سازمان رزم سپاه و ارتقاء آن از گردان به تیپ** بر توان نظامی ایران افزود*** و این مسئله نقش مؤثری در تبیین استراتژی جنگ و طرح‌ریزی سلسله عملیات‌های بعدی داشت.****

* عراقی‌ها بعدها از شماره‌های سه‌رقمی برای نام‌گذاری نیروهای جیش‌الشعبی استفاده کردند ولی یگان‌های اصلی عراق در آن زمان همین شماره‌های دورقمی را داشتند.

** در کتاب دفاع مقدس - از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۱۶، در مورد تشکیل تیپ در سپاه آمده است: > سپاه پاسداران به بهره‌برداری از انگیزه علاقه‌مندی نیروهای بسیج مردمی که متعاقب موفقیت حاصله در عملیات ثامن الائمه (ع) ایجاد شده بود، یگان‌هایی در سطح تیپ تشکیل و در عملیات‌های بعدی شرکت داد.

*** در این زمان یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود یگان مانوری بود. چنان که در کتاب دفاع مقدس در همین زمینه آمده است: > یکی از عمده‌ترین مشکلات نیروی زمینی ارتش برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت‌ساز، کمبود یگان‌های مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگان‌ها در مواضع پدافندی بود (ص ۱۳۰). بنابراین، گسترش سازمان رزم سپاه عملاً ضعف و کاستی‌های ارتش را جبران کرد و بر توان نظامی ایران افزود.

**** سردار علی فضلی درباره تشکیل تیپ در سازمان سپاه اظهار داشت: > یکی دو ماه قبل از عملیات طریق القدس، زمان تشکیل تیپ‌های سپاه بود. تازه اولین باری بود که سپاه تیپ‌هایش را تشکیل می‌داد و سازمان‌دهی می‌کرد. من مأمور تشکیل تیپ احتیاط محمد رسول‌الله (ص) شدم تا آنها را برای شرکت در عملیات آماده سازم. تیپ‌های کربلا، امام حسین (ع) و عاشورا، تیپ‌های عمل کننده بودند و چون نیروهایشان کم بودند، گردان‌های ما به تیپ عاشورا مأمور شدند و من هم به عنوان جانشین فرمانده به کمک سردار جعفری فرمانده وقت آن تیپ رفتم.

[مؤسسه نشر آثار امام خمینی، امام و دفاع مقدس (خاطراتی از رزمندگان و فرماندهان سپاه اسلام - خاطرات علی فضلی)، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴]

در تبیین استراتژی جدید جنگ، دو تجربه ارزشمند که فراروی نیروهای سپاه قرار گرفته بود، نقش داشتند: نخست، تشکیل ستاد عملیات جنوب و طرح‌ریزی عملیات محدود و دومی، تجربه طرح‌ریزی عملیات ثامن‌الائمه(ع) و تلاش برای تصویب آن در شورای عالی دفاع و سپس هم‌آهنگی با برادران ارتش و اجرای آن با ترکیب مشترک بود. در مرحله جدید، با توجه به تجارب به دست آمده و در پی تلاش برای تعیین هویت سپاه در طرح‌ریزی عملیات و مشخص کردن جایگاه و نقش آن، اقدامات جدیدی برابر تدبیر فرماندهی سپاه انجام گرفت. برادر محسن رضایی در توضیح این اقدامات می‌گوید:

> ما بچه‌های سپاه را کاملاً جدا کردیم و گفتیم شما یک تیمی بشوید، طراحی عملیات بکنید و برادران ارتش هم یک تیم درست کنند [و] به صورت جداگانه، طراحی عملیات کنند، ولی بعد، در جلسه مشترک نظرمان را بگوییم، آنها هم نظرشان را بگویند. علت این تفکیک به خاطر این بود که می‌خواستیم به سپاه شکل بدهیم، یک سازمان درست کنیم. این که همین طوری بنشینیم در جلسات و معلوم نباشد کی چه می‌گوید، این یعنی این که هیچ وقت سپاه راه نیفتد و سازمان رزم سپاه شکل نگیرد، بنابراین، اولین تفکیک را ما قبل از عملیات طریق‌القدس انجام دادیم و گفتیم سپاه با هویت سپاهی‌گری باید طرح‌ریزی کند و ارتش هم با هویت ارتشی‌گری طرح‌ریزی کند. برادرمان صیاد خیلی مخالف بود، ولی ما محکم گرفتیم و گفتیم نه.^(۷۳)

گرچه آثار و نتایج اجرای این تصمیم در همان هنگام آشکار شد، ولی با گذشت زمان و به ویژه پس از تکامل اندیشه دفاعی سپاه و تلاش این نیرو در طرح‌ریزی عملیات‌های خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۵ و ... ارزش این اقدام روشن‌تر شد. در واقع، اگر منشأ تحول در جنگ - پس از بن‌بست نظامی حاصله از ناکامی تفکر کلاسیک و سنتی - حضور نیروهای انقلابی و مردمی در جنگ و تبیین استراتژی جدید بود، بنابراین، در تداوم آزادسازی مناطق اشغالی نیز بی‌گمان، تحول جدید باید روند تکاملی خود را طی می‌کرد و این امر میسر نبود مگر به آنچه فرمانده سپاه در تفکیک طرح‌ریزی عملیات‌ها انجام داد.

با تشکیل تیم جدید برای طرح‌ریزی عملیات، نیروهای سپاه همچنان در پایگاه منتظران شهادت (گلف) به تلاش‌های خود ادامه دادند. سردار رضایی در مورد این جلسات می‌گوید:

> جلسه‌ای در پایگاه منتظران شهادت - گلف سابق - گذاشته شد و با برادران صحبت کردیم که این طور درست نیست که ما می‌آییم برای یک عملیات این جا می‌نشینیم، ما باید یک سلسله عملیات‌هایی را طرح‌ریزی کنیم.^(۷۴)

دو اصل برای طرح‌ریزی در مرحله جدید در نظر گرفته شد: اول این که عملیات‌ها

مسلسل وار و پشت سرهم انجام شود و وقفه آن کوتاه باشد. دوم، در هر عملیاتی که صورت می‌گیرد دو تا سه برابر عملیات قبلی توان رزمی وارد صحنه شود.^(۷۵)

سردار رضایی همچنین در مورد نتیجه این تلاش‌ها و طرح‌ریزی سلسله عملیات‌های دوازده گانه کربلا می‌گوید:

>بعد از عملیات ثامن‌الائمه(ع) ما وارد دوران جدید و یک استراتژی جدید شدیم که قرار شد که در این مرحله ۱۲ عملیات شامل کربلای ۱ تا ۱۲ طرح‌ریزی شود. این ۱۲ عملیات اولین عملیات‌های منظمی بودند که از یک جایی شروع می‌شد و به یک جایی ختم می‌شد و پشت سرهم انجام می‌گرفت. مشخص بود هر عملیات کجا صورت می‌گیرد، حتی اسم‌گذاری هم شده بود.<^(۷۶)

اهداف مورد نظر در استراتژی جدید که بر پایه ترکیب و هم‌آهنگی* ارتش و سپاه تدوین شده بود، عبارت بودند از: الف) انهدام نیرو و امکانات دشمن برای کاهش توان نظامی عراق؛ ب) آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی و تمرکز قوا برای اجرای عملیات در سایر مناطق اشغالی؛ ج) آمادگی برای حمله نهایی و تعیین‌کننده به دشمن.

در واقع، با تداوم تهاجمات پی‌درپی به دشمن و انهدام نیرو و امکانات آن، مقدمات آزادسازی مناطق اشغالی فراهم می‌شد و در این صورت، با آزادسازی نیروهای خودی که در خطوط پدافندی در برابر عراق قرار داشتند، مقدمات وارد ساختن ضربه نهایی به دشمن به‌منظور تأمین حقوق جمهوری اسلامی، فراهم می‌شد. بر همین اساس، قرار شد ۱۲ طرح تحت عنوان کربلای ۱ تا ۱۲** تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی دفاع ارائه شود^(۷۷) که تنها پنج تا ۶ طرح آماده شد. در واقع، کلیه تحرکاتی که پس از این زمان انجام گرفت، در چارچوب استراتژی جدید و بر پایه طرح‌های ارائه شده بود.

* سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: <بخشی از تحول در روند جنگ متأثر از همکاری ارتش و سپاه بود. پیش از این، فضای سیاسی حاکم بر کشور و جنگ مانع از همکاری حقیقی و واقعی بود ولی با تغییر شرایط کشور، ارتباط صنعتی جای خود را به ارتباط متناسب با توان و قابلیت‌ها داد به همین دلیل نتیجه این وضع سبب افزایش توان نظامی جمهوری اسلامی شد.>

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۲۷)

** در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، صفحه ۱۳۰ در این زمینه آمده است: <در پایان سال اول تهاجم عراق لزوماً با قبول ریسک و تقییل یگان‌ها در مناطق پدافندی و تمرکز نیروی نسبتاً مناسب از یک طرف و مشارکت کامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سازمان‌دهی یگان‌های تیبی و لشکری از طرف دیگر، سلسله عملیاتی با نام کربلا طرح‌ریزی و اولین آن با نام کربلای ۱ یا طریق‌القدس در جبهه میانی صحنه عملیات خوزستان با موفقیت اجرا و...>

عملیات طریق القدس آزادسازی سوسنگرد و بستان و تأمین مرزهای بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران تنها دو ماه پس از پیروزی در عملیات ثامن الائمه(ع)، عملیات طریق القدس را در سال دوم جنگ (آذرماه سال ۱۳۶۰) با سرعت بسیار و بر پایه تحولات جدید و شور و هیجان ایجاد شده در کشور، به عنوان بزرگ‌ترین عملیات خود در مقیاس گسترده، طرح‌ریزی کرد. سازمان‌دهی نیروهای داوطلب با انگیزه شهادت‌طلبی در سازمان سپاه و در آستانه فرارسیدن ماه محرم، برجسته‌ترین ویژگی این عملیات بود.

علل انتخاب منطقه

پس از پاک‌سازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن الائمه(ع)، هنوز در جبهه جنوب سه منطقه در اشغال دشمن قرار داشت که عبارت بودند از: غرب رودخانه کارون و شهر خرمشهر، منطقه بستان و سوسنگرد و منطقه غرب رودخانه کرخه.* این مناطق از نظر وسعت، هدف، استعداد و گسترش نیروهای دشمن دارای موقعیت‌های متفاوتی بودند، بنابراین با توجه به توانایی و امکانات نیروهای خودی برای انجام عملیات، منطقه سوسنگرد و بستان برای عملیات انتخاب شد.

البته، در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود داشت؛ فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش با تأکید بر این که دشمن در غرب رودخانه کرخه حضور دارد و می‌تواند جاده اهواز - اندیمشک را تهدید کند و از سوی دیگر، در جناح شمالی منطقه عملیاتی استقرار یافته و در صورت هر نوع پیشروی در این منطقه، جناح راست نیروهای خودی در شمال و عقبه آنها تهدید خواهد شد، لذا با اجرای عملیات در این منطقه مخالف بود و بدین خاطر، پیشنهاد می‌کرد که عملیات در منطقه غرب رودخانه کرخه انجام شود.

در مقابل، بر پایه انطباق توانایی و مقدرات خودی با موقعیت منطقه از نظر وسعت و حجم نیروهای دشمن، برخی دیگر از فرماندهان جنگ بر اجرای عملیات در منطقه بستان و سوسنگرد اصرار می‌کردند. همچنین، آنها در پاسخ به استدلال مخالفان اجرای عملیات در

* در برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱ در این زمینه آمده است: <راه‌کارهای خودی: ۱- تک برای انهدام دشمن در غرب کرخه (منطقه عمومی دزفول). ۲- تک برای انهدام دشمن در غرب کارون (جنوب اهواز). ۳- تک برای انهدام دشمن در بستان و غرب سوسنگرد.>

این منطقه، بر چند موضوع تأکید داشتند؛ از جمله این که دشمن انگیزه و تمایلی برای آفند ندارد و در عین حال قادر به عبور از رودخانه کرخه و بستن جاده اهواز - اندیمشک نیست و اگر چنین بود، بی‌گمان پیش از این اقدام می‌کرد. افزون بر این عقیده، با توجه به روحیه نیروهای دشمن و فرماندهی متزلزل آنها، عراق قادر به پانک مؤثر برای تهدید جناح راست عملیات و یا عقبه نیروهای عمل‌کننده نمی‌باشد، زیرا لازمه این امر خروج از مواضع پدافندی و تحمل تلفات است که دشمن آمادگی پذیرش آن را ندارد. بر همین پایه، پیش‌بینی می‌شود، دشمن در این منطقه، سرسختانه در مواضع فعلی پدافند کند.^(۷۸)

در پی تغییر فرماندهی نیروی زمینی ارتش و مباحث طرح شده به هنگام انتخاب منطقه، عملیات آفندی در منطقه بستان و سوسنگرد در تقدم یکم قرار گرفت. دلایل این تقدم، ویژگی‌ها و امتیازات عملیات در این منطقه نسبت به سایر مناطق بود. دلایلی مانند:

- ۱- با توجه به توان نیروهای خودی نسبت به دو هدف دیگر، به آسانی دست‌یافتنی بود؛
 - ۲- نزدیکی بستان به مرزهای بین‌المللی و تأمین مرز به عنوان یک هدف مهم قابل دسترس بود و از نظر سیاسی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت؛
 - ۳- تصرف بستان، پیوستگی خطوط دشمن از مهران تا خرمشهر را از هم می‌گسست و امکان پشتیبانی متقابل شمال و جنوب بستان را از آن سلب می‌کرد؛
 - ۴- هرگونه تهدید اهواز از محور سوسنگرد - بستان مرتفع می‌شد^(۷۹)
- بدین ترتیب، بر پایه ویژگی‌های مثبتی که منطقه عملیاتی بستان - سوسنگرد داشت، این منطقه برای اجرای عملیات انتخاب و اقدامات ضروری برای آماده سازی آن آغاز شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات در شمال غربی اهواز قرار داشته و دارای زمین‌های مرتفع، پست و هموار می‌باشد که از شمال به ارتفاعات الله‌اکبر، میش‌داغ و تپه‌های رملی، در جنوب به رودخانه نیسان و هویزه، در غرب، از یک سو به دغاغله و رودخانه نیسان و از سوی دیگر، به رودخانه سابله و نهر عبید و روستای صالح‌حسن و از آن‌جا به سمت تپه‌های رملی در شمال امتداد می‌یابد و از شرق به هورالهویزه و تنگه چزابه و مرزهای بین‌المللی محدود می‌شود.*

* با استفاده از جزوه برآورد اطلاعات عملیات طریق القدس، نوشته سردار علی اسحاقی، صفحه ۲۵.

زمین منطقه در شمال، رملی و از جنس ماسه‌های بادی است. سمت بیشتر ارتفاعات منطقه، از شمال غربی به جنوب شرقی و شیب زمین در مکان‌های مختلف، متفاوت است. رودخانه‌های این منطقه شامل رودخانه کرخه با عرض تقریبی ۲۵ تا ۴۰۰ متر و عمق ۱/۵ تا دو متر است که عبور از آن بدون استفاده از پل‌های موجود، غیرممکن می‌باشد؛ رودخانه کرخه کور در حمیدیه که از رودخانه کرخه منشعب شده و تغییر مسیر می‌دهد؛ نهر سابله به عنوان شاخه جدا شده از کرخه و نهر نیسان به عنوان شاخه اصلی، جدا شده از کرخه که ابتدا به نام مالکیه وارد سوسنگرد شده و از آن جا به بعد نهر نیسان نامیده می‌شود. عوارض مصنوعی منطقه به این شرح بود: جاده آسفالتی سوسنگرد - پل سابله - بستان؛ جاده معروف به تعاون که دشمن ساخته بود و از حد فاصل بستان - سابله به پل نیسان و به سمت جفیر امتداد داشت؛ میدان‌های مین و مواضع احدثی دشمن. آبادی‌های این منطقه شامل دهلاویه، بردیه، دغاغله، سابله، جزایه و دیگر روستاها می‌باشد.^(۸۰)

وضعیت دشمن

ارتش عراق پس از ناکامی در تصرف سوسنگرد و پیشروی به سمت اهواز، در خارج از شهر و غرب سوسنگرد مواضع پدافندی خود را با استفاده از موانع طبیعی و مصنوعی در محور جابر حمدان در شمال رودخانه کرخه و محورهای دهلاویه، سویدانی و هویزه در جنوب کرخه به گونه‌ای مناسب تحکیم و تثبیت کرد.

عراقی‌ها پس از عملیات ثامن الائمه (ع) و تحمل ضربه مهلک ناشی از آن، تمام توان خود را برای شناسایی تحرکات و مقاصد نیروهای خودی بسیج کرد و تا ۶۰ درصد موفق به کشف این اطلاعات شد.^(۸۱) اما به دلیل نقص اطلاعات، همچنان در تردید به سر می‌برد و در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که یکی از راه‌کارهای احتمالی نیروهای خودی و تمرکز "تلاش اصلی" برای عملیات، در محور غرب سوسنگرد، عبور از پل سابله به سمت بستان و نیز "تلاش پشتیبانی"، از شمال کرخه و محور الله‌اکبر، جنوب ارتفاعات رملی به سمت غرب و تنگه جزایه می‌باشد.^(۸۲) دشمن برای مقابله با این راه‌کارها، ترکیب و شکل استقرار نیروهای خود را با استفاده از موانع موجود آرایش داد. ارتش عراق که برای پشتیبانی و تقویت نیروهای خود به پل‌های روی رودخانه‌های کرخه و سابله و جاده‌های شمالی - جنوبی متکی بود، حفاظت و حمایت از پل‌ها را تشدید کرد.^(۸۳) در عین حال، عوارض رودخانه‌های منطقه تحرک فوق‌العاده و پشتیبانی سریع را برای دشمن غیرممکن کرده بود.

استعداد دشمن

نیروهای دشمن در شمال کرخه شامل تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵، تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۴ پیاده کوهستانی، گردان ۱ پیاده از تیپ ۲۳، تیپ ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص و نیروهای جیش‌الشعبی بود.

نیروهای دشمن در جنوب کرخه شامل تیپ‌های ۲۵ مکانیزه و ۱۶، ۳۰ و ۹۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی، تیپ ۴۸ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، تیپ ۱۲ زرهی از لشکر ۳ زرهی، یک گردان از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص، گردان ۲۰ دفاع‌الواجبات، نیروهای کماندویی لشکر ۷ پیاده و نیروهای جیش‌الشعبی بود.^(۸۴)

دشمن پس از آگاهی از سمت تک نیروهای خودی اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- جابه‌جایی تیپ ۳۰ زرهی با تیپ ۳۵؛
- ۲- تقویت منطقه غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ نیروی مخصوص؛
- ۳- تمرکز تیپ ۳۱ نیروی مخصوص و گروه‌های کماندو در شمال کرخه، تنگه جزابه و پل‌های کرخه؛
- ۴- ایجاد تمرکز در گردان‌های تیپ ۱۲ در شمال کرخه و تنگه جزابه به عنوان نیروی احتیاط و پاتک؛
- ۵- ایجاد تمرکز در تیپ ۴۸ پیاده و تیپ ۹۳ در مثلث فینیخی و شمال کرخه؛
- ۶- ایجاد تمرکز در گردان‌های تیپ ۲۶ شمال کرخه به ویژه خطوط دوم؛
- ۷- تقویت خطوط دفاعی غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ زرهی، گردان‌های طارق و المثنی؛
- ۸- جابه‌جایی تیپ ۱۰ زرهی از منطقه مسیله به حوالی قرارگاه لشکر ۶ زرهی به عنوان احتیاط آن لشکر برای اجرای تک در منطقه غرب سوسنگرد؛
- ۹- تمرکز در ذخیره مهمات توپخانه و تانک و سلاح ضدتانک و ضدهوایی و افزایش مهمات خطوط اول؛
- ۱۰- تمرکز در تقویت نیروی حمایت از پل‌ها و تقویت سلاح و مهمات مربوط به آن.^(۸۵)

* البته بخشی از این یگان‌ها در جنوب رودخانه نسیان و کرخه کور (نور) بودند و بعد از مرحله اول عملیات وارد منطقه شدند.

(یادداشت‌های سردار غلامعلی رشید بر حاشیه کتاب حاضر)

اقدامات نیروهای خودی پیش از عملیات

مهم‌ترین اقدامات نیروهای خودی حدفاصل عملیات‌های ثامن‌الائمه(ع) تا طریق‌القدس، عبارت بود از:

- ۱- شناسایی خطوط و عمق دشمن؛ مهمترین شناسایی عمق با هدف انهدام دشمن در شمال غربی رودخانه نیسان شامل منطقه غرب سوسنگرد و حاشیه هور و از پشت دشمن در روستاهای دقار، نهرکسر، شیخ محمود و تا حوالی بیت‌نعمه می‌شد.^(۸۶) برای شناسایی معابر خودی به دشمن و برعکس، شناسایی موانع مصنوعی شامل میادین مین، خاکریزها و سایر تأسیسات و نیز شناسایی و ثبت تحرکات و استعداد پشتیبانی دشمن اعم از هوایی، هوانیروز، توپخانه و پدافند هوایی اقداماتی انجام گرفت. "همچنین، منطقه شمال کرخه در حدفاصل جناح دشمن و ارتفاعات میشداغ در منطقه رملی نیز شناسایی شد که اطلاعات آن بسیار حائز اهمیت بود و منجر به طرح‌ریزی عملیات به صورت احاطه‌ای شد و جاده معروف بر روی منطقه رملی نیز بر اساس همین اطلاعات و برابر نیاز عملیات احداث شد و بدین ترتیب، امکان دسترسی نیروهای خودی در خیز اول به عقبه دشمن در تنگه چزابه فراهم شد."^{*}
 - ۲- سازمان‌دهی نیروهای مردمی به کوشش و تدبیر سپاه پاسداران، به گونه‌ای که در محاسبات عملیات، میزان استعداد و توان سپاه به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در آغاز عملیات و کسب موفقیت مورد تأکید قرار گرفت.
 - ۳- طرح‌ریزی عملیات بر پایه شناسایی از منطقه و توان موجود نیروهای خودی و انجام دادن برخی جابه‌جایی‌ها و تقویت منطقه که با ظرافت و دقت خاصی انجام گرفت.
 - ۴- نزدیک کردن خطوط خودی به دشمن با ایجاد خاکریزهای کوتاه.^(۸۷)
 - ۵- اجرای طرح آب برای محدود کردن خطوط پدافندی و آزاد کردن نیرو.^(۸۸)
 - ۶- احداث جاده‌ای به طول ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر در زمین‌های رملی شمال منطقه عملیاتی^{**} به کوشش برادران جهاد سازندگی.^(۸۹)
- در پی شهادت برخی از فرماندهان ارتش و سپاه پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع)، انتصاب‌های جدید موجب تغییراتی در مدیریت جنگ شد که در گسترش و تعمیق همکاری سپاه و ارتش نقش به‌سزایی داشت.

* این توضیح بر اساس یادداشت‌های سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر نوشته شده است.

** احداث این جاده که مورد استفاده نیروهای سپاه قرار گرفت، نقش بسیار تعیین‌کننده و اصلی در کسب پیروزی داشت.

طرح عملیات

الف) مأموریت و اهداف

در طرح کربلای ۱ پیش‌بینی شده بود که نیروهای سپاه و ارتش می‌بایست با عملیات آفندی وسیع و انهدام گسترده قوای دشمن در این منطقه، توان رزمی و میل جنگ‌جویی نیروهای متجاوز را به شدت کاهش دهند و برای اجرای آفند نهایی جهت بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغالی آماده باشند.^(۹۰) اهداف این عملیات عبارت بودند از:

۱- قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه جزابه*؛

۲- آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای دیگر؛

۳- رسیدن به مرز بین‌المللی در منطقه شیب و هورالعظیم؛

۴- آزادسازی منطقه‌ای به وسعت نزدیک به ۳۵۰ کیلومتر مربع^(۹۱)

در واقع، لازمه اجرای این مأموریت، تأمین سه هدف شامل بستان، غرب سوسنگرد تا هور و شمال رودخانه نیسان بود. این اهداف تأثیر متقابل و یکسانی بر یکدیگر داشتند و تأمین یکی از آنها بدون تأمین دو هدف دیگر و یا حداقل، هدف مجاور، ممکن نبود و نگه‌داری هدف را بی‌نهایت مشکل و حتی غیرممکن می‌ساخت.^(۹۲)

ب) سازمان رزم

نیروهای شرکت‌کننده از ارتش جمهوری اسلامی در این عملیات عبارت بودند از:

- تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶ قزوین؛

- تیپ ۱ از لشکر ۷۷ پیاده خراسان؛

- تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز.

همچنین سه گردان توپخانه تقویت شده برای کمک مستقیم به تیپ‌های عمل‌کننده مأمور شده بودند.

نیروهای شرکت‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این عملیات عبارت بودند از:

- تیپ ۱ عاشورا به استعداد ۹ گردان پیاده؛

- تیپ ۲ کربلا به استعداد سه گردان پیاده؛

* سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: <هدف از عملیات طریق‌القدس این بود که مابین جبهه دزفول (غرب کرخه) و جبهه اهواز (جنوب

غرب اهواز - غرب کارون) فاصله بیندازیم و در حقیقت تدارک‌رسانی سریع دشمن را از این دو جبهه طولانی کنیم >...

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۵/۷/۱۲)

- تیپ ۳ امام حسین(ع) با هشت گردان پیاده؛

- تیپ ۴ امام سجاد(ع) با چهار گردان پیاده؛

- تیپ امام حسن(ع) با سه گردان به عنوان احتیاط.

در مجموع، استعداد نیروهای ارتش شامل شش گردان تانک، شش گردان مکانیزه و یک گردان پیاده و ۳۰ آتشبار توپخانه بود. استعداد نیروهای سپاه نیز شامل ۲۷ گردان پیاده، دو گردان مکانیزه، یک گردان تانک و دو گردان تقویت شده ادوات بود.*

در این طرح بر اساس گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، توان رزمی نیروهای خودی و دشمن این گونه مقایسه شده است:

> از نظر تعداد تانک به نسبت ۲/۵ به یک و از نظر تعداد یگان‌های مکانیزه به نسبت دو به یک بر او برتری داریم و از نظر تعداد نفربر یک به یک مساوی و از نظر یگان‌های پیاده، ما با احتساب سپاه پاسداران به نسبت چهار به یک بر او برتری داریم. از نظر آتش توپخانه، ما به نسبت ۲/۵ به یک بر او برتری داشته ولی چنانچه محدودیت مهمات همچنان ادامه یابد و مرتفع نگردد، این نسبت تقلیل می‌یابد... دشمن با توجه به دارا بودن یک تحرک عالی و احداث جاده در منطقه اشغالی، دارای امکانات یک واکنش سریع و شدید در مقابل ما بوده و نسبت دارا بودن یگان احتیاط و تقویت در سطح تیپ زرهی با مکانیزه سه به یک به نفع دشمن برآورد می‌شود.<^(۹۳)

این گزارش عنصر اصلی برتری بر دشمن را حضور سپاه و روحیه تهاجمی اش می‌داند:

> تفوق غیرقابل انکار ما بر دشمن میل جنگ‌جویی و روحیه تهاجمی سپاه پاسداران می‌باشد که به نیروهای رزمنده ارتش نیز توانایی تازه می‌دهد.<^(۹۴)

همچنین، در این گزارش آمده است که دشمن، از نظر وضعیت زمین و نیروی هوایی بر

نیروهای خودی برتری دارد. در پایان گزارش نیز به عنوان نتیجه‌گیری آمده است:

> از نظر عوامل فیزیکی، توان رزمی به غیر از یگان‌های پیاده و احتمالاً توپخانه، برتری با دشمن ولی از نظر عوامل نامحسوس مانند روحیه تهاجمی نیروهای رزمنده و میل به پایان دادن جنگ

* در کتاب دفاع مقدس منتشره نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۱۷، استعداد ارتش، لشکر ۱۶ زرهی، لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۱ لشکر ۷۷ نام‌الایم(ع) ذکر شده است. همچنین در "گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی"، ص ۳، آمده است: «طبق برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱، در ۲۵ آبان ۱۳۶۰، نیروهای تک‌ور با سه تیپ زرهی در مجموع شامل شش گردان تانک، شش گردان مکانیزه، یک گردان پیاده و یک گردان سوار زرهی با ۱۳۰ دستگاه تانک و ۱۸۰ دستگاه نفربر و نیروهای سپاه نیز با سه تیپ شامل ۱۰ گردان وارد عمل می‌شدند.»

و شکست متجاوز، برتری با ما خواهد بود. ^(۹۵)

بنابراین، در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی عنصر اصلی برتری نیروهای خودی بر دشمن نیروهای پیاده و از نظر عوامل نامحسوس، "روحیه تهاجمی و میل جنگ‌جویی" ذکر شده است که اساساً هر دو مورد متکی بر حضور نیروهای سپاه بود.

ج) طرح مانور

در طرح‌ریزی عملیات طریق‌القدس، بر پایه تجارب به دست آمده از عملیات‌های پیشین و شناختی که از تدابیر پدافندی دشمن مبنی بر "پدافند عمق‌دار" و پاتک‌های سریع و سنگین وجود داشت، دست‌یابی به نیروهای احتیاط دشمن مورد تأکید قرار گرفت. * با توجه به این‌که مواضع دشمن در محور شمالی شامل رودخانه کرخه واقع در غرب تپه‌های الله‌اکبر به لحاظ وضعیت زمین، ضعیف بود و همچنین، دشمن درک روشنی از طرح عملیات این محور نداشت، لذا این منطقه به عنوان "تاکتیک ویژه عملیات" که عبور از منطقه رملی و دور زدن رده‌های دوم و سوم دشمن در عمق بود، مورد توجه سپاه قرار گرفت.**

در این حال، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب، بنابر تفکر کلاسیکی،*** عملیات در این محور را بسیار سخت و تا اندازه‌ای ناممکن می‌دانستند. در برآورد این قرارگاه از طرح مانور چنین آمده است:

«در شمال کرخه برای تک به دشمن و تأمین هدف خود در شمال بستان ما مجبور به عبور از مواضع بسیار مستحکم پدافندی دشمن هستیم که به شکل عصا بوده که دارای ۸/۵ کیلومتر طول

* با استفاده از گزارش برادر داوود رنجبر از عملیات طریق‌القدس سند شماره ۶۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

** لازمه اجرای این تاکتیک، شناسایی عمق منطقه و دشمن بود که برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه انجام گرفت. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «ما این‌جا تقریباً به آن تاکتیک حضرت امیر - سلام‌الله‌علیه - در غزوه خیبر عمل کردیم؛ یعنی آمدم از داخل رمل‌هایی که تقریباً احتمال داشت افراد از تشنگی هلاک شوند، نیروها را عبور دادیم.»

(سرلشکر محسن رضایی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۵/۷/۱۲)

*** در این محور قرار بود ابتدا نیروهای سپاه وارد عملیات شوند و پس از انهدام دشمن و پاک‌سازی منطقه، نیروهای ارتش برای پشتیبانی از تک وارد عملیات شوند. گفتنی است که در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی از وضعیت طرح کربلای ۱، پس از ذکر محاسن و معایب طرح آمده است: «منطقی است اگر بپذیریم که پیروزی در این طرح چنان مزیت تاکتیکی و برتری نسبت به دشمن که مورد نظر است، به ما نخواهد داد که توان دشمن را برای ادامه جنگ در هم شکنند. بر همین اساس، پیشنهاد شد که نیروهای خودی، دشمن را در منطقه دیگری نیز مشغول کنند تا دشمن مجبور شود تلاش‌های خود را برای مقابله با این خطر به دو جبهه اختصاص دهد.

و در جنوب به مانع رودخانه کرخه و در شمال به تپه‌های رملی دامنه میشداغ متکی می‌گردد.»

در این برآورد همچنین با توجه به امکان مانور در این منطقه، آمده است:

«هرگونه مانور احاطه‌ای یا دورانی توسط نیروهای زرهی و مکانیزه غیرمقدور بوده و در صورت عدم موفقیت نیروهای پیاده و پاسدار - که باید به هر طریق در این مانع نفوذ کرده و آن را ساقط نمایند - ما مجبور به اتخاذ تک جبهه‌ای به این مانع و تمرکز تلاش در چند نقطه برای رخنه در آن هستیم و بخوبی روشن است که تک جبهه‌ای نیروهای زرهی و مکانیزه به چنین مانع عظیمی اگر صددرصد با شکست توأم نباشد، با تلفات و ضایعات غیرقابل تصویری همراه خواهد بود.»

بنابراین تحلیل، نیروهای ارتش که بیشتر زرهی و مکانیزه بودند، با توجه به زمین منطقه، عقیده داشتند که امکان تک جبهه‌ای ناممکن است و عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی را با توجه به مشکلات آن، تا اندازه‌ای دشوار می‌دانستند. به عقیده آنها اگر عملیات از این محور صددرصد با ناکامی همراه نباشد، دست کم دارای تلفات و ضایعات غیرقابل تصویری خواهد بود. به همین دلیل در این برآورد تأکید شده است:

«مگر آن‌که این موانع قبل از هجوم یگان‌های تانک و مکانیزه با اجرای تک سریع و توأم با غافل‌گیری یگان پیاده و به ویژه سپاه پاسداران از زمین‌های رملی شمالی، تسخیر و سقوط کرده و با استفاده از معابر ایجاد شده در میداین مین و برداشتن سیم‌های خاردار و مواضع ضدتانک و بریدن خاکریز نیروهای مکانیزه و زرهی به خاکریزهای بعدی مانور نماید.»

بدین ترتیب، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب طرح‌ریزی عملیاتی بر پایه عبور نیروهای سپاه از تپه‌های رملی در شمال را به عنوان محور اصلی تهاجم، نادرست ارزیابی کرده و بر این باور بودند که ناکامی در این محور، به ناکامی در سایر محورها می‌انجامد؛ در صفحه ۷ این برآورد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آمده است:

«مشکل بزرگ کار ما تک سریع و غافل‌گیرکننده سپاه پاسداران و عناصر پیاده با دور زدن جناح شمالی و سرازیر شدن به سنگرهای متجاوزان] در داخل خاکریز است که باید دقیقاً طرح‌ریزی، شناسایی، محاسبه تهیه و تدارک و سپس اجرا گردد.»

تردیدهای موجود در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی سبب شد تا فرماندهی وقت این نیرو، سرهنگ صیاد شیرازی، پس از مطالعه این برآورد و تشکر از تهیه‌کنندگان آن، که بر اساس "آگاهی‌های علمی و تخصصی خود" و "واقعیت‌های موجود در میدان نبرد" آن را تهیه کرده بودند، نکاتی را به آنها گوشزد کند که بسیار بااهمیت بود:

> همان طوری که کراراً تذکر داده‌ام بسیاری از کیفیت‌های رزمی کلاسیک یگان‌های ما حقیقت ندارد و بسیاری کیفیت‌های رزمی جدید در صحنه‌های رزم ما ظهور کرده است که برادرانم تقریباً شناخت کاملی از آن نداشته و آن را در برآورد خویش منظور نمی‌کنند.<

شهید صیاد شیرازی همچنین در حاشیه متن برآورد نوشت:

> ترکیب مقدس نیروهای رزمنده ارتش و سپاه در صورتی که به خوبی به کار گرفته شود و هدایت گردند، بسیاری از موارد ذکر شده در بند معایب را خنثی می‌کند.<

در ادامه این حاشیه آمده است:

> با عدم شناختی که دشمن به این کیفیت‌ها دارد و پشتیبان واقعی ما خدا می‌باشد، حمله را آغاز و به یاری پروردگار یکتا، پیروزی شایسته را نصیب رزمندگان اسلام خواهیم کرد.<

بدین ترتیب، با وجود برخی تردیدها، طرح‌ریزی مانور عملیات از محورهای مختلف انجام گرفت که به آن اشاره می‌شود:

۱- شمال رودخانه کرخه به عنوان تلاش اصلی*

چنان‌که ذکر شد عملیات در این محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا دشمن تصور نمی‌کرد که نیروهای خودی از این محور دست به حمله بزنند؛ علاوه بر آن، همزمان با آغاز درگیری، نیروهای احتیاط نیز می‌توانستند به عمق دشمن تعرض کنند و در صورت کسب موفقیت، عملیات در محور جنوبی با تک جبهه‌ای می‌توانست موفق شود.

در این محور، تیپ ۴ امام‌سجاد(ع)، به همراه یک گردان تانک ارتش مأموریت داشتند با پشت سر گذاشتن استحکامات دشمن، و پیشروی در عمق، با استفاده از جاده‌ای که جهاد سازندگی احداث کرده بود، به تنگه چزابه حمله کنند و تیپ امام‌حسین(ع) و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی نیز مأموریت داشتند در تک جبهه‌ای با دشمن درگیر شوند.

۲- غرب سوسنگرد (از جنوب رودخانه کرخه تا رودخانه میسان)

گسترده‌گی زمین منطقه، هدف‌های متعدد موجود که در آن، جبهه‌ای بودن عملیات و نیز مواضع مستحکم دشمن در این منطقه، موجب انتخاب دو محور شد:

الف- جاده سوسنگرد - بستان، از دهلاویه تا نهر سابله: هدف این محور الحاق با تیپ امام‌حسین(ع) و تصرف بستان بود، لذا این محور اهمیت خاصی داشت. اساساً موفقیت در

* این بحث با استفاده از سند شماره ۶۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش‌های عملیات‌های بزرگ مقطع سوم (از ثامن‌الائمه(ع) تا بیت‌المقدس)، گزارش برادر داوود رنجبر نوشته شده است.

این محور به‌طور کامل بستگی به موفقیت در محور شمالی (عبور از تپه‌های رملی) داشت. در این محور تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیپ ۲ پیاده کربلا از سپاه مأموریت داشتند، با حمله به مواضع دشمن و انهدام آنها، پل‌های سابله را تصرف کرده و با تأمین جناح جنوبی پل حاج‌مسلم و تأمین شهر بستان، پس از عبور از پل رمیم، تا منطقه جنوب پل ابوچلاچ را تأمین کنند. در این محور نیز مقرر شد، ابتدا نیروهای سپاه با حمله به مواضع دشمن و انهدام آنها، هدف‌ها را تصرف و تأمین کنند، سپس تیپ ۲ از لشکر ۱۶ برای پشتیبانی تک، وارد عمل شود.*

ب- از میله ۲ تا دغاغله: هدف اصلی در این محور، انهدام نیروهای دشمن در منطقه شمال رودخانه نیسان بود. در این محور تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیپ ۱ پیاده عاشورا از سپاه مأموریت داشتند که همزمان با محورهای دیگر، تک را آغاز کنند و پس از انهدام دشمن و تصرف و تأمین پل‌ها و سرپل‌های دشمن، روی رودخانه نیسان و حاشیه آن، ضمن پدافند در کناره شمالی این رودخانه، بنا به دستور آماده شوند تا در جنوب این پل‌ها، ادامه تک دهند و نیروهای دشمن را در این منطقه منهدم کرده و پس از آن، در حد فاصل آب‌گرفتگی هویزه تا روستای ابوسخیل (رفیع) پدافند کنند.

تشریح عملیات**

با وجود مشکلاتی که در زمان طرح‌ریزی و تهیه مقدمات عملیات طریق القدس وجود داشت - از جمله احداث جاده در منطقه تپه‌های رملی - عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه پس از نیمه‌شب ۸ آذر ۱۳۶۰ با رمز "یا حسین(ع)" و با تکیه بر تاکتیک ویژه، یعنی عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی به عنوان محور اصلی تهاجم، آغاز شد. به هنگام شروع عملیات باران به شدت می‌بارید و همین امر سبب شد تا نیروهای دشمن - علی‌رغم هوشیاری نسبی - تصور کنند، ریزش باران موجب انصراف رزمندگان از اجرای عملیات خواهد شد، به همین دلیل، با خیال آسوده به درون سنگرهای خود خزیدند. در حالی که بارش باران در منطقه رملی موجب چسبندگی در سطح زمین و در نتیجه، سهولت در حرکت نیروها شد. در محور شمالی رزمندگان برای تصرف و تأمین تنگهٔ چزابه، از سه محور عمل کردند. در

* سردار غلامعلی رشید در یادداشت‌های خود بر حاشیه این کتاب درباره چگونگی عمل نیروهای سپاه و تیپ ۲ از لشکر ۱۶ در محور جاده سوسنگرد - بستان نوشته است که "این طور نبوده است".

** برای نگارش این بحث، از گزارش برادر داوود رنجبر (گزارش ۶۸۹ پیشین) نیز استفاده شده است.

محور اول؛ نیروهای خودی "خاکریز عصا شکل" دشمن را به عنوان خاکریز خط مقدم تصرف و منطقه جابر حمدان تا تپه‌های شنی را پاک‌سازی کردند. در محور دوم؛ این نیروها از دیدگاه شماره ۱، در تپه‌های شنی وارد عمل شده و موفق به انهدام احتیاط رده اول دشمن شدند. در محور سوم که از دیدگاه شماره ۳ در شمال تپه‌های شنی آغاز شده بود، نیروهای خودی با دو فلش، نیروهای احتیاط رده دوم و توپخانه دشمن را مورد حمله قرار دادند.

در این حال، دشمن که به هیچ‌وجه انتظار حمله در حالت بارانی، آن هم در محور شمالی را نداشت، کاملاً غافل‌گیر شد. رده‌های اول و دوم احتیاط و توپخانه دشمن که در این منطقه مستقر بودند از پشت مورد حمله قرار گرفتند و در کمتر از یک ساعت پس از شروع درگیری، آتش توپخانه دشمن خاموش شد و تعداد ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلیمتری، سالم به دست نیروهای خودی افتاد. اجرای مانور با تانک‌های غنیمتی - در عملیات ثامن‌الائمه(ع) - دشمن را در این محور کاملاً گیج کرده بود، زیرا دشمن در حالی که هرگز حتی عبور نیروهای پیاده را از روی تپه‌های رملی تصور نمی‌کرد و این امر را تنها با هلی‌برد امکان‌پذیر می‌دانست، شاهد حضور تانک‌های ایران در مقابل خود بود. با نفوذ نیروهای خودی به عمق مواضع دشمن از محور شمال، مقر تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ عراق تسخیر شد و کلیه نیروهای این تیپ - به جز شمار اندکی از فرماندهان آن - به هلاکت رسیدند.

در محور جنوبی، حمله نیروهای خودی از دو محور و با هدف تصرف بستان و انهدام نیروهای دشمن در شمال منطقه نیسان آغاز شد، ولی با وجود موفقیت در برخی از محورها، پیشروی نیروها بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن، متوقف شد. چنان‌که در محور دهلاویه، با آن‌که نیروهای خودی از موانع و استحکامات دشمن عبور کرده و پل سابله را تصرف کردند، ولی در یک تک جبهه‌ای و با افزایش فشار دشمن، در جاده بستان زمین‌گیر شدند. در محور سویدانی نیز، نیروهای خودی با وجود پیشروی در مواضع عراق و تصرف یکی از پل‌های دشمن بر روی رودخانه نیسان، با روشن شدن هوا مجبور شدند در مواضع مناسب‌تری استقرار یابند.

پیروزی کامل عملیات در محور شمالی و لزوم تداوم آن سبب شد تا شهر بستان که از اهداف محور جنوبی بود، در ساعت ۹ صبح روز اول عملیات به دست نیروهای محور شمالی آزاد شود. عراقی‌ها که در نزدیکی پل سابله مستقر بودند، می‌توانستند با پاتک خود تمام دست‌آوردهای عملیات را تهدید کرده و بستان را دوباره به اشغال درآورند. به همین دلیل، کلیه تلاش‌ها در روز اول و شب دوم به تثبیت منطقه تصرف شده معطوف شد. اما هوشیاری

دشمن، جبهه‌ای بودن تک و تعجیل در اجرای عملیات موجب ناکامی در محور جنوبی شد.

نقشه عملیات طریق القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ (منطقه
عمومی بستان)

واکنش دشمن*

در نخستین ساعات روز اول عملیات، یگان‌های زرهی و مکانیزه دشمن برای جلوگیری از حمله نیروهای خودی به داخل تنگه چزابه و ممانعت از پیشروی آنها، دست به پاتک زدند. مسدود بودن جاده بستان به شیب سبب شد که نیروهای تقویتی دشمن از محور عماره - شیب وارد منطقه عملیاتی شوند. در این حال، نیروهای خودی تمام تلاش‌های سنگین و اولیه نیروهای دشمن را در داخل تنگه چزابه و نزدیکی پل سابله سرکوب کردند. در همین حال بمباران شدید شهر بستان در دستور کار نیروهای عراقی قرار گرفت.

دشمن برای بازپس گرفتن منطقه، در بعدازظهر روز اول عملیات پاتکی را طرح‌ریزی کرد که بر اساس این طرح قرار بود نیروهای دشمن با تاریک شدن هوا از سه محور حمله خود را آغاز کرده و در شهر بستان با یکدیگر الحاق کنند. هدف این پاتک بازپس‌گیری شهر و تمام منطقه تصرف شده بود. قرارگاه نیروهای شیب از شمال و قرارگاه فرماندهی لشکر ۵ مکانیزه از جنوب، فرماندهی این عملیات را بر عهده داشتند. این دو قرارگاه تابع سپاه چهارم ارتش عراق بودند. همچنین دشمن تصمیم گرفت علاوه بر پل سابله و پل تعاون، دو پل مهندسی دیگر برای عبور یگان‌ها بر روی رودخانه سابله نصب کند.

یگان‌های ستون اول شامل تیپ گارد ریاست جمهوری، تیپ ۳۱ نیروی مخصوص، تیپ ۳۲ نیروهای ویژه، تیپ ۱۷ زرهی، تیپ‌های ۱۸، ۱۹، ۳۶ و ۳۹ پیاده و گروهان‌های کماندو، قرار بود در محور پاسگاه شیب، تنگه شیب و شهر بستان حرکت و پیشروی کنند.

یگان‌های ستون دوم شامل تیپ‌های ۱۲ و ۳۰ زرهی، تیپ ۲۵ مکانیزه، تیپ ۴۸ پیاده، گردان دوم تیپ ۹۶ پیاده قاطع البصره از جیش‌الشعبی، می‌بایستی در محور رودخانه نیسان، پل سابله و شهر بستان حرکت و پیشروی می‌کردند.

یگان‌های ستون سوم شامل تیپ ۱۶ زرهی، تیپ‌های ۲ و ۱۵ پیاده مکانیزه و یک گردان از تیپ ۳۳ قرار بود در محور رودخانه نیسان، پل تعاون و شهر بستان پیشروی کنند. بدین ترتیب، در ساعت ۲۲، ستون اول دشمن که تیپ گارد پیشاپیش آن قرار داشت،

* این بحث با استفاده از اظهارات اسیران عراقی تحت عنوان "تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق"، نوشته اسرای عراقی، نگاشته شده است.

پیشروی خود را از منطقه تجمع شیب آغاز کرد ولی در داخل تنگه با مقاومت شدیدی روبه‌رو شد. در این حال، با آن‌که تیپ ۳۲ نیروی مخصوص دشمن برای تقویت این ستون وارد عمل شد، ولی اوضاع بهبود نیافت. چنان‌که سرانجام، ستون دشمن روز بعد با روشن شدن هوا و با وجود پیشروی نیروهای تیپ ۱۷ زرهی عراق - که با نیروهای پیاده تقویت شده بودند - موفق به پیشروی نشد و عقب‌نشینی کرد. فرماندهی دشمن در ساعت ۳ بامداد به تیپ الولید دستور داد، از پل سابله عبور کرده و سرپل را توسعه دهد تا نیروها از این محور بتوانند به سمت بستان حرکت کنند. توقف یگان‌های ستون اول و گندی در پیشروی یگان‌های ستون دوم سبب شد تا فرماندهی دشمن با استفاده از موفقیت به دست آمده در این محور، فرمان پیشروی به سمت بستان را صادر کند. یگان‌های ستون سوم به‌طور کامل از اجرای مأموریت خود بازماندند، زیرا نتوانستند سرپل را اشغال یا حتی از آن عبور کنند. در روز دوم عملیات، فرماندهی دشمن به یگان‌های ستون دوم و سوم دستور عقب‌نشینی داد. علت شکست پاتک دشمن، بیشتر متأثر از عوامل زیر بود:

- ۱- حجم فراوان یگان‌های دشمن در منطقه‌ای محدود؛
- ۲- سرعت و شتاب دشمن در طرح‌ریزی پاتک؛
- ۳- مشارکت یگان‌هایی در پاتک، که مورد تهاجم نیروهای قرار گرفته بودند و از روحیه و انسجام لازم برخوردار نبودند؛
- ۴- مقاومت نیروهای خودی؛
- ۵- اجرای آتش مناسب روی دشمن؛
- ۶- به‌کارگیری مناسب سلاح‌های ضدزره.

بدین ترتیب، تلاش دشمن در روز اول، شب دوم و روز دوم عملیات به شکست انجامید. تصرف پل سابله* به دست یگان‌های دشمن می‌توانست تمام دست‌آوردهای عملیات را مورد تهدید قرار دهد. در روزهای بعد، دشمن با وجود تلاش‌هایش در تنگه چزابه و پل سابله، موفقیتی کسب نکرد و نیروهای خودی پس از شش روز، منطقه تصرف شده را پاک‌سازی و تأمین کردند. نیروهای خودی در ادامه برای آزادسازی منطقه میان شمال رودخانه نیسان و

* در سند به دست آمده از گردان ۳ مکانیزه تیپ ۱۲ زرهی عراق در مورد اهمیت پل سابله آمده است: >پل سابله و منطقه مثلث که رود کرخه به سمت پل سابله از آن جدا می‌شود، از مواضع تاکتیکی مهمی به شمار می‌روند که باید حتماً در تصرف نیروهای خودی بوده و مانع از تسلط دشمن بر آنها بشوند.<

(برآورد اطلاعات عملیات طریق القدس، سردار علی اسحاقی، ص ۶۶)

جنوب رودخانه سابله، سعی در طرح‌ریزی عملیات کردند ولی با عقب‌نشینی ناگهانی دشمن به شمال رودخانه نیشان، نیروهای خودی بدون اجرای عملیات بر منطقه، مسلط شدند.

خسارات و تلفات وارده به دشمن*

در این عملیات ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو و همچنین چهار فروند هلی‌کوپتر و ۱۳ فروند هواپیمای دشمن منهدم شد. همچنین، ۳۵۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۴۶ تن دیگر به اسارت نیروهای خودی درآمدند و بیش از ۱۵ تیپ دشمن از ۱۰ تا ۹۰ درصد منهدم و از صحنه نبرد خارج شدند. ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلی‌متری، ۲۵۰ خودرو، ۷۰ قبضه ضدهوایی ۲۳ و ۱۴ میلی‌متری و تعدادی ماشین‌آلات مهندسی نیز به دست نیروهای خودی افتاد.

ارزیابی عملیات

امام خمینی در نخستین واکنش در برابر پیروزی در عملیات طریق‌القدس، به اصلی اشاره فرمودند که جوهره و باطن تحولات اخیر و پیروزی‌ها به شمار می‌رفت و فراتر از پیروزی ظاهری در عملیات بود و از آن به عنوان "فتح الفتوح" نام بردند:

> آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی‌الله‌العظم ارواحنا فدا هستند - می‌باشد و این است فتح الفتوح. <^(۹۶)

امام سه روز بعد، در دیدار با گروهی از نظامیان که از بخش‌های مختلف ارتش و سپاه بودند، ضمن برشمردن آثار جنگ در ایجاد روحیه تحرک، درباره نتایج وحدت ارتش و سپاه و تأثیر آن در کسب پیروزی فرمودند:

> شما می‌بینید که در هر جایی که سپاه پاسداران و ارتش و سایر قوای مسلح با هم می‌شوند، پیروزی عظیم نائل می‌شود. <^(۹۷)

شاید بتوان گفت، حضور چشمگیر و نسبتاً گسترده نیروهای مردمی در عملیات طریق‌القدس برجسته‌ترین ویژگی این عملیات بود. آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس وقت

* آمار این قسمت بیشتر از کتاب دو سال جنگ، منتشره دفتر سیاسی سپاه پاسداران تهیه است.

شورای عالی دفاع، در پایان جلسه این شورا در این باره گفتند:

> در این عملیات (طریق القدس) نقش بسیار مهم نیروهای مردمی کاملاً آشکار شد، یعنی تراکم نیروی مردمی مشتاق جهاد و شهادت به قدری بود که این نکته به وضوح به چشم می خورد ... علاوه بر نیروهای نظامی و ارتشی و سپاه ما در این منطقه که نیروهای زیادی بودند، عمدتاً نیروهای بسیج مردمی و جوانان رزمنده ما بودند.<^(۹۸)

سردار غلامعلی رشید در تجزیه و تحلیل سلسله عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی، در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه در این باره گفت:

> من فکر می‌کنم ویژگی اصلی عملیات، به‌کارگیری مردم برای اولین بار در سطحی گسترده بود. وقتی ما ۳۰ گردان برای اولین بار در عملیات طریق القدس وارد عمل کردیم، می‌توانیم بگوییم برای اولین بار ما از بسیج مردمی و سپاه به صورت گسترده استفاده کردیم و نتیجه عالی گرفتیم.<^(۹۹)

تاکتیک ویژه در عملیات طریق القدس، با عبور از منطقه تپه‌های رملی که بر پایه خلاقیت، ابتکار عمل و شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی بود، نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در کسب پیروزی داشت. دشمن پیش از عملیات، سمت اصلی تک نیروهای خودی را تک جبهه‌ای با اتکا بر جاده سوسنگرد - بستان پیش‌بینی می‌کرد، ضمن این‌که درک روشنی از میزان نیروهای شرکت‌کننده نیز نداشت.* لذا، با وجود هوشیاری نسبت به اجرای عملیات، از لحاظ تاکتیکی غافل‌گیر شد. این ویژگی‌های تاکتیکی سبب شد تا در عملیات طریق القدس پس از پیشروی نیروهای خودی، دشمن بلافاصله از مناطق تصرف شده عقب‌نشینی کند.^(۱۰۰) سردار محسن رضایی در این زمینه چنین می‌گوید:

> من به برادرها گفتم که اگر ما تنگه چزابه را بگیریم و پشت رودخانه کرخه پدافند کنیم، دشمن از این منطقه عقب‌نشینی می‌کند، تقریباً یک هفته، ۱۰ روز بعد، دیگر دشمن خودش از این جا عقب‌نشینی کرد.<^(۱۰۱)

ضربه قاطعی که در این عملیات به لحاظ ویژگی‌های تاکتیکی بر دشمن وارد شد، نتایج اساسی و استراتژیکی در پی داشت، چنان‌که بر اثر این ضربه، دشمن تعادل خود را از دست داد و پس از آن دیگر نتوانست این تعادل را بازیابد.^(۱۰۲) در مورد ابعاد و ویژگی‌های این

* برابر اسناد به دست آمده، دشمن نیروهای خودی را در این تهاجم حداکثر یک تیپ پیاده شامل ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از سپاه برآورد کرده بود.

(برآورد وضعیت عملیات طریق القدس، سردار علی اسحاقی، ص ۴۵)

عملیات و نتایج آن، یکی از کارشناسان نظامی غربی می‌گوید:

> عملیات طریق‌القدس، نتایج مهم عملیاتی را در بر داشت. با این تلاش وسیع ایرانی‌ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه‌ریزی عملیاتی و مهارت‌های فرماندهی و کنترل‌شان تا حدود زیادی افزایش یافت. در واقع، این عملیات بیانگر لیاقت ایرانی‌ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف، در سطح وسیع بود. ثانیاً پاتک بستان، ایران را قادر ساخت برای نخستین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک‌های موج انسانی* را - که تاکتیک حاکم بر جبهه‌های جنگ شد - به مرحله آزمایش درآورد.<^(۱۰۳)

در واقع، نتایج ناشی از حضور مردم در صحنه نبرد و تبیین استراتژی جدید در جنگ منجر به تحقق شیوه جدیدی از جنگ شد که غربی‌ها از آن بیشتر به عنوان، "تاکتیک موج‌های انسانی" نام می‌برند. تاکتیکی که در مرحله آزمایش با موفقیت چشمگیری همراه شد. این ملاحظات سبب شد تا نقش سپاه و نیروهای مردمی در روند جنگ از جایگاه بالایی برخوردار شده و موقعیت سپاه در جنگ تثبیت شود.

آنتونی کردزمن یکی دیگر از کارشناسان نظامی، در مورد تاکتیک این عملیات و تأثیر آن در روند جنگ، با نگاهی مغرضانه می‌نویسد:

> عملیات طریق‌القدس از لحاظ تاکتیکی هیچ تفاوتی با عملیات گذشته ایرانیان نداشت، با این حال فرماندهان سپاه پاسداران و روحانیون متقاعد شدند که پاسداران می‌توانند بدون طرح‌ریزی‌های پیچیده نظامی و پشتیبانی ارتش، از طریق حمله مستقیم و با استفاده از احساسات مذهبی در جنگ پیروز شوند.<^(۱۰۴)

در حالی که پیروزی در عملیات حاصل پیچیدگی طرح و عملیات و ویژگی تاکتیکی آن بود و همین مسئله منجر به غافل‌گیری دشمن شد، ولی کردزمن با نگاهی مغرضانه، این ابعاد را انکار می‌کند. در این حال، ویلیام اف هیگمن - یکی از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا - استفاده از نیروی پیاده را یک تغییر استراتژیکی عمده نام نهاد و می‌نویسد:

>> در این عملیات که ایرانی‌ها آن را عملیات طریق‌القدس نام‌گذاری کردند، یک تغییر استراتژیکی عمده به چشم می‌خورد، ایرانی‌ها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و

* استفاده از عنوان "تاکتیک‌های موج انسانی" برای نخستین بار در این عملیات به کار گرفته شد. در واقع استراتژی جدید ایران با تکیه بر نیروهای پیاده شهادت طلب، منجر به استفاده از این عنوان شد. به نظر می‌رسد عدم درک روشن از ماهیت استراتژی و تاکتیک‌های جدید جمهوری اسلامی، در به کار بردن این لفظ مؤثر بوده است.

سرمایه‌گذاری بر روی احساسات آنها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده‌اند.»^(۱۰۵)

بدین ترتیب، علاوه بر شکل‌گیری تاکتیک جدید عملیاتی و بلوغ و تکامل آن، ذهنیت و باورهای غلط دشمن درباره توان نیروهای خودی نیز در هم ریخت، به گونه‌ای که نسبت به ادامه حضور در مناطق اشغالی دچار تردید شد و برای تصمیم‌گیری در این زمینه نیاز به زمان داشت. حمله دشمن به پل سابله و سپس عقب‌نشینی از شمال رودخانه نیسان به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران نظامی، نخستین تحول در باور و نگرش دشمن بود که ظاهر شد، ولی فرماندهی دشمن زمانی توانست در این مورد تصمیم بگیرد که با منهدم شدن بخش گسترده‌ای از توان نظامی‌اش، مواجه شد و شکست سنگینی را پذیرفت.

پس از طریق القدس

تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات طریق القدس وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله نشانه‌ها و آثار ناتوانی و هزیمت عراق برای حامیان و متحدانش آشکار شد و در مقابل، توان نظامی رو به رشد ایران به نمایش گذاشته شد. در واقع، پیدایش وضعیت جدید به منزله تغییر تدریجی موازنه جنگ به سود ایران ارزیابی می‌شد. به همین دلیل، وقوع برخی رخدادها در حفاصل عملیات طریق القدس تا عملیات فتح‌المبین، از این نظر قابل تأمل بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است.

دشمن برای تصمیم‌گیری نهایی نیاز به زمان و حفظ موقعیت خود داشت. در این وضعیت، با توجه به این که ابتکار عمل در دست نیروهای خودی بود، لذا تداوم عملیات و سرعت لازم در اجرای عملیات بعدی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکست سریع دشمن داشت، به همین دلیل دشمن دست به تلاش‌هایی زد که قابل توجه است.

یکی از این تلاش‌ها حمایت از نیروهای ضدانقلاب در داخل کشور بود، زیرا دشمن تصور می‌کرد، در صورت تثبیت اوضاع کشور و تأثیرات فزاینده آن در داخل، تحولات نظامی به سود ایران و به زیان عراق، پُر شتاب‌تر خواهد شد. بنابراین، حمایت عراقی‌ها از نیروهای ضدانقلاب با این امید انجام گرفت که بار دیگر اوضاع داخلی کشور متشنج و بی‌ثبات شود. نیروهای ضدانقلاب نیز که موقعیت‌شان رو به ضعف نهاده بود، بهبود وضعیت خود را در کسب حمایت خارجی ارزیابی می‌کردند. بنابراین، اهداف مشترک برای تداوم حیات ضدانقلاب در داخل و جلوگیری از پیروزی جمهوری اسلامی در جبهه‌های جنگ منجر به

همکاری گروهک‌ها و حکومت عراق شد.

عراقی‌ها در حالی که در وضعیت نامساعدی قرار داشتند، همچنان همان شعارهای ماه‌های نخستین جنگ را طرح می‌کردند؛ طه‌یاسین‌رمضان، معاون اول نخست‌وزیر و فرمانده ارتش خلقی طی مصاحبه‌ای گفت:

> ما به این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر این‌که رژیم حاکم بر ایران به‌طور کلی منهدم شود! زیرا اختلافات اساسی بر سر چند صد کیلومتر مربع زمین یا نصف شط‌العرب که سبب بروز جنگ شده بود، نیست. بنابراین، جنگ ما با ایران برخلاف آنچه بعضی از خائنین به ملت عرب ادعا می‌کنند، یک جنگ مرزی نیست که بتوان آن را به تعویق انداخت، بلکه در حقیقت جنگ سرنوشت است.<^(۱۰۶)

عراقی‌ها همچنین با هدف پیش‌گیری یا تأخیر در اجرای عملیات بعدی ایران، تلاش می‌کردند، منطقه عملیات را کشف کنند.^(۱۰۷) برابر برخی شواهد و قرائن، به نظر می‌رسید دشمن تا اندازه‌ای به این نکته پی‌برده بود که پس از آزادی بستان، ایران در منطقه غرب رودخانه کرخه عملیات خواهد کرد.^(۱۰۸) لذا دشمن با توجه به ضعف خود و نگرانی‌هایی که داشت، می‌کوشید که منطقه نبرد را تعیین و به نیروهای نظامی ایران تحمیل کند.*^(۱۰۹) با همین هدف، عراق حمله به تنگهٔ چزابه را از ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ آغاز کرد و به مدت ۲۰ روز ادامه داد. در این عملیات، توپخانه عراق منطقه‌ای به وسعت هفت تا هشت کیلومتر در دو کیلومتر را زیر آتش بسیار شدید خود قرار داد. صدها قبضه توپ، منطقه را متر به متر کوبیدند. تقریباً، بیش از یک‌میلیون گلوله توپ بر سر نیروهای خودی فرود آمد! نزدیک به ۳۰ گردان نیرو که برای اجرای عملیات فتح‌المبین جذب و سازمان‌دهی شده بودند، در تنگهٔ چزابه درگیر و صدمات زیادی به آنها وارد شد.^(۱۱۰) با این حال، مقاومت نیروهای خودی از یک‌سو و درک روشن فرماندهی کل سپاه از اهداف دشمن، سبب شد تا نیروهای خودی به جای ادامه درگیری در این منطقه - که هدف دشمن بود - تلاش اصلی خود را در منطقه عملیاتی فتح‌المبین متمرکز کنند. سردار غلامعلی رشید در این زمینه می‌گوید:

> ما نسبت به اهداف دشمن ابهام داشتیم، زیرا عراقی‌ها در عین حالی که حملات سنگینی را

* اسیران عراقی در نوشتهٔ خود تحت عنوان "تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق"، اهداف عراق را چنین ذکر می‌کنند:

۱- جلوگیری از حمله نیروهای اسلام به مواضع لشکر یکم و دهم (که در منطقه عملیاتی فتح‌المبین استقرار داشتند). ۲- وارد آوردن خسارت بیشتر به نیروهای اسلام. ۳- تغییر آرایش یگان‌های لشکر یکم در بخشی از جبهه و در طول سمت راست آن.

انجام می‌دادند، ولی کلاً به سمت بستان پیشروی نمی‌کردند. در این شرایط فرماندهی محترم کل سپاه طی تحلیلی اظهار داشت: "هدف دشمن تأخیر در عملیات بعدی (فتح‌المبین) است و باید سریعاً منطقه عملیات فتح‌المبین را فعال کنیم."^(۱۱۱)

سرانجام، به موازات مقاومت نیروهای خودی و تلفاتی که بر دشمن وارد آمده بود، حملات عراقی‌ها در تنگه‌چزابه متوقف و تلاش نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح‌المبین آغاز شد و ادامه یافت.

در این حال، روند تحولات سیاسی در داخل کشور نیز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی‌های نظامی به تدریج تثبیت شد. در واقع، حضور مردم در صحنه سیاسی کشور، حذف جریان ضدانقلابی و به موازات آن، حضور مردم در صحنه جنگ و افزایش توان نظامی نیروهای خودی و دستیابی به برتری سیاسی - نظامی بر دشمن، عوامل اصلی این تحولات بودند. امام با توجه به آمادگی موجود در مردم و همچنین ضرورت تداوم تهاجم به دشمن، جوانان را برای حضور در جبهه تشویق و ترغیب فرمودند:

>برادران و جوانان پشت جبهه توجه کنند که باید فعالیت کنند و داوطلبانه بروند به این جنگ و این مسئله را زود حلش کنند.<^(۱۱۲)

افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ - بر اثر فراخوانی امام - و تحولاتی که در داخل کشور رخ داده بود و همچنین انتخاب منطقه عملیاتی فتح‌المبین، ضرورت گسترش اساسی سازمان رزم سپاه را آشکار می‌کرد. به عبارت دیگر، سازمان رزم سپاه و تعداد تیپ‌های تشکیل شده تناسبی با وسعت منطقه عملیاتی نداشت، در نتیجه، افزایش نیروهای رسمی نظامی با تشکیل یگان‌های جدید، با هدف افزایش سازمان‌دهی نیروهای مردمی، مورد توجه قرار گرفت. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

>در طریق‌القدس چهار تیپ داشتیم، وقتی رفتیم منطقه عملیاتی فتح‌المبین، متوجه شدیم پنج الی شش تیپ کم داریم، این جا بود که ناچار شدیم حتی نیروهایی را که کنار دست خودمان بود همه را فرستادیم رده‌های پایین.<^(۱۱۳)

جست‌وجو برای یافتن افراد مناسب جهت فرماندهی تیپ، از دیگر اقدامات این مرحله بود. پیش از این، تنها برادران مرتضی قربانی و احمد کاظمی به عنوان فرمانده تیپ منصوب شده بودند و در مرحله جدید، برادران قاسم سلیمانی به فرماندهی تیپ ۴۱ ثارالله(ع)، رودکی به فرماندهی تیپ ۳۴ امام‌سجاد(ع)، علی فضلی به فرماندهی تیپ ۳۳ المهدی(ع)، احمد متوسلیان به فرماندهی تیپ ۲۱ حضرت رسول(ص)، مرتضی صفار به فرماندهی تیپ

۱۷ علی‌ابن‌ابیطالب(ع) قم و رثوفی به فرماندهی تیپ ۷ ولی‌عصر(عج)، منصوب و مأمور به تشکیل تیپ‌های جدید شدند^(۱۱۴) و بدین ترتیب، سازمان رزم سپاه با جهشی کاملاً چشمگیر، برای انجام دادن عملیات فتح‌المبین آماده شد.

عملیات فتح‌المبین آزادسازی مناطق غرب رودخانه کرخه

در آستانه عملیات فتح‌المبین، روند تحولات سیاسی کشور رو به بهبود نهاد و کاملاً با اوضاع عملیات ثامن‌الائمه(ع) تفاوت داشت؛ منافقین بر اثر ضربات پی‌درپی، بدنه و بخشی از کادر مرکزی خود را از دست داده* و سایر گروه‌های ضدانقلاب نیز که تلاش همه‌جانبه‌ای را برای در دست گرفتن قدرت آغاز کرده بودند، عملاً از پای درآمدند. روند تحولات نظامی نیز با توجه به وضعیت رو به اضمحلال دشمن پس از عملیات طریق‌القدس و شکست در تنگه چزابه، به سود ایران تغییر کرده بود. در این حال، بنا به گزارش نشریه انگلیسی لویل میل، عراقی‌ها با نگرانی از روند موجود، پیشنهاد مخفیانه‌ای برای پایان جنگ ارائه کردند.^(۱۱۵) همچنین، به گزارش رویتر به نقل از خبرگزاری عراق، بلافاصله پس از آغاز عملیات فتح‌المبین، صدام خواهان آتش‌بس و حل مناقشه با ایران از راه‌های صلح‌آمیز شد.^(۱۱۶)

علل انتخاب منطقه

در پی پاک‌سازی و تأمین منطقه عملیاتی طریق‌القدس، تنها، دو منطقه "غرب رودخانه کرخه" و "غرب رودخانه کارون و خرمشهر" در اشغال متجاوزان باقی مانده بود. برای انتخاب منطقه عملیات بعدی و نکات مثبت و منفی هر منطقه، بحث‌های فراوانی شد و سرانجام، منطقه غرب رودخانه کرخه برای عملیات انتخاب شد. علل چنین تصمیمی عبارت بود از:

* در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ طی عملیاتی که در خصوص خانه تیمی منافقین انجام گرفت، ۱۲ تن از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از جمله موسی خیابانی (نفر دوم سازمان) و همسرش و همچنین اشرف ربیعی، همسر رجوی به هلاکت رسیدند. خبرگزاری یونایتدپرس این عملیات را ضربه‌ای شدید بر سازمان ارزیابی کرد.

** سرلشکر رضایی در این زمینه می‌گوید: >اگر عملیات فتح‌المبین را انجام می‌دادیم، بخش زیادی از امکانات نیروهای ما آزاد می‌شد و برای آزادی خرمشهر توان ما افزایش می‌یافت. دوم این که ما با استعدادی که داشتیم نمی‌توانستیم در خرمشهر عمل کنیم. ضمن این که این جاده به هر حال جاده

- ۱- در صورت موفقیت عملیات، مناطق آزاد شده با نیروی کمتری قابل پدافند بودند و اماکن تمرکز نیرو برای عمل در مناطق دیگر فراهم می‌شد.
- ۲- وسعت منطقه شمالی (غرب رودخانه کرخه) تقریباً یک سوم وسعت منطقه جنوبی (غرب رودخانه کارون) بود، لذا با مقدرات موجود، اصل تمرکز قوا به نحو مطلوب‌تر و مطمئن‌تری تحقق می‌یافت.
- ۳- انهدام دو لشکر قوی و دست‌نخورده ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه دشمن، مستقر در منطقه شمالی، ضربه سنگینی برای عراق بود و در کاهش توان رزمی‌اش تأثیر زیادی داشت.
- ۴- با عقب راندن عراق از منطقه شمالی، تهدید شهرهای حیاتی و حساس اندیمشک و دزفول رفع شده و به همراه شهر شوش از برد توپخانه دشمن خارج می‌شدند.
- ۵- شکل منطقه، مسیر خط تماس و موضع پدافندی، وجود پل‌ها و شناسایی‌های انجام شده، موجب سرعت در طرح‌ریزی و کاهش زمان آمادگی برای اجرای عملیات شد، به گونه‌ای که بین دو عملیات طریق‌القدس (کربلای ۱) و فتح‌المبین (کربلای ۲) وقفه طولانی به وجود نیامد.^(۱۱۷)

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات فتح‌المبین در غرب رودخانه کرخه قرار داشت که از شمال به ارتفاعات بلند و صعب‌العبور تیشه‌کن، دالپری، چاه نفت و تپه سییتون، از جنوب به ارتفاعات بلند میشداغ، تپه‌های رملی و چزابه (شیب)، از شرق به رودخانه کرخه و از غرب به مرز بین‌المللی در شمال و جنوب فکه محدود می‌شد.

زمین این منطقه از سه قسمت کوهستانی، تپه‌ماهوری و دشت تشکیل شده است و اختلاف ارتفاع از سطح دریا حدود ۲۱۰ متر است. زمین در شمال منطقه جنس سختی دارد و هرچه به طرف جنوب حرکت می‌شود از استحکام آن کاسته می‌شود، به گونه‌ای که در ارتفاعات، جنس خاک به تدریج از سنگی به شنی و ماسه‌ای تبدیل می‌شود. بخش‌هایی از غرب و جنوب منطقه را نیز تپه‌های رملی پوشانده است.

در منطقه، رودخانه کرخه از شمال به جنوب شرقی جریان دارد، رودخانه فصلی چیخواب

[اهواز - اندیمشک] مهمی بود، دزفول و شوش مهم بود و دشمن اگر عقب می‌رفت، جاده آزاد می‌شد. این دلایل در انتخاب منطقه مؤثر بود.

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۵/۷/۱۲)

در تابستان خشک و به هنگام بارندگی سیلابی می‌شود و عبور از آن محدود به پل‌های موجود بر روی محور دزفول - دهلران می‌باشد و رودخانه روفائیه که از آب‌های دامنه‌های جنوبی ارتفاعات شاوریه و تپه ۳۵۰ و شمال دشت‌عباس تشکیل شده و سواحل آن دارای شیب ملایم است و به هنگام بارندگی، تحرک نیرو را برای مدتی محدود و کند می‌کند. منطقه دارای عوارض حساسی می‌باشد، همچون رشته ارتفاعات ۳۵۰، ۳۴۳، ۳۳۶ و ارتفاع شاوریه که بر محورهای پل عین‌خوش مسلط است، تپه علی‌گره‌زد، تپه ابوصلیبی‌خات، دامنه‌های جنوبی ممله و کمرسرخ، بخش‌های شمالی ارتفاعات تینه معروف به عین‌خوش و دامنه‌های غربی ارتفاعات تینه که بر محور ابوغریب به رودخانه دوبرج مشرف هستند. عوارض دیگر شامل تپه برقازه، ارتفاعات رقابیه و دامنه‌های شمالی ارتفاعات میشداغ، تنگه ذلیجان و پل نادری می‌باشند*.

جاده‌های آسفالته دزفول به دهلران، عین‌خوش به چم‌سری، امام‌زاده‌عباس به چاه نفت، جاده تنگه ابوغریب و پل‌های احداث شده بر روی رودخانه‌های چپ‌خواب و دویرج از مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی منطقه هستند.

موقعیت منطقه و عوارض حساس آن، به دشمن آرایش خاصی را تحمیل کرده بود که آگاهی نیروهای خودی از آن، زمینه وارد ساختن ضربات سهمگین را بر دشمن فراهم کرد.

وضعیت دشمن

عراق در این منطقه بیشتر لشکرهای ۱ و ۱۰ زرهی را تقویت و مستقر کرد و لشکر ۳ زرهی نیز احتیاط منطقه بود. آرایش نیروهای دشمن به گفته اسیران عراقی عبارت بود از:

۱- لشکر ۱۰ زرهی که قرارگاه اصلی آن در نزدیکی عین‌خوش قرار داشت، در شمال منطقه به شرح زیر گسترش یافته بود:

- تیپ ۶۰ زرهی در ارتفاعات شمال امام‌زاده عباس؛
- تیپ ۵۰۵ پیاده در سمت راست تیپ ۶۰ زرهی؛
- تیپ ۴۲۳ پیاده در سمت راست تیپ ۵۰۵؛
- گردان مکانیزه از تیپ ۲۴ مکانیزه در سمت راست تیپ ۴۲۳؛

* این بخش با استفاده از اسناد و مدارک عملیات فتح‌المبین نوشته شده است.

- تیپ ۴۲ زرهی که جاده امامزاده عباس - پل نادری را در تصرف داشت.
 - قرارگاه اصلی لشکر ۱۰ در نزدیکی عین خوش قرار داشت؛
 - ۲- قرارگاه اصلی لشکر ۱ مکانیزه که نزدیک جاده فکه - شوش و پشت تیپ ۱۷ زرهی (چنانچه) قرار داشت، در منطقه جنوبی به شرح زیر گسترش یافته بود:
 - تیپ ۹۳ پیاده در سمت چپ جاده فکه - شوش؛
 - تیپ ۱ زرهی - پیاده در سمت راست جاده فکه - شوش مقابل شهر شوش؛
 - تیپ ۲۷ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۱؛
 - تیپ ۲۴ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۲۷؛
 - تیپ‌های ۹۶ پیاده، ۳۴ و ۵۱ زرهی، که ارتفاعات نزدیک جاده و میشداغ را در تصرف داشتند؛
 - تیپ ۱۷ زرهی سمت راست جاده در ارتفاعات مقابل دشت رادار.
- همچنین لشکر ۳ زرهی به استعداد سه تیپ (۶ و ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه) و چهار گردان توپخانه سازمانی لشکر در احتیاط قرار داشت. علاوه بر آن تیپ‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۱ برای تقویت سازمان تیپ‌های مستقر در منطقه استفاده می‌شدند، ضمن این‌که تیپ‌های ۱۰ زرهی، گارد ریاست جمهوری و ۱۴ مکانیزه نیز منطقه را پشتیبانی می‌کردند.*
- در مجموع، نیروهای دشمن شامل هفت تیپ زرهی، شش تیپ مکانیزه، ۱۵ تیپ پیاده و نیروهای فراوان جیش‌الشعبی و کماندو می‌شد. سازمان رزم دشمن بر حسب گردان، شامل ۲۷ گردان زرهی، ۲۵ گردان مکانیزه، ۴۵ گردان پیاده و دست کم، ۱۲ گردان توپخانه بود.**

طرح عملیات

الف) اهداف و مأموریت

سپاه در طرح اولیه خود و قبل از تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه (تحت عنوان قرارگاه کربلا) پیش‌بینی می‌کرد که یگان‌های تحت امر سپاه ارتفاعات ابوصلیبی خات (سایت و رادار) در محور شوش و همچنین در امتداد آن به طرف شمال، تپه‌های علی‌گره‌زد و شاوریه و دهلیز را به تصرف درآورند. پس از تشکیل قرارگاه مشترک، این طرح به لحاظ عدم

* با توجه به گزارش برادر رنجبر درباره عملیات فتح‌المبین (در گزارش ۶۸۹ پیشین) تهیه شده است.

** همان.

تأمین اهداف مورد نظر و عدم کاهش خطوط پدافند خودی و آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی، مورد بحث قرار گرفت و سرانجام بر روی دو هدف شامل انهدام نیروهای دشمن و کاهش خطوط پدافندی توافق شد و مانور عملیات نیز بر این اساس طرح‌ریزی شد. از نظر نظامی، عملیات فتح‌المبین می‌توانست اهداف زیر را تأمین کند:

- ۱- انهدام نیروهای دشمن به‌منظور کاهش توان نظامی‌اش؛
- ۲- دستیابی به خطوط پدافندی مطمئن به‌منظور برداشت نیرو* (آزاد شدن نیروهای خودی از خطوط پدافندی و کسب آمادگی برای عملیات بعدی)؛
- ۳- خارج ساختن شوش، اندیمشک، دزفول و پایگاه‌چهارم‌شکاری از برد توپخانه دشمن؛
- ۴- خارج ساختن جاده اندیمشک - اهواز از برد آتش مؤثر دشمن؛
- ۵- آزادسازی مناطق مهمی چون سایت و رادار، جاده مهم اندیمشک - دهلران و ...؛
- ۶- تصرف چاه‌های نفتی منطقه ابوغریب.

نیروهای خودی برای تأمین اهداف عملیات چنین مأموریتی داشتند:

<فرماندهی عملیات کربلای ۲ در ساعت <س> روز <ر> به‌منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه عملیات دزفول و شوش تک می‌کند. ارتفاعات علی‌گره‌زد، ابوصلیبی‌خات، تنگه رقابیه، ارتفاعات چنانه و عین‌خوش را تصرف و تأمین و در منطقه پدافند می‌نماید و آماده می‌شود، بنابه دستور، تک را به سمت غرب، جهت تأمین خط مرز ادامه دهد.> (۱۱۸)

ب) سازمان رزم

یگان‌های ارتش شامل لشکرهای پیاده ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و ۹۲ زرهی، تیپ‌های ۳۷ زرهی شیراز، ۵۸ ذوالفقار، ۸۴ خرم‌آباد، ۵۵ هوآبرد و گروه ۳۳ توپخانه بودند. یگان‌های سپاه نیز عبارت بودند از: تیپ‌های ۱۴ امام‌حسین(ع)، ۴۱ ثارالله(ع)، ۲۷

* سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: <این یکی از تدابیر عملیاتی ما بود که قبل از این که برویم به خرمشهر، مرتب سعی می‌کردیم، نیروهایی را که در خطوط پدافندی زمین‌گیر بودند، آزاد کنیم و با تکیه کردن به مواضع طبیعی در پدافند، آماده شویم برای عملیات بعدی.>

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۵/۷/۱۲)

** لشکر ۹۲ زرهی ابتدا با دو تیپ ۱ و ۲ وارد عمل شد و در مراحل نهایی عملیات تیپ ۳ نیز به صحنه عملیات آمد که استفاده چندانی از آن نشد.

(یادداشت‌های سردار غلامعلی رشید بر حاشیه این کتاب)

*** اطلاعات مربوط به استعداد نیروهای ارتش با استفاده از کتاب دفاع مقدس (اسفند سال ۱۳۷۱) نوشته شده است، ضمن این که در جلد اول کتاب

نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس (بهار سال ۱۳۷۲) نیز اطلاعات مشابهی درج شده است.

محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۵ امام سجاد (ع)، ۲۳ المهدي (ع)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۴۶ فجر، ۳۰ زرهی و تیپ ایلام. در مورد استعداد سازمانی یگان‌های سپاه و تعداد نیروهای تحت امر سپاه، آمار متفاوتی وجود دارد که علت آن، روند رو به رشد و تکاملی سپاه در سازمان‌دهی نیروهای مردمی در آن زمان بود. در واقع، گرچه از یگان‌های سپاه به عنوان تیپ یاد می‌شد، ولی برخی از تیپ‌ها بر حسب گردان‌های تحت امر یگان، استعدادی برابر یک لشکر داشتند. در طرح برآورد وضعیت شماره ۱ که قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب آن را در پنجم آذر ۱۳۶۰ تهیه کرد، بر اساس امریه شماره ۳۵ - ۳۵/۲۰۱/۰۶ - س، مورخ ۳ شهریور ۱۳۶۰، در مورد توان نسبی آمده است:

> نیروی زمینی در این عملیات با دو لشکر پیاده، یک لشکر زرهی، یک تیپ پیاده و یک تیپ پیاده هواگرد که جمعاً شامل ۴۳ گردان مانوری [است] (۲۵ گردان پیاده، ۴ گردان مکانیزه، ۱۱ گردان تانک و ۳ گردان سوار زرهی، با پشتیبانی ۱۴ گردان توپخانه صحرایی شامل ۴۲ آتشبار) شرکت می‌کند و این عملیات را سپاهیان پاسدار با نیرویی در حدود ۷۰۰۰ نفر - که با احتساب هر گردان ۳۰۰ نفر، حدود ۲۳ گردان [می‌شود] - تقویت می‌نمایند. <***

*** در جلد اول کتاب "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ابتدا در صفحه ۱۹۴ استعداد سپاه، سه لشکر ذکر شده است و در صفحه ۲۰۳ این کتاب در مورد استعداد نیروهای سپاه بر اساس طرح شماره ۱ عملیات کربلای ۲ - تهیه شده در اواخر دی‌ماه ۱۳۶۰ - آمده است: <در فرضیات پیش‌بینی شده بود که سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ تن آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ هم‌آهنگ با یگان‌های ارتشی در عملیات شرکت می‌نمایند.> همچنین در صفحه ۲۰۴ این کتاب درباره استعداد نیروهای سپاه بر حسب تعداد و سازمان‌دهی آنها آمده است: <همان‌طور که قبلاً ذکر شد، سپاه پاسداران موظف به تشکیل یگان‌ها جمعاً با استعداد ۹۰۰۰ نفر شده بود. بنابراین، سپاه پاسداران با سه لشکر هر یک با استعدادی حدود ۳۰۰۰ نفر که تیپ‌های آنها دارای استعدادی معادل ۶۰۰ نفر و گردان‌های مربوطه ۲۰۰ نفر رزمنده داشتند، در کنار لشکرها، تیپ‌ها و گردان‌های ارتشی که به ترتیب دارای استعداد پرسنی حدود ۱۲۰۰۰، ۴۰۰۰ و ۸۰۰ نفر بود، قرار می‌گرفتند.> در صفحه ۲۱۵ این کتاب که مطالبی در مورد سازمان رزم عملیات آمده است، بر مفهوم "طرح عملیاتی نهایی" تأکید شده است. لذا، همین مسئله سبب شده است که در مورد استعداد نیروهای سپاه به آخرین آمار ارائه شده استناد شود.

درباره تعداد لشکرهای سپاه در عملیات فتح‌المبین باید گفت که در ۲۳ آذر ۱۳۶۰ در قرارگاه نیروی زمینی ارتش در جنوب، در نخستین جلسه مشترک سپاه و ارتش در مورد عملیات فتح‌المبین، فرمانده وقت نیروی زمینی گفت: <جلسه امروز برای مقایسه نظرات ارتش و سپاه تشکیل شده و سپاه نظر خودش را بگوید.> سپس برادران سپاه نظر خود را بیان کردند. در برآورد اولیه، برادر رشید گفت: <سپاه با سه لشکر پیاده می‌تواند در ذوقول وارد عمل شود.> متأسفانه، با وجود افزایش سازمان سپاه به چهار لشکر، همچنان در منابع منتشره از ارتش، بر همین آمار تأکید می‌شود، حال آن‌که این آمار بعدها افزایش یافت و سپاه، هم در جلسات، و هم به صورت کتبی به فرماندهی محترم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی استعداد سپاه را اعلام کرد. و همچنین درباره سازمان و استعداد یگان‌های سپاه در عملیات یاد شده این توضیح ضروری است که در نامه فرماندهی کل سپاه با شماره ۱۲۶ -

سازمان رزم با توجه به همکاری ارتش و سپاه به صورت مشترک، عبارت بود از:

۱- قرارگاه مشترک قدس

لشکر قدس از سپاه شامل تیپ‌های ۴۱ ثارالله با شش گردان، ۱۴ امام‌حسین(ع) با ۹ گردان، ایلام با سه گردان، گردان مستقل علی‌اکبر(ع) و نیروهای ارتش شامل تیپ ۸۴ خرم‌آباد با سه گردان و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ با سه گردان.

۲- قرارگاه مشترک نصر

لشکر نصر سپاه شامل تیپ‌های ۷ ولی‌عصر با ۹ گردان، ۲۷ حضرت رسول(ص) با ۹ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۲۱ حمزه با ۱۲ گردان، تیپ ۵۸ ذوالفقار با چهار گردان.

۳- قرارگاه مشترک فجر

لشکر فجر از سپاه شامل تیپ‌های ۳۳ المهدی(عج) با شش گردان، ۴۶ فجر با پنج گردان، ۱۷ علی‌ابیطالب قم با پنج گردان، امام‌سجاد(ع) با ۱۱ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۷۷ با سه تیپ ۱، ۲ و ۳ با ۱۰ گردان.

۴- قرارگاه مشترک فتح

لشکر فتح سپاه شامل تیپ‌های ۲۵ کربلا با ۱۶ گردان، ۸ نجف با هشت گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۹۲ با یک تیپ، تیپ‌های ۵۵ هواپرد تحت امر عملیاتی لشکر ۹۲ و ۳۷ زرهی شیراز.*

۵، به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۱، در مورد سازمان سپاه بر حسب قرارگاه‌های قدس، نصر، فجر و فتح توضیح لازم داده شده است. برابر این آمار و ارقام، استعداد یگان‌های سپاه بر حسب گردان تا پیش از شروع عملیات حدود ۷۸ گردان بود، ضمن این که حتی در حین عملیات نیروهایی جذب و سازمان‌دهی شدند و همچنان بر آمار نیروهای شرکت‌کننده در سازمان سپاه افزوده شد که این تعداد به ۱۰۰ گردان رسید. با در نظر گرفتن ۷۸ گردان نیرو اگر استعداد هر گردان را ۲۰۰ تن فرض کنیم، نیروهای سپاه تنها پیش از شروع عملیات نزدیک به ۱۶ هزار تن بوده‌اند و بر حسب ۳۰۰ تن در هر گردان نزدیک به ۲۴ هزار تن و با میانگین ۵۰۰ تن در هر گردان، حدود ۴۰ هزار تن نیرو حضور داشت.

حال، در این که چرا در کتب برادران ارتش، بر رقم ۹۰۰۰ تن تأکید کرده است، ابهام وجود دارد.

* این تیپ تحت کنترل قرارگاه نصر و در محور علی‌گره‌زد به دشت‌عباس وارد عمل شد که در مرحله دوم نیز موفقیتی نداشت.

در مجموع، سپاه پاسداران با ۱۰۰ گردان نیرو و ارتش جمهوری اسلامی ایران با ۴۳ گردان اعم از پیاده، زرهی و مکانیزه در عملیات شرکت کردند. در این عملیات سپاه ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر غنیمتی و ارتش ۴۶۰ دستگاه تانک و نفربر سازمانی خود را به کار گرفتند. علاوه بر آتش پشتیبانی توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش نیز بر حسب مأموریت و استعداد خود در عملیات مشارکت داشتند. به طور کلی، حضور رو به گسترش سپاه و سازمان‌دهی نیروهای مردمی در سازمان تیپ* و لشکر سبب شد که توان رزمی نیروهای خودی افزایش یابد.**

* در صفحه ۱۱۶ کتاب دفاع مقدس: از انتشارات نیروی زمینی ارتش - آمده است: <سپاه پاسداران با بهره‌برداری از انگیزه علاقه‌مندی نیروهای مسلح مردمی که متعاقب موفقیت حاصله در عملیات ثامن‌الائمه ایجاد شده بود، یگان‌هایی در سطح تیپ تشکیل و در عملیات‌های بعدی شرکت داد.> در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس، با استناد به طرح شماره یک عملیات کربلای ۲ در اواخر دی‌ماه ۱۳۶۰، با ذکر فرضیات و توضیح آن، آمده است: <در فرضیات پیش‌بینی شده بود که الف: سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ نفر آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ هماهنگ با یگان‌های ارتشی در عملیات شرکت می‌نمایند.> در این کتاب سپس آمده است: <فرضیات نشان می‌دهد که نیروهای سپاه پاسداران هنوز سازمان‌دهی نشده بود و تلاش می‌کرد با بسیج نیروهای مردمی، استعداد پیش‌بینی شده تأمین گردد.>

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این زمینه در منابع منتشره ارتش تناقض وجود دارد، چنان‌که در کتاب دفاع مقدس زمان تشکیل سازمان تیپ در سپاه بعد از عملیات ثامن‌الائمه(ع) ذکر شده است، ولی در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس حتی در دی‌ماه ۱۳۶۰ و پس از عملیات پیروزمندانه طریق‌القدس که اساساً با انکار بر تدبیر و خلاقیت نیروهای سپاه در محور شمالی و از تپه‌های رملی، انجام شد، باز هم به عدم سازمان‌دهی نیروهای سپاه اشاره شده است.

** در صفحه ۱۹۴ جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس آمده است: <با حضور نیروهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران در صحنه‌های نبرد، توان رزمی و تهاجمی جبهه‌ها تقویت شده بود...> سپس در همین صفحه آمده است: <برآوردهای انجام شده نشان می‌داد که توان رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران به تنهایی برای وارد آوردن ضربه سرنوشت‌ساز به ارتش متجاوز کافی نیست...> ضرورت هم‌آهنگی ارتش و سپاه با توجه به افزایش سازمان سپاه در مقایسه با ارتش، از جمله موضوعاتی بود که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. افزون بر این، ایجاد قرارگاه مشترک با نام "کربلا" عملاً برای افزایش هم‌آهنگی در هدایت عملیات صورت گرفت. در این زمینه در کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس سال ۱۳۷۱، ص ۱۳۰، آمده است: <پس از انتخاب منطقه و تصویب آن، کار طرح‌ریزی آغاز و با استفاده از تجارب حاصله در عملیات طریق‌القدس به جای دو قرارگاه فرماندهی جداگانه سپاه پاسداران و نیروی زمینی، یک قرارگاه مشترک برای انجام طرح‌ریزی، هدایت، کنترل و فرماندهی عملیات با نام "قرارگاه عملیاتی کربلا" تشکیل و به ترتیب به اجرای هرچه صحیح‌تر و کامل‌تر اصل "وحدت فرماندهی" نزدیک شد تا اشکالات عملیات قبلی در زمینه مذکور به وجود نیاید.>

البته، با وجود این‌که در این کتاب بر وجود دو قرارگاه جداگانه در هدایت عملیات به هنگام اجرای عملیات طریق‌القدس اشاره شده است ولی در همین کتاب در صفحه ۱۱۶ در بند ۳ گزارش عملیات طریق‌القدس در مورد قرارگاه هدایت کننده عملیات آمده است: <قرارگاه مقدم نزاچا [نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی] در جنوب>

طرح مانور

به دلیل ترکیب نیروهای سپاه و ارتش برای انجام عملیات دو دیدگاه متفاوت در طرح ریزی عملیات فتح‌المبین وجود داشت؛ طراحان نظامی ارتش بر این باور بودند که عملیات می‌بایست به صورت مرحله‌ای و با دو قرارگاه و از سه محور جسرنادری، شوش و ارتفاعات شاوریه و تپه بلتا برای تأمین ارتفاعات علی‌گزه‌زد و تپه‌های ابوصلیبی خات انجام شود، و پس از آن، در مرحله دوم، عملیات به طرف عین‌خوش - دوسلک و رقابیه ادامه یابد. این طرح شبیه عملیات ارتش در ۲۳ مهر سال ۱۳۵۹ بود. از سوی دیگر، گروه طرح‌ریزی سپاه با توجه به آنچه پیش از این حاصل شده بود، با این طرح مخالفت کردند. زیرا، آنها معتقد بودند، با توجه به زمین و عوارض منطقه و نحوه آرایش دشمن، عملیات باید در یک مرحله و با چهار قرارگاه برای تصرف عقبه‌های دشمن و با استفاده از راه‌کارهای ابتکاری از شمال عین‌خوش و شرق رقابیه به عین‌خوش انجام شود. سرانجام پس از بحث و بررسی‌هایی که صورت گرفت، طرح سپاه پذیرفته شد.*

بدین ترتیب، عملیات از چهار محور کلی با چهار قرارگاه سازمان‌دهی شد که این قرارگاه‌ها از شمال به جنوب عبارت بودند از قدس، نصر، فجر و فتح.
محور قرارگاه قدس (تیشه کن، چاه نفت به سمت دشت‌عباس و عین‌خوش)

در این محور، ارتفاعات عین‌خوش و تنگه ابوغریب به عنوان عوارض حساس منطقه شمالی، از اهداف حیاتی عملیات بودند، زیرا از قابلیت پدافندی برخوردار بوده و در صورت تأمین و تصرف آنها، عقبه نیروهای دشمن تهدید شده و خطوط مواصلاتی آن قطع می‌شد. در واقع، محور قرارگاه قدس، جناح لشکر ۱۰ عراق بود و به علت مسافت طولانی و وجود کوه‌های صعب‌العبور، کمتر مورد توجه عراقی‌ها قرار گرفته بود، به همین دلیل، خطوط دشمن در این محور فاقد استحکام لازم بود. به‌طور کلی، هدف نهایی قرارگاه قدس در این محور، تصرف ارتفاعات عین‌خوش، منطقه ابوغریب و تینه بود.

محور قرارگاه نصر (غوب پل نادری)

در این محور، ارتفاعات شمال شرقی شامل علی‌گزه‌زد، شاوریه و بخشی از جاده دزفول - دهلران، عوارض حساس این منطقه محسوب می‌شدند و در صورت آزادسازی و تأمین آنها،

* این مطلب بر اساس توضیح سردار غلامعلی رشید در یادداشت‌هایش بر این کتاب نوشته شده است.

عقبه نیروهای دشمن در پای پل، سرخه صالح و کوت کاپن تهدید شده و همچنین الحاق نیروهای خودی در پای پل آسان و امکان دستیابی به چنانچه و برقازه فراهم می‌شد. بنابراین، قرارگاه نصر در جناح چپ قرارگاه قدس مأموریت داشت، مناطقی چون شاوریه، تپه بلتا، علی گره زد، تپه چشمه، کوت کاپن و سایر عوارض حساس منطقه را تصرف و تأمین کند. عملیات در این محور به لحاظ آرایش و استعداد دشمن و حساسیت عراق نسبت به این منطقه به شکل تک جبهه‌ای بود که عملیاتی سخت و دشوار محسوب می‌شد.

محور قرارگاه فجر (شوش)

در این محور، تپه‌های ابوصلیبی خات به عنوان مهم‌ترین عوارض حساس منطقه در غرب رودخانه کرخه به شمار می‌رفت که بر تمام این منطقه مشرف بودند و در صورت تصرف و تأمین آنها، علاوه بر تجزیه نیروهای دشمن، دستیابی به چنانچه و تپه‌های برقازه تسهیل شده و همچنین، زمینه‌های سقوط مواضع دشمن در ملحه، کوت کاپن، سرخه صالح و سرخه قلیچ فراهم می‌شد.

قرارگاه فجر در این محور مأموریت داشت، عوارض حساس منطقه را تصرف و تأمین کند. نظر به حساسیت دشمن نسبت به این منطقه و استحکاماتی که در آن ایجاد کرده بود، عملیات در این محور سخت و دشوار به نظر می‌رسید.

قرارگاه فتح (رقابیه)

این محور در جنوب منطقه عملیاتی قرار داشت و تنگه رقابیه و تپه برقازه (در جنوب و جنوب غربی) حساس‌ترین عوارض منطقه محسوب می‌شدند. محور قرارگاه فتح در واقع، جناح لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق بود که در صورت تصرف و تأمین آن، علاوه بر دور خوردن نیروهای دشمن در منطقه عین خوش و تهدید عقبه لشکر ۱ در محور دوسلک و غرب آن، امکان تأمین خط پیوسته پدافندی، با اتکاء به ارتفاعات تپه و میشداغ - از عین خوش تا تنگه چزابه - فراهم می‌شد، ضمن این که دشمن مجبور می‌شد بیشتر نیروهای خود را در پشت رودخانه دویرج مستقر کند.

عملیات فتح‌المبین بر پایه دستیابی به اهداف مورد نظر در سه مرحله طرح‌ریزی شد، در مرحله اول، با آغاز عملیات، می‌بایست هدف‌های علی گره زد، شاوریه، ابوصلیبی خات و تنگه رقابیه تصرف و تأمین می‌شد. در مرحله دوم و پس از تأمین کلیه هدف‌های مرحله اول، نیروهای خودی باید با ادامه تک، عین خوش، تنگه ابوغریب و تپه‌های غرب چنانچه را تصرف و تأمین می‌کردند و در مرحله سوم، نیروهای ارتش و سپاه می‌بایست در شمال و

جنوب منطقه به تشکیل خط پدافندی اقدام می‌کردند.

اقدامات دشمن پیش از آغاز عملیات

پس از عملیات طریق‌القدس، دشمن دچار نوعی آشفتگی روحی شد و در حالی که مرعوب و وحشت‌زده بود، هنوز درک روشنی از ویژگی‌های تاکتیکی و عملیاتی نیروهای خودی نداشت. در چنین وضعیتی، دشمن قبل از آغاز عملیات فتح‌المبین، بر اساس شواهد و قراین موجود و برخی منابع جاسوسی که در داخل ایران داشت، از اجرای این عملیات آگاهی یافت، لذا برای مقابله با آن، در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ در تنگهٔ چزابه دست به حمله زد. گرچه این تهاجم تلفات بسیاری برای دشمن دربرداشت، ولی موجب به تأخیر افتادن عملیات فتح‌المبین شد.

با افزایش فعالیت نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح‌المبین و مقابله با دشمن در تنگهٔ چزابه، عراقی‌ها تلاش بعدی خود را در ۲۸ اسفند ۱۳۶۰، با هدف بر هم زدن سازمان رزم و رسیدن به خطوط پدافندی مستحکم، نیروهای خودی در منطقه جنوب شوش و دشت رقیبیه آغاز کردند. انتخاب این منطقه برای حمله بر پایه درک دشمن از محورهای اصلی تهاجم نیروهای خودی بود؛ عراقی‌ها می‌پنداشتند که چون امکان تک در ابعاد وسیع و عمیق برای ایرانی‌ها وجود ندارد، به همین دلیل، عملیات اصلی آنها در محور شوش و یا پای‌پل نادری خواهد بود و در سایر محورها تلاش ایران برای پشتیبانی است. اظهارات اسیران عراقی، از جمله، گفته‌های زیر دربارهٔ اهداف و محورهای تهاجم نیروهای خودی، نشان‌دهندهٔ درک دشمن از این عملیات بود:

> طرح حمله نیروهای اسلام به شکل زیر بود:

الف- تصرف مواضع لشکر دهم از طریق دشت سیپتون و رسیدن به جاده اصلی عین‌خوش - امامزاده؛

ب- تصرف مواضع لشکر یکم در مناطق رقیبیه از کوه میشداغ به سمت جنوب و غرب و حرکت به سوی جاده اصلی فکه - شوش؛

ج- تصرف مواضع لشکر یکم در محورهای جاده اصلی (جبهه تیپ یکم و تیپ ۹۳) و همچنین،

تصرف جبهه در منطقه دوسلک و جبهه لشکر ۱۰ در محور نادری و پاک‌سازی منطقه رادار؛

د- هدف اصلی، محاصره و از یکدیگر جدا ساختن یگان‌ها و در نتیجه، نابودی و یا اسارت افراد

آنها بود. ^(۱۱۹)

بدین ترتیب، ارتش عراق با هدف به تأخیر انداختن عملیات فتح‌المبین، در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۶۰ در منطقه جنوب شوش و دشت رقابیه دست به حمله زد. هجوم نیروهای عراقی به این منطقه سبب شد تا بسیاری از معابر نفوذی و محورهای عملیات کشف شده و بر مشکلات نیروهای خودی افزوده شود، ولی مقاومت این نیروها و همچنین، ناتوانی دشمن، مانع از آن شد که دشمن از این حملات بهره‌برداری کرده و ابتکار عمل را در دست گیرد.

تشریح عملیات*

با توجه به تلاش دشمن در آستانه عملیات فتح‌المبین (۲ فروردین ۱۳۶۰) و احتمال هوشیاری عراق نسبت به محورهای تهاجم نیروهای خودی و نیز تأثیرات تک دشمن در کشف معابر نفوذی، تأخیر در اجرای عملیات ضروری به نظر می‌رسید، ضمن این‌که هنوز برخی از یگان‌های خودی از آمادگی لازم برخوردار نشده بودند. در پی این وضعیت و ایجاد تردید در تصمیم‌گیری فرماندهان، فرماندهی کل سپاه به دیدار امام رفت و از ایشان درباره زمان شروع عملیات درخواست استخاره کرد. امام در پاسخ به این درخواست ضمن خودداری از استخاره، فرمودند: "شما خودتان تصمیم بگیرید ولی اگر می‌خواهید می‌توانید برای طلب خیر از خداوند به قرآن رجوع کنید." پس از بازگشت فرمانده سپاه به منطقه، به قرآن، استخاره زده شد که سوره فتح آمد. آیات این سوره وعده فتح، نصرت و "مغانم کثیره" (غنیمت‌های بسیار) می‌داد. بر همین اساس، نام "فتح‌المبین" برای این عملیات برگزیده شد.

بدین ترتیب، عملیات فتح‌المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بعد از نیمه‌شب در دوم فروردین ۱۳۶۱ با رمز مبارک یازهرا(س) و با چهار قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح آغاز شد. در این عملیات، مأموریت قرارگاه قدس و فتح در مقایسه با قرارگاه‌های نصر و فجر از اهمیت بیشتری برخوردار بود. پس از آن‌که دشمن نسبت به مأموریت نیروهای خودی در محور قرارگاه فتح آگاه شد، مأموریت قرارگاه قدس اهمیت بیشتری یافت، زیرا دشمن از مأموریت نیروهای خودی در این محور کاملاً غافل بود و در نتیجه، هرگونه موفقیت در این محور با تهدید عقبه و اشغال مواضع دشمن در منطقه عین‌خوش، هوشیاری دشمن در

* در نگارش این بخش، از گزارش برادر داوود رنجبر (گزارش ۶۸۹ پیشین) نیز استفاده شده است.

محور قرارگاه فتح را جبران می‌کرد. در واقع، قرارگاه قدس می‌توانست مهم‌ترین خطوط مواصلاتی و تدارکاتی دشمن در محور دهلران، عین‌خوش و پل نادری را قطع کند که در این صورت، احتمال ورود نیروهای احتیاط دشمن به منطقه با مشکلاتی همراه شده و راه عقب‌نشینی نیروهای لشکر ۱۰ نیز قطع می‌شد.

با شروع عملیات، نیروهای قرارگاه قدس - که به دلیل طولانی بودن مسافت، قبلاً از محل استقرار خود حرکت کرده و در مواضع مناسبی در نزدیکی دشمن مستقر شده بودند - با تهاجم به نیروهای عراقی، ضمن آزاد کردن بخشی از جاده دهلران - پادگان کرخه، در عین‌خوش مستقر شدند. همچنین، در این حمله منطقه کمرسرخ، امامزاده‌عباس و تپه‌های ۲۰۲ به تصرف نیروهای خودی درآمد.

در محور قرارگاه نصر، نیروهای این قرارگاه علاوه بر تصرف اهداف خود در غرب پل نادری شامل سهراهی قهوه‌خانه، کوت‌کاپن و تپه‌چشمه، ارتفاعات شمال شرقی منطقه یعنی شاوریه و علی‌گزه‌زد را نیز آزاد کرده و با پیشروی در عمق، نیروهای دشمن را منهدم کردند. در محور قرارگاه فجر، به دلیل جبهه‌ای بودن تک و تسلط دشمن بر منطقه، نیروهای خودی پس از درگیری با دشمن در خطوط اول، به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. سرعت عمل قرارگاه‌های قدس و نصر سبب شد، توپخانه دشمن در علی‌گزه‌زد با بیش از ۸۲ قبضه توپ سقوط کند، که این امر در پیشروی نیروهای خودی و کاهش تلفات آنان بسیار مؤثر بود.

با روشن شدن هوا، دشمن - که متحمل تلفات بسیاری شده بود - توان خود را در منطقه عین‌خوش متمرکز کرد و با بهره‌گیری از نیروهای رانده‌شده از محور رقابیه، تلاش گسترده‌ای را به سمت امامزاده‌عباس از شرق به غرب آغاز کرد و در مرحله اول توانست امامزاده‌عباس را به تصرف درآورد. در این میان، مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام‌حسین (ع) در برابر فشارهای دشمن در روز اول عملیات بسیار بااهمیت بود. اگر حمله دشمن در این محور با موفقیت همراه می‌شد، تمام دست‌آوردهای شب اول عملیات از دست می‌رفت و تداوم عملیات نیز با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شد.

همچنین، در روز دوم عملیات، دشمن در محور عین‌خوش، با تلاش بسیار توانست تپه‌های ۲۰۲ را نیز تصرف کند، اما در تصرف کمرسرخ و عین‌خوش ناکام ماند.

مرحله دوم عملیات

افزایش فشارهای دشمن بر نیروهای خودی، وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده بود. برای

مقابله با این وضعیت و به دست‌گیری ابتکار عمل و جلوگیری از تداوم تهاجمات دشمن، قرارگاه فتح مأموریت یافت، با تصرف تنگه رقابیه، عملیات را در شب سوم آغاز کند. در محور شوش نیز قرار شد، قرارگاه فجر با عملیات ایذایی، دشمن را مشغول و درگیر نگه دارد. به قرارگاه نصر و قدس نیز ابلاغ شد، خطوط پدافندی را بازسازی کنند.

عملیات قرارگاه فتح در ساعت ۳ بامداد روز ۴ فروردین ۱۳۶۱ از دو محور آغاز شد: در محور اول، تیپ ۲۵ کربلا و یک گردان زرهی از لشکر ۹۲ با هدف تصرف ارتفاعات رقابیه، مستقیماً از حاشیه تنگه رقابیه و آب‌گرفتگی وارد عمل شدند.

**نقشه عملیات فتح‌المبین در ۲ فروردین ۱۳۶۰
(منطقه عمومی غرب رودخانه کرخه)**

در محور دوم، تیپ ۸ نجف اشرف با تیپ ۵۵ هوارد تلاش اصلی خود را برای عبور از تنگه ذلیجان* متمرکز کردند تا از این طریق نیروهای دشمن را در تنگه رقابیه و انتهای شمالی میشداغ دور بزنند.

در پی اجرای عملیات در محور اول مواضع دشمن به سرعت سقوط کرد و نیروهای خودی ضمن پاکسازی کامل تنگه رقابیه و میشداغ، ارتفاعات رقابیه را نیز به تصرف خود درآوردند. در محور قرارگاه فجر نیز نیروهای خودی پس از اجرای عملیات تأخیری، به مواضع خود بازگشتند. دشمن پس از اجرای مرحله دوم عملیات نیز در حالی که توان خود را در محور شمالی (عین خوش) متمرکز کرده بود، دچار از هم گسیختگی شد. زیرا تداوم حضور نیروهای خودی در مواضع تصرف شده در محور شمالی و ناتوانی دشمن در بازپس گیری این مواضع و همچنین، پیشروی نیروهای خودی در محور جنوبی و تصرف تنگه رقابیه، تمام نیروهای دشمن را در معرض انهدام و اسارت قرار داده بود.

مرحله سوم عملیات

تلاش برای به اسارت درآوردن نیروهای دشمن مهم ترین هدف عملیات در مرحله سوم بود در این مرحله از عملیات که ۷ فروردین ۱۳۶۱ آغاز شد قرارگاه قدس مأموریت داشت، امامزاده عباس و تپه ۲۰۲ را - که از دست داده بود - بار دیگر تصرف و تأمین کرده و با رسیدن به منطقه ابوغریب و استقرار در ارتفاعات تینه، با قرارگاه های دیگر الحاق کند. قرارگاه نصر نیز موظف شد، مأموریت قرارگاه فجر مبنی بر تصرف ارتفاعات ابوصلیبی خات را انجام دهد و قرارگاه فجر تنها در محور شوش با دشمن درگیر شود و در صورت امکان، با قرارگاه نصر الحاق کند. همزمان، قرارگاه فتح مأموریت یافت با تصرف برقازه در منطقه دوسلک با قرارگاه نصر و فجر الحاق کند.

نیروها در شب هفتم عملیات پس از پیشروی و تصرف ارتفاعات رادار تمام اهداف تعیین شده را به آسانی تأمین کردند و دشمن نیز بیشتر نیروهای خود را از منطقه خارج کرد. سرانجام، پس از هشت روز درگیری، نیروهای خودی با تأمین تمام اهداف مورد نظر و استقرار بر روی ارتفاعات تینه، برقازه، رقابیه و میشداغ، دشمن را تا رودخانه دویرج و تپه های ۱۸۲ در جنوب برقازه عقب راندند.

* تنگه ذلیجان در ۱۷ کیلومتری جنوب تنگه رقابیه قرار دارد. با تلاش های جهاد سازندگی و شکافتن ارتفاعات میشداغ و احداث جاده، مسیر تنگه باز شد و نیروهای خودی توانستند از این محور وارد عمل شوند.

خسارات و تلفات وارده به دشمن

در این عملیات، ۲۵ هزار تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی و ۱۷ هزار تن دیگر اسیر شدند و تمام یگان‌های درگیر آن نیز در منطقه دچار خسارت و تلفات شدند. همچنین، ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو و ۱۶۵ قبضه توپ به غنیمت نیروهای خودی درآمد و نزدیک به ۳۵۰ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شد. در این عملیات، ۱۸ فروند از هواپیماهای دشمن نیز سرنگون شدند.

ارزیابی عملیات

بدون تردید، عملیات فتح‌المبین از نظر وسعت، منطقه، شمار نیروهای شرکت‌کننده، تاکتیک عملیاتی و سرعت‌عمل نیروها در تأمین اهداف با اجرای مراحل عملیات، بسیار برجسته و با اهمیت بود. یکی از کارشناسان نظامی دربارهٔ این عملیات می‌گوید:

>تهاجم ایران در اواخر ماه مارس که تحت عنوان عملیات فتح‌المبین صورت گرفت، بزرگ‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین تلاش ایران در جنگ تا آن زمان بود. ایرانی‌ها در جریان این عملیات با بهره‌گیری از بیش از یک‌صد هزار تن از نیروهای منظم، حداقل ۳۰ هزار پاسدار و همین تعداد نیروهای مردمی ارتش ۲۰ میلیونی، اقدام به انجام یک تهاجم سه مرحله‌ای کردند که کمر مقاومت عراق در خوزستان شکست. <(۱۲۰)

برخی از کارشناسان، پیروزی‌های ایران را به منزله تجدید قوای نیروی انسانی و هم‌آهنگی بهتر ارتش و سپاه می‌دانند. افرایم کارش، یکی از کارشناس نظامی دیگر در مورد این عملیات می‌گوید:

>عملیات فتح‌المبین خفت‌بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق نمود. <(۱۲۱)

پیروزی در عملیات فتح‌المبین در واقع، حاصل برتری نیروی انسانی و بینش نظامی ایران بر عراق بود. البته این تأکید به آن معنا نیست که عوامل دیگر بی‌تأثیر و یا فاقد ارزش و دارای اهمیت کمتری بودند، لیکن این دو عامل در مقایسه با سایر عوامل از برجستگی و تأثیر بیشتری برخوردار بودند.

عملیات فتح‌المبین گرچه در آستانه فرا رسیدن سال جدید و در ایام نوروز انجام گرفت، ولی این مسئله هیچ تأثیری بر جذب نیروهای مردمی نداشت، بر این اساس، سردار غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه عملیات فتح‌المبین را "جنگ فراگیر مردمی" نامید. به موازات افزایش حضور نیروهای مردمی، سازمان رزم سپاه گسترش یافت و این

تحول، موجب افزایش توانایی نیروهای خودی در برابر دشمن شد.^{*} سردار رضایی می‌گوید:
 <در حقیقت در عملیات فتح‌المبین سازمان رزم ما یک مرتبه دچار یک تحول خیلی جدی شد.
 قرارگاه تشکیل دادیم و تیپ‌های ما دو برابر شد.>^(۱۲۲)

سپاه برای این عملیات، هفت تیپ جدید تأسیس کرد که استعداد برخی از آنها برابر یک لشکر بود. روند رو به گسترش سازمان سپاه سبب شد که پس از عملیات فتح‌المبین این شعار محور تلاش‌ها قرار گیرد که "یک گام سازمان‌دهی، یک گام عملیات"^(۱۲۳).
 نخستین قرارگاه عملیاتی نیز در این عملیات شکل گرفت؛ قبل از این، سپاه هیچ‌گاه قرارگاه لشکری نداشت. ضرورت ناشی از عملیات از یک سو و بلوغ اندیشه نظامی و گسترش سازمان آن از سوی دیگر، مقدمات تشکیل قرارگاه را فراهم کرد.

در ابعاد عملیاتی نیز طرح عملیات فتح‌المبین از ویژگی‌های مهمی برخوردار بود و همین ویژگی‌ها سبب شد تا با وجود این که دشمن از منطقه عملیات کاملاً آگاه بود و تلاش‌هایی را نیز برای مقابله با آن انجام داد، ولی با شکست خفت‌باری روبه‌رو شد. ابتکار عمل نیروهای خودی در عملیات فتح‌المبین، وضعیت را به سود ایران تغییر داد.

در این حال، دشمن با حمله به نیروهای خودی در تنگه چزابه کوشید، ایران را از اجرای عملیات منصرف کند، ولی هنگامی که این حملات نتیجه نداد، سعی کرد علاوه بر ترمیم نقاط ضعف مواضع پدافندی خود، آرایش نیروهای ایران را برهم زند، اما این تلاش‌ها نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نیروهای خودی نداشت.^(۱۲۴)

سردار رضایی در این باره بر دو نکته تأکید می‌کند: "نخست این که طرح مانور بایستی متناسب با آخرین تغییرات دشمن باشد، لذا اطلاعات لازم است به روز باشد. باید تا آخرین لحظات، تغییرات دشمن را درک کنیم و به تناسب آن، طرح مانور را تغییر بدهیم." نکته دیگر، "پافشاری و تلاش برای تصرف نقطه یا نقاطی است که با تصرف آن تعادل دشمن بر هم می‌خورد". در عملیات فتح‌المبین آرایش دشمن به دو نقطه وابسته بود: یکی تنگه رقابیه و دیگری ارتفاع برقازه. لذا با نزدیکی به دو نقطه یادشده، تمام جبهه دشمن متزلزل شد.^(۱۲۵)

* اسیران عراقی در این زمینه می‌گویند: <نیروهای اسلام توانستند تعداد زیادی از داوطلبان بسیجی و همچنین واحدهای ارتش را در این عملیات به کار گیرند. این تجمع نیروها باعث رسیدن به هدف گردید و نیروهای اسلامی حمله خود را به مواضع دفاعی عراق آغاز نمودند و توانستند در بیش از یک منطقه مواضع آنها را به تصرف درآورند.>

طرح‌ریزی دقیق عملیات فتح‌المبین به خصوص در محور قرارگاه قدس - که در مرحله اول منجر به وارد آمدن خسارت فراوانی بر دشمن و درهم ریختگی نیروهای عراقی شد - یکی از ویژگی‌های مهم این عملیات بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در کسب پیروزی داشت، در محور قرارگاه فتح نیز اقدامات مهندسی برای احداث جاده بر روی ارتفاعات میشداغ و تصرف تنگهٔ رقابیه، هم‌چون تیر خلاصی به دشمن بود، چنان‌که پس از آن، نیروهای عراقی بدون درنگ دست به عقب‌نشینی زدند. به عبارت دیگر، با پیروزی عملیات فتح‌المبین، ذهنیت و باورهای دشمن نسبت به توان رزمی ایران و نیروهای خود دستخوش تغییر شد؛^(۱۲۶) پیش از این، دشمن نسبت به توان نیروی نظامی ایران تردید داشت و می‌پنداشت که نیروهایش می‌توانند مواضع اشغالی را حفظ کنند. به همین دلیل، دشمن در عملیات بیت‌المقدس نیز نتوانست مقاومت مؤثری از خود نشان دهد.^(۱۲۷) علاوه بر این، سردار رشید، قدرت تصمیم‌گیری فرماندهی کل سپاه و توانایی وی را در حل معضلات اساسی عملیات، در مرحله طرح‌ریزی و اجرای آن، به عنوان ویژگی دیگر این عملیات می‌خواند:

«فتح‌المبین انصافاً خیلی وسیع بود؛ در آن شرایط و در آن دوران سخت، این اراده فرمانده کل سپاه بود که توانست تصمیم‌گیری کند و این عملیات را انجام دهد. در حالی که بسیاری از فرماندهان تصمیم سرلشکر محسن رضایی را به آن شکل قبول نداشتند.»^(۱۲۸)

به عقیده سردار غلامعلی رشید، پس از عملیات طریق‌القدس، تداوم حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه علاوه بر این‌که منجر به انتقال نیروهای سپاه و تمرکز امکانات در جبهه‌ها شد، در بعد عملیاتی نیز جرأت و شهامت طرح‌ریزی عملیات گسترده و به‌کارگیری نیروهای مردمی در مقیاس وسیع را به وجود آورد.^(۱۲۹) وی در توضیح این مطلب می‌گوید:

«در عملیات فتح‌المبین چند پیچیدگی وجود داشت که واقعاً آقا محسن حل کرد؛ مثلاً وقتی که در مرحله اول عمل کردیم، عراق مقاومت کرد، اوضاع ما به هم ریخت. شهید حسین خرازی در عین‌خوش گرفتار شده بود. عراقی‌ها به منطقه دشت‌عباس حمله کردند، اوضاع پیچیده شد و قرارگاه فجر اصلاً موفق نشد. قرارگاه فتح هم هنوز آمادگی حمله نداشت. آقا محسن با این‌که مریض بود و حالش به هم خورده و زیر سرم قرار داشت، اما همان شب وقتی که حسین گرفتار شد، برادران صیاد و جمالی آمدند و گفتند: "حسین را نجات بدهید و ما پیشنهاد می‌دهیم تیپ ۸۴ و تیپ امام حسین (ع) عقب بکشند، این‌ها آن‌جا ناپود می‌شوند." فرمانده سپاه در برابر این پیشنهاد کاملاً مقاومت کرد، گفت: آقارحیم (صفوی)، فرمانده قرارگاه فتح باید حمله کند؛ راه نجات حسین همین است. ... وقتی آقارحیم حمله کرد، فشار دشمن در عین‌خوش کاهش

یافت. همه می‌گفتند عقب‌نشینی، [ولی] فرماندهی می‌گفت، ما عین‌خوش را با هزار زحمت گرفتیم، عقب‌نشینی نمی‌کنیم... این جور مسائل در ذهن فرماندهی بود که ما قادر به درک و حل آن نبودیم. فکر ایشان واقعاً کار می‌کرد و بسیار فعال و عمیق بود و تصمیمات مناسبی را می‌گرفت. < (۱۳۰)

اجرای پی‌درپی مراحل عملیات از دیگر ویژگی‌های این عملیات بود؛ هرگونه تأخیر در اجرای مرحله دوم می‌توانست علاوه بر از دست دادن نتایج و دست‌آوردهای مرحله اول، عملیات را ناکام بگذارد، اما اجرای مرحله دوم عملیات و تصرف تنگه رقابیه، منجر به تزلزل و فروپاشی نیروهای دشمن و در نتیجه، فرار آنها - به علت ترس از اسارت و انهدام - شد.

بازتاب عملیات*

"تشدید نگرانی آمریکا از روند تحولات جنگ" و تأثیر آن بر روند تحرکات سیاسی در سطح منطقه و تغییر تدریجی سیاست آمریکا، شاید برجسته‌ترین بازتاب عملیات فتح‌المبین باشد که نیاز به بررسی دارد. امریکایی‌ها در حالی که تصور می‌کردند، ایران در گرداب "بحران سیاسی" و "بن‌بست نظامی" غوطه می‌خورد و هیچ عنصر تعیین‌کننده‌ای در صحنه سیاسی ایران برای مهار و غلبه بر این اوضاع وجود ندارد، ناگهان با دو رویداد نظامی مهم روبه‌رو شدند؛ یکی، عقب‌راندن نیروهای عراقی از شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن‌الائمه (ع) و دیگری، رسیدن ایران به مرزهای بین‌المللی در عملیات طریق‌القدس بود. امریکایی‌ها پیش از این می‌پنداشتند که دولت انقلابی حاکم بر ایران به شدت تضعیف شده است و در معرض سقوط قرار داد. چنان‌که، بعد از پیروزی ایران در عملیات فتح‌المبین، خبرگزاری آسوشیتدپرس از واشنگتن گزارش داد:

> ایران پس از برتری یافتن بر نیروهای عراقی در جبهه جنگ و پس از فائق آمدن بر چریک‌های ضدولتی [منافقین]، اکنون کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس را به وقوع انقلاب در آنها تهدید کرده است. سیاست‌مداران امریکایی در محافل خصوصی خود گفتند: "آیت‌الله خمینی برخلاف تصور ما سقوط نکرد... وی در قدرت است." < (۱۳۱)

امریکایی‌ها با درکی که از روند تحولات داشتند، به دلیل احتمال پیروزی ایران، ضمن

* این بخش از گزارش با استفاده از گزارش برادر فرهاد درویشی تحت عنوان "بررسی شرایط سیاسی جنگ ایران و عراق در آستانه و پس از عملیات فتح‌المبین" نوشته شده است.

مخالفت با طولانی شدن جنگ،^(۱۳۲) به‌طور تلویحی اعلام کردند که کمک به عراق برای امریکا منافع زیادی در بر دارد.* یک مقام بلندپایه وزارت دفاع امریکا در این باره گفت:

> امریکا قصد دارد بی‌طرفی خود را در جنگ ایران و عراق حفظ کند و در برابر فشار دولت‌های عرب برای جانب‌داری از عراق مقاومت نماید، با این حال، ما با این نکته موافق هستیم که کمک به عراق - که نیروهایش در جنگ با ایران ناکام مانده‌اند - برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت.<^(۱۳۳)

رادیو اسرائیل نیز طی تحلیلی درباره علت تغییر مواضع امریکا چنین گفت:

> برای دولت واشنگتن کمال مطلوب آن است که جنگ کنونی بدون پیروزی یکی از طرفین پایان یابد، زیرا رژیم کنونی ایران که امریکا را شیطان بزرگ لقب داده، در صورت پیروزی در جنگ برای صدور انقلاب خود گستاخ‌تر خواهد شد، روی این اصل، تا هنگامی که ایران در آستانه تجزیه قرار نگرفته و رژیمی که بر سرکار است می‌تواند از تسلط کمونیزم و پیشروی شوروی جلوگیری کند، ادامه جنگ ایران و عراق موجب نگرانی نخواهد بود و دولت واشنگتن به روش بی‌طرفی در این نزاع ادامه خواهد داد.<^(۱۳۴)

امریکایی‌ها پیش‌تر، در پی برتری عراق در جبهه‌های جنگ نسبت به بهره‌برداری روس‌ها از این حادثه، نگران بودند ولی با برتری نظامی ایران و تأثیرات ناشی از آن در عراق و در سطح منطقه، از ادامه جنگ نگران شدند. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشت:

> متخصصان امریکایی می‌گویند، نیروهای نظامی ایران جریان جنگ را تغییر داده و در تمام جبهه‌های جنگ با عراق پیروز می‌شوند. این تغییر جریانی است که بسیاری از رژیم‌های صادرکننده نفت طرفدار غرب را هراسان ساخته است و می‌تواند اولین نشانه‌های برگشت مجدد ایران به عنوان نیرویی قدرتمند باشد.<^(۱۳۵)

در این باره، نشریه لوس آنجلس تایمز نیز طی تحلیلی، از دیدگاه ناظران امریکایی، مسائل بسیار مهمی را مطرح کرد:

> ۱- ناظران امریکایی معتقدند که اگرچه آشکار نیست، لیکن جمهوری اسلامی انقلابی ایران طی ماه‌های اخیر برتری خود را در جنگ با عراق نشان داده است و تا میزان قابل ملاحظه‌ای به اوضاع داخلی نظم و ثبات بخشیده است.

* برابر اطلاعاتی که اخیراً به دست آمده است، پس از عملیات فتح‌المبین اولین گروه مستشاران نظامی امریکا برای کمک به عراق وارد این کشور شدند و اطلاعات ماهواره‌ای دقیقی را در اختیار عراقی‌ها قرار دادند.

۲- این ناظران معتقدند که در نتیجه کسب موفقیت‌های فوق‌الذکر طی ماه‌های اخیر، بروز هرگونه هرج‌ومرج پس از فوت آیت‌الله خمینی کم شده و بالاجبار امکان ورود نیروهای شوروی به ایران و اقدام تلافی‌گرانه آمریکا را کاهش داده است.

۳- احتمال قد برافراشتن ایران انقلابی، بسیاری از کشورهای خلیج‌فارس خصوصاً آن دسته از کشورهایی را که به عراق کمک نموده‌اند، مشوش ساخته است.

۴- ناظران امریکایی اظهار می‌دارند که در نتیجه تحولات فوق، دولت آمریکا مجبور شده است که موضع خود نسبت به تهران را مورد بررسی قرار دهد.^(۱۳۶)

امریکایی‌ها برای ارزیابی اوضاع منطقه و اتخاذ سیاست جدید در برابر ایران، تحرکات و تلاش‌های بسیاری انجام دادند؛ افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و تأسیس پایگاه در برخی از این کشورها بخشی از این تلاش‌ها بود. واینبرگر، وزیر دفاع وقت آمریکا طی سفری به کشورهای منطقه، در مورد فروش سلاح نظامی و حتی واگذاری بلاعوض تسلیحات، مذاکراتی را انجام داد. وی، در سفر به عربستان در مورد فروش هواپیماهای آواکس و سایر تجهیزات نظامی به این کشور مذاکراتی انجام داد. در این حال، به گزارش خبرگزاری فرانسه، کنگره آمریکا فروش ۱۵ میلیارد و هفتصد هزار دلار اسلحه و تجهیزات امریکایی به دولت سعودی را تصویب کرد. بر اساس این مصوبه آمریکا می‌بایست ظرف چهار سال آینده، چهار پایگاه هوایی، دو پایگاه دریایی، سه پایگاه زمینی و شمار زیادی مراکز فرماندهی به مقامات ریاض تحویل می‌داد.^(۱۳۷) همزمان با این جریان‌ات، تعدادی هواپیمای امریکایی F-15- که بخشی از معامله ۸/۵ میلیارد دلاری اسلحه بین آمریکا و پادشاه سعودی بود - وارد عربستان شد.^(۱۳۸)

واینبرگر در سفر خود به عمان نیز تأکید کرد که آمریکا از پایگاه‌های خود در عمان برای رویارویی با خطر انقلاب ایران، در زمان مناسب استفاده خواهد کرد. اظهارات واینبرگر در مورد سیاست آمریکا و تغییرات آن، تا اندازه‌ای هدف این کشور از تحرکات دیپلماتیک در منطقه و انعقاد قرارداد فروش تسلیحات و احداث پایگاه با کشورهای منطقه را روشن می‌کند. وی می‌گوید:

> تاکنون سیاست آمریکا در خاورمیانه بر اساس حفظ دولت‌های دوست از خطر شوروی بود، ولی پس از اعدام سادات و بروز ناآرامی‌های اخیر در بحرین و پیروزی‌های ایران، وزارت دفاع آمریکا را به این نتیجه رسانده است که آنچه ادامه جریان نفت خاورمیانه به غرب را تهدید می‌کند، خطر منطقه‌ای است نه خارجی.^(۱۳۹)

امریکایی‌ها که پیش از این، در تبلیغات ضدروسی خود، "تهدید شوروی" را به عنوان "تهدیدی خارجی" و خطر اصلی برای ادامه جریان نفت خاورمیانه و بی‌ثباتی در کشورهای دوست امریکا در منطقه معرفی می‌کردند، پس از پیروزی‌های نظامی ایران، "تهدید ایران" را به عنوان تهدیدی منطقه‌ای، در تبلیغات خود برجسته کردند، تا سیل جنگ‌افزارهای خود را به کشورهای منطقه سرازیر کنند. این تغییر، گذشته از تأثیرات کوتاه‌مدت آن، به عنوان یک استراتژی جدید، آثار و نتایج بلندمدتی نیز در پی داشت که پس از فتح خرمشهر به تدریج نمایان شد. به همان اندازه که احساس نگرانی امریکا از پیروزی‌های ایران منجر به ایجاد رعب و هراس در کشورهای منطقه شد، در مقابل، نگرانی این کشورها نیز بر مواضع و سیاست‌های امریکا تأثیرگذار بود. کشورهای منطقه به دلیل حمایت از عراق، از تغییر روند جنگ به سود ایران نگران بودند. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشته است:

> بسیاری از کشورهای نفت‌خیز طرفدار غرب در خلیج فارس از جمله شبه‌جزیره عربستان و کویت از عراق حمایت کرده و بنابراین دلیل کافی برای ترس از ایران را دارند.<^(۱۴۰)

در این حال، نگرانی امریکا از اوضاع منطقه دلیل کافی برای افزایش نگرانی در کشورهای منطقه بود. تحلیل روزنامه الخلیج در این مورد، بر پایه اظهارات سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا، این موضوع را آشکار می‌کند:

> امریکا پس از حمله گسترده اخیر ایران، علی‌رغم موضع سابق خود در قبال جنگ، سخت به وحشت افتاده و خواستار پایان دادن سریع به این جنگ است، زیرا به عقیده امریکا پیروزی ایران در جنگ باعث محکم‌تر شدن موضع دولت ایران شده و استقرار امنیت در منطقه را مختل خواهد کرد.<^(۱۴۱)

پس از عملیات طریق‌القدس و پیش از آغاز عملیات فتح‌المبین، صدام برای جلب حمایت اعراب به‌طور مکرر از کشورهای منطقه درخواست کمک کرد. پس از عملیات فتح‌المبین و به موازات افزایش نگرانی امریکا و تغییر استراتژی این کشور نیز، تحرکات نسبتاً گسترده‌ای در منطقه صورت گرفت. علاوه بر سفر واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا و قراردادهایی که بین این کشور و حکام منطقه منعقد شد، برخی از کشورهای عربی مانند قطر، کویت و عربستان پشتیبانی خود را از عراق به‌طور رسمی اعلام کردند.^(۱۴۲) در این حال، بخش عربی رادیو لندن از کشورهای خلیج فارس خواست، به رهبری عربستان سعودی به یکدیگر نزدیک شوند تا بتوانند از آثار مهم پیروزی احتمالی ایران در منطقه بکاهند.^(۱۴۳) در پی این تحولات، وزیر دفاع سعودی طی سفری ناگهانی به بغداد، با صدام ملاقات کرد

و به وی قول پشتیبانی داد.^(۱۴۴) ملک حسین (شاه اردن) نیز در سفر دوره‌ای خود به کشورهای منطقه با خالد، پادشاه سعودی ملاقات کرد.^(۱۴۵)

حسنى مبارك، رئيس دولت مصر نیز در دیدار با اعضای مجلس مصر گفت:

«چنانچه جنگ برای مدت زیادی ادامه یابد، عواقب شومی برای منطقه به بار خواهد آورد.»^(۱۴۶)

از سوی دیگر، رادیو امریکا به نقل از سخن‌گوی وزارت خارجه مصر اعلام کرد که قاهره آمادگی دارد، امنیت و ثبات منطقه خلیج‌فارس را تضمین کند. مشاور مبارک نیز اعلام کرد، مصر در فکر متوقف ساختن جنگی است که سبب بی‌ثباتی و عدم امنیت منطقه شده است. وی همچنین ارسال مهمات و قطعات یدکی از مصر به عراق را تأیید کرد.^(۱۴۷)

بدین ترتیب، بیشتر کشورهای عربی مواضعی هم‌سو با مواضع امریکا اتخاذ کردند. در این میان، تنها سوریه به گونه‌ای چشمگیر، به سود ایران و علیه عراق تلاش می‌کرد؛ سوریه، صدور نفت عراق را که از طریق خطوط لوله از خاک این کشور می‌گذشت، قطع کرد. در مقابل ایران نیز - بنا به گزارش رادیو لندن - پذیرفت، از این پس نفت پالایشگاه‌های سوریه را که قبلاً عراق تأمین می‌کرد، تأمین کند.^(۱۴۸)

علاوه بر این رخدادها، ادعای دوباره "صلح‌طلبی عراق" که پیش از این نیز به موازات تشدید ضعف نظامی این کشور، مطرح شده بود، پس از عملیات فتح‌المبین در شکلی جدید به گوش رسید. صدام در چهارم فروردین ۱۳۶۱ با ارسال نامه‌ای برای سکوت‌توره از وی تقاضا کرد کمیته‌ای را برای روشن کردن حقایق جنگ و شناسایی متجاوز تشکیل دهد. سعدون حمادی، وزیر امور خارجه وقت عراق، نیز طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در ۱۹ فروردین ۱۳۶۱ اعلام کرد که عراق میانجی‌گری الجزایر را می‌پذیرد ولی قرارداد ۱۹۷۵ میلادی نمی‌تواند مبنای مذاکرات باشد، زیرا این قرارداد در آن شرایط به عراق تحمیل شده است.^(۱۴۹) تنها سه روز پس از ادعاهای صلح‌طلبی مقام‌های عراقی، صدام طی سخنانی در مجلس ملی این کشور، ماهیت واقعی ادعاهای عراق را روشن ساخت. وی گفت:

> در حال حاضر هدف اساسی ما این است که از ورود نیروهای مسلح ایران به قلمرو خاک عراق جلوگیری به عمل آوریم ... تا زمانی که جنگ ادامه دارد، بر ماست که هر قدر بتوانیم به عمق خاک دشمن نفوذ کنیم تا مانع از گلوله‌باران شهرهایمان از سوی دشمن شویم ... آنها در این عملیات [فتح‌المبین] قصد داشتند وارد عماره شوند.<^(۱۵۰)

البته، حوادث و رخداد‌های دیگری نیز متأثر از پیروزی ایران در عملیات فتح‌المبین، به

وقوع پیوست که از ذکر آنها خودداری شد.

عملیات بیت المقدس فتح خرمشهر

تلاش برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس در موقعیت بسیار حساسی انجام شد؛ وضعیت داخلی کشور با انهدام بقایای ضدانقلاب به تدریج رو به بهبودی و ثبات پیش می‌رفت. اوضاع منطقه نیز به دلیل نگرانی امریکا از نتایج ناشی از پیروزی ایران بر عراق، به گونه‌ای آشکار ملتهب بود، ضمن این که مناسبات اعراب و اسرائیل با آمادگی اسرائیل برای تهاجم به جنوب لبنان، در وضعیت حساسی قرار داشت. در چنین موقعیتی، بی‌گمان، نتیجه عملیات بیت المقدس برای ایران، منطقه و عراق بسیار سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده بود، لذا سرعت عمل در اجرای این عملیات برای ایران بسیار با اهمیت بوده و نقش مؤثری داشت.*
زمینه اجرای عملیات بیت المقدس متأثر از نتایج سلسله عملیات‌های پیشین بود که با شکستن حصر آبادان آغاز شد و پس از آن نیز ادامه یافت. این نتایج عبارت بودند از:

- ۱- انهدام بخش وسیعی از نیروی زمینی دشمن؛
- ۲- آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در منطقه جنوب کشور؛
- ۳- آزادسازی نیروهای پدافندی خودی از مناطق اشغالی؛
- ۴- افزایش توانایی نیروهای خودی در طرح ریزی و اجرای عملیات؛
- ۵- افزایش تسلط اطلاعاتی بر دشمن.^(۱۵۱)

علل انتخاب منطقه

چنان که اشاره شد، منطقه عمومی غرب رودخانه کارون به عنوان آخرین منطقه اشغالی

* سرلشکر محسن رضایی در مورد سرعت عمل به عنوان یکی از اصول عملیات می‌گوید: <اصل سوم که ما رعایت کردیم، سرعت عمل بود؛ یعنی با مشکلاتی که ما داشتیم، هرچه فاصله عملیات فتح‌المبین با عملیات بیت المقدس بیشتر می‌شد، وضع منطقه پیچیده‌تر می‌شد. دشمن می‌خواست به هر قیمتی شده منطقه را حفظ کند. دشمن صددرصد می‌دانست که حرکت بعدی ما همین منطقه است، لذا زمان اهمیت داشت. به محض این که عملیات فتح‌المبین تمام شد، به برادرها گفتم، آماده شویم، بایستی به سرعت برویم به سمت خرمشهر.>

(سرلشکر محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۹/۵/۱۳۷۴)

جبهه جنوب که همچنان در دست دشمن قرار داشت، برای انجام در روند سلسله عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی انتخاب شد. گفتنی است، بر خلاف گذشته که در زمینه انتخاب منطقه برای عملیات گاهی بین فرماندهان نظامی اختلاف نظر به وجود می‌آمد، در مورد این منطقه اتفاق نظر کاملی وجود داشت، به همین دلیل، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح‌المبین مقدمات اجرای عملیات بیت‌المقدس فراهم شد.

بر سرعت عمل در اجرای عملیات جدید از آن جهت تأکید می‌شد، که دشمن اطمینان داشت آزادسازی این منطقه - به عنوان آخرین منطقه اشغالی در جنوب - هدف عملیات بعدی جمهوری اسلامی است، لذا سهل‌انگاری در این زمینه، موجب می‌شد دشمن از آمادگی لازم برخوردار شده و دست‌یابی نیروهای خودی را به اهداف مورد نظر دشوارتر کند؛ ضمن این‌که دشمن از مدت‌ها پیش اقدامات پدافندی خود در این منطقه افزوده بود. با آن‌که فرماندهان نظامی، منطقه غرب کارون را برای عملیات انتخاب کرده بودند، ولی هنوز نگرانی‌هایی وجود داشت؛ سردار محسن رضایی در این باره می‌گوید:

> همچنان، از نظر تاکتیکی، این نگرانی وجود داشت که آیا [دشمن در پشت جاده اهواز - خرمشهر در مقابل ایستگاه حسینه از چه موقعیتی به لحاظ استحکامات و استعداد برخوردار است؟ غلبه بر این نگرانی با به دست آوردن اطلاعات از عمق [منطقه استقرار] دشمن و همچنین پیدا کردن یک منطقه استراتژیکی - عملیاتی که کلید منطقه بود، برطرف شد. منطقه جنوب کوشک تا شمال ایستگاه حسینه قلب منطقه بود که با تسلط بر این منطقه، می‌توانستیم برای دشمن مشکل ایجاد کنیم. در این منطقه لشکر ۳ به عنوان احتیاط، لشکر ۱۱ و تیپ ۴۸ در خرمشهر و لشکرهای ۵ و ۶ در شمال منطقه بودند. دوگانگی مأموریت احتیاط‌های دشمن، ما را از اهمیت منطقه آگاه کرد. ما چنین پیش‌بینی می‌کردیم که در صورت دست‌یابی به این منطقه، می‌توانیم: ۱- عقبه لشکرهای ۵ و ۶ را تهدید کنیم (منطقه جفیر به منزله تمامی عقبه دشمن محسوب می‌شد)؛ ۲- سهولت در پیشروی به سمت بصره؛ ۳- برخورداری از موقعیت سرکوب نسبت به خرمشهر و انجام تک احاطه‌ای در این منطقه. < (۱۵۲)

موقعیت منطقه

منطقه عمومی جنوب‌غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی قرار دارد که به ترتیب از شمال به رودخانه کرخه‌کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهوریزه و شط‌العرب منتهی می‌شود. زمین این منطقه به

لحاظ برخورداری از موانع طبیعی، از چهار سمت به هم پیوسته و به شکل مستطیل می‌باشد که به دلایلی برای هر دو کشور ایران و عراق از نظر استراتژیکی با ارزش است.^(۱۵۳)

وضعیت دشمن

نحوه استقرار نیروها و تدابیر پدافندی دشمن در این منطقه شکل خاصی داشت. به عبارت دیگر، نحوه آرایش نیروهای دشمن با توجه به موقعیت زمین منطقه به صورت مثلثی بود؛^(۱۵۴) ضلع شرقی آن به طول حدود یکصد کیلومتر در امتداد رودخانه کارون از خرمشهر تا آبادی ملیحان، واقع در بیست کیلومتری جنوب غربی اهواز قرار داشت؛ ضلع شمالی آن حدود شصت کیلومتر از ملیحان در امتداد کرانه جنوبی رودخانه کرخه‌کور، هویزه، رودخانه نیسان تا هورالعظیم کشیده شده بود و وتر این مثلث نیز خط مرزی دو کشور از محل تلاقی رودخانه نیسان با هورالعظیم تا پاسگاه ژاندارمری "حدود" در کرانه نهر خین به طول یکصد و پنجاه کیلومتر بود.

تدبیر پدافندی دشمن در ضلع شمالی مثلث که شامل شرق هورالعظیم، ساحل رودخانه‌های نیسان و کرخه و ادامه خط دفاعی در حوالی آبادی ملیحان و به طرف جنوب تا پادگان حمید می‌شد، به شکل زیر بود: ایجاد استحکامات فشرده، بهره‌برداری از موانع هورالعظیم و مناطق آب‌گرفتگی، تهیه قدرت آتش زیاد و تهیه احتیاط‌های قوی برای انهدام رخنه‌های احتمالی با استقرار دست‌کم دو لشکر تقویت‌شده ۷ مکانیزه و ۶ زرهی.

اساساً، تدبیر پدافندی دشمن در این منطقه مبتنی بر این باور بود که سمت اصلی تهاجم نیروهای خودی از جاده اهواز - خرمشهر خواهد بود، زیرا - بر پایه روش‌های کلاسیک - وجود این جاده به عنوان عقبه مطمئن، بهترین راه‌کار شناخته می‌شد. بنابراین، دشمن علاوه بر استقرار دو لشکر تقویت شده ۵ مکانیزه و ۶ زرهی، استحکامات و مواضع بسیاری را با بهره‌برداری از موانع طبیعی به وجود آورد.

تدبیر پدافندی عراق در ضلع شرقی منطقه، در امتداد رودخانه کارون - با توجه به آگاهی دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی - بسیار ضعیف بود و تنها در برخی از نقاط مواضعی را به وجود آورده و با اتکا به یگان‌های سبک تأمینی و پوششی، به کاربرد احتیاط‌های متحرک و غیرمتحرک بسنده کرده بود. لشکر ۳ زرهی عراق با استقرار در سه محل جداگانه در غرب جاده اهواز - خرمشهر، وظیفه دفاع را به عهده داشت. فاصله نیروهای تأمینی و پوششی دشمن از ساحل غربی رودخانه کارون سبب شد که نیروهای خودی با عملیات عبور از رودخانه، نیروهای دشمن را غافل گیر کنند.

در ضلع جنوبی (منطقه خرمشهر) دشمن در دو سمت شرقی و شمالی آرایش گرفته بود تا هرگونه عملیات عبور از رودخانه در تک جبهه‌ای به داخل خرمشهر و یا ورود به این شهر از سمت شمال را مهار کند. ایجاد استحکامات در خرمشهر با تخریب ساختمان‌ها برای جلوگیری از جنگ تن به تن، بخش دیگری از تلاش دشمن به منظور حفظ خرمشهر بود. استعداد عراق در این منطقه تا پیش از آغاز عملیات بیت‌المقدس به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه؛
- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود؛
- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر (تیپ‌های ۲۲، ۴۸، و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند)؛
- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر؛
- تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره که در احتیاط قرار داشت.^(۱۵۵)

برابر اسناد قرارگاه مرکزی کربلا در برآورد کلی، استعداد دشمن به شرح زیر بوده است:

نیروی پیاده، ۳۶۰۰۰ تن؛ نیروی زرهی، ۴۱ گردان تانک شامل ۱۴۳۵ دستگاه تانک؛ نیروی مکانیزه، ۳۸ گردان شامل ۱۳۳۰ دستگاه نفربر؛ توپخانه، ۵۳۰ قبضه توپ.

استعداد و آرایش دشمن نشان می‌داد که عراق مصمم است با تمام قوا در این منطقه مقاومت کند؛ ضمن این که عمق و عرض زمین منطقه و نبودن ناهمواری، امتیازی برای نیروهای عراقی به شمار می‌رفت، زیرا با اتکا به یگان‌های زرهی و مکانیزه، می‌توانستند در این منطقه به خوبی مانور کنند. با این حال، دشمن با برخی از محدودیت‌ها روبه‌رو بود؛ از جمله این که می‌بایست از سرزمین نسبتاً وسیع و عریضی دفاع می‌کرد در حالی که از نظر نیروی انسانی دچار کمبود بود. دشمن، قوای خود را به تناسب نقاط استراتژیک، حیاتی و مهم جفیر و خرمشهر، متمرکز کرده و در تدبیر پدافندی خود بیش از همه، به حفظ خرمشهر و بصره اهمیت داده بود.

طرح عملیات

طرح‌ریزی عملیات بیت‌المقدس با توجه به تفاوت‌های آشکار زمین این منطقه با سایر

* در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، لشکر ۹ زرهی، تیپ گارد جمهوری، تیپ‌های نیروی مخصوص و بیش از ده تیپ دیگر به عنوان استعداد دشمن در این منطقه ذکر شده است.

مناطق عملیاتی، به ویژه منطقه عملیاتی فتح‌المبین، از پیچیدگی و دشواری‌های نسبتاً زیادی برخوردار بود.

همان گونه که پیش از این اشاره شد، "نبودن عارضه و ناهمواری در زمین منطقه" امتیازی برای دشمن به شمار می‌رفت، زیرا زمینه مانور یگان‌های زرهی و مکانیزه دشمن در این منطقه به خوبی فراهم بود. همچنین، "وسعت منطقه" سه برابر منطقه عملیاتی فتح‌المبین بوده و این امر علاوه بر اینکه ضرورت افزایش نیروهای خودی را ایجاب می‌کرد، در خصوص طرح‌ریزی و هدایت نیروها نیز مستلزم برخورداری از توانی ویژه و پیچیدگی خاصی بود؛ خصوصاً این که مهم‌ترین ویژگی عملیات بیت‌المقدس طرح‌ریزی عملیات برای عبور نیروها از رودخانه بود.

الف) اهداف و مأموریت*

از دیدگاه نظامی، اهداف عملیات بیت‌المقدس بیشتر شامل انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در غرب رودخانه کارون و نیز تهدید بصره به‌منظور وادار ساختن عراق به پرداخت خسارت جنگ بود. در این میان، آزادسازی شهر خرمشهر از نظر استراتژیک و سیاسی اهمیت ویژه‌ای داشت. افزون بر این، خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه، سوسنگرد و جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دوربرد دشمن، ترمیم مرز بین‌المللی و آزاد کردن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر بخش‌های دیگری از اهداف عملیات بودند. مأموریت ابلاغ شده از قرارگاه مرکزی کربلا به شرح زیر بود:

>نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت دارند که در ساعت "س" روز "ر" در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین‌المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.<^(۱۵۶)

ب) سازمان رزم

نکته مهم در سازمان رزم این عملیات همکاری نزدیک سپاه و ارتش بود که در طول دوران جنگ نظیر نداشت. استعداد نیروهای ارتش در این عملیات، شامل دو لشکر زرهی،

* نگاه کنید به جزوه طرح عملیات کربلای ۳، قرارگاه کربلا، مرکز طرح‌ریزی و هدایت عملیات تهیه شده است.

یک لشکر پیاده، چهار تیپ مستقل و یک تیپ تحت امر بود که عبارت بودند از: لشکر ۱۶ زرهی قزوین با سه تیپ، لشکر ۹۲ زرهی اهواز با سه تیپ، لشکر پیاده ۲۱ حمزه با چهار تیپ و تیپ‌های ۵۸ ذوالفقار، ۵۵ هوابرد، ۲۳ نوه‌د (تکاور)، ۳۷ زرهی شیراز و نیز تیپ ۳ پیاده از لشکر ۷۷ خراسان. در مجموع، استعداد این نیروها بالغ بر ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۱۴ تا ۱۵ گردان پیاده بود.

استعداد نیروهای سپاه نیز عبارت بود از: تیپ‌های ۲۵ کربلا، ۸ نجف‌اشرف، ۱۴ امام حسین (ع)، ۳۱ عاشورا، ۲۱ امام‌رضا (ع)، ۳۷ نور، ۴۱ ثارالله (ع)، بیت‌المقدس، ۷ ولی‌عصر (عج)، ۲۷ محمدرسول‌الله (ص)، ۴۶ فجر، ۲۲ بدر خرمشهر و ۳۰ زرهی. استعداد هر یگان سپاه بالغ بر هفت تا ۱۰ گردان نیرو بود. گفتنی است استعداد نیروهای سپاه تا پیش از شروع عملیات، بین ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده و چهار گردان زرهی بود که با آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان پیاده و زرهی رسید.

ج) طرح مانور

با توجه به موقعیت زمین منطقه و نحوه استقرار دشمن، نیروهای ارتش و سپاه در پی بررسی‌های جداگانه دو راه‌کار پیشنهاد کردند که متأثر از دو بینش متفاوت بود. بنا به نظر فرماندهان ارتش، اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و تهاجم از شمال به جنوب بهترین راه‌کار برای انجام عملیات بود، به ویژه این که ارتش در عملیات ۱۶ دی‌ماه، موسوم به هویزه - تنومه که هدف آن استقرار در ساحل غربی رودخانه شط‌العرب بود، همین راه‌کار را انتخاب کرده بود و تنها عملیات عبور از رودخانه در منطقه فارسیات - به صورت بسیار محدود - به عنوان تلاش پشتیبانی در نظر گرفته شده بود.

راه‌کار دوم، عبور از رودخانه کارون به عنوان تلاش اصلی بود که فرماندهان سپاه پیشنهاد کردند.^{*} این پیشنهاد را فرماندهی کل سپاه، سردار محسن رضایی مطرح کرد. وی بر این باور بود که در صورت عبور از رودخانه کارون و تصرف منطقه حسینی، نیروهای خودی بر نقطه سرکوب منطقه مسلط خواهند شد و موقعیت دشمن در جبهه شمالی، در خرمشهر و در شرق بصره متزلزل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی مثبت این طرح، غافل‌گیر کردن نیروهای دشمن نسبت به سمت تک و عدم استقرار آنها در مواضع بود، ضمن این که

* سردار غلامعلی رشید نیز در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه، عملیات عبور از رودخانه کارون را به عنوان "خلاقیت فرماندهی" سپاه ذکر کرد.

نیروهای خودی نیز بر خلاف آرایش دشمن وارد زمین منطقه می‌شدند و سریع‌تر به اهداف خود به ویژه خرمشهر می‌رسیدند. بر اساس این طرح، عقبه‌های لشکر ۵ و ۶ ارتش عراق نیز تهدید می‌شد. با توجه به ویژگی‌های مثبت این طرح، سرانجام پیشنهاد سپاه پذیرفته شد. بنابراین طرح نهایی مانور، سه قرارگاه قدس، فتح و نصر در سه محور، اجرای عملیات را به عهده داشتند که مأموریت و سازمان هر یک به شرح زیر بود:

۱- قرارگاه قدس (محور شمالی)

این قرارگاه در محور شمالی مأموریت داشت تا با تهاجم به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه و تصرف سرپل مناسب در آنجا (جنوب رودخانه)، دشمن را همچنان درگیر نگاه دارد تا قرارگاه‌های نصر و فتح به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ مستقل از ارتش را زیر امر خود داشت که یگان‌های سپاه و ارتش به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل قدس ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ عمل می‌کردند.

۲- قرارگاه فتح (محور میانی)

این قرارگاه در جبهه میانی مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون در غرب این رودخانه، سرپلی تصرف کرده و در خیز اول خود، تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی کند و در مراحل بعدی عملیات، به‌منظور تأمین مرز، تک خود را ادامه دهد. قرارگاه فتح، سه تیپ مستقل از سپاه و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش را زیر امر خود داشت که این یگان‌ها به صورت ادغامی و در چهار محور کلی شامل فتح ۱، ۲، ۳ و ۴ عمل می‌کردند.

۳- قرارگاه نصر (محور جنوبی)

این قرارگاه در محور جنوبی و در جناح چپ قرارگاه فتح، مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده و سرپلی را تصرف و تأمین کند و بنا به دستور، به پیشروی خود ادامه داده و ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد. قرارگاه نصر، چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش را تحت امر خود داشت که این یگان‌ها به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل نصر ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ عمل می‌کردند.

مأموریت خاص هر یک از قرارگاه‌های سه‌گانه در ترکیب کلی، تأمین اهداف مورد نظر را تسهیل می‌کرد. قرارگاه قدس پس از درهم شکستن مواضع و استحکامات دشمن در محور شمالی، مأموریت داشت نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد؛ موفقیت در اجرای این امر منجر

به موفقیت دو قرارگاه فتح و نصر می‌شد. قرارگاه فتح پس از اجرای عملیات عبور از رودخانه به عنوان مهم‌ترین و دشوارترین اقدام عملیاتی، می‌بایست با ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر پیشروی در عمق، سرپل وسیع و گسترده‌ای را تصرف و تأمین می‌کرد. موفقیت قرارگاه فتح در این عملیات موقعیت دشمن را در کل منطقه متزلزل می‌کرد. همچنین، قرارگاه نصر مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون و تأمین جناح چپ عملیات، از منطقه شمال شرقی وارد خرمشهر شود.

پیچیدگی و دشواری عملیات، ضرورت مرحله‌بندی آن را ایجاب می‌کرد؛ لذا برای اجرای عملیات مراحل زیر در نظر گرفته شد:

۱- تهاجم قرارگاه قدس به خاکریز اول دشمن - برای درگیر کردن دشمن - هم‌زمان با عبور قرارگاه‌های نصر و فتح از رودخانه و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر به‌منظور تأمین سرپل.

۲- پس از تأمین سرپل، قرارگاه‌های فتح و نصر می‌بایست با ادامه پیشروی، مرز را تأمین و خرمشهر را آزاد می‌کردند.

۳- ادامه تک برای تأمین ساحل شرقی اروندرود و پدافند در این منطقه.

نظر به دشواری‌های عملیات عبور از رودخانه که برای نخستین بار در جنگ انجام می‌گرفت، و عدم درک دشمن نسبت به توانایی ایران برای انجام این عملیات، احتمال غافل‌گیری دشمن در تاکتیک عملیات و در نتیجه، احتمال پیروزی نیروهای خودی را افزایش می‌داد. ضمن این‌که نیروهای خودی با اتکا به این تاکتیک، "جناح دشمن" را مورد حمله قرار می‌دادند که این اقدام بر آسیب‌پذیری دشمن می‌افزود.

در عین حال، با توجه به عملیات عبور از رودخانه، "پذیرش خطر" برای تصمیم‌گیری لازم بود زیرا در صورت آمادگی دشمن و تهاجم آنها به نیروهای خودی، خسارت‌های وارده بیشتر به یک مصیبت قابل تشبیه بود تا چیز دیگر.

برابر طرح عملیاتی کربلای ۳ نیروی هوایی و هوانیروز پشتیبانی عملیات را بر عهده داشتند. نقش برادران جهاد سازندگی نیز در این زمینه بسیار مهم بود.

تشریح عملیات

سرعت عمل نیروها پس از عملیات فتح‌المبین به‌منظور کسب آمادگی لازم و فراهم‌سازی مقدمات اجرای عملیات بیت‌المقدس، همچنان از ضروریات کار به شمار می‌رفت، زیرا با

توجه به افزایش جابه‌جایی‌ها و نقل و انتقالات نیروهای خودی در غرب رودخانه کارون و استقرار آنها در ساحل این رودخانه، احتمال هوشیاری دشمن وجود داشت. به همین دلیل، برخی پیشنهاد می‌کردند که پیش از آغاز عملیات، نیروهای خودی در ساحل رودخانه کارون به سرپل‌گیری اقدام کنند.*

بدین ترتیب، پس از اقدامات و تلاش‌هایی که کمتر از یک ماه انجام شد، در ساعت ۳ بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱، عملیات بیت‌المقدس با رمز "یا علی بن ابی‌طالب" آغاز شد. نخستین خبر درگیری با دشمن، ۵۵ دقیقه بعد از نیمه شب به قرارگاه رسید و تا سه ساعت پس از آن، تمام یگان‌های خودی با دشمن درگیر شده بودند.

پیشروی سریع نیروها در محور قرارگاه فتح، ابهام موجود را در مورد هوشیاری دشمن به ویژه در این محور برطرف کرد و کاملاً مشخص شد که دشمن از سمت اصلی تک غافل بود.

مرحله اول عملیات

در این مرحله، یگان‌های قرارگاه قدس با دشمن درگیر شدند اما تنها در محور قدس ۴ موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه شدند. یگان‌های قرارگاه فتح نیز توانستند به آسانی به جاده اهواز - خرمشهر رسیده و در آنجا مستقر شوند و تنها در الحاق با قرارگاه نصر دچار مشکلاتی شدند. در محور قرارگاه نصر، با وجود پیشروی برخی یگان‌ها، به دلیل ناهم‌آهنگی در پیشروی و عوامل دیگر، درگیری به روز کشیده شد و یگان‌های این قرارگاه موفق به تأمین اهداف خود نشدند. عدم الحاق در محور قرارگاه نصر و افزایش فشار دشمن سبب شد تا کل منطقه متصرفه در محدوده قرارگاه نصر تهدید شود.

در پایان روز اول عملیات وضعیت کلی نیروهای خودی به این شرح بود: قرارگاه‌های نصر و فتح، سرپلی به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع را به تصرف درآورده و قرارگاه قدس از پنج محور خود تنها در دو محور موفق به اجرای مأموریت شده بود. با توجه به وسعت منطقه سرپل و

* متأسفانه در جزوه "نقد کتاب از خونین‌شهر تا خرمشهر" - از انتشارات اداره آموزش ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی - بدون توجه به این ظرافت‌ها، برای مخدوش کردن اصل تاکتیک عبور از رودخانه و پیشنهاد سپاه، بر این موضوع تأکید شده است که "برادران سپاه به سرپل‌گیری محدود اعتقاد داشتند." حال آن‌که از همان آغاز و برابر گزارش جلسات بحث مانور که نوارهای آن در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ موجود است، فرماندهی کل سپاه، عملیات عبور از رودخانه را تلاش اصلی خوانده و تصرف سرپل وسیع را مورد تأکید قرار می‌داد. تصرف سرپل کوچک تنها بر اساس این نگرانی مطرح می‌شد که در صورت هوشیاری دشمن و چسبیدن نیروهایش به کناره‌های رودخانه کارون، راه‌کار عملیات بسته خواهد شد، لذا بهتر بود، هرچه زودتر سرپلی کوچک تصرف شود.

غفلت دشمن از سمت اصلی تک تعادل دشمن در این عملیات به طور اساسی درهم ریخت، به گونه‌ای که تا پایان عملیات، توانایی مهار اوضاع و به دست‌گیری ابتکار عمل را نداشت.

پاتک دشمن

عراق پس از آگاهی از سمت اصلی تک و موفقیت نیروهای خودی در مرحله اول عملیات، تلاش‌های خود را آغاز کرد؛ دشمن ابتدا با فشاری سنگین، سرپل متصرفه در جنوب رودخانه کرخه در محور قرارگاه قدس را بازپس گرفت. در محور قرارگاه فتح نیز دشمن تلاش کرد، نیروهای خودی را از پشت عارضه جاده اهواز - خرمشهر عقب براند، به همین منظور، با استفاده از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر و با رخنه در این شکاف، فشار سنگینی به نیروهای خودی وارد آورد و سرانجام تیپ‌های ۷ ولی‌عصر و ۲۷ حضرت‌رسول(ص) را وادار به عقب‌نشینی کرد.

در محور قرارگاه نصر نیز وضعیت بحرانی و نامساعد بود؛ رخنه‌های موجود به دلیل عدم هم‌آهنگی در پیشروی و انجام نشدن الحاق، موجب تشدید فشار دشمن بر نیروهای خودی شد. بنابر گزارش‌های موجود، در چنین وضعیتی صدام فشار زیادی را برای بازپس‌گیری مواضع آزاد شده به نیروهایش وارد می‌کرد.

با وجود فشار شدید دشمن به ویژه در منطقه سرپل که با به‌کارگیری تیپ ۱۰ زرهی آغاز شده بود، نیروهای خودی در بدترین وضعیت و در حالی که فاقد آتش پشتیبانی و مواضع مناسب بودند، به مقاومت خود ادامه دادند و با آن‌که تانک‌های دشمن موفق شدند در مواضع خودی نفوذ کنند، اما رزمندگان، با رشادتی بی‌نظیر بار دیگر رخنه‌ها را ترمیم و کل منطقه سرپل را حفظ کردند.

شب دوم

نیروهای خودی به دلیل تصرف و تأمین سرپل در وضعیت نسبتاً خوبی به سر می‌بردند، ولی عدم تأمین عقبه و انجام نشدن الحاق به عنوان مهم‌ترین معضل عملیات موجب نگرانی فرماندهی عملیات شده بود، لذا قرارگاه‌های فتح و نصر مأموریت یافتند رخنه‌های موجود در مواضع را ترمیم کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد، مواضع از دست‌رفته را تصرف کند. بدین ترتیب، در شب دوم عملیات برخی از رخنه‌ها ترمیم شد، ولی عملیات بازپس‌گیری مواضع از دست‌رفته در محور قرارگاه قدس ناکام ماند و نیروهای این قرارگاه بار دیگر به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند.

مرحله دوم عملیات

پس از مرحله اول عملیات که یک هفته طول کشید، برای اجرای مرحله دوم عملیات با توجه به استقرار دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر، دو راه کار پیش‌بینی می‌شد:

۱- ادامه تک به سمت مرز به منظور دسترسی بیشتر به عقبه‌های نیروهای دشمن و تهدید بصره.

۲- پیشروی به سمت خرمشهر با پیشروی از غرب جاده اهواز - خرمشهر.

به نظر می‌رسید بدون انهدام نیروهای دشمن، تصرف خرمشهر با چرخش به سمت این شهر از روی جاده اهواز - خرمشهر ممکن و عملی نباشد، بنابراین، در اولویت اول می‌بایست، نیروهای دشمن منهدم و مرز تأمین می‌شد، سپس تلاش برای ورود به داخل خرمشهر انجام می‌گرفت. بر همین اساس، در مرحله دوم عملیات، دو قرارگاه نصر و فتح مأموریت یافتند به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد با تظاهر به تک، همچنان دشمن را درگیر نگه دارد.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ با هدف رسیدن به مرز بین‌المللی و محاصره خرمشهر آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در آغاز حمله خود به جاده مرزی رسیدند ولی نیروهای قرارگاه نصر زیر فشار شدید دشمن قرار داشتند. پس از روشن شدن هوا، درگیری میان دو طرف ادامه یافت و نیروهای خودی با اتکا به کانالی که خط حد دو قرارگاه فتح و نصر محسوب می‌شد، در برابر پاتک‌های دشمن مقاومت کردند، که سرانجام، نیروهای دشمن از غرب جاده دست به عقب‌نشینی زدند.

عقب‌نشینی دشمن

دشمن در مرحله نخست عملیات، طی ده روز نیروهای بسیاری را وارد منطقه کرد تا مناطق آزادشده را بازپس گیرد، ولی نتیجه‌ای نگرفت، به ویژه این که در مرحله دوم عملیات، نیروهای خودی به سهولت به مرز بین‌المللی رسیده و منطقه را تصرف و تأمین کردند.

در واقع، وضعیت دشمن در این منطقه به دلیل تاکتیک ویژه عملیات و حضور نیرومند قوای نظامی ایران در هم ریخته بود. به عبارت دیگر، دشمن در موقعیتی قرار داشت که توان مقابله مؤثر با نیروهای خودی را نداشت و تداوم این وضعیت می‌توانست علاوه بر انهدام نیرو، بصره را نیز در معرض خطر قرار دهد، به همین دلیل، دشمن تصمیم به عقب‌نشینی گرفت.

در این حال، عراق برای جلوگیری از فروپاشی یگان‌هایش، به هنگام عقب‌نشینی تدبیر خاصی اتخاذ کرد. از سوی دیگر، نیروهای قرارگاه قدس پس از اطلاع از عقب‌نشینی دشمن

از محور شمالی، صبح روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ پیشروی کرده و دشمن را تعقیب نمودند. بدین ترتیب، جاده اهواز - خرمشهر که در اشغال دشمن بود، آزاد شد و عقبه نیروهای خودی به جای تکیه بر رودخانه کارون، بر روی خشکی و با اتصال به اهواز، برقرار شد.

مرحله سوم عملیات

خبرهای رسیده مبنی بر خروج نیروهای عراقی از خرمشهر و افزایش روحیه نیروهای خودی به دلیل پیروزی در عملیات، سبب شد، مرحله سوم عملیات با شتاب بیشتری انجام شود. به نظر می‌رسید شتاب دشمن در عقب‌نشینی، به‌منظور جلوگیری از خسارات و تلفات بیشتر انجام می‌گرفت، لذا مرحله سوم عملیات با هدف آزادسازی خرمشهر، با به‌کارگیری دو قرارگاه فتح و نصر، طرح‌ریزی شد و در ساعت ۲۲ روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به اجرا درآمد. حضور پر شمار نیروهای دشمن در منطقه شلمچه و همچنین، خستگی روزافزون نیروهای خودی مانع از پیشروی اساسی در این مرحله شد، لذا نیروهای خودی پس از مقداری پیشروی، در سه کیلومتری شلمچه استقرار یافتند.

گرچه در این مرحله، اهداف مورد نظر به‌طور کامل تأمین نشد، ولی شمار بسیاری از نیروهای عراقی منهدم شدند و اطلاعاتی نیز از چگونگی آرایش دشمن به دست آمد که، مقدمه مرحله چهارم عملیات و فتح خرمشهر بود.

مرحله چهارم عملیات

در پی بازسازی یگان‌ها و انتقال قرارگاه فجر از منطقه فکه با سازمان‌دهی جدید، مرحله چهارم عملیات با سه قرارگاه فتح، فجر، نصر طرح‌ریزی شد. بر اساس تدبیر جدید، مقرر شد نیروها با مسدود کردن عقبه دشمن از جاده شلمچه و سپس، ورود به داخل شهر، ضمن محاصره خرمشهر، بخش وسیعی از نیروهای دشمن را منهدم و به محاصره درآورند.

مرحله چهارم عملیات در ساعت ۲۲:۲۵ روز دوم خرداد ۱۳۶۱ آغاز شد. در این مرحله، نیروهای قرارگاه فتح به پلیس‌راه خرمشهر رسیدند و نیروهای قرارگاه فجر، پل‌نو را تصرف و به سمت اروندرود پیشروی کردند. در این حال، نیروهای قرارگاه نصر نیز با پیشروی در امتداد مرز و پاک‌سازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب و به سمت نهر خین حرکت کردند. مقاومت عراقی‌ها به ویژه در پل‌نو به‌منظور بازنگه‌داشتن عقبه نیروهای خود، نتیجه‌ای در بر نداشت و سرانجام، در سوم خرداد ۱۳۶۱ برخلاف تصور دشمن که در دروازه‌های شرقی، شمالی و جنوبی در کمین نیروهای خودی بود، رزمندگان اسلام از دروازه‌های غربی و شمالی و از همان محوری که دشمن وارد خرمشهر شده بود، وارد خرمشهر شده و شهر را

آزاد کردند.

نقشه عملیات بیت‌المقدس در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱
(منطقه عمومی غرب رودخانه کارون)

خسارات و تلفات دشمن

انهدام لشکرهای ۳ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده به میزان ۸۰ درصد، لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی هر یک ۵۰ درصد، لشکر ۷ پیاده ۴۰ درصد، لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی ۲۰ درصد و لشکر ۱۲ زرهی ۲۰ درصد، تیپ‌های ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به‌طور کامل، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰ درصد و تیپ‌های ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶، ۴۱۹ پیاده ۵۰ درصد. تیپ مستقل ۱۰ زرهی ۴۰ درصد، تیپ‌های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص بیش از ۳۰ درصد، تیپ‌های ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده و تیپ‌های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی ۱۰ درصد.

در این عملیات، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای عراقی اسیر و ۱۶۰۰۰ تن دیگر کشته و زخمی شدند. همچنین، ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، ده‌ها قبضه توپ، ۵۳ فروند هواپیما و سه فروند هلی‌کوپتر دشمن نیز در این عملیات منهدم شدند.

ارزیابی عملیات

فتح خرمشهر به عنوان بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال دوم جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این عملیات، ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های اشغالی آزاد شد و دشمن متجاوز برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ ارتش خود و همچنین حفظ بصره، با سرافکندگی بسیار، از خاک ایران عقب نشست. در واقع، مقاومت دشمن در خرمشهر، که موجب زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی و در نتیجه، فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام شد، شکست و هزیمت را برای عراق به ارمغان آورد.

بدون تردید، دشمن با وجود وضعیت نامطلوبی که با آن روبه‌رو بود به دلیل اهمیت منطقه خرمشهر، تلاش می‌کرد، این منطقه را به عنوان تنها برگ برنده حفظ کرده و جنگ را آبرومندانه تمام کند، ضمن این‌که از احتمال سقوط بصره نیز نگران بود.^(۱۵۷) در چنین وضعیتی و به موازات تلاش رزمندگان برای آزادسازی خرمشهر، دشمن تلاش‌های مضاعفی را برای آمادگی نیروهای خود جهت حفظ خرمشهر انجام داد؛^(۱۵۸) به همین دلیل دشمن در

این عملیات به لحاظ مکان و تا اندازه‌ای در مورد زمان غافل‌گیر نشد.^(۱۵۹) به عبارت دیگر، باید دلیل شکست دشمن و پیروزی نیروهای خودی را مورد ارزیابی دقیق قرار داد. سردار غلامعلی رشید در مورد ضرورت ریشه‌یابی این موضوع می‌گوید:

> صحنه نبرد در دوران جنگ، میدان تحقق استراتژی طرفین است. باید بپذیریم، یک کشور در شرایط جنگ، بدون برخورداری از اندیشمندان نظامی، متفکران نظامی و رهبران نظامی قادر به اتخاذ و اجرای یک استراتژی موفق نخواهد بود؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم که در یک دوره جنگ، بدون دلیل و بدون استراتژی، همین‌طور موفق شویم. مسلماً این موفقیت ریشه دارد. باید برگردیم، ببینیم صاحبان این استراتژی نظامی چه کسانی بودند و چه کسانی آن را انجام دادند؟ <^(۱۶۰)

بدون تردید آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر نتیجه یک استراتژی برتر بود.* پیروزی‌های پی‌درپی در عملیات‌های چهارگانه، در مقایسه با شکست بنی‌صدر در عملیات‌های چهارگانه، تنها به دلیل بینش نظامی مبتنی بر حضور نیروهای مردمی و انقلابی در عرصه جنگ و ترکیب مقدس ارتش و سپاه بود. سردار رشید در مورد ویژگی‌های یک استراتژی موفق که به تدبیر نیروهای انقلابی و مردمی اتخاذ شد، چنین توضیح می‌دهد:

> در هر استراتژی موفق، سه ویژگی وجود دارد که در استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی قابل مشاهده است: ۱- انطباق با واقعیات؛ ۲- به‌کارگیری کلیه امکانات و مقدرات؛ ۳- شناخت کامل از دشمن.<^(۱۶۱)

با آزادسازی مناطق اشغالی و اثبات درستی استراتژی و رفتار و عملکرد ناشی از آن، نقش تعیین‌کننده سپاه در جنگ تثبیت شد. در واقع، بلوغ و تکامل اندیشه دفاعی سپاه** و توانایی و قدرت نظامی این نیرو با برگزاری نماز شکر رزمندگان اسلام در مسجد جامع خرمشهر، جایگاه و نقش خود را یافت و از این پس، سپاه به عنوان یک سازمان نظامی نیرومند و توانا در سطح ملی نهادینه و مورد شناسایی قرار گرفت.^(۱۶۲) همچنین سپاه علاوه

* برخی از تحلیل‌گران خارجی نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند.

** سردار غلامعلی رشید در این زمینه می‌گوید: <اندیشه دفاعی سپاه، در فتح خرمشهر شکل گرفت. در عملیات بیت‌المقدس درک عمیق‌تری از طرح‌ریزی عملیات در بدنه سازمان سپاه رسوخ کرد. فرماندهان لشکرها، فرماندهان قرارگاه‌ها، درک بهتر و عمیق‌تری کسب کردند.>

(پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام‌حسین (ع) مجله "سیاست دفاعی"، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶)

بر گسترش سازمان رزم،^{***} در ابعاد طرح‌ریزی و اجرای عملیات نیز قابلیت و برجستگی‌های خود را نمایان کرد.

در طراحی مانور عملیات، با توجه به موقعیت زمین منطقه و درکی که از تلاش‌ها، آرایش دفاعی و محل استقرار نیروهای احتیاط دشمن وجود داشت، انتخاب راه‌کار مناسب با پیشنهاد و تصرف سرپل بزرگ، منجر به تغییر اوضاع به سود ایران شد. سردار رضایی در این باره توضیح می‌دهد:

>من به برادرها گفتم، بایستی سرپل عمیق بگیرید. علت این‌که برادران ارتشی ما می‌گفتند که سرپل کوچک بگیریم،^{*} حرف منطقی آنها این بود که ما بایستی یک سرپل داشته باشیم و بعد پل‌هایمان را نصب کنیم و نیروها را آن طرف ببریم و آرایش بدهیم. من گفتم نه، باید با سرعت خودمان را به جاده اسفالت اهواز - خرمشهر برسانیم. این حرکت موجب می‌شد تمام قوای دشمن در محاصره قرار بگیرد و موجب نگرانی آنها شود.<^(۱۶۳)

نشانه‌های موفقیت این حرکت به عنوان ویژگی مانور عملیات، با عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ ارتش عراق نمایان شد. دشمن با این عقب‌نشینی، منطقه مقابل قرارگاه قدس را فدای حفظ بصره کرد و پس از آن نیز با افزایش فشار نیروهای خودی، خرمشهر را فدای بصره کرد. بنابراین، فروپاشی دشمن را باید در ویژگی طرح مانور عملیات و سرعت‌عمل نیروها در عبور از رودخانه و تصرف سرپل بزرگ جست‌وجو کرد، سردار رضایی ادامه می‌دهد:

>در حقیقت ما قاطعیت و صلابت را در تصمیم‌گیری دشمن خرد کردیم و این باعث شد که حرکت ما روان شود.<^(۱۶۴)

با توجه به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر که در وضعیت خاصی انجام گرفت، یکی از مسائل مهمی که نیاز به بررسی دارد، علت توقف ایران در عملیات بیت‌المقدس بر مرزهای بین‌المللی و خودداری نیروها از ادامه پیشروی به سمت بصره می‌باشد. در واقع، تأخیر در پیشروی به سمت بصره منجر به تحکیم مواضع دشمن و در نهایت ناکامی در عملیات رمضان شد. حال آن‌که اصل مهم نظامی "استفاده از موقعیت و تعقیب دشمن" ایجاب می‌کرد، نیروهای ایران در موقعیتی که دشمن از نظر روحی و استحکامات دچار ضعف و

*** سپاه طی ۹ ماه یعنی از عملیات ثامن‌الائمه(ع) در مهر ۱۳۶۰ که با ۱۵ گردان وارد عملیات شد تا خرداد ۱۳۶۱ که ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان در

عملیات بیت‌المقدس به کار گرفت، در واقع به میزان ۱۰ برابر رشد کرد.

* نوار ضبط شده و موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از جلسات مشترک ارتش و سپاه در قرارگاه کربلا، دلالت بر صحت این نظر دارد.

استیصال شده بود، به سمت بصره پیشروی کنند. سردار رضایی درباره علت انجام ندادن این امر مهم، مشکلات نظامی را مورد تأکید قرار می‌دهد:

> حدس می‌زدیم که ممکن است به سمت بصره برویم، ولی موفق نشویم. علت این که ما از بصره دست کشیدیم، همین فکر بود، لذا ترجیح دادیم خرمشهر برای ما و بصره برای دشمن باشد.< (۱۶۵)

از سوی دیگر، دشمن در آخرین مراحل عملیات به دلیل عدم اطمینان نسبت به سمت حرکت نظامی نیروهای ایرانی، تصمیم گرفت، از خرمشهر خارج شود، ولی بصره را حفظ کند، لذا با توجه به اندیشه دفاع از بصره، خرمشهر را از دست داد. (۱۶۶)

بدین ترتیب، طی ۹ ماه مناطق اشغالی ایران آزاد شد و در این میان، عملیات شگفت‌انگیز بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) آخرین عملیات از سلسله عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی بود که به اجرا درآمد. عراق پیش از این، به دلیل وضعیت سیاسی داخلی ایران و نتایج سلسله عملیات‌های ناموفقی که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۹ به فرماندهی بنی‌صدر انجام گرفته بود، از نظر استراتژیکی در غفلت کامل به سر می‌برد و در واقع، نقطه ثقل تحولات جنگ را نادیده گرفته بود. تا آنجا که بسیاری از مقام‌های عالی رتبه عراق در طول تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) کاملاً متقاعد شده بودند که دولت ایران تا پاییز (۱۳۶۰) سقوط خواهد کرد. (۱۶۷) ولی پیدایش وضعیت جدید به منزله شکست استراتژی عراق مبنی بر "تحمیل صلح با حفظ قلمرو" بود. به همین دلیل، بدیهی بود که دولت عراق با اعلام عقب‌نشینی از سایر مواضع اشغالی، امکان افزایش حمایت جهانی از خود و در مقابل، فشار بر ایران را برای پایان دادن به این جنگ، فراهم کند.

بازتاب عملیات

بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ* که ناشی از ناتوانی نظامی دو کشور ایران و عراق در

* ویلیام اف‌هیگمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در مورد مراحل جنگ می‌نویسد: >در جریان مرحله اول که حدود هفت هفته ادامه داشت، نیروهای عراقی در موضع تهاجمی قرار داشتند. در مرحله دوم که اوایل نوامبر (نیمه آبان) تا تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) را در بر می‌گیرد، جنگ در بن‌بست قرار داشت و در طی آن، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش‌های ایران برای صورت دادن کارها در جبهه به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران، ناکام ماند...<

(ویلیام اف‌هیگمن، ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳/۱۲/۲۰)

تغییر موازنه سیاسی - نظامی بود، منجر به شکل‌گیری و تقویت این نظریه شد که دو طرف درگیر با بهره‌گیری از قدرت نظامی، توانایی تغییر اوضاع را به سود خود ندارند. با شکل‌گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی و سرانجام، فتح خرمشهر، بار دیگر جنگ ایران و عراق، در کانون توجه جهانیان قرار گرفت.

در این میان، تحلیل محافل کارشناسی، ناظران، شخصیت‌ها و مقام‌های رسمی کشورها، در مورد پیدایش روند جدید در جنگ، نمایانگر نوعی غافل‌گیری و اظهار شگفتی همراه با نگرانی بود. با این حال، همه نظرها و تحلیل‌های ارائه شده بر این نکته تأکید داشتند که پیروزی ایران در عملیات بیت‌المقدس به عنوان نقطه عطف* می‌تواند سرنوشت جنگ را تعیین کند. چنان‌که روزنامه گاردین چاپ انگلیس این پیروزی را نقطه عطفی در جنگ میان دو کشور دانست^(۱۶۸) و روزنامه لوموند، چاپ فرانسه نیز بر این مسئله تأکید کرد که "نبرد خرمشهر سرنوشت جنگ را تعیین خواهد کرد."^(۱۶۹) فایننشال تایمز نیز نوشت:

> خرمشهر به منزله کلید پیروزی جنگ است و خرمشهر تنها سمبل واقعی پیروزی عراق و سمبل مقاومت** سرسختانه نیروهای ایران است.<^(۱۷۰)

همچنین، یک دیپلمات غربی در بغداد گفت:

> خرمشهر یک جایزه بزرگ است، اگر ایرانی‌ها آن را پس بگیرند، عراقی‌ها حرفی برای گرفتن نخواهند داشت.<^(۱۷۱)

خبرگزاری آسوشیتدپرس سقوط خرمشهر را شکستی*** توهین‌آمیز و واقعی برای دولت صدام در جنگ ۲۰ ماهه ارزیابی کرد.^(۱۷۲) رادیو لندن نیز به نقل از کارشناسان، پیروزی در خرمشهر را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های ایران بر شمرد.^(۱۷۳)

در سایر تحلیل‌هایی که در مورد آثار ناشی از شکست عراق در عملیات بیت‌المقدس

* روزنامه واشنگتن‌پست چاپ آمریکا نوشت: >به عقیده کارشناسان نظامی غرب، این دو حمله گسترده نیروهای ارتش ایران به عراقی‌ها، نقطه عطف محسوب می‌شود.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، "نزارش‌های ویژه" ۱۳۶۱/۲/۱۱، رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۲/۱۰)

** برخی از کارشناسان، مقاومت ایران را در خرمشهر با مقاومت روس‌ها در جنگ جهانی دوم در استالین‌گراد مقایسه کردند و از خرمشهر به عنوان استالین‌گراد عراق نام بردند.

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۳/۶، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۵)

*** روزنامه نیویورک‌تایمز نیز عقب‌نشینی عراق را به عنوان بزرگ‌ترین شکست در طول جنگ ذکر کرد.

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۱/۲/۲۵)

**** روزنامه حریت چاپ آنکارا نوشت: >با شکست سختی که بر عراقی‌ها در منطقه خرمشهر وارد آمد، پیروزی ایران در این جنگ قطعی شد.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۲/۲۰)

مطرح می‌شد، به موضوعاتی همچون: "تحقیر ارتش عراق"، "از دست دادن مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انگیزه عراقی‌ها"^(۱۷۴) "در تیررس قرار گرفتن مناطق نفت‌خیز عراق"^(۱۷۵) و "توانایی ایران برای پیشروی به مرز و داخل خاک عراق"^(۱۷۶) اشاره شده است.

دربارهٔ ریشه‌یابی علل برتری نظامی ایران بر عراق و دست‌یابی نیروهای خودی به پیروزی‌های درخشان، روزنامه لوس‌آنجلس تایمز نوشت:

>استراتژی نظامی ایران بر عراق برتری داشته و ایرانیان حملات خود را با نیروی زیاد بر صفوف عراقی‌ها در خوزستان وارد آورده‌اند. علاوه بر آن، ایرانیان دارای ایثار، از خودگذشتگی و میل به شهادت بوده و با شوقی انقلابی برای آزادی سرزمین‌هایشان می‌جنگند. در مقابل، سربازان عراقی اعتماد به نفسشان را از ابتدای جنگ از دست داده و ... <^(۱۷۷)

روزنامه واشنگتن‌پست نیز به نقل از مقام‌های امریکایی نوشت:

>مقامات امریکایی از این‌که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (فتح‌المبین) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است، عملیاتی که عراق هنوز در آن موفق نبوده است. بر طبق محاسبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر قاطع‌ترین آنهاست. <^(۱۷۸)

این نشریه همچنین با اشاره به شیوه حملات زمینی ایران و تکمیل آن در مراحل مختلف، تأکید کرد که عراقی‌ها هنوز یارای فراگیری آن را ندارند.^(۱۸۰) خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از کارشناسان نظامی خارجی مقیم تهران، با اظهار شگفتی از نحوه هم‌آهنگی عملیات به لحاظ زمانی و مکانی، بیان کرد:

>نیروهای مسلح ایران (ارتش، بسیج، سپاه) ثابت کردند که از یک انسجام بهت‌آور و غیرمترقب برخوردارند. نیروهای بسیج که تجهیزات نظامی اندک ولی انگیزه‌های مذهبی عمیقی دارند، عامل تعیین‌کننده‌ای را در پیروزی‌های اخیر ایرانیان تشکیل می‌دهند. <^(۱۸۰)

تلویزیون شبکه یک آلمان با تأکید بر نقش پاسداران و بسیجیان در جنگ گفت:

>البته نه این‌که اسلحه‌های مدرن شاه‌بار سنگین این جنگ را به عهده داشته باشد، بلکه بیشتر از همه، پاسداران انقلاب و بسیجیان که توسط پاسداران، بسیار کم‌تعلیم دیده‌اند، در این جنگ نقش دارند و در هفته‌های اخیر سنگرهای عراقی را تسخیر کرده‌اند. <^(۱۸۱)

مجله آلمانی اسپیگل نیز "روحیه شهادت‌طلبی و تعصب"^(۱۸۲) را عامل پیروزی‌های اخیر ایران دانست. و مجله پاکستانی مسلم بر "نقش ایمان و قدرت روحی"^(۱۸۳) تأکید کرد.

در نخستین بررسی‌های ریشه‌یابی علل دست‌یابی ایران به پیروزی سریع،* آنچه بیش از هر عامل دیگری مورد توجه قرار گرفت، موقعیت جدید نظامی ایران و برتری آن بر عراق و در مقابل، وضعیت نامطلوب عراق بود. بی‌گمان، نتایج ناشی از این وضعیت می‌توانست تأثیرات کاملاً آشکار و تعیین‌کننده‌ای را در زمینه سیاسی، در داخل عراق و در سطح منطقه داشته باشد. روزنامه الاهرام چاپ مصر به نقل از کارشناسان نظامی، در مورد موقعیت عراق در جهان عرب و تأثیر رخدادهای جنگ بر منطقه، نوشت:

>عراق در دروازه شرقی جهان عرب قرار دارد و نتایج آنچه که در آن منطقه روی می‌دهد، با سرعتی سرسام‌آور در سراسر منطقه عربی منعکس خواهد شد.< (۱۸۴)

چند روز بعد، همین روزنامه در مقاله‌ای به قلم سردبیر خود نوشت:

>شکست عراق نه تنها موجب سقوط دولت و اشغال خاک این کشور خواهد شد، بلکه این به نوبه خود فاجعه بزرگی است و به سقوط پی‌درپی دولت‌های خلیج‌فارس می‌انجامد.< (۱۸۵)

روزنامه "ینی دویر" چاپ آنکارا به نقل از منابع دیپلماتیک در بغداد، با تأکید بر پیوستگی سقوط صدام با تحولات منطقه خلیج‌فارس، نوشت:

>سقوط صدام حسین و تحولات سیاسی آینده خلیج‌فارس به پیشروی نیروهای ایرانی که روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرند، بستگی دارد.< (۱۸۶)

خبرگزاری آسوشیتدپرس در منامه نیز با بررسی تأثیرات آزادی خرمشهر بر وضعیت سیاسی عراق و منطقه، گزارش داد:

>سقوط این شهر (خرمشهر) به دست ایرانی‌ها سبب به هم ریختن رژیم صدام حسین و بروز مشکلاتی در سایر نقاط خلیج‌فارس خواهد شد و این مسئله اخیراً به نحو گسترده‌ای در مجلات عربستان منعکس شده است.< (۱۸۷)

درباره تأثیر پیروزی‌های ایران بر موقعیت صدام و وضعیت سیاسی دولت عراق، در رسانه‌های خبری، از قول کارشناسان نظامی و منابع دیپلماتیک به مواردی اشاره شد که خواندنی می‌باشد، مجله نیوزویک "بی اعتبار شدن صدام" و سرنگونی وی را به عنوان نتایج

* روزنامه الاهرام در این زمینه نوشت: >هیچ‌کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد. بازپس‌گیری خرمشهر با این سرعت تکان‌دهنده است، زیرا عراقی‌ها بیست ماه پیش پس از آن که خرمشهر به دستشان افتاد، سه خط دفاعی قوی در داخل خاک ایران تشکیل داده بودند.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۳/۲، خبرگزاری یونایتدپرس از قاهره)

شکست [عراق] در خرمشهر ذکر کرد.^(۱۸۸) همچنین در این روزنامه، مواردی همچون "خودکشی سیاسی رژیم بغداد"،^(۱۸۹) "ابهام در مورد بقای سیاسی صدام"^(۱۹۰) و "آینده مبهم برای رژیم عراق"^(۱۹۱) مورد تأکید قرار گرفت. روزنامه دی‌ولت چاپ آلمان نیز نوشت:
>عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و علیه انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخته است. این نظرهایی است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است.<^(۱۹۲)

روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان دربارهٔ وضعیت عراق در جنگ نوشت:
>بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه‌گاهش را برای مذاکره و جهت حفظ آبرویش از دست داده است* و از نظر نظامی دیگر صدام نجات‌دانی نیست، حتی اگر ایرانی‌ها به عراق وارد نشوند.<^(۱۹۳)

البته برخی معتقد بودند که گرچه صدام با حمله به ایران و شکست در جنگ اشتباه بزرگی را مرتکب شد، ولی سقوط حکومت عراق به آسانی امکان‌پذیر نیست، زیرا امنیت داخلی آن کاملاً تحت نظر دولت عراق قرار دارد، و از سوی دیگر، کشورهای عربی نیز الزاماً از عراق جانبداری خواهند کرد.^(۱۹۴)

در این روند، "تشبیت نظامی - سیاسی ایران" و "پیروزی نظامی بر عراق"، به منزله پیروزی انقلاب اسلامی و چیره شدن بر معضلات ناشی از بحران داخلی و تجاوز خارجی ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، توانایی نظامی ایران موجب تحول در صحنه نبرد شد و تأثیرات احتمالی آن در حوزه سیاسی در داخل عراق و در سطح منطقه مورد بررسی و توجه ناظران قرار گرفت. به این معنا، پیدایش نتایج ناشی از این وضعیت، بیانگر منطق حاکم بر تغییر ماهیت جنگ بود.

در واقع، ترغیب عراق و حمایت از این کشور برای حمله به ایران، به دلیل نگرانی از تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سقوط شاه بود. مخالفان انقلاب اسلامی امیدوار بودند؛ با تهاجم دولت بعث عراق، جمهوری اسلامی در گرداب بی‌ثباتی داخلی و تجاوز خارجی افتاده و سرانجام از پای درآید. ولی در مقابل، ایران با پیروزی‌های نظامی

* نیویورک‌تایمز در این مورد نوشت: >صدام آبروی خود و شهرت عراق را در گروهی پیروزی در این جنگ قرار داد، زیرا وی رهبری مستقیم جنگ را به عهده داشت.<

خود، در موقعیت جدید و برتری، قرار گرفت. در این حال ارگان حزب سوسیالیست کارگر انگلستان در این زمینه نوشت:

>ایران در محاصره اقتصادی بود و نمی‌توانست هیچ سلاح و قطعه یدکی دریافت کند و دائماً تحت حمله تبلیغاتی بود. کسانی چون فرد هالیدی مرتباً با اظهار نظر خود سم تبلیغاتی علیه ایران تهیه می‌دیدند و ادعا می‌کردند که انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی قادر به تحمل حمله عراق نیستند. آنها مدعی بودند که "نظام ایران سرنگون می‌شود و اقتصاد ایران ورشکسته است و به زودی در ایران جنگ داخلی روی می‌دهد. ارتش شورش کرده و دست به کودتا می‌زند، مردم از جنگ خسته شده پشت جبهه را تقویت نمی‌کنند و دست به راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت می‌زنند". اما تمام این حرف‌ها غلط از آب درآمد و نه تنها ایران به پیروزی نظامی دست یافت، بلکه انقلاب اسلامی ایران نیز قدرتمندتر شد و به پیشرفت خود ادامه می‌دهد.<^(۱۹۵)

روزنامه لوموند نیز در مورد تأثیرات جنگ بر اوضاع داخلی ایران نوشت:

>جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس - از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند - به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی، عمده‌ترین نیروی نظامی، کشور اهمیت خاصی داده شود و جناح‌های مختلف لیبرال یا چپی تصفیه شوند و این خود نشانه یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.<^(۱۹۶)

راديو لندن نیز در تفسیر خبری گفت:

>جنگ نه تنها جمهوری اسلامی آیت‌الله خمینی را تضعیف نکرد، بلکه به رهبری آن انسجام بخشید و اکنون این دولت صدام حسین در بغداد است که بی‌ثبات جلوه می‌نماید.<^(۱۹۷)

سفیر سابق امریکا در عربستان نیز بر این مسئله تأکید کرد که عراق با هجوم به سرزمین‌های ایران، می‌خواست شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد، ولی این آرزو با برتری نیروهای ایران اتفاق نیفتاد.^(۱۹۸) راديو آلمان غربی نیز به این مسئله اشاره کرد که صدام حسین نتوانست به هدفش که سقوط حکومت ایران بود، برسد و خود را از خطر انقلاب اسلامی برهاند،^(۱۹۹) حال آن‌که اکنون عراق با ناثباتی روبه‌رو شده و صدام باید از سقوط حکومت خود بیمناک باشد.^(۲۰۰) در مجموع، وضعیت ایجاد شده این حقیقت را روشن کرد که اگر قرار باشد با توسل به شیوه‌های نظامی مسئله جنگ را حل و فصل کرد، ایران در این زمینه از وزنه سنگین‌تری برخوردار است.^(۲۰۱)

بدین ترتیب، در حالی که تصور می‌شد تجاوز نظامی عراق پایان‌بخش حیات سیاسی نظام انقلابی ایران خواهد بود، روند تحولات جنگ اوضاع را به گونه‌ای تغییر داد که سرنوشت سیاسی صدام و تداوم بقای دولت حاکم بر بغداد، در معرض ابهام و تردید قرار گرفت. پیدایش این وضعیت منجر به تغییر مواضع عراق، افزایش نگرانی آمریکا و اتخاذ مواضع و سیاست‌های جدید در منطقه و برخورد با ایران و همچنین افزایش حمایت و گسترش تحرکات دیپلماتیک کشورهای عرب پشتیبان عراق شد. در این حال، دولت عراق بر اثر درماندگی در برابر وضعیت جدید، به‌طور تلویحی نقش و موقعیت خود برای آمریکا و نیز "جنگ نیابتی" علیه ایران را یادآوری کرد. نشریه‌ای به نقل از یک مقام عراقی نوشت:

>عراق به نیابت از جانب آمریکا با ایران می‌جنگد. عراق با مقابله با جمهوری اسلامی در حقیقت خواسته کار آمریکا را بدون آن که هزینه‌ای برای واشنگتن در بر داشته باشد، انجام دهد.< (۲۰۲)

آسوشیتدپرس نیز در گزارشی اعلام کرد که عراقی‌ها ادعا می‌کنند، برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی (بنیادگرایی) ایران به عراق و کشورهای طرفدار غرب و نفت‌خیز حوزه خلیج فارس از جمله عربستان و کویت، با این کشور می‌جنگند. (۲۰۳) اعتراف عراقی‌ها به نقش خود در تأمین منافع غرب در حالی بیان شد که دولت عراق برای خروج از وضعیت بحرانی شدیداً به پشتیبانی دوستان غربی* و منطقه‌ای خود نیاز داشت. عراقی‌ها همچنین برخلاف مواضع قبلی خود - قبل از جنگ و قبل از شکست در تلاش برای "تجزیه ایران" و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر - در وضعیت جدید اعلام کردند که هیچ‌گونه نظر توسعه‌طلبانه‌ای به خاک ایران ندارند. (۲۰۴) سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق نیز آمادگی کشورش را برای تخلیه مناطق اشغالی اعلام کرد. (۲۰۵) عراق همچنین آمادگی خود را برای مذاکره در هر مورد، حتی رودخانه اروند، اعلام کرد. (۲۰۶) بخش فارسی رادیو بغداد به نقل از صدام گفت:

>رهبری عراق، جناب آقای صدام حسین، بارها از طریق رسانه‌های گروهی، رادیو، روزنامه و هیئت‌های حسن‌نیت اسلامی اعلام نموده است که ما طمعی به خاک ایران نداریم، ما آماده‌ایم که آخرین وجب خاک ایران را ترک گوییم. ما جنگ‌افروز نیستیم و نمی‌خواهیم منطقه ناامن باشد و منافع ما و هر انسان دیگر در صلح و آرامش تأمین می‌شود.< (۲۰۷)

* وزیر خارجه وقت فرانسه (کلودشسون) رسماً اعلام کرد: >فرانسه از عراق حمایت می‌کند.< وی درباره ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق

گفت: >در این صورت، ایران به خاک عراق وارد نخواهد شد، بلکه به یک مجموعه وارد می‌شود.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۱، کانال ۲ تلویزیون فرانسه)

نگرانی عراق از سرانجام جنگ و وضعیت نامطلوبی که گرفتار آن بود^(۲۰۸)، تأثیر مستقیمی در موضع‌گیری‌های جدید این کشور داشت. بی‌گمان، تأکید عراق بر پایان دادن به جنگ و اتخاذ مواضع صلح‌جویانه می‌توانست موقعیت سیاسی این کشور را بهبود بخشد. رادیو لندن در این باره گفت:

> به احتمال زیاد رهبران عراق به این نتیجه رسیده‌اند که عقب‌نشینی به مرز بین‌المللی همراه با تقویت مواضع دفاعی در پشت مرز، بهترین روش برای پایان دادن به جنگ است.<^(۲۰۹)

چنین به نظر می‌رسید که امریکایی‌ها در متقاعد کردن دولت عراق برای عقب‌نشینی از مناطق اشغالی ایران نقش برجسته‌ای داشتند. این اقدام عراق می‌توانست در چارچوب سیاست امریکا مبنی بر پایان دادن به جنگ معنا پیدا کند، زیرا امریکایی‌ها در اوضاع جدید، قادر شدند با حمایت از عراق و فشار بر ایران اهداف و منافع خود را پیگیری کنند. در این حال، "بمباران جزیره خارک" به وسیلهٔ هواپیماهای عراقی قابل تأمل است. این اقدام در حالی صورت گرفت که عراق شعار صلح‌طلبی سر می‌داد. اگر عراقی‌ها بر پایان دادن به جنگ و برقراری صلح تمایل داشتند، اساساً نباید جزیره خارک را مورد حمله قرار می‌دادند. به همین دلیل، این اقدام عراق را باید در چارچوب سیاست‌های جدید امریکا و به عنوان تهدید علیه ایران ارزیابی کرد.*

نگرانی امریکا و اتخاذ استراتژی جدید در منطقه

نخستین واکنش مقام‌های رسمی امریکا در مورد جنگ، پس از عملیات طریق‌القدس و با مشاهده پیروزی ایران ابراز شد. پیروزی در عملیات فتح‌المبین بر نگرانی امریکایی‌ها افزود و همین مسئله سبب شد تا ضرورت اتخاذ استراتژی جدید مورد تأکید قرار گیرد.** با آغاز عملیات بیت‌المقدس، اظهارات مقام‌های امریکا نشان‌دهندهٔ افزایش این نگرانی بود،***

* بعدها، به موازات موقعیت برتر ایران پس از عملیات‌های خیبر، بدر، فاو و کربلای ۵، اقدامات عراق در حمله به مراکز نفتی و صنعتی ایران و حمله به مردم بی‌دفاع در شهرها، افزایش یافت.

** نگاه کنید به بازتاب عملیات فتح‌المبین در همین کتاب.

*** روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت: <حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای امریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است و چنین به نظر می‌رسد که پیروزی ایران آرامش دوستان امریکا را در منطقه به هم خواهد زد.>

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۲/۱۶)

چنان که هیگ، وزیر خارجه وقت آمریکا به‌طور رسمی مخالفت دولت آمریکا را با هرگونه تحول در منطقه اعلام کرد:

> آمریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج‌فارس که ناشی از جنگ عراق و ایران باشد، بی‌تفاوت نخواهد بود.<^(۲۱۰)

وی همچنین در دیدار با مقام‌های ترکیه گفت که پیروزی ایران در جنگ نگرانی‌های عمیقی را در خاورمیانه به وجود خواهد آورد.^(۲۱۱) در واقع، هرگونه تحول اساسی ناشی از جنگ در منطقه می‌توانست متأثر از دو حادثه "سرنگونی حکومت بعث عراق" و "یا" ادامه جنگ در داخل خاک عراق" باشد. در این زمینه، رادیو اسرائیل به نقل از مقام‌های آمریکایی* گفت که خطر سرنگون شدن حکومت فعلی عراق - خواه در اثر شکست جنگی یا کودتای داخلی - پی‌آمدهای بسیار خطرناکی برای امنیت حوزه خلیج‌فارس خواهد داشت.^(۲۱۲) روزنامه واشنگتن‌پست نیز به نقل از مقام‌های آمریکایی نوشت:

> نگرانی آمریکا و کشورهای منطقه این است که ایران پس از پیروزی تشویق شده و می‌خواهد جنگ را به داخل خاک عراق بکشد.<^(۲۱۳)

روزنامه نیویورک‌تایمز نیز به نقل از مقام‌های وزارت خارجه آمریکا نوشت:

> آمریکا این حادثه (پیروزی ایران) را شکست بزرگ روانی و نظامی برای رژیم صدام حسین می‌داند و کابینه ریگان در مورد احتمال حمله ایران به داخل خاک عراق و یا سرعت بخشیدن به فشارها و خرابکاری از داخل به قصد سرنگونی رژیم صدام، نگران است.<^(۲۱۴)

روزنامه واشنگتن‌پست همچنین به نقل از مقامات آمریکایی، موقعیت ایران را برای ادامه جنگ در داخل خاک عراق مثبت ارزیابی کرده و نوشت که این اقدام می‌تواند در خلیج‌فارس پی‌آمدهای گسترده و ماندگار داشته باشد.^(۲۱۵) به همین دلیل، کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع وقت آمریکا به‌طور رسمی اعلام کرد:

> پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع آمریکا نخواهد بود.<^(۲۱۶)

تغییر توازن در منطقه مهم‌ترین نتیجه‌ای بود که در صورت پیروزی ایران بر عراق، ایجاد می‌شد. پیدایش این وضعیت، اساساً با منافع حیاتی آمریکا در منطقه مغایرت داشت.

* خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از یک دیپلمات آمریکایی گفت: > سقوط رژیم عراق خواه به دنبال یک شکست نظامی و خواه به علت یک خرابکاری داخلی، عواقبی پیش‌بینی نشده ولی مطمئناً بسیار وخیم بر ثبات خلیج‌فارس - که منطقه‌ای حیاتی برای واشنگتن به حساب می‌آید - به دنبال خواهد داشت.<
(خبرگزاری جمهوری اسلامی "گزارش‌های ویژه" ۱۳۶۱/۳/۴، ۱۳۶۱/۳/۴، خبرگزاری فرانسه)

الکساندر هیگ، وزیر خارجه وقت امریکا در مورد احتمال تغییر موازنه** در منطقه و بهره‌برداری شوروی از پیروزی‌های ایران، گفت:

> این خطر بزرگ وجود دارد که جنگ به کشورهای همسایه نیز سرایت کند و هم‌اکنون هم مناسبات بین کشورهای عربی را تیره ساخته است.* از این گذشته امکان دارد دگرگونی‌های پیش‌بینی نشده و دوردستی را در موازنه منطقه به‌وجود آورد و به شوروی فرصت دهد، به گسترش نفوذ در منطقه بپردازد.< (۲۱۹)

به همین دلیل، امریکایی‌ها خواهان برقراری توازن در منطقه بودند و این امر تنها با جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق امکان‌پذیر بود، در غیر این صورت، امریکا نمی‌توانست مهار اوضاع منطقه استراتژیک خلیج فارس را در دست بگیرد. (۲۱۸) کیسینجر، در همین زمینه با تأکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ برای حفظ توازن قوا، گفت:

> اگر عراق جنگ را برده بود، امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، مخاطره آمیز نمی‌شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هرچه زودتر آتش‌بس برقرار کرده و تدریجاً به رژیم سازش‌کاری که در آینده احیاناً جایگزین رژیم ایران می‌شود، نزدیک شویم.< (۲۱۹)

بی‌تردید، مهار نتایج و تأثیرات پیروزی‌های نظامی ایران و جلوگیری از سقوط احتمالی حکومت بعث عراق، هسته مرکزی و محور ثقل تلاش‌های امریکا در آستانه فتح خرمشهر و پس از آن بود. در چنین اوضاعی، امریکایی‌ها تحولات ناشی از پیروزی‌های اخیر ایران را حتی از درگیری حل نشده اعراب و اسرائیل، بالقوه خطرناک‌تر و مهم‌تر ارزیابی می‌کردند. (۲۲۰)

وزیر خارجه وقت امریکا به دلیل همین نگرانی‌ها، در اجلاس ناتو در لوکزامبورگ با متحدان اروپایی امریکا در این زمینه بحث و گفت‌وگو کرد. (۲۲۱)

** روزنامه انگلیسی‌زبان اینترنشنال‌تریبون چاپ فرانسه در مورد تغییر توازن در منطقه نوشت: > این دومین بار است که طی سه سال گذشته تعادل قدرت در خاورمیانه بر هم می‌خورد. اولین بار با امضای قرارداد کمپ‌دیوید مصر نقش رهبری خود را در جهان عرب از دست داد و عملاً از سوی کشورهای عرب به کنار گذاشته شد ... جمهوری اسلامی [نیز] قصد دارد به ایفای نقش قدرت اول و پر کردن جای خالی رهبری در خاورمیانه عربی بپردازد.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۲)

* در این مورد در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد. در عین حال، حمایت سوریه و لیبی از ایران موجب نگرانی امریکا و به عنوان تیره شدن مناسبات کشورهای عربی ذکر شده است.

بر پایه اطلاعات محرمانه سازمان جاسوسی امریکا، نیروهای عراقی در مرز از هم پاشیدگی قرار داشتند.^(۲۲۲) و امریکا نمی‌توانست از کنار این مسئله به سادگی بگذرد. روزنامه کریستین ساینس مانیاتور در این زمینه نوشت:

>خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و امریکا به بررسی سیاست استراتژیکی دشمن در خلیج فارس پرداخته است.<^(۲۲۳)

هیگ، وزیر خارجه امریکا درباره استراتژی جدید و ابتکار عمل دیپلماتیک کشورش گفت:

>امریکا برای حفظ صلح خاورمیانه دست به سه ابتکار دیپلماتیک خواهد زد. اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود امریکا در خاورمیانه است. امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین، رفع تهدید از آغاز جنگ حد و مرزی لبنان و اسرائیل، اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هم‌آهنگ خواهد بود.<

وی سپس در مورد جنگ ایران و عراق افزود:

>بیم آن می‌رود که این درگیری به کشورهای همسایه گسترش پیدا کند و موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود و فرصتی برای افزایش نفوذ شوروی به وجود بیاورد. طی هفته‌های آتی و با افزایش فعالیت برای پایان دادن به این جنگ، ما نیز به همراه دیگر اعضای نگران جامعه بین‌المللی، نقش فعال‌تری را ایفا خواهیم کرد.<^(۲۲۴)

امریکایی‌ها در حالی که پایان بخشیدن به جنگ را محور فعالیت‌های خود قرار داده بودند،^{**} به دلیل نگرانی از ادامه جنگ و ناکامی در پایان دادن به آن، بخشی از تلاش‌های خود را برای تقویت و حمایت از عراق متمرکز کردند. در این راستا، سنای امریکا در اسفند ۱۳۶۰ نام دولت عراق را از فهرست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج کرد^{***} تا

* روزنامه سووتیسکایا روسیا چاپ شوروی با تأکید بر پایان دادن به جنگ نوشت: >ادامه جنگ ایران و عراق تنها به نفع امریکا است که برای دخالت نظامی در منطقه خلیج فارس مترصد فرصت مناسب می‌باشد و پنتاگون تاکنون انجام یک عملیات وسیع را طرح‌ریزی کرده است.<

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۳، خبرگزاری فرانسه)

** سخن‌گوی رسمی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد: >امریکا هشدار خود را به آتش‌بس فوری مرتباً ادامه داده و خواستار رسیدگی به راه‌حل مسالمت‌آمیز می‌باشد.< (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۴، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۳/۳)

*** جیمز بیل در کتاب "عقاب و شیر" می‌نویسد: >با عملیات نظامی موفقیت‌آمیز ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی و حملات متعاقب آن به عراق، سیاست‌گذاران امریکایی از پیروزی ایران به هراس افتادند. امریکا از اواسط سال ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به حمایت از عراق نمود.<

(جیمز بیل، عقاب و شیر، جلد دوم، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات شهرآب، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۸۸)

هیچ‌گونه مانعی برای کمک‌های اقتصادی و نظامی به عراق وجود نداشته باشد.^(۲۲۵) تمایل امریکا به برقراری آتش‌بس به معنی، پایان عادلانه جنگ نبود، بلکه اساساً ادامه جنگ و پیروزی ایران بر عراق بر ضد منافع امریکا بود و تنها راه تأمین منافع امریکا، پایان جنگ، بدون برتری ایران بود. در این باره، وزیر دفاع وقت امریکا تأکید کرد:

> ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را برهم نزند، چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.<^(۲۲۶)

این اظهارات به خوبی روشن می‌ساخت که امریکایی‌ها برای پایان دادن به جنگ در پی راه‌حلی بودند که از ارائه هرگونه امتیازی که موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد و تثبیت کند، خودداری شود. زیرا از نظر آن‌ها پیروزی ایران در صحنه جنگ و یا در پشت میز مذاکره، اساساً با منافع ایالات متحده در تضاد بود. بنابراین، استراتژی جدید امریکا نه تنها دورنمای روشنی را برای برقراری صلح و ثبات در منطقه ترسیم نمی‌کرد، بلکه اساساً با هدف نادیده گرفتن حقوق ایران همراه با حمایت همه‌جانبه از عراق، پی‌گیری می‌شد. بعدها، نیویورک‌تایمز در مورد علت کمک امریکا به عراق نوشت:

> تصمیم امریکا به کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران، نتیجه اخطار آژانس‌های (متعدد) جاسوسی امریکا پیرامون این مطلب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است.<^(۲۲۷)

در این مرحله، تلاش‌های دیپلماتیک امریکا با هدف کنترل پیروزی‌های ایران و حمایت از عراق طی تماس با برخی از کشورهای عربی آغاز شد.^(۲۲۸) امریکایی‌ها همچنین در تماس با کشورهای اسلامی، ضرورت مهار فعالیت‌های نظامی ایران را یادآور شدند.^(۲۲۹) در این حال، رادیو لندن اعلام کرد که امریکا در صدد کسب حمایت کشورهای اسلامی مانند پاکستان، ترکیه، مالزی، اندونزی و الجزایر است.^(۲۳۰) کمک‌های امریکا به عراق در این مرحله علاوه بر حذف نام عراق از فهرست کشورهای تروریست، شامل لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق،

* مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا در این مورد گفت: > این عمل امریکا به‌منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن‌بست موجود می‌باشد. ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایندی برای امریکاست.<

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۸۶)

در این مرحله، وزارت بازرگانی امریکا - با وجود اعتراض برخی از اعضای کنگره امریکا - اجازه‌نامه‌ای برای فروش هواپیماهای باری "ان - ۱۰۰" به عراق را برای شرکت لاکهید صادر کرد. برابر گزارش آسوشیتدپرس، این هواپیماها نوع غیرنظامی باری "سی - ۱۳۰" محسوب می‌شوند که مورد

توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک،^{**} ترغیب مصر برای کمک نظامی به عراق، ترغیب کشورهای عرب به افزایش کمک مالی و حمایت سیاسی از عراق و کمک اطلاعاتی امریکا به عراق بود. حمایت‌های امریکا از عراق با هدف افزایش اعتماد به نفس عراق برای حفظ و مهار اوضاع در برابر ایران، انجام می‌گرفت که نتایج مهمی برای این کشور در پی داشت.

افزایش حمایت کشورهای میانه‌رو عرب از عراق

"ضعف ساختاری"، "عدم مشروعیت" و "وابستگی به امریکا" از عوامل مهم در تأثیرپذیری کشورهای عرب میانه‌رو از امریکا بود. از سوی دیگر، التهاب و نگرانی این کشورها از پیامد پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر نیز بیشتر، متأثر از تلاش‌های دیپلماتیک و تبلیغاتی - روانی امریکایی‌ها بود، ضمن این‌که حمایت این کشورها از عراق و به نوعی مشارکت در جنگ، سرنوشت این کشورها را با سرنوشت صدام در جنگ پیوند زده بود. با توجه به این ملاحظات روزنامه واشنگتن پست نوشت:

>عرب‌های خلیج‌فارس اگر ۲۰ ماه پیش با این تجاوز موافقت نکرده بودند، امروز در موقعیت بهتری بودند.<^(۲۳۱)

نگرانی حاکم بر این کشورها با فتح خرمشهر تشدید شد چنان‌که یک محقق و استاد دانشگاه کویت در سخنرانی خود با عنوان "بحران توسعه و همکاری کشورهای منطقه" گفت:

>کویت در ابتدای جنگ بی‌طرف بود، اما پس از فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، عرب‌ها بر خود لرزیدند و بی‌صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند.<^(۲۳۲)

تحركات کشورهای منطقه در چارچوب سیاست‌های جدید امریکا برای مهار تحولات ناشی از پیروزی ایران بر عراق شکل کاملاً جدی به خود گرفت به گونه‌ای که تماس‌های محرمانه‌ای بین خانواده آل‌سعود، عراق، اردن، مراکش، سودان، عمان، سومالی و بعضی از کشورهای خلیج‌فارس ایجاد شد.^(۲۳۳) در همین راستا، حسن، پادشاه مراکش در پیامی به

استفاده نظامی هم واقع می‌شود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۶، آسوشیتدپرس)

** معاون وزیر خارجه امریکا در امور خاورمیانه گفت: <ما معتقدیم که از سرگرفتن روابط دیپلماتیک میان عراق و امریکا به نفع دو کشور است.>

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۹ - روزنامه النهار چاپ بیروت)

ملک فهد و صدام خواستار اقدام فوری همه کشورهای عربی برای پشتیبانی دیپلماتیک از عراق شد.^(۲۳۴) جعفر نمیری، رئیس‌جمهور سودان نیز در دیدار از مصر با حسنی مبارک درباره جنگ ایران و عراق و پی‌آمدهای آن گفت‌وگو کرد. وی پیشنهاد کرد، اجلاس سران عرب در مصر تشکیل شود.^(۲۳۵) حسین، شاه اردن نیز علاوه بر تماس‌های دیپلماتیک، آمادگی اردن را برای اعزام داوطلب به میدان جنگ برای حمایت از عراق اعلام کرد.^(۲۳۶)

رادیوی عربستان با توجه به اوضاع جدید و خطرهای قریب‌الوقوع اعلام کرد که این مسائل، اعراب را وادار می‌سازد، بسیاری از اولویت‌ها حتی اختلاف اعراب و اسرائیل را در نظر نگیرند.^(۲۳۷) در این حال، بر اساس گزارش محرمانه مجله المستقبل چاپ پاریس، یکی از کشورهای عربی به ایران گوش‌زد کرد که برخی از کشورهای عرب تصمیم سری گرفته‌اند که در وضع ویژه عملاً وارد این جنگ شوند.^(۲۳۸)

روزنامه النهار چاپ لبنان نیز نوشت:

>اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس احساس می‌کنند، نقش‌شان نمی‌تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.<^(۲۳۹)

برخی از نشریات چاپ کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز مواضع جدیدی را اتخاذ کردند؛ روزنامه الرأی العام چاپ کویت با درخواست از امریکا نوشت:

>صدایمان اکنون برای درخواست از امریکا بلندتر می‌شود تا این جنگ را متوقف کند.<^(۲۴۰)

سردبیر روزنامه السیاسه چاپ کویت نیز نوشت:

>عراق و به همراه او کلیه اعراب نمی‌گذارند که عراق شکست بخورد.<^(۲۴۱)

در این میان، روزنامه کریستین‌ساینس مانیتور چاپ امریکا اوضاع کشورهای عربی و راه‌حلهایی را که فراروی خود داشتند به خوبی ترسیم کرد:

>رویدادهای اخیر جنگ ایران و عراق کشورهای میانه‌رو عرب را بر سر یک دوراهی قرار داده

است: یا باید از عراق حمایت کنند و خشم ایران را موجب شوند و یا خود را از ماجرا دور نگاه

داشته و خطر وقوع انقلابی را در داخل کشورهایشان به سبک انقلاب اسلامی ایران

بپذیرند.<^(۲۴۲)

در این حال، عراقی‌ها نیز به دلیل وضعیت بحرانی خود، از اعراب درخواست کمک

کردند. چنان‌که یک سخن‌گوی عراقی اعلام کرد:

>عراق از آمادگی کشورهای عربی برای اعزام سرباز و جنگ دوشادوش با نیروهای عراقی

استقبال خواهد کرد ... جهان عرب بر اساس قطع‌نامه مشترک دفاعی اعراب به حمایت نظامی از

عراق متعهد است، چرا که ایران حاکمیت تمام ملت عرب را تهدید می‌کند.^(۲۴۳)

صدام نیز طی سخنانی که در روزنامه السیاسه چاپ کویت منتشر شد، رسماً اعلام کرد:

> اجازه بدهید صادقانه به شما بگویم، اگر ارتش مصر به بغداد بیاید* ما خواهیم گفت خوش آمدید و تمام درها را برای آنها خواهیم گشود.^(۲۴۴)

طه یاسین رمضان، معاون اول صدام نیز گفت:

> دولت عراق رسماً از مبارک رئیس رژیم مصر دعوت کرده است در کنفرانس غیرمتعهدها که قرار است در سپتامبر آینده در بغداد تشکیل شود، شرکت کند.^(۲۴۶)

همچنین، عراقی‌ها طی بیانیه‌ای - که رسماً در بغداد انتشار یافت - از کشورهای عربی برای اعزام سرباز درخواست کمک کردند.^(۲۴۶)

برگزاری اجلاس اعضای شورای همکاری خلیج فارس و بازگشت مصر به جهان عرب، دو تحول عمده در روند جدید بودند. اجلاس فوق‌العاده شورای همکاری به درخواست کویت و در پی تماس تلفنی شیخ جابر الصباح امیر کویت با صدام تشکیل شد.^(۲۴۷) ضرورت اتخاذ موضع یک‌پارچه^(۲۴۸) به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق،^(۲۴۹) بررسی نحوه کمک‌رسانی به عراق،^(۲۵۰) ایجاد اعتباری چند میلیارد دلاری برای کمک به بازسازی ایران و عراق پس از پایان جنگ^(۲۵۱) و بررسی امنیت خلیج فارس* و آخرین تحولات جنگ ایران و عراق^(۲۵۲) از جمله مواردی بود که پیش‌بینی می‌شد در این اجلاس بررسی شود. اجلاس فوق‌العاده وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری سرانجام با نتیجه مبهمی پایان یافت و چنین توافق شد که در اوایل خرداد گفت‌وگوها بار دیگر در ریاض از سر گرفته شود.^(۲۵۳)

امریکایی‌ها از اقدام این کشورها استقبال کردند، چنان‌که کریستین ساینس‌مانیتور نوشت:

> برای مقامات وزارت خارجه آمریکا خبر خوش این است که خطر ایران کشورهای طرفدار غرب را در حوزه خلیج فارس مجبور ساخته است که به اقدامات امنیتی مشترک خود بیفزایند.^(۲۵۴)

"بازگشت مصر به جهان عرب" نیز یکی از تحولات برجسته در سطح منطقه به شمار می‌رفت که اساساً متأثر از رخدادها و حوادث ناشی از جنگ ایران و عراق و احتمال شکست

* حسنی مبارک پس از اظهارات صدام اعلام کرد که مصر قصد ندارد برای کمک به عراق نیرو اعزام کند.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۴، آسوشیتدپرس)

* وزیر کشور سعودی اعلام کرد: >قرار است در ماه نوامبر (آبان - آذر) یک قرارداد مشترک امنیت داخلی که شش کشور عضو شورا را به هم مربوط

می‌سازد، تصویب شود. < (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۴، آسوشیتدپرس، روزنامه الریاض چاپ عربستان)

عراق بود. کوشش‌های مقدماتی این اقدام را سلطان قابوس، پادشاه عمان انجام داد.^(۲۵۵) چنین تصور می‌شد که توان نظامی مصر علاوه بر کمک به عراق، می‌تواند برای حمایت از کشورهای شورای همکاری نیز به کار گرفته شود. موضع‌گیری حسنی مبارک نیز این تصورات را تقویت کرد:

> می‌خواهم جای شکی باقی نگذارم که مصر هیچ‌گونه تعرضی به امنیت و حاکمیت کشورهای عرب خلیج (فارس) را نخواهد پذیرفت.<^(۲۵۶)

روزنامه شرق‌الاوسط وابسته به سعودی‌ها نیز در مورد نقش مصر نوشت:
> تحول جدید در جنگ ایران و عراق می‌تواند باعث شود تا مصر مستقیماً برای حفاظت و امنیت کشورهای عرب خلیج (فارس) دخالت کند.<^(۲۵۷)

وزیر خارجه مصر در مورد امنیت عراق و اهمیت آن برای مصر رسماً اعلام کرد:
> امنیت و ثبات رژیم عراق برای مصر حیاتی و مهم است و رژیم مصر آماده است در این رابطه نقش خویش را بر عهده بگیرد.<^(۲۵۸)

در این مرحله مصر کمک‌های تسلیحاتی فراوانی را در اختیار عراق قرار داد.^{*} چنان‌که چهار اسکادران هواپیمای جنگی ساخت شوروی را به عراق فرستادند^(۲۵۹) و کارخانه‌های اسلحه‌سازی مصر تأمین نیازهای عراق را در اولویت قرار دادند.^(۲۶۰) فروش تسلیحات به عراق در این مرحله بدون واسطه انجام می‌گرفت و آخرین هیئت نظامی عراق در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۱ عازم مصر شد و این کشور انبار تسلیحات نیروهای مسلح خود را در اختیار عراق قرار داد.^(۲۶۱) "اسامه الباز" مدیر دفتر امور سیاسی مبارک در کنفرانسی مطبوعاتی رسماً اعلام کرد که مصر به تأمین تجهیزات نظامی و مهمات مورد نیاز عراق ادامه خواهد داد.^(۲۶۲)

در این مرحله از جنگ با وجود تلاش آمریکا برای تشکیل جبهه عربی علیه ایران، دو کشور سوریه و لیبی همچنان به حمایت از ایران ادامه می‌دادند. روزنامه واشنگتن تایمز در تحلیلی نوشت که سوریه و لیبی در برابر درخواست برای یک حرکت جمعی عربی به نفع عراق، مقاومت کرده‌اند.^(۲۶۳) شاه حسین این مسئله را در دیدار دو ساعته با هیگ، وزیر خارجه وقت آمریکا به عنوان "شکاف جهان عرب" در میان گذاشت.^(۲۶۴) سوری‌ها که به خاطر حمایت از ایران تحت فشار قرار داشتند، در توجیه مواضع خود اعلام کردند که با ورود

* برابر برخی گزارش‌ها، کمک‌های مصر به دولت عراق از یک سال و نیم پیش شروع شده بود، ولی این کمک‌ها در مرحله جدید علاوه بر این‌که آشکار شد، شکل جدیدی نیز به خود گرفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۳/۱، خبرگزاری فرانسه از قاهره)

نیروهای ایران به داخل خاک عراق، خطری متوجه کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود، بلکه این خطر متوجه رئیس‌جمهور عراق است و صدام باید به دلیل خساراتی که به ارتش و مردم عراق وارد آورده است، سرنگون شود.^(۲۶۵)

راه حل‌های انتخابی ایران

"موقعیت برتر نظامی ایران" و "اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور" به عنوان دو ویژگی در ارزیابی موضع‌گیری احتمالی ایران در خصوص پایان جنگ و یا ادامه آن، مورد توجه رسانه‌های خبری جهان قرار داشت؛ خبرگزاری رویتر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد: <ایرانیان به این دلیل که پیروزند، حاضر به مذاکره نمی‌باشند.>

این خبرگزاری از قول یک دیپلمات افزود:

<خون‌های ریخته‌شده در این جنگ و تنفر ایجادشده، بیش از آن است که دیگر جایی برای مذاکرات صلح باقی بماند.>^(۲۶۶)

راديو بی.بی.سی نیز گفت:

<هیچ کس در ایران صرفاً به پایان دادن به جنگ پس از خروج عراقی‌ها رضایت نخواهد داد.>^(۲۶۷)

هنری تانر، روزنامه‌نگار آمریکایی نیز طی گزارشی در نیویورک تایمز نوشت: <در ایران اکثریت با ادامه جنگ و نفوذ قوای ایران به داخل عراق موافقت.>^(۲۶۸)

در ادامه این گزارش آمده است:

<ایران از قدرت برخوردار بوده، ولی هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده و تنها به وسیله یک مرد، آیت‌الله خمینی، این تصمیم اتخاذ می‌شود. دیپلمات‌های خارجی می‌گویند که این فشار عمومی برای کامل کردن پیروزی را نباید سهل پنداشت خصوصاً که از طرف صدیق‌ترین پیروان دولت و بالاخص پاسداران و بسیج می‌باشد. سخن‌گوی مجلس و بسیاری از مقامات جوان دولت خواستار پیشروی هستند.>^(۲۶۹)

در حالی که افکار عمومی کشور متأثر از درک برتری نظامی ایران بود، تصمیم‌گیری برای مسئولان بسیار پیچیده و دشوار شده بود. در این میان، مواضع برخی از مسئولان بسیار قابل توجه است؛ آقای هاشمی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در مجلس اعلام کرد:

<ما هیچ جاه‌طلبی ارضی نداریم ولی برای احقاق حق خود مصمم هستیم. ایران از هیچ‌یک از

حقوق خود صرف‌نظر نخواهد کرد، ما آخرین دینار حقوقمان را خواهیم گرفت و بزرگ‌ترین حق ما سقوط صدام است.^(۲۷۰)

وی چند روز بعد در نماز جمعه تهران به غرب و حامیان صدام خطاب کرد:

> آیا معتقدید که ما در مرز جغرافیایی خود خواهیم نشست و به امید دریافت غرامت به آنها فرصت می‌دهیم که شهرهای ما را از داخل [خاک] خود گلوله‌باران کنند؟^(۲۷۱)

نخست‌وزیر وقت ایران، میرحسین موسوی نیز گفت:

> جنگ زمانی پایان می‌یابد که تمام شرایط ما پذیرفته شده باشد.^(۲۷۲)

شرایط ایران برای پایان دادن به جنگ شامل خروج بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی، مجازات متجاوز و پرداخت غرامت جنگی بود.^(۲۷۳) بنا بر گزارش مفسر رادیو لندن، پی‌گیری این خواسته‌ها برای ایران حیاتی بود و حتی کسانی که مایل به ادامه جنگ تا سرنگونی صدام نبودند و تا اندازه‌ای عملی‌تر فکر می‌کردند نیز به چیزی کمتر از این خواسته نمی‌توانستند راضی شوند.^(۲۷۴)

با توجه به این ملاحظات، ایران سه راه‌حل فرا روی خود داشت: نخست آن‌که بدون در نظر گرفتن خواسته‌های خود و تنها بر اثر فشارهای بین‌المللی و در حالی که نیروهای عراقی همچنان در مناطق اشغالی حضور داشتند،^{*} آتش‌بس را به عنوان پیش‌شرط هرگونه اقدام دیگر می‌پذیرفت.^{**} در این صورت، مذاکرات سیاسی تنها راه‌حل ایران برای پی‌گیری خواسته‌هایش بود. راه‌حل دوم، "ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ" بود؛ بدین معنا که ایران آتش‌بس را نپذیرد ولی در عین حال از ورود به داخل خاک عراق خودداری کرده و در مرزهای خود استقرار یابد. راه‌حل سوم، "تلاش نظامی برای تأمین صلح شرافتمندانه" بود. بی‌شک، ایران با فتح خرمشهر در موقعیت برتر سیاسی - نظامی قرار گرفت و بنا به نظر امام (ره)، می‌توانست از موضع قدرت سخن بگوید.^(۲۷۵) در این حال، تهدیدات امریکا و تلاش متحدان عراق برای حفظ صدام نیز آشکار و غیرقابل تردید بود؛ چنان‌که لیبراسیون نوشت:

* پس از فتح خرمشهر ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران در اشغال عراق بود. عراقی‌ها با اعلام عقب‌نشینی از خاک ایران ۲۵۰۰ کیلومتر را تخلیه و مابقی مناطق را که شامل ارتفاعات سرکوب و معابر نفوذی بود در اشغال نگه‌داشته‌اند. این اقدام عراق بیانگر آمادگی برای جنگ بود، زیرا کشوری که به دنبال صلح است، مناطق اشغالی را برای مذاکره حفظ می‌کند ولی عقب‌نشینی ناقص بیانگر مقاصد نظامی عراق بود.

** دکتر رجایی خراسانی نماینده وقت ایران در سازمان ملل می‌گوید: > علی‌رغم قبول برتری ایران، تمامی اعضای شورای امنیت سازمان ملل بر این مسئله پافشاری می‌کردند که ایران باید ابتدا آتش‌بس را بپذیرد.< (مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با دکتر رجایی خراسانی)

> آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای منطقه، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفتند تا از سقوط صدام جلوگیری کنند.<^(۲۷۶)

ایران، در این اوضاع برای تأمین خواسته‌های برحق خود، چه راه‌حلی را می‌توانست برگزیند؟ بی‌گمان، راه‌حل نخست با توجه به ماهیت تلاش‌هایی که آمریکا تحت پوشش برقراری آتش‌بس پی‌گیری می‌کرد، نمی‌توانست نتیجه‌ای برای ایران داشته باشد، زیرا امریکایی‌ها از موقعیت برتر ایران نگران بودند و تمام تلاش خود را برای مهار و تضعیف ایران سازمان‌دهی کرده بودند. بدین ترتیب، امریکایی‌ها از دادن هرگونه امتیازی به ایران از جمله تعیین متجاوز و یا پرداخت غرامت که موجب تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران و تشدید بی‌ثباتی در عراق می‌شد، خودداری می‌کردند؛ بنابراین راه‌حل نخست به زیان ایران بود. راه‌حل دوم نیز در عمل به سود عراق و آمریکا بود، زیرا در صورت اقدام ایران در ترک مخاصمه و توقف تهاجمات خود، عراق فرصت می‌یافت با حمایت آمریکا، اروپا و کشورهای منطقه، تجدید قوا کرده و بار دیگر مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار دهد. بدین ترتیب راه‌حل دوم نیز به زیان ایران بود. انتخاب راه‌حل اول یا دوم قطعاً مطلوب آمریکا و تمام متحدان عراق بود، زیرا آنچه این کشورها را نگران می‌کرد، ادامه جنگ و کشاندن آن به داخل خاک عراق به وسیله ایران و سقوط احتمالی صدام بود. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن تمام ملاحظاتی که به آن اشاره شد، ایران در واقع به جز راه‌حل سوم، راه‌حل دیگری فراروی خود نداشت. امام در توضیح انتخاب این راه‌حل فرمودند:

> ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم ... این معنای آتش‌بس نیست، این معنای صلح نیست.<^(۲۷۷)

سرانجام، جنگ با ورود ایران به داخل خاک عراق، با هدف "تنبیه متجاوز"^(۲۷۸) و تأمین حقوق مشروع ایران و اجتناب از فرسایش روحی و مادی و جلوگیری از حملات دوباره عراق به مرزهای ایران، با عملیات رمضان در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ ادامه یافت.

منابع و مأخذ فصل سوم

- ایران، جلد اول (تهران: بهمن ۱۳۶۱)، ص ۱۰۲.
- ۲- پیشین.
- ۳- انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌ها، سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مصاحبه با مجله پیام انقلاب، ۶۲/۲/۱۶ (تهران: سال ۱۳۶۶)، ص ۱۱۹.
- ۴- پیشین، مصاحبه تلویزیونی گروه سپاه پاسداران صدا و سیما، ۱۳۶۱/۳/۴.
- ۵- غلامعلی رشید، "شرایط و ضرورت‌های تولد، رشد، تثبیت و گسترش سپاه در جنگ"، مجله سیاست دفاعی، (پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین(ع))، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۴.
- ۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۱ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۴.
- ۷- پیشین، صص ۱۲ - ۸.
- ۸- سند شماره ۴۰۲/۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر سالنامه‌ها و یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری، ۶۰/۱/۱ تا ۱۳۶۰/۱۲/۲۶.
- ۹- مأخذ ۵، ص ۱۵.
- ۱۰- سرلشکر محسن رضایی، درس‌های "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۴/۱۹.
- ۱۱- ابوالحسن بنی‌صدر، روزها پر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟ جلد اول (تهران: انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰).
- ۱۲- مأخذ ۱۰، ۱۳۷۴/۴/۲۲.
- ۱۳- مأخذ ۵.
- ۱۴- پیشین.
- ۱۵- پیشین.
- ۱۶- مأخذ ۱۰.
- ۱۷- مأخذ ۵.
- ۱۸- ستاد عملیات جنوب، واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان، گزارش "اوضاع سیاسی فعلی جنگ در جنوب و مسئله محاصره آبادان"، ۱۳۶۰/۴/۲۵.
- ۱۹- ستاد عملیات جنوب، "گزارش از موقعیت جنگ در ماه دهم"، ۱۳۶۰/۴/۶، ص ۱.
- ۲۰- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷/۳/۲۱.
- ۲۱- مأخذ ۱۸.
- ۲۲- مأخذ ۱۹، ص ۳.
- ۲۳- مأخذ ۵.
- ۲۴- پیشین.
- ۲۵- مأخذ ۱۸.
- ۲۶- پیشین.
- ۲۷- مأخذ ۱۰، ۱۳۷۴/۴/۲۷.
- ۲۸- سرلشکر محسن رضایی، سخنرانی درباره "استراتژی دفاع مقدس"، ۱۳۶۰/۷/۷.
- ۲۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۷/۷، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۰/۷/۴.
- ۳۰- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۸۹، ۱۳۶۰/۷/۷، لوس آنجلس تایمز، چاپ آمریکا، ۳۱ اوت ۱۹۸۱.
- ۳۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۱۵۹.
- ۳۲- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد سوم، اشغال خرمشهر و شکست حصر آبادان (تهران: بهار ۱۳۷۳)، ص ۲۴۴.
- ۳۳- مأخذ ۱۰، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۳۴- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با سردار رحیم صفوی.
- ۳۵- مأخذ ۳۴.
- ۳۶- مأخذ ۳۲، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.
- ۳۷- پیشین، ص ۲۵۰.
- ۳۸- پیشین، ص ۲۵۳.
- ۳۹- سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جزوه "تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراق"، نوشته اسرای عراقی، ص ۵۶.
- ۴۰- مأخذ ۳۲، صص ۲۵۳ - ۲۵۴.
- ۴۱- مأخذ ۱۸.
- ۴۲- مأخذ ۳۳، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۴۳- پیشین.
- ۴۴- سند شماره ۶۸۹/گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات‌های بزرگ مقطع سوم (از ثامن‌الائمه(ع) تا

- بیت المقدس) گزارش برادر داوود رنجبر.
 ۴۵- مأخذ ۳۲، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.
 ۴۶- پیشین، ص ۲۶۱.
 ۴۷- مأخذ ۳۹، ص ۶۱
 ۴۸- مأخذ ۳۳.
 ۴۹- مأخذ ۱، ۱۳۷۴/۴/۲۷.
 ۵۰- مأخذ ۳۳.
 ۵۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۹، زمستان ۱۳۷۳، ص ۴۳.
 ۵۲- پیشین، ص ۳۷ و ۴۷.
 ۵۳- پیشین، ص ۴۷.
 ۵۴- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۷/۷، به نقل از رادیو امریکا، ۱۳۶۰/۷/۶.
 ۵۵- پیشین.
 ۵۶- پیشین، به نقل از رادیو بی‌بی‌سی.
 ۵۷- پیشین.
 ۵۸- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۷/۷، بخش عربی رادیو صوت‌الجماهیر، ۱۳۶۰/۷/۶.
 ۵۹- خبرگزاری پارس، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۷/۸، رادیو لندن، ۱۳۶۰/۷/۷.
 ۶۰- سند شماره ۷۴۰۵/گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جزوه "امام خمینی و اوضاع سیاسی - اجتماعی عملیات ثامن‌الائمه(ع)"، (خرداد تا مهر ۱۳۶۰) نوشته محسن محمدی‌معین.
 ۶۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۹۹، ۱۳۶۰/۷/۳۰، به نقل از ژاپن‌تایمز، اکتبر ۱۹۸۱.
 ۶۲- آنتونی کردزمن و آبراهام‌واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین‌یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۴۶ (منتشر نشده).
 ۶۳- پیشین.
 ۶۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۱۶۹.
 ۶۵- پیشین.
 ۶۶- مأخذ ۶۴، ص ۱۷۹.
 ۶۷- پیشین.
 ۶۸- مأخذ ۶۴، ص ۱۶۵.
 ۶۹- مأخذ ۳۳.
 ۷۰- مأخذ ۵.
 ۷۱- مأخذ ۳۳.
 ۷۲- مأخذ ۵.
 ۷۳- مأخذ ۳۳.
 ۷۴- پیشین.
 ۷۵- پیشین.
 ۷۶- مأخذ ۲۸.
 ۷۷- دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر ۲ سال جنگ، (سپاه پاسداران، ۱۳۶۱)، ص ۱۱۴.
 ۷۸- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، صص ۱۱۶ - ۱۱۵.
 ۷۹- پیشین.
 ۸۰- سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "طرح برآورد اطلاعاتی عملیات طریق‌القدس"، ص ۲۵.
 ۸۱- پیشین.
 ۸۲- مأخذ ۸۰.
 ۸۳- پیشین.
 ۸۴- مأخذ ۴۴، از عملیات طریق‌القدس، ص ۲۶.
 ۸۵- مأخذ ۸۰، صص ۲۶ و ۲۷.
 ۸۶- پیشین، ص ۳۶.
 ۸۷- مأخذ ۴۴، گزارش چهار عملیات بزرگ در مرحله آزادسازی، ص ۲۰.
 ۸۸- پیشین.
 ۸۹- طرح برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱، ۲۵ آبان ۱۳۶۰، ص ۱.
 ۹۰- پیشین.
 ۹۱- مأخذ ۷۷، صص ۱۱۸ و ۱۱۹ و همچنین مأخذ ۸۰، ص ۵۰.
 ۹۲- مأخذ ۸۹، ص ۶.
 ۹۳- گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، ص ۳.
 ۹۴- پیشین.
 ۹۵- پیشین.
 ۹۶- مأخذ ۶۴، ص ۲۳۵.

- ۹۷- پیشین، ص ۲۴۴.
- ۹۸- انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌ها، سال ۱۳۶۰، (چاپ اول: ۱۳۶۶)، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۹۹- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ؛ شماره ۱۱، ابان ۱۳۷۴، ص ۳۲.
- ۱۰۰- مأخذ ۳۳، ۱۳۷۵/۷/۱۲.
- ۱۰۱- پیشین.
- ۱۰۲- پیشین.
- ۱۰۳- افرایم کارش، "جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی"، ادلفی پی‌یر، بهار ۱۹۸۷.
- ۱۰۴- مأخذ ۶۲، ص ۱۴۷.
- ۱۰۵- ویلیام اف هیکن، "ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲"، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰/۱۲/۲۰.
- ۱۰۶- مأخذ ۱، مصاحبه اختصاصی طه یاسین رمضان با روزنامه الثوره ارگان رسمی حزب بعث، ژانویه ۱۹۸۲، اواخر دی ۱۳۶۰.
- ۱۰۷- مأخذ ۳۳.
- ۱۰۸- پیشین.
- ۱۰۹- پیشین.
- ۱۱۰- پیشین.
- ۱۱۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با سردار غلامعلی رشید.
- ۱۱۲- مأخذ ۶۴، ص ۲۶۵.
- ۱۱۳- مأخذ ۳۳.
- ۱۱۴- پیشین.
- ۱۱۵- نشریه واشنگتن پست، به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا، ۱۳۶۰/۱۲/۲۷.
- ۱۱۶- خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۱/۱/۷.
- ۱۱۷- مأخذ ۸۸، ص ۱۳۰.
- ۱۱۸- سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۰۳.
- ۱۱۹- مأخذ ۳۹، صص ۷۹ و ۸۰.
- ۱۲۰- مأخذ ۱۰۵.
- ۱۲۱- مأخذ ۱۰۳.
- ۱۲۲- مأخذ ۳۳.
- ۱۲۳- پیشین.
- ۱۲۴- پیشین.
- ۱۲۵- پیشین.
- ۱۲۶- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، نشریه شماره ۱۱، ابان ۱۳۷۴، ص ۳۲، سخنرانی سردار غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه.
- ۱۲۷- پیشین.
- ۱۲۸- پیشین.
- ۱۲۹- مأخذ ۵.
- ۱۳۰- پیشین.
- ۱۳۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۱۰/۱۰.
- ۱۳۲- روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱۱/۱۰، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.
- ۱۳۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۱/۱۷.
- ۱۳۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۱۱/۱۹، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۰/۱۱/۱۹.
- ۱۳۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۱۱/۳۰، به نقل از واشنگتن پست، ۱۳۶۰/۱۲/۲۹.
- ۱۳۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۰، به نقل از لوس آنجلس تایمز.
- ۱۳۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۱۲/۱۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۰/۱۲/۱۸.
- ۱۳۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۰/۱۱/۲۲، به نقل از آسوشیتدپرس، ۱۳۶۰/۱۱/۲۱.
- ۱۳۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۲۹، به نقل از واشنگتن پست، ۱۳۶۱/۱/۲۸.
- ۱۴۰- پیشین.
- ۱۴۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۵، روزنامه الخلیج، ۱۳۶۱/۱/۱۴.
- ۱۴۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۴، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۱/۱/۱۳.
- ۱۴۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۵، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۱/۱۳.
- ۱۴۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۸.
- ۱۴۵- پیشین.

- ۱۴۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۲.
- ۱۴۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۱۳، به نقل از رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۱/۱۲.
- ۱۴۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۲۲، به نقل از رادیو لندن، بخش عربی، ۱۳۶۱/۱/۲۱.
- ۱۴۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۲۰، به نقل از رادیو صوت‌الجماهیر، ۱۳۶۱/۱/۲۳.
- ۱۵۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۲۴، به نقل از رادیو صوت‌الجماهیر، ۱۳۶۱/۱/۲۳.
- ۱۵۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.
- ۱۵۲- مأخذ ۴۹.
- ۱۵۳- مأخذ ۱۵۱.
- ۱۵۴- مأخذ ۷۸، صص ۱۳۹ - ۱۳۸.
- ۱۵۵- مأخذ ۱۵۱، صص ۱۰۶ - ۱۰۵.
- ۱۵۶- مأخذ ۱۵۱، ص ۱۱۱.
- ۱۵۷- مأخذ ۱۰، ۱۳۷۴/۵/۱۹.
- ۱۵۸- پیشین.
- ۱۵۹- مأخذ ۳۳.
- ۱۶۰- مأخذ ۱۲۶، ص ۳۴.
- ۱۶۱- پیشین.
- ۱۶۲- مأخذ ۵.
- ۱۶۳- مأخذ ۱۵۷.
- ۱۶۴- پیشین.
- ۱۶۵- پیشین.
- ۱۶۶- پیشین.
- ۱۶۷- مأخذ ۶۲، ص ۱۴۰.
- ۱۶۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۰.
- ۱۶۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۴، به نقل از رادیو صدای ایران، ۱۳۶۱/۲/۲۳.
- ۱۷۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۱، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۲/۱۰.
- ۱۷۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۲/۳۱، به نقل از روزنامه فرانسوی فرانس سوار.
- ۱۷۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۳، به نقل از آسوشیتدپرس، بیروت، ۱۳۶۱/۳/۲.
- ۱۷۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۴، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۳.
- ۱۷۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۳، به نقل از رادیو لندن.
- ۱۷۵- مأخذ ۱۷۲، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۲.
- ۱۷۶- مأخذ ۱۵۰، به نقل از روزنامه نیویورک‌تایمز.
- ۱۷۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۷.
- ۱۷۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۷.
- ۱۷۹- پیشین.
- ۱۸۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۵، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۱۸۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۳.
- ۱۸۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۲/۲۱، ضمیمه سیاسی.
- ۱۸۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۵.
- ۱۸۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۳.
- ۱۸۵- پیشین، به نقل از یونایتدپرس.
- ۱۸۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۱.
- ۱۸۷- مأخذ ۱۸۴.
- ۱۸۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱.
- ۱۸۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۵، به نقل از نشریه نشنال‌بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند.
- ۱۹۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۸، به نقل از وال‌استریت‌ژورنال.
- ۱۹۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۰، رادیو امریکا به نقل از فؤادعجمی استاد و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه هابکینز امریکا.
- ۱۹۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۷.

- ۱۹۳- مأخذ ۱۸۳.
- ۱۹۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
- ۱۹۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۸، ویژه جنگ.
- ۱۹۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۹.
- ۱۹۷- مأخذ ۱۷۳.
- ۱۹۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱، به نقل از مجله نیوزویک.
- ۱۹۹- مأخذ ۱۶۹، به نقل از رادیو آلمان، ۱۳۶۱/۲/۲۳.
- ۲۰۰- مأخذ ۱۷۳، به نقل از تلویزیون آلمان غربی.
- ۲۰۱- مأخذ ۱۶۹، به نقل از خبرگزاری رویتر.
- ۲۰۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۳، نشریه نشنال‌بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند.
- ۲۰۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۴.
- ۲۰۴- مأخذ ۱۸۶، خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه الجهموریه.
- ۲۰۵- مأخذ ۲۰۲، به نقل از رادیو صدای آزاد ایران، روزنامه زود دیوچه سایتونگ چاپ آلمان.
- ۲۰۶- مأخذ ۲۰۳، به نقل از آسوشیتدپرس.
- ۲۰۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۳.
- ۲۰۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۲، به نقل از خبرگزاری فرانسه از بغداد.
- ۲۰۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۳۰، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۲/۲۹.
- ۲۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۹، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام.
- ۲۱۱- پیشین، به نقل از روزنامه گونش چاپ ترکیه، منابع دیپلماتیک در بروکسل.
- ۲۱۲- مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۳۶۱/۳/۳.
- ۲۱۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۷.
- ۲۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۳/۵.
- ۲۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۷، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۳/۸.
- ۲۱۶- مأخذ ۱۸۸، به نقل از خبرگزاری رویتر.
- ۲۱۷- مأخذ ۱۹۴، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۳/۵، وال استریت ژورنال.
- ۲۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۱/۲۵، به نقل از کریستین ساینس مانیاتور، چاپ آمریکا.
- ۲۱۹- روزنامه واشنگتن‌پست، ۱۳۶۱/۴/۳.
- ۲۲۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۴/۶، خبرگزاری کویت به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا.
- ۲۲۱- پیشین.
- ۲۲۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۲/۲۱، ضمیمه سیاسی، به نقل از مجله اشپیگل چاپ آلمان.
- ۲۲۳- مأخذ ۱۹۴، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۳/۵.
- ۲۲۴- پیشین، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.
- ۲۲۵- مأخذ ۲۱۰، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام.
- ۲۲۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱، خبرگزاری رویتر به نقل از کاسپر واینبرگر.
- ۲۲۷- روزنامه نیویورکتایمز، ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۱۳۷۰/۱۱/۶).
- ۲۲۸- مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو ترکیه، ۱۳۶۱/۳/۳.
- ۲۲۹- پیشین، خبرگزاری فرانسه به نقل از یک مسئول وزارت خارجه آمریکا.
- ۲۳۰- مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۳.
- ۲۳۱- پیشین، به نقل از واشنگتن‌پست.
- ۲۳۲- دفتر مطالعات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، "سمینار توسعه و ثبات کشورهای منطقه خلیج فارس"، دی ۱۳۷۵.
- ۲۳۳- مأخذ ۱۸۹، خبرگزاری لیبی به نقل از روزنامه بلژیکی فرانسوی‌زبان "لاستین".
- ۲۳۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۱، به نقل از رادیو کلسن و رادیو عربستان، ۱۳۶۱/۳/۱۰.
- ۲۳۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۱۲، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۱/۳/۱۱.
- ۲۳۶- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۲/۲۱، ضمیمه سیاسی، به نقل از مجله اشپیگل چاپ آلمان.
- ۲۳۷- مأخذ ۲۰۲، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس و رادیو

- عربستان.
 ۲۳۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۴.
- ۲۳۹- مأخذ ۲۱۰، به نقل از بیروت.
 ۲۴۰- مأخذ ۲۱۵، به نقل از خبرگزاری کویت.
 ۲۴۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۲.
- ۲۴۲- مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو امریکا.
 ۲۴۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۲.
 ۲۴۴- مأخذ ۱۸۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.
 ۲۴۵- مأخذ ۲۳۵، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از هفته‌نامه الشعب چاپ عراق.
 ۲۴۶- مأخذ ۱۸۱، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۲.
 ۲۴۷- مأخذ ۱۸۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
 ۲۴۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۶.
 ۲۴۹- مأخذ ۲۰۷، به نقل از رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۲/۲۲.
 ۲۵۰- مأخذ ۲۳۵، خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نقل از روزنامه القیس.
 ۲۵۱- پیشین.
 ۲۵۲- مأخذ ۲۱۰، خبرگزاری خاورمیانه، به نقل از روزنامه عکاظ چاپ عربستان.
 ۲۵۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۷.
 ۲۵۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۴.
 ۲۵۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، خبرگزاری فرانسه به نقل از کمال‌حسن‌علی معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه مصر.
 ۲۵۶- مأخذ ۱۸۰، به نقل از نشریه اکونومیست، ۱۵ مه.
 ۲۵۷- مأخذ ۱۸۶.
- ۲۵۸- مأخذ ۲۰۸، خبرگزاری یونایتدپرس.
 ۲۵۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۲۰.
 ۲۶۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۳۱.
 ۲۶۱- پیشین، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از روزنامه الاهرام.
 ۲۶۲- مأخذ ۱۹۸، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
 ۲۶۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۳۱.
 ۲۶۴- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۱۱، یونایتدپرس.
 ۲۶۵- مأخذ ۱۸۹، خبرگزاری فرانسه، به نقل از روزنامه تشرين، چاپ سوریه.
 ۲۶۶- مأخذ ۲۵۹، به نقل از خبرگزاری رویتر.
 ۲۶۷- مأخذ ۱۸۳، به نقل از رادیو لندن، ۱۳۶۱/۳/۴.
 ۲۶۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۲/۱۲.
 ۲۶۹- پیشین.
 ۲۷۰- مأخذ ۱۸۳، آسوشیتدپرس.
 ۲۷۱- مأخذ ۲۱۵، به نقل از آسوشیتدپرس.
 ۲۷۲- مأخذ ۱۸۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه، روزنامه جمهوری اسلامی.
 ۲۷۳- مأخذ ۲۵۹.
 ۲۷۴- مأخذ ۲۶۷.
 ۲۷۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۶ (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
 ۲۷۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۱/۳/۷.
 ۲۷۷- مأخذ ۲۷۵.
 ۲۷۸- مأخذ ۱۰، سال ۱۳۷۴.

defamoghaddas.ir

فهرست راهنما

اشخاص، اماکن، سازمان‌ها، زمان‌ها و رویدادها

defoghaddas.ir

۲۴۵، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۶
۲۵۶، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶
خمینی (امام، آیت‌الله، رهبر انقلاب): ۲۲، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۷، ۳۸، ۳۷، ۳۵، ۲۴
۶۳، ۶۲، ۶۱، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۸
۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۷
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۳
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۳
۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵
۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۹
۱۸۸، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۳۶، ۳۳۷
۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۷
خمینی، سیداحمد: ۱۲۵
خوزستان: ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۲
۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰
۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۳
۸۴، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴
۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۵
۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۵۲
خیابانی، موسی: ۱۹۴

د - د

دارخوین: ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹
۱۶۱
دافوس: ۸۷
دانشگاه امام حسین(ع): ۲۵۱، ۲۳۱، ۲۳۱
دانشگاه جرج تاون امریکا: ۷۴
دبیرکل سازمان ملل متحد: ۵۹
دجله (رودخانه): ۳۹
دز (رودخانه): ۲۷
دزفول: ۲۴، ۲۷، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۵۳، ۷۷
۸۸، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۶
۱۴۰، ۱۴۴، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۵۴
دستن، ژیسکار (رئیس‌جمهور فرانسه):
۷۹
دشت ذهاب: ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۱۴۰، ۱۴۱
دشت عباس (منطقه): ۳۱، ۱۹۵، ۲۰۰،
۲۰۲، ۳۱۱
دفار (روستا): ۱۷۷
دهگلان (منطقه): ۸۴
دهلاویه (روستا): ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۴
دهلران: ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۱، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۹۵
۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۵
دوسلک (محور، منطقه، ارتفاع): ۹۶، ۲۰۱،
۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸
دویرج (رودخانه): ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۸
دیه‌گوگارسیا (جزیره): ۶۳
دیواندره: ۸۴
ذوالفقاری (منطقه): ۱۵۳، ۱۵۹

ر - ز - ژ

ربیعی، اشرف (همسر رجوی): ۱۹۴
رجایی، محمدعلی: ۶۴، ۶۶، ۸۲، ۱۲۳
رجوی، مسعود: ۸۵، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳

جفیر (منطقه): ۲۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳
۱۷۵، ۲۱۸، ۲۲۰
جمشیدی (سرهنک): ۱۰۸
جهاد سازندگی: ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۰۸،
۲۳۴
جوادی (سرهنک): ۱۰۸
جیش‌الشعبی (ارتش خلقی): ۲۶، ۱۳۰،
۱۵۶، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۷
چاه نفت (منطقه): ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲
چزابه (منطقه): ۲۸، ۲۹، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹،
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۰
چمران، مصطفی (شهید): ۲۹، ۴۹، ۸۸
۱۰۱، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۵۴
چم‌سری (منطقه): ۱۹۶
چیخواب (رودخانه): ۱۹۶، ۱۹۵
چیلات (منطقه): ۱۴۲

ح - خ

حدا، نعیم (رئیس مجلس عراق): ۶۴
حزب جمهور یخ‌خواه آمریکا: ۵۶، ۶۵، ۶۹
۷۸، ۷۰
حزب دمکرات کردستان: ۸۳، ۸۴، ۸۵
حزب دمکرات امریکا: ۵۶، ۶۳، ۶۵، ۷۰
حزب کومه‌له: ۸۳، ۸۴
حزب جمهوری اسلامی: ۱۲۳
حسن (پادشاه مراکش): ۲۴۵
حسین (شاه اردن): ۲۱۶، ۲۴۵
حسینی، شیخ جلال: ۸۴
حسینی (ایستگاه): ۲۱۸
حسینی (منطقه): ۴۵، ۴۷، ۴۷، ۱۲۲، ۲۲۲
حسینی جماران: ۱۲۲
حمادی، سعدون: ۷۰، ۲۱۶، ۲۳۹
حمیدیه: ۲۸، ۲۹، ۵۲، ۵۴، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۷۵،
۲۲۱
خارک (جزیره): ۶۳، ۲۴۰
خالد (پادشاه سعودی): ۲۱۴، ۲۱۶
خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر معظم، آیت‌الله،
رئیس شورای عالی دفاع): ۱۰۴، ۱۰۵،
۱۰۶، ۱۳۱، ۱۳۲
خاتقین: ۴۰
خاورمیانه: ۶۴، ۸۲، ۱۵۱، ۱۶۷، ۲۱۴، ۲۱۵،
۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۵۶
خرازی، حسین (شهید): ۱۳۷، ۲۱۱
خرمشهر: ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۳۸،
۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۳،
۵۴، ۷۷، ۷۸، ۸۷، ۸۸، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱،
۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۳،
۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۴
۱۹۸، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱،
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸،
۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶،
۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴
خزعل (سرتیب عراقی): ۸۵
خسروی (محور): ۴۰
خلیج فارس: ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۴۷، ۵۵، ۶۲
۶۳، ۶۵، ۶۸، ۷۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶

بهشتی، سیدمحمد (شهید): ۱۲۲
بهمن‌شیر (رودخانه): ۳۰، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰،
۱۱۵، ۱۵۳، ۱۵۹
بومیدین، هواری (رئیس‌جمهور الجزایر):
۱۲۳
بیانات، اس‌الله (نمایندگه
مجلس شورای اسلامی): ۱۴
بیت‌نعمه (روستا): ۱۷۷
بیل، جیمز: ۲۴۳

پ - ت

پادگان حمید: ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۱۹
پادگان کرخه: ۲۰۵
پاکستان: ۱۱۳، ۲۴۴
پانوان (منطقه): ۸۴
پاوه: ۱۴۲
پایگاه دریایی خرمشهر: ۴۴
پایگاه منتظران شهادت: ۱۲۶، ۱۷۱
پریماکف: ۷۲
پل دوآب: ۳۰
پل قصبه: ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱
پل مارد: ۱۴۲، ۱۶۱
پل نادری (جسر نادری): ۲۷، ۲۹، ۹۶، ۱۹۶
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶
پل‌نو (منطقه): ۵۳، ۲۲۸
پنتاگون: ۲۳۵، ۲۴۳
پنجوبین: ۲۵، ۳۴
پیرانشهر: ۸۴، ۹۰
تأسیسات اتمی عراق: ۷۹
تارن، هنری: ۲۴۹
تپه بلنا (منطقه): ۲۰۱، ۲۰۲
تپه چشمه (منطقه): ۱۴۰، ۲۰۲، ۲۰۶
تپه‌های رملی: ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳،
۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۰۱
تپه‌های شحیطه: ۱۴۱
تپه‌های مدن: ۱۴۱
ترکیه: ۸۶، ۲۴۴، ۲۴۰، ۲۵۶
تروفیمنکو، جنریک: ۵۷
تنب بزرگ: ۱۹
تنب کوچک: ۱۹
تنگه ابوغریب: ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۸
تنگه بابوسی: ۲۴
تنگه پاتاق: ۲۸، ۳۰
تنگه جزایه: ۲۸، ۲۹، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹،
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۰
تنگه حاجیان: ۱۴۱
تنگه دلچیان: ۱۹۶، ۲۰۸
تنگه هرمز: ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۴
تنومه (منطقه): ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۲۲

ج - ج

جابر حمدان (محور، منطقه): ۱۷۵، ۱۸۴
جعفری، عزیز: ۱۳۷، ۱۳۸
جفیر (منطقه): ۲۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳،
۱۷۵، ۲۲۰

- ۱۹۴، ۱۵۱، ۱۲۶
رشید، غلام‌علی: ۱۳۳، ۱۳۲، ۴۴، ۴۲، ۴۱، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴
- رضایی، محسن: ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۸۷، ۹۲، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۳۲، ۲۵۱، ۲۵۲
- رقابیسه (تنگه، ارتفاع، منطقه): ۲۹، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲
- رمضان، طه یاسین: ۱۲۰، ۲۴۶، ۲۵۳
روبین، باری: ۷۴
روس‌ها: ۵۸
روسیه: ۵۸، ۶۵، ۶۸، ۷۸، ۱۱۸
رولو، اریک: ۸۵
ریاض: ۲۱۴، ۲۴۷
ریگان، رونالد: ۵۶، ۶۹، ۷۰، ۲۴۱
زین‌القوس (منطقه): ۷۳
ژاپن: ۶۴، ۶۸، ۱۶۷، ۲۵۳
ژاندارمری: ۲۹، ۴۴، ۵۰، ۵۵، ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۵۷، ۲۱۹، ۱۵۸
- س - ش
سایله (رودخانه، منطقه، پل): ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۱
سادات (رئیس‌جمهور مصر): ۶۱، ۲۱۴
سازمان ملل متحد: ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۱۲۸، ۲۵۰
سپاه اول (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۹
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۳۸، ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۳، ۲۵۱
- سپاه دوم (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱
سپاه سوم (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۴، ۷۷، ۱۵۶
ستاد تبلیغات جنگ: ۳۵، ۷۴، ۸۹، ۱۱۹، ۱۲۸
ستاد عملیات جنوب: ۵۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۱، ۲۵۳
ستاد مشترک ارتش ج.ا.ا: ۳۷، ۴۶، ۵۴، ۸۴، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۳۹، ۱۵۴، ۲۲۵
سرپل‌دهاب: ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۱۴۱
سرخه‌قلیج (منطقه): ۲۰۳
سعودالقیصل: ۵۵
سقز: ۸۴، ۸۳
سکوتوره: ۲۱۶
سلمانیه: ۱۱۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰
سنندج: ۸۴
سودان: ۲۴۵
- سوسنگرد: ۲۸، ۲۹، ۴۲، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۵۷، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۹، ۲۲۱
- سومار: ۲۸، ۳۱
سومالی: ۲۴۵
سویدانی (محور): ۱۷۵، ۱۸۴
سیدعبود (روستا): ۲۲۰
سیدصادق (روستا): ۱۴۰
سیف‌سعد (منطقه): ۷۳، ۱۵۶
شادگان: ۹۸، ۱۰۱
شهرانی (منطقه): ۲۷، ۲۹
شکست حصر آبادان: ۸۸، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۲۱۷، ۲۵۲
شلمچه: ۲۸، ۳۴، ۴۰، ۵۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۲۲۸
شمخانی، علی: ۹۴، ۱۳۷، ۱۵۴
شورای همکاری خلیج‌فارس: ۲۲، ۲۴۶، ۲۴۷
شورای امنیت سازمان ملل متحد: ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۸۸، ۲۵۰
شورای انقلاب عراق: ۶۸
شورای عالی دفاع (ایران): ۳۵، ۳۸، ۴۲، ۵۲، ۶۵، ۸۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۸
- شوروی: ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۱۲۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴
شوش: ۲۷، ۲۹، ۴۱، ۴۱، ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸
- شیخ محمود (روستا): ۱۷۷
شیراز: ۲۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۱۵۸، ۱۹۸، ۲۲۲
- ص
صالح‌حسن (روستا): ۱۷۴
صدام‌حسین: ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱
- صفار، مرتضی: ۱۳۷
صفوی، رحیم: ۴۲، ۵۰، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۹، ۲۱۱، ۲۵۲
صیادشیرازی، علی: ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۱۱
- ط - ظ
طارق توفیق: ۶۸
- طارق عزیز: ۱۹، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۷۲، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲
طیس: ۲۱، ۵۱
طرح عملیاتی ابوذر: ۴۱، ۴۰
طلابیه (منطقه): ۲۸، ۲۹، ۱۰۸، ۱۰۹
ظهیرنژاد (تیمسار):
۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۴۴، ۱۵۵
- ع - غ
عبید (نهر): ۱۷۴
عرايض (نهر): ۴۰
عربستان سعودی: ۲۰، ۲۲، ۵۵، ۶۱، ۷۵، ۸۰، ۱۳۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶
عرفات، یاسر: ۸۲، ۱۱۹
عسگری (مستول محور ماهشهر): ۱۳۷
علم‌الهدی، حسین (شهید): ۱۰۸
علمیات طیس: ۲۳
علی غربی (منطقه): ۲۷
عمارہ: ۱۸۶، ۲۱۶
عمان: ۲۱۴، ۲۴۵، ۲۴۷
عملیات امام‌مهدی (عج): ۱۴۰، ۱۴۱
عملیات بازی‌دراز: ۱۴۱
عملیات بدر: ۱۷۱، ۲۴۰
عملیات بیت‌المقدس: ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۵۲
عملیات توکل: ۹۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰
عملیات حمزه (ع): ۱۴۵
عملیات خیبر: ۱۷۱، ۲۴۰
عملیات دارخوین: ۱۴۵
عملیات دهلابه: ۱۴۵
عملیات شیخ فضل‌الله نوری: ۱۴۱
عملیات طریق‌القدس: ۲۰، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱
- صفار، مرتضی: ۱۳۷
صفوی، رحیم: ۴۲، ۵۰، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۹، ۲۱۱، ۲۵۲
صیادشیرازی، علی: ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۱۱
- ط - ظ
طارق توفیق: ۶۸
- عین‌خوش: ۲۷، ۴۷، ۹۶، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲
غزوه خیبر: ۱۸۰

لشکر ۲۱ حمزه (ایران): ۴۴، ۱۱۵، ۱۹۸، ۲۲۱

لشکر ۲۸ سندج: ۴۴

لشکر ۳ زرهی (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۹۶، ۱۵۶، ۱۷۶، ۱۹۷، ۲۱۹، ۲۲۰

لشکر ۴ پیاده (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۱۷۶

لشکر ۵ (عراق): ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۷۷، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۰، ۲۲۲

لشکر ۶ زرهی (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۱۶۱، ۱۷۶، ۲۲۰

لشکر ۶۴ ارومیه: ۴۴، ۲۲

لشکر ۷ پیاده (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۴۴، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۰، ۲۲۲

لشکر ۷۷ پیاده خراسان: ۴۴، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۰، ۲۲۲

لشکر ۸ پیاده (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۴، ۹۰، ۵۰، ۴۴

لشکر ۸۸ زرهی (ایران): ۴۴

لشکر ۹ (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۹، ۱۵۶، ۱۶۰، ۲۲۰

لشکر ۹۲ زرهی (ایران): ۲۲، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۹۸، ۲۲۱

لشکر نصر سپاه: ۲۰۰

لطیف جاسم: ۱۳۳

لندن: ۲۰، ۲۳، ۶۱، ۶۲، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۶۶، ۱۶۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷

لوتیس، ویلیام: ۲۰

لوکزامبورگ: ۲۴۲

لیبرال: ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۶

لیبی: ۲۵۶، ۲۴۸، ۲۴۲، ۲۴۶

م

ماسکی، ادموند (وزیر خارجه وقت

آمریکا): ۶۷، ۶۵، ۶۴، ۵۵

مالزی: ۲۴۴

ماهشهر: ۹۸، ۱۰۱، ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱

متوسلیان، احمد: ۱۹۳

مثلث فینیکس (منطقه): ۱۷۶

مجلس ملی عراق: ۲۴، ۷۴، ۷۸، ۱۳۶

مجلس شورای اسلامی: ۶۹، ۷۰، ۷۸، ۱۳۴، ۱۴۷

محمدیه (منطقه): ۱۵۸، ۱۵۹

مراکش: ۲۴۵

مربوان: ۲۵، ۲۴، ۸۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۲

مسجد سلیمان: ۵۳

مسکو: ۲۰، ۲۷، ۶۱، ۷۴، ۸۱، ۸۰، ۸۸

مسیله (منطقه): ۱۷۶

مشهد: ۱۳۷، ۱۶۷

ف - ق

فارسیات (منطقه): ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۳۷، ۲۲۲

فاو: ۲۴، ۵۳، ۱۳۶، ۲۴۰

فدائیان اسلام: ۱۳۴، ۴۹

فرانسه: ۲۷، ۴۷، ۵۷، ۶۵، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹

۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۵۲، ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷

فروزان (سرهنک): ۱۰۱

فضلی، علی: ۱۷۰، ۱۹۳

فکسه: ۲۷، ۲۹، ۴۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۲۸

فکوری (شهید): ۲۲

فلاحی (تیمسار): ۴۶، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۴۴

فهد (شاه عربستان): ۲۴۵

فیاضیه (منطقه): ۱۳۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹

قاپوس (پادشاه عمان): ۲۴۷

قاسملو (رهبر حزب دمکرات): ۸۵، ۸۶

قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر: ۲۱، ۲۴، ۳۲، ۷۱، ۲۱۶، ۳۳۹

قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا:

۱۰۸، ۹۶:

قرارگاه ستاد ارونند: ۱۱۴

قرارگاه فتح: ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸

قرارگاه فجر: ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۲۸

قرارگاه قدس: ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷

قرارگاه کرپلا: ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۲

قرارگاه مقدم نزاجا: ۱۴۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۵۳

قرارگاه نصر: ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸

قزوین: ۲۲، ۴۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۷۸، ۲۲۱

قصر شیرین: ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۴۰، ۴۲، ۷۳، ۸۳، ۱۴۱

قطر: ۲۱۵

قطع نامه ۴۷۹: ۶۰

قطع نامه ۵۹۸: ۲۱

قوم: ۱۹۳، ۲۰۰

ک - گ

کاخ سفید: ۶۳، ۷۰

کارتو، جیمی: ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰

کارون (رودخانه): ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۸، ۴۰، ۷۷، ۸۷، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۸

۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳

۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۹

کاظمی، احمد: ۱۳۷، ۱۹۳

کاظمی، اصغر: ۷۷، ۱۴۲

ل

لانه جاسوسی: ۳۵، ۵۰، ۵۵، ۱۲۱، ۱۲۴

لبنان: ۲۱۷، ۲۴۳، ۲۴۶

لیدن، مایکل: ۲۰

لشکر ۱ (عراق): ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۸۷، ۹۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۰

لشکر ۱۰ زرهی (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۱۹۶

لشکر ۱۵ پیاده مکانیزه (عراق): ۸۷، ۱۸۶، ۲۳۰

لشکر ۱۶ زرهی (ایران): ۲۲، ۲۳، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۹۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۲۱، ۱۸۳، ۲۲۱

لشکر ۲ پیاده (عراق): ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۷، ۵۴، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۴۱

ل

ل

ل

ل

ل

ل

ل

ل

ل

ل

